



» جایگاه سیاستگذاری مالیاتی در سیاست‌های حکمرانی کجاست؟

» چه کسانی از معافیت‌های مالیاتی در کشور بهره‌مند می‌شوند؟

» مالیات بر ارزش افزوده در مقررات دایمی خود چه می‌گوید؟

» درباره بزرگترین پناهگاه مالیاتی خصوصی جهان

دو فرصت طلایی برای سازمان امور مالیاتی کشور

معافیت‌ها؛ پاشنه آشیل نظام مالیاتی

شکاف مالیاتی در ایران چقدر است؟

آغازی برای شفافیت و عدالت

لزوم اجرای قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان
در سلسله نشست‌های نخبگانی نظام مالیاتی

- فرصت بر باد رفته
- ۱۲ قانون عجیب مالیاتی جهان
- اولین‌های جامعه مشاوران رسمی مالیاتی

چالش‌ها و راهبردهای
نظام مالیاتی

دکتر علی عسگری



کشور را خود مردم
اداره می‌کنند

گفت و گو با استاد محمد رزاقی





اینتا
بایگاه خبری، تحلیلی مالیاتی ایران
INTA



فراخوان همکاری آموزشی

جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران در راستای شفاف سازی قوانین و مقررات مالیاتی و ارتقاء سطح دانش مالیاتی مودیان، از جوانان خبره، دانش آموختگان دارای ایده نو و فرهیختگان و خبرگان حوزه مالیات دعوت به همکاری می نماید علاقمندان میتوانند با استفاده از شیوه های نوین تدریس مواد قانونی با اهمیت و چالش برانگیز را به صورت فیلم یا پادکست تهیه و آثار خود را به آدرس c.smta.ir حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ ارسال نمایند.

شناسنامه اثر

ابتدای اثر ارسالی حتما متن زیر را بیان نمائید.

اینجانب به شماره
تلفن همراه اثر خود را با
موضوع ارسال می نمایم

شاخص های ارزیابی فایل ارسالی

● کیفیت مناسب صدا اعم از وضوح صدای گوینده

● انتخاب موضوع مناسب مالیاتی در ارزیابی اثر
حائز اهمیت است

آثار برتر با نام پدید آورنده منتشر خواهد شد

برگزاری همایش: اسفند ۱۴۰۱

intamedia.ir
iactc.ir

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰



۰۲۱-۸۷۰۷

بیمه آسیا، نماد اعتماد و اطمینان



شرکت های بیمه خصوصی

شرکت برتر بیمه های خصوصی

شرکت برتر کشور

رتبه ۱

سال ۶

سال ۲۴

در رتبه بندی صد شرکت برتر ایران IMI_100

همراه با مردم
همصدا با خبرنگاران

مؤدی

مدیر مسئول:
دکتر مرتضی روحی

سر دبیر:
حسین فرامرزی

شورای سیاستگذاری:
شورای عالی جامعه مشاوران رسمی
مالیاتی ایران

همکاران:
روح‌الله میرزایی
مصطفی زارع
پروانه پور کاووسی
سیده فاطمه سیدی
حسین نیساری
صبورا رضانی
مهدی رنجبر

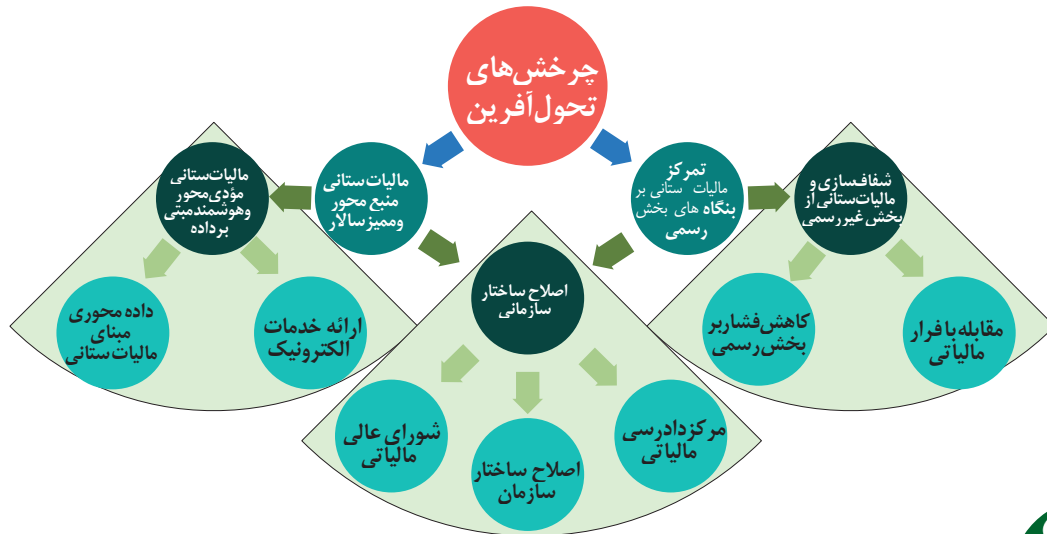
عکس: علی اصغر عاملی



- ۴..... مالیات در آینه «سند تحولی دولت مردمی»
- ۶..... خبرهای برگزیده
- ۱۰..... جایگاه سیاستگذاری مالیاتی در سیاست های حکمرانی کشور کجاست
- ۱۱..... نگاهی به تجربه شورای عالی مالیات در کشورهای جهان
- ۱۴..... دنیا چه کاری انجام می دهد
- ۱۸..... ارزیابی وضعیت منابع انسانی سازمان؛ نیاز ابدی
- ۲۱..... ضرورت بازنگری در معافیت های مالیاتی؛ به نام مردم به کام سودجویان
- ۲۲..... شکاف مالیاتی در ایران چقدر است؟
- ۳۱..... تجربه جهانی محاسبه شکاف مالیاتی
- ۳۸..... چه کسانی از معافیت های مالیاتی بهره مند می شوند
- ۴۴..... نقدی بر اجرای معافیت های مالیاتی غیر هدفمند
- ۴۸..... مالیات هنرمندان برقرار یا معاف؟
- ۵۰..... معافیت ها پاشنه آشیل نظام مالیاتی
- ۵۱..... دکتر علی عسگری تشریح کرد: چالش ها و راهبردهای نظام مالیاتی
- ۵۵..... مرور تاریخ مالیات در گفتگو با استاد محمد رزاقی: کشور را خود مردم اداره می کنند
- ۶۱..... آغازی برای شفافیت و عدالت
- ۷۲..... مشاوران مالیاتی؛ جامعه ای با حسن شهرت
- ۷۳..... مسیر جامعه مشاوران رسمی مالیاتی
- ۷۵..... مشاوران مالیاتی معتمدین سازمان و مردم
- ۷۶..... اولین های جامعه مشاوران رسمی مالیاتی
- ۷۸..... «مالیات بر ارزش افزوده در مقررات دائمی» خود چه می گوید
- ۷۹..... رویکرد مغفول نظام مالیاتی
- ۸۰..... مبانی توجیهی ایجاد رشته حقوق مالیاتی
- ۸۱..... ضرورت مبارزه با رشوه
- ۸۲..... مشوق های مالیاتی برای سرمایه گذاران
- ۸۴..... ۱۰ فیلم با موضوع مالیات
- ۸۷..... چگونه سیستم مالیاتی به کنترل افغانستان کمک کرد
- ۸۸..... بزرگترین پناهگاه مالیاتی خصوصی جهان؛ عجیب اما واقعی
- ۹۰..... بررسی نتایج اجرای مالیات الکترونیکی جدید در کشور غنا؛ ترش و شیرین
- ۹۲..... ۱۲ قانون عجیب مالیاتی در جهان
- ۹۶..... مالیات الکترونیکی بر بخش غیر رسمی در غنا تأثیر خواهد گذاشت؛ مفید با چشم اندازی مبهم
- ۹۸..... ۱۰۰ برند برتر با ارزش در سال ۲۰۲۲
- ۱۰۰..... بررسی تجربه بنگلادش در جمع آوری و توزیع مالیات بر ثروت اسلامی؛ فرصت بر باد رفته
- ۱۰۲..... آیا قرارداد بین المللی مالیاتی جدید به نفع کشورهای کم درآمد است؛ استعمار نو آمریکایی
- ۱۰۴..... تغییر سیاست های مالیاتی ایالتی و محلی امریکا؛ رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و تولید ناخالص داخلی
- ۱۰۶..... مالیات بر ثروت؛ ابزاری برای جلب اعتماد عمومی چگونه ثروتمندان ثروت خود را پنهان می کنند
- ۱۰۸..... نگاهی به مسیر توسعه مالیات از ابتدا تا کنون
- ۱۱۱..... بن بست مالیاتی دیجیتال: از اینجا به کجا می رویم؟ جنگ مالیاتی و تجاری



سرفصل‌های مهمترین اقدامات سازمان امور مالیاتی کشور



۱. داده محوری مالیات‌ستانی

- پیاده‌سازی نظام پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان
- شفافیت حساب‌های فروش و اجرای تبصره ماده (۱۰۰) ق.م.م.
- ایجاد پروفایل اقتصادی و انبار داده
- مدیریت ریسک عدم تمکین موضوع ماده (۹۷) ق.م.م.



۲. ارائه خدمات الکترونیکی مالیاتی

- تولید و توسعه سامانه‌ها
- توسعه خدمات الکترونیکی



۳. کاهش فشار بر بخش رسمی

- مالیات بر عایدی سرمایه و بستر اجرائی مالیات بر عایدی سرمایه
- پیش‌نویس لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم (مالیات بر جمع درآمد و ساماندهی معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی)
- حمایت از تولید و کسب و کارهای دانش‌بنیان
- اجرای قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده
- وصول مالیات خودروهای لوکس
- وصول مالیات بر خانه‌های خالی

- استقلال مرکز دادرسی مالیاتی
- تقویت ساختار شورای عالی مالیاتی
- ارتقای عملکرد دادستانی انتظامی مالیاتی
- اصلاح ساختار تشکیلاتی ستاد سازمان
- اصلاح ساختار تشکیلاتی ستاد و ادارات کل امور مالیاتی شهر و استان تهران



مالیات در آینده

«سند تحولی دولت مردمی»

در اجرای وعده داده شده در ابتدای تشکیل دولت سیزدهم، «سند تحول دولت مردمی» به عنوان برنامه و خط مشی دولت و مبنای عمل قوه مجریه، وزرا و دستگاه‌های اجرایی منتشر گردید. مادر این گزارش به بخش مالیات این سند نگاهی انداخته ایم. در این سند چهار نشانگر وضعیت مطلوب مالیاتی در بعد سیاست‌گذاری، توزیع درآمد، شفاف سازی، تامین هزینه های دولت معرفی شده است. در ادامه چرخش های تحول آفرین با بررسی چالش های پیش روی سازمان و عوامل موثر بر آن، راهبردهای مورد نظر پیشنهاد گردیده است.

نشانگرهای وضعیت مطلوب

نشانگرهای بُعد سیاست گذاری و تنظیم گری:

- ۱- افزایش تمرکز مالیاتی بر فعالیت های اقتصادی بخش غیررسمی و سوداگری های اختلال زا؛
- ۲- ارتقای حمایت ها از خانوارهای با درآمد ناکافی و دارای وضعیت خاص.

نشانگر بُعد توزیع درآمد و ثروت:

- ۱- سهم بیشتر ثروتمندان در درآمدهای مالیاتی کشور نسبت به دهک های پایین درآمدی.

نشانگرهای بُعد شفاف سازی و جلوگیری از فساد:

- ۱- کاهش سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص داخلی؛
- ۲- کاهش فرار مالیاتی.

نشانگرهای بُعد تامین هزینه های دولت:

- ۱- افزایش درآمدهای مالیاتی؛
- ۲- کاهش معافیت های مالیاتی؛
- ۳- افزایش سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی.

چرخش های تحول آفرین

- از تمرکز بر بنگاه های بخش رسمی در مالیات ستانی به شفاف سازی و مالیات ستانی از بخش غیررسمی؛
- از مالیات ستانی منبع محور و ممیز سالار به مالیات ستانی مؤدی محور و هوشمند مبتنی بر داده.
- چالش ۱: آسیب نظام مالیاتی به تولید
- عامل ۱: فشار مضاعف به بنگاه های بخش رسمی
- راهبرد ۱: بازطراحی سهم انواع مختلف مالیات بر درآمدهای وصولی

اهم اقدامات:

- ۱- کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها پس از استقرار مالیات بر مجموع درآمد، با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
- ۲- ایجاد شناسنامه عملکرد مالیاتی بنگاه ها و مینا قرار گرفتن آن در رتبه اعتباری نظام بانکی و سایر مشوق های بخش تولید (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت).
- عامل ۲: تضاد ماهوی کارکردهای محوله به سازمان امور

مالیاتی

راهبرد ۱: تفکیک کارکردهای متعارض نظام مالیاتی و سپردن آن ها به بازیگران مستقل

اهم اقدامات:

۱- ایفای نقش سیاست گذاری و ارزیابی عملکرد سازمان امور مالیاتی و نهادهای مرتبط با مالیه عمومی دولت با تشکیل شورای عالی سیاست گذاری مالیه عمومی و پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - سازمان اداری و استخدامی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).

چالش ۲: ساختار معیوب نظام وصول و توزیع درآمدهای مالیاتی

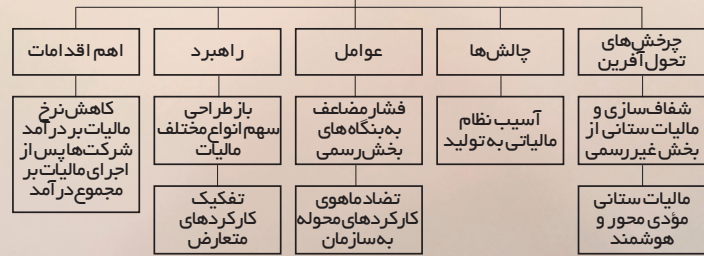
عامل ۱: نظام انگیزشی معیوب سازمان امور مالیاتی در مالیات ستانی

راهبرد ۱: اصلاح ساز و کارهای انگیزشی سازمان امور مالیاتی در مالیات ستانی

اهم اقدامات:

- ۱- ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی با استفاده از شاخص های مناسب مبتنی بر میزان وصولی های مالیاتی، هوشمندسازی مالیات ستانی و رضایت مؤدیان، با پیشنهاد اصلاح ماده ۲۱۷ قانون مالیات های مستقیم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
- عامل ۲: خلط میان مالیات های ملی و محلی

مالیات



هزینه کرد درآمدهای مالیاتی در کشور (کوتاه مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی).
عامل ۲: شمولیت بخش اندکی از اقتصاد کشور ذیل چتر مالیاتی
راهبرد ۱: توسعه پایه های مالیاتی و ساماندهی معافیت‌ها

اهم اقدامات:

۱- اجرای سیستمی مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی با تفکیک حساب های تجاری و غیر تجاری و مبتنی بر داده ها و اطلاعات فعالیت های اقتصادی افراد، از جمله تراکنش های بانکی، و با اتصال به نظام رفاهی هم زمان با حذف معافیت های مالیاتی و تعیین هزینه های قابل قبول و اعتبار پایه برای هر خانوار، متناسب با بُعد خانوار، با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
۲- اصلاح ساختار معافیت های مالیات بر ارزش افزوده با حذف معافیت های غیر ضرور و جایگزینی آن با تعیین سقف معافیت پایه برای هر خانوار، متناسب با بُعد خانوار، با پیشنهاد اصلاح ماده ۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
۳- وضع مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر ارزش زمین و ملک و توسعه سایر مالیات های از ثروت، با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
۴- اصلاح نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی بر اساس نرخ ارز نیمایی با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).

و دارایی، وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).

چالش ۳: سهم ناکافی مالیات در تأمین هزینه های کشور
عامل ۱: پایین بودن تمکین مالیاتی و بالا بودن فرار مالیاتی
راهبرد ۱: هوشمندسازی فرایند اخذ مالیات و حذف ممیز محوری

اهم اقدامات:

۱- تکمیل اقدامات لازم برای اجرای کامل قوانین مالیاتی، نظیر ماده ۹۷ قانون مالیات های مستقیم و قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان (کوتاه مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری).
۲- توسعه قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان به عنوان بستری برای اخذ مالیات بر مجموع درآمد، با شمولیت حداکثری معاملات اشخاص حقیقی با اشخاص حقیقی و حقوقی، با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری، بانک مرکزی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).

راهبرد ۲: اعتمادسازی عمومی و ارتقای فرهنگ مالیاتی
اهم اقدامات:

۱- فراهم سازی امکان برای مؤدیان جهت انتخاب محل مصرف مالیات های پرداختی، از میان گزینه های تعیین شده توسط دولت و انتشار گزارش های دوره ای از محل

راهبرد ۱: باز طراحی انواع مختلف مالیات ها از منظر ملی یا محلی بودن

اهم اقدامات:

۱- تعیین ضوابط و چارچوب های اخذ عوارض شهرداری ها از طریق شوراهای اسلامی شهر و روستا و ممنوعیت وضع هر گونه عوارض جدید خارج از ضوابط یادشده توسط شوراهای اسلامی شهر، با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
۲- سپردن اخذ مالیات اموالک و مستغلات و مالیات بر خانه های خالی به شهرداری ها و سهم نمودن آن ها در بخشی از درآمدها با پیشنهاد اصلاح مواد فصل دوم و سوم از باب دوم قانون مالیات های مستقیم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه، معاونت حقوقی ریاست جمهوری).
عامل ۳: فقدان ارتباط میان مالیات های پرداخت شده و مصارف و هزینه های هر استان
راهبرد ۱: ایجاد ساز و کار های انگیزشی برای وصول مالیات حقه در استان ها
اهم اقدامات:

۱- تعیین درصد مشخصی از درآمدهای مالیاتی برای هر استان، متناسب با ظرفیت های اقتصادی موجود، و سهم کردن استان ها در بخشی از درآمدهای مالیاتی مازاد بر حداقل های تعیین شده، برای تکمیل پروژه های عمرانی با پیشنهاد قوانین لازم (میان مدت - وزارت امور اقتصادی

معرفی ابربدهکاران مالیاتی

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۱۰ بدهکار بزرگ مالیاتی کشور معرفی می شوند گفت: برخی از این افراد ۲۰ سال مالیات پرداخت نکردند. حجت الاسلام والمسلمین نصرالله پژمانفر با اشاره به اعلام اسامی بدهکاران بانکی و بدهی مالیاتی کلان در کشور اظهار کرد: قرار است ۱۰ نفر با بدهکاری مالیاتی بالا معرفی شوند، در خصوص بدهکاری های بانکی هم اقداماتی داشتیم و بانک ها گزارش های خود را ارسال کردند بعضی از این افراد بیش از ۲۰ سال مالیات پرداخت نکردند و اگر مالیات خود را پرداخت نکنند از ابزارهای مختلف استفاده خواهیم کرد.

تحقق ۱۰۲ درصدی درآمدهای مالیاتی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از پرداخت بالغ بر ۵۵۹ هزار میلیارد ریال از محل عوارض مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری ها، دهیاری ها و مناطق عشایری کشور در هفت ماهه اول سال جاری خبر داد. دکتر داود منظور، رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با اعلام تحقق ۱۰۲ درصدی درآمدهای مالیاتی در هفت ماهه اول سال جاری نسبت به میزان مصوب سال ۱۴۰۰، اظهار داشت: وصول درآمدهای مالیاتی نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۶۳ درصدی داشته است. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی بیان اینکه رشد درآمدهای مالیاتی در هفت ماهه اول سال جاری عمدتاً ناشی از شناسایی مؤدیان جدید، مقابله با فرار مالیاتی، هوشمند سازی نظام مالیاتی و اجرای قوانین معطل مانده بوده است گفت: رویکرد سازمان امور مالیاتی در دوره جدید، تحول نظام مالیاتی کشور از مالیات ستانی سنتی به مالیات ستانی هوشمند با هدف تحقق کامل درآمدهای دولت و با رعایت عدالت مالیاتی است.

شناسایی ۱۷۸۶ پزشک متخلف مالیاتی

با استقبال بالای مردم از سامانه سوت زنی سازمان امور مالیاتی کشور و دریافت تعداد قابل ملاحظه ای گزارش فرار مالیاتی تاکنون ۱۷۸۶ پیامک برای پزشک متخلف پس از محرز شدن فرار مالیاتی ارسال شده است. مبارزه با فرار مالیاتی یکی از برنامه های مهم نظام مالیاتی عنوان می شود که ایجاد سامانه گزارش فرار مالیاتی در اجرای طرح سوت زنی سازمان تاکنون با استقبال بالای شهروندان رو به رو شده و در هفت ماهه نخست امسال گزارشات مردمی قابل توجهی در خصوص فرار مالیاتی به این سامانه ارسال شده است. گزارش های ارسالی غالباً در خصوص عدم استفاده صاحبان مشاغل از دستگاه کار تخوان به ویژه از سوی پزشکان و دندانپزشکان بوده و ارسال برخی گزارش های مصادیقی و موارد تخلف مأموران مالیاتی نیز از دیگر محورهای موضوعی این گزارش های مردمی بوده است. پس از بررسی میدانی و سایر اقدامات قانونی مثل بررسی تراکنش های بانکی و محرز شدن فرار مالیاتی، برای ۱۷۸۶ پزشک متخلف پیامک ارسال شده و هشدارهای لازم در خصوص عدم استفاده از دستگاه کار تخوان به آنان اعلام شده است.

صدور شماره های جدید اقتصادی مودیان مالیاتی

سازمان مالیاتی از صدور شماره های جدید اقتصادی مودیان مالیاتی خبر داده است. محمد جهانی کیا، مدیر کل دفتر امور مودیان سازمان مالیاتی در مکاتبه با رضوان پور، سرپرست اداره کل نظارت بر ذی حسابی های وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص اطلاع رسانی تخصیص شماره اقتصادی جدید به فعالان اقتصادی از ابتدای مهرماه سال تاکید کرده است، در اجرای ماده (۶) و (۷) آیین نامه اجرایی تبصره (۳) ماده ۱۶۹ قانون مالیات های مستقیم و با هدف آماده سازی زیرساخت های لازم برای پیاده سازی قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مودیان؛ این سازمان از ابتدای مهرماه سال جاری اقدام به تخصیص شماره اقتصادی جدید به فعالان اقتصادی کرده است. بر این اساس مودیان مالیاتی از ابتدای مهرماه مکلفند در صورت حساب های فروش کالا و ارائه خدمات حسب مورد الکترونیکی یا فیزیکی قراردادها و سایر اسناد مشابه شماره اقتصادی جدید خود و خریدار را درج کنند. الگوریتم شماره اقتصادی تخصیص یافته به مودیان مالیاتی به شرح ذیل است:

- ۱- اشخاص حقوقی شناسه ملی ۱۱ رقمی اشخاص حقوقی تخصیص یافته از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.
- ۲- اشخاص حقیقی شماره ملی شخص حقیقی به اضافه سه رقم شناسه پرونده مالیاتی تخصیص یافته از سوی سازمان امور مالیاتی کشور.
- ۳- مشارکت های مدنی شناسه مشارکت مدنی تخصیص یافته از سوی سازمان امور مالیاتی کشور.



اخراج ۱۰ هزار کارمند ضعیف از گوگل

طبق گزارش های رسانه های متعدد، گوگل یک برنامه بهبود عملکرد را به اجرا گذاشته و به تدریج ۱۰۰۰۰ کارمند را اخراج می کند. این اقدام در واکنش به فشار یک سرمایه گذار، شرایط نامطلوب بازار و ضرورت کاهش مخارج انجام می گیرد. کارمندانی که رتبه عملکرد پایینی کسب کنند، اخراج خواهند شد. این رتبه بندی ممکن است توسط سیستم عملکرد جدید برای جلوگیری از دادن پاداش و جایزه سهام استفاده شود. اگر چه گوگل تاکنون در برابر تعدیل کارکنان مقاومت کرده اما بیش از ۱۳۵ هزار کارمند اداری در شرکت ها و استارت آپ های فناوری در سال ۲۰۲۲ اخراج شده اند. مدیران گوگل دستور یافته اند شش درصد کارکنان یا ۱۰۰۰۰ نفر را به عنوان افرادی که عملکرد بدی دارند، شناسایی کنند. ناظران دستور دادند امتیازهای بالای اطلاعاتی قبلی، کاهش داده شود. کریستوفر هون، سرمایه گذار میلیاردر در نامه ای به آلفابت اعلام کرده است شمار کارمندان این شرکت باید کاهش پیدا کند. این سرمایه گذار انگلیسی همچنین به شرکت مادر گوگل گفته است کارمندانش در مقایسه با شرکت های دیجیتالی دیگر، حقوق بیش از اندازه زیادی دریافت می کنند. بر اساس گزارش مارکت وچ، هون مدعی شده است که شمار کارکنان آلفابت در مقایسه با الگوی استخدام تاریخی، بیش از اندازه زیاد است و با شرایط فعلی کسب و کار، همخوانی ندارد و این موتور جستجو با متخصصان ماهر کمتر می تواند به شکل کارآمدتری اداره شود.

پایان معافیت مالیاتی سلب ریتی ها

بر اساس جزئیات مصوبه کمیسیون اقتصادی دولت برای اصلاح قانون مالیات های مستقیم، معافیت مالیاتی هنرمندان، سلب ریتی ها و فعالیت های هنری و فرهنگی حذف و برای آن سقف تعیین شد. معافیت مالیاتی هنرمندان و فعالیت های فرهنگی و هنری در لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم حذف و برای آن سقف تعیین شد. در پیش نویس این لایحه که وزیران بررسی می کند، آمده است: بند (ل) ماده ۱۳۹ به شرح زیر اصلاح می شود.

ل- درآمد مشمول مالیات ابرازی حاصل از فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی و قرآنی (دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های ذیربط)، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می شوند، در مورد اشخاص حقوقی معادل یک میلیارد و دویست و پنجاه ریال و در مورد اشخاص حقیقی دویست و پنجاه میلیون ریال در هر سال از پرداخت مالیات معاف است. همچنین وزارت اقتصاد در پیش نویس قبلی فعالیت های تا سقف یک میلیارد ریال را معاف از مالیات دانسته بود.

ضرر ۱۰۰ میلیارد دلاری

خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد که در سال ۲۰۲۲ صدمیلیارد دلار از دارایی ثروتمندترین فرد جهان به باد رفته است. به گزارش بلومبرگ، در سال ۲۰۲۲ ایلان ماسک، ثروتمندترین فرد جهان و بنیانگذار شرکت خودروسازی تسلا، صدمیلیارد دلار از دارایی اش را از دست داده است. این سنگین ترین سقوط دارایی یک نفر طی یک بازه یکساله در تاریخ ثبت دارایی ثروتمندان جهان به شمار می رود. دارایی ایلان ماسک هم اکنون ۱۶۹۰۸ میلیارد دلار برآورد می شود که همچنان وی را در صدر ثروتمندترین افراد جهان قرار می دهد. سقوط بی سابقه دارایی این ثروتمند جهانی به دلیل بحران هایی است که شرکت تسلا طی ماه های اخیر با آن روبرو بوده است. از این جهت بحران در تسلا روی دارایی های ماسک اثر گذاشته که بخش قابل توجهی از دارایی وی را سهام تسلا تشکیل می دهد.

پیش بینی قیمت نفت سال آینده

گلدمن ساکس پیش بینی خود از میانگین قیمت نفت برنت در هر بشکه ۱۰ دلار برای سه ماهه چهارم سال جاری کاهش داد و اعلام کرد قیمت نفت در سال ۲۰۲۳ به ۱۱۰ دلار در هر بشکه می رسد. گلدمن ساکس پیش بینی خود از میانگین قیمت نفت برنت در هر بشکه ۱۰ دلار برای سه ماهه چهارم سال جاری کاهش داد. گلدمن ساکس این کاهش را ناشی از کاهش تقاضا به دلیل تعطیلی در چین ناشی از همه گیری کرونا دانست. این بانک پیش بینی خود را برای میانگین نفت برنت برای سال ۲۰۲۳ در ۱۱۰ دلار در هر بشکه حفظ کرد.

چشم انداز اقتصاد آلمان



بانک فدرال آلمان در گزارش ماهانه خود اعلام کرد که رشد اقتصادی آلمان در دو فصل آینده کاهش می یابد. به گزارش اکونومیک، بانک فدرال آلمان در گزارش خود اعلام کرد که انتظار می رود

اقتصاد این کشور در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۲ کاهش یابد و وارد رکود شود. این بانک اظهار کرد که این کاهش همچنین در سه ماهه اول سال ۲۰۲۳ مشاهده خواهد شد. بانک فدرال تأکید کرد که «میزان رکود به شدت نامشخص است». بر اساس این گزارش، عدم اطمینان در مورد عرضه انرژی همچنین قیمت بالای مصرف کننده بر اقتصاد تأثیر گذاشته است. با این حال، بانک فدرال آلمان اشاره کرد که احتمالی توان از کمبود گاز جلوگیری کرد. در این گزارش اشاره شد که تورم همچنان در حال افزایش است و هشدار داد که تورم دو رقمی در کشور ممکن است حتی تا سال جدید ادامه یابد. بانک خاطر نشان کرد که نرخ تورم را می توان با ترمز قیمت گاز کاهش داد که در آن خانوارها سهمیه پایه ۸۰ درصدی مصرف گاز سال قبل خود را خواهند داشت.

کاهش ۲۱۷ هزار میلیارد تومان از بدهی شرکت های دولتی

جدیدترین داده های وزارت اقتصاد حاکی از این است که بدهی شرکت های دولتی تا پایان فصل بهار امسال برابر ۲۱۷ هزار و ۱۴۴ میلیارد تومان کاهش یافته است. وزارت امور اقتصادی و دارایی آخرین وضعیت کلان بدهی ها و مطالبات دولت، روند فصلی نسبت بدهی دولت و شرکت های دولتی به تولید ناخالص داخلی، وضعیت بدهی ها و مطالبات دولت و شرکت های دولتی به تفکیک اشخاص و نهادها، عملکرد انتشار و تسویه اوراق بهادار دولت، وضعیت شاخص های اثرگذار بر بازارهای پولی و مالی کشور را منتشر کرد. بررسی جداول آماری نشان می دهد که تا پایان مهرماه امسال بدهی دولت برابر بیش از ۱۳۷۶ هزار میلیارد تومان است. همچنین میزان مطالبات دولت ۶۳۴/۵ هزار میلیارد تومان گزارش شده است. مازاد بدهی بر مطالبات دولت تا پایان امسال برابر ۷۴۲ هزار میلیارد تومان بود. براساس این گزارش بدهی شرکت های دولتی تا پایان بهار امسال بیش از ۱۴۵۱ هزار میلیارد تومان و مطالبات شرکت های دولتی ۴۶۵/۴ هزار میلیارد تومان بوده است. میزان بدهی شرکت های دولتی و مطالبات شرکت های دولتی در پایان خردادماه امسال نسبت به پایان اسفندماه سال گذشته کاهش یافته است. براساس این گزارش بدهی شرکت های دولتی ۲۱۷ هزار و ۱۴۴ میلیارد تومان و مطالبات شرکت های دولتی ۶۴۰ هزار و ۵۱۱ میلیارد تومان کم شده است.

نقش صنعت خودروسازی در اقتصاد جهانی

بود، اما در مارس ۲۰۲۰ فروش سقوط کرد و بعداً در اوایل سال ۲۰۲۱ بهبود یافت، اما پس از آن در تابستان به شدت کاهش یافت. واشنگتن پست می گوید: «این کسری به طرق مختلف بر اقتصاد تأثیر گذاشته است. خودروها در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۱ به دلیل کاهش فروش، ۲ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی واقعی را کاهش دادند و تا سه ماهه سوم سال ۲۰۲۲ هنوز بهبود نیافته است.

از آنجایی که مشکلات به وجود آمده است، صنعت به دلیل نحوه محاسبه بهره وری، رشد بهره وری را تجربه می کند. گزارش این روزنامه حاکی از آن است که عدم تولید خودرو منجر به افزایش قیمت خودروهای نو و دست دوم شده است، بنابراین زمانی که دلال ها چیز زیادی برای فروش ندارند، مجبور به ارائه تخفیف به خریداران نخواهند بود و کمبود موجودی کالا فشار وارد می کند. بر اساس این گزارش همه این اثرات نهایی به این معنی است که بازگشت تولید خودرو به حالت عادی در نهایت برای اقتصاد یک مشکل بزرگ است.



واشنگتن پست در گزارشی نوشت به نظر می رسد بخش خودروسازی جهانی در نجات اقتصاد جهانی از رکود موفق خواهد بود. به گزارش واشنگتن پست به نظر می رسد بخش خودروسازی جهانی در نجات اقتصاد جهانی از رکود موفق خواهد بود، چرا که آخرین داده ها و ارقام عملکرد مثبتی را برای این بخش نشان می دهد عرضه خودرو در جهان افزایش یافته است و این موضوع نشان دهنده عبور خودروسازی از بحران است. واشنگتن پست در این گزارش آورده است در حالی که صنعت خودرو هنوز از حالت عادی فاصله دارد، داده هایی که در یک ماه گذشته ظاهر شد نشان می دهد که این صنعت در حال بهبود است.

این روزنامه می افزاید: «هم اکنون شاهد شتاب رشد اقتصادی همزمان با کاهش تورم هستیم». نمودار فروش خودرو با تعدیل فصلی نشان می دهد که صنعت از ابتدای همه گیری کرونا تا چه حد از حالت عادی فاصله داشته است، زیرا در سال های قبل از همه گیری، فروش خودروهای جدید به طور مداوم در محدوده ۱۷ میلیون خودرو در سال

درخواست خاندوزی از مجلس

وزیر امور اقتصادی و دارایی در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی خواستار کمک مجلس به منظور تعیین ضمانت اجرایی اخذ مالیات از خانه های لوکس شد. سید احسان خاندوزی در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان حاضر در کمیسیون اقتصادی مجلس در مورد اخذ مالیات از خانه های لوکس اظهار داشت: ابتدا باید وزارت راه و شهرسازی نسبت به شناخت خانه های لوکس اقدام کند و سپس ما در مقام وصول مالیات از آنها برآیم، ضمن اینکه یکی از مشکلات مهم وزارت اقتصاد، فقدان ضمانت اجرا برای این قانون است. خاندوزی گفت: در حال حاضر، عملاً تا صاحب خانه لوکسی که شناسایی شده است، قصد خرید و فروش نداشته و ناگزیر از گرفتن برگه مقاصد حساب مالیاتی نباشد، نمی توانیم از وی مالیات بگیریم. وی با تأکید بر اینکه عدم تحقق ارقام مد نظر بودجه برای مالیات خانه های لوکس به این معنا نیست که سازمان امور مالیاتی به سراغ آنها نرفته است، از مجلس شورای اسلامی برای پیش بینی ساز و کار و ضمانتی به منظور اخذ این نوع مالیات، درخواست کمک کرد.

چرا «داد»

احسین فرامرزی، سردبیر کشورها برای تأمین مالی نیازهای عمومی، مشترک و کارکردهای دولت چند دهه گذشته «تصمیم اداره کشور بر مبنای مالیات» اظهار ولی با توجه به راحتی فروش نفت، عقب ماندگی در امر وصول مالیات در مقایسه با عملکرد دیگر کشورها در خصوص اداره کشور بر

اساس منابع مالیاتی و البته تحریم های مالی و نفتی علیه کشورمان مسئولین را بر این داشت که به دنبال اصلاح رویکردها در نظام مالیات ستانی باشند. به قول معروف «عدو شود سبب خیر...» با توجه به اینکه ایران کشوری غنی از منابع طبیعی است و در طی سالیان طولانی این موضوع در رفتار صاحبان بنگاههای اقتصادی تعریف گردیده که مالیات بخشی از درآمدهای دولت است لذا تغییر ریل اقتصادی از درآمدهای خام فروشی به اداره کشور بر اساس درآمدهای مالیات، نیازمند اصلاح ساختار، تأمین زیرساخت های لازم و گفتگوهای فرهنگی و چند طرفه بین سازمان امور مالیاتی کشور، مردم و صاحبان اندیشه در این حوزه می باشد.

بدون شک و بر اساس تجربه گذشته در اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، اصلاح و اجرای قانون بدون مشارکت نخبگان در تنظیم زیرساخت های لازم، گفتگو و اقناع مردم محکوم به شکست است.

بنابراین و بر اساس لزوم ایجاد پلی میان مسئولین سازمان مالیاتی، نخبگان مالیاتی و مردم برای انتقال نگاه و دیدگاه های طرفین و ایجاد بستری مناسب جهت تحقق اهداف مالیاتی کشور، نشریه تخصصی مالیات «داد» راه اندازی شده است.

در فرهنگ دهخدا «داد» به معنی و مترادف «عدالت» و در عرف عامه به «صدای بلند» اطلاق می گردد. یکی از مهمترین اهداف نظام مالیاتی و خواسته نخبگان و مردم، وصول مالیات بر اساس «عدالت» است. عدالت به معنای اینکه همه در برابر قانون برابر باشند و از همه اشخاص حقیقی و حقوقی دارای فعالیت، مالیات به میزان درست و بر اساس مستندات وصول گردد.

«داد» بنا دارد از سویی صدای رسای نخبگان و مردم برای کارشناسی و بهبود فرآیند تصمیم سازی سازمان مالیاتی و از سویی دگر، پلی برای نزدیک شدن مسئولین مالیاتی و مردم جهت ایجاد گفتگومانی مشترک برای پرداخت و وصول مالیات باشد.

«داد» خانه تمام کارشناسان دلسوز از جنبه نخبگانی، سازمان مالیاتی و مردم خواهد بود و امیدواریم در این دوره جدید بتوانیم کمکی هرچند اندک به بهبود فرآیند مالیات ستانی در کشور عزیزمان ایران داشته باشیم.

گر این گفته داد است ره بسپرید
و گر نیست از خاطر م بسترید

جایگاه سیاستگذاری مالیاتی
در سیاست های حکمرانی کشور کجاست

تشکیل شورای عالی مالیات

ادکتر علی مروی |
رئیس اندیشکده کسب و کار شریف

مالیات تنها یک کارکرد نیست که صرفاً مالیات ستانی در آن باشد و کارکردهای متنوعی می تواند داشته باشد. خیلی از این کارکردها نیازمند سیاست گذاری و تنظیم گری است و نیازمند این است که یک نهاد بالاسری وجود داشته باشد که صرفاً به اهداف مالیات ستانی توجه نکند، بلکه این موضوع را مورد توجه قرار دهد که مالیات و نظام مالیاتی باید به کدام سمت حرکت کند و به صورت کلی و در هر برهه خاصی چه تغییراتی بر سیاست های مالیاتی باید داده شود و به نوعی سیاست گذاری در بحث مالیات کند.

در وضعیت فعلی سیاست گذاری یک بخشی توسط مجلس انجام می شود و قانونگذاری می کند و تاحدی هم در اجرا و حتی در مباحث مرتبط با خود سازمان مالیاتی درگیر می باشد، در حالی که می توان به این مساله از دید بالاتری نگاه کرد و یک نهاد بالادستی وجود داشته باشد که موارد زیر را بتواند به خوبی به انجام برساند: اولاً اقداماتی که در حال حاضر مغفول مانده اند در آن جا انجام شود.

دوماً یکسری اقدامات که در حال حاضر انجام می شود ولی با کیفیت پایینی انجام می شود و یا در تعارض است انجام شود.

زیرا در کارکردهای نظام مالیاتی بعضی کارکردها انجام می شود و ایراداتی دارد، بعضی انجام نمی شود و بعضی انجام می شود اما دارای تعارض است.

کارکرد سیاست گذاری مالیاتی یک تفاوت با بقیه کارکردها دارد و به نوعی قلب کلیات کارکردهای مالیاتی و اگر برخی کارکردهای دیگر را به خود سازمان مالیاتی بدهیم، به درستی انجام نمی شود و انگار انجام نشده است.

به نوعی نیازمند یک شورا و هیئت هستیم، چیزی شبیه به شورای پول و اعتبار برای بانک مرکزی و سایر شوراهای عالی، اما به صورت تخصصی و انحصاری برای سازمان مالیاتی باشد.

سه هدف نهاد مالیاتی را می توان به شرح زیر تعریف نمود:

- افزایش درآمدهای مالیاتی
- کاهش هزینه وصول
- رضایت مودیان

این سه از ابتدای تشکیل سازمان های مالیاتی به عنوان هدف مطرح بوده است.

ارزیابی عملکرد باید در هر سه این موارد انجام شود اما مشاهده می کنیم که در گزارش سالنامه مالیاتی سازمان امور مالیاتی ایران، ارزیابی عملکرد در حیطه کارکرد مالیات ستانی بیشتر مورد توجه است و به اطلاع عموم می رسد.

در برخی کارکردها از نظر ساختاری خود سازمان مالیاتی نمی تواند انجام دهنده و نظاره گر باشد. برخی از موارد هم اعم از این سه مورد فوق است (خارج از این سه هدف سازمان مالیاتی می توان متصور شد که نهاد سیاست گذاری مالیاتی باید توجه لازم به این موارد را داشته باشد) و بالاتر از این موارد است.

مثلاً این که ارتباط نظام مالیاتی با تامین اجتماعی چگونه باشد (سیاست گذاری مالیه عمومی) برخی دستگاههای دیگر هم به نوعی یک جنسی از مالیات گرفته می شود مانند: تعرفه گمرک، حق بیمه تامین اجتماعی و عوارض شهرداری. عملاً چهار نهاد داریم که این چهار نهاد به نوعی از مردم مالیات می گیرند و لازم است که میان آنها یک هماهنگی جدی وجود داشته باشد و بهتر است که آنجایی که سیاست گذاری مالیاتی را انجام می دهد، سیاست گذاری تمامی موارد همه با هم باشد.

مثلاً ارتباط مالیات و حق بیمه، یا نحوه افزایش تعرفه، ارتباط مالیات بین شهرداری و دولت چگونه باشد و به هر کدام چقدر برسد، نحوه ساماندهی گمرک و این که ارزیابی عملکرد از لحاظ ساختاری باید چگونه باشند.

لذا ما با یک سری سوالاتی مانند فوق رو به رو هستیم. مشخص است که کارکرد سیاست گذاری مالیاتی با بقیه کارکردها تفاوت دارد اما اصل بحث این است که در ایران این موضوع انجام نمی شود و سازمان مالیاتی صرفاً به دنبال مالیات ستانی است و سیاست گذاری مالیاتی به معنای واقعی نداریم.

نداشتن سیاست گذاری مالیاتی به معنای واقعی منجر به ایراداتی شده است. که چند مورد را شرح می دهیم:

در ارتباط با مالیات با شهرداریها، هر مالیاتی که می خواهد تصویب شود، شهرداریها بیان می کنند که سهم به ما بدهید و منطقی وجود ندارد که سهمها باید چقدر باشند. برای حق بیمه از سمت تامین اجتماعی، و یک بار برای مالیات از سمت سازمان امور مالیاتی به سراغ مودی می روند و بعضاً مشاهده می شوند که سازمان مالیاتی و تامین اجتماعی محل کسب و کار هستند. در حالیکه می توان این دو مورد را باهم انجام داد و از یک پایگاه داده مشترک استفاده کرد که این مورد از آسیب های مغفول ماندن کارکرد سیاست گذاری مالیاتی است.

در ارتباط نظام مالیاتی با گمرک در برخی دوره ها (که در قانون ارزش افزوده جدید اصلاح شد)، به نحوی بود که عملارودات تشویق می شده است و اگر یک نگاه بالاسری وجود داشت که مالیات بر ارزش افزوده از واردات بگیریم و چه کالاهایی مشمول باشند، عملاباغث می شود که نوع پاسخ متفاوت به اینها باعث تشویق تولید شود.

لذا مشاهده می کنیم که جنس موارد فوق لزوماً نوع مالیات گرفتن نیست و جنس شان از این نوع است که سیاست گذاریهای مالیاتی و مالیه عمومی باید به چه نحوی باشد که اقتصاد کشور بهبود پیدا کند.

پیشنهاد می شود:

۱- نیاز کشور به مرجعی برای بررسی تمام ابعاد قوانین مالیاتی

۲- یکی از ساختارهایی که در اکثر کشورهای مالیات گیرنده به شکلی وجود دارد، شورای سیاست گذاری مالیاتی است. در این شورا دیگر تنها دستگاه مالیاتی و اقتصادی حضور ندارند و شامل دستگاههای اقتصادی، توسعه ای، اجتماعی، اشخاص حقیقی و اساتید دانشگاهی مستقل است. در چنین شورایی است که قوانین اجرایی حوزه مالیات حلاجی خواهد شد.

در خیلی از کشورها این ساختارها وجود دارد. یک شورا

(هیئت مدیره) وجود دارد برای سیاست گذاری مالیاتی که همه یا بخشی از این کارکردها را انجام می دهند و در این شورا فقط دستگاه مالیاتی و اقتصادی نیست، بلکه دستگاه توسعه اقتصادی و اجتماعی، اشخاص حقیقی (به طور مثال اساتید دانشگاه) به صورت مستقل حضور دارند تا قوانین اجرایی حوزه مالیات حلاجی شود تا یکسری کارکردها را داشته باشد.

کارکرد های اصلی این شورا به شرح زیر می تواند باشد:

۱- هماهنگی بین تامین اجتماعی و مالیات: وصول حق بیمه بسیار شبیه مالیات بر حقوق می باشد و هماهنگی در شورای بالادستی باید صورت گیرد و فقط بحث مالیاتی نباشد.

۲- هماهنگی و سیاست گذاری مالیاتهای ملی یا محلی: پایه های مالیاتی ملی و محلی و ارتباط آنها سایر موارد مربوطه مورد توجه باشد.

۳- بررسی و ریل گذاری نقش فناوری اطلاعات و بلاک چین و مسیر حرکت: زیرا خود سازمان امور مالیاتی به تنهایی انگیزهای در این راستا ندارد.

۴- ارتباط نظام مالیاتی و حمایتی و مدیریت درآمدها: لازم است که نظام مالیاتی حمایتی در آن ارتباط داده شود و مدیریت شود.

۵- تنظیم گری ارتباطات بین سازمان مالیاتی و سایر دستگاه های مرتبط: ارتباط بین سازمان مالیاتی و سایر دستگاههای مرتبط در آن تنظیم گری شود.

۶- ارزیابی عملکرد و نظارت بر سازمان مالیاتی (گزارش دهی و شفافیت): لازم است که عملکرد سازمان مالیاتی ارزیابی و نظارت گردد.

۷- سیاستگذاریهایی سریع در قوانین مالیاتی پیشنهادت تقنینی و تغییرات سریع و چارچوب پیشنهادی مالیاتی لازم است که سیاست گذاری سریع در قوانین مالیاتی در این شورا صورت گیرد و تغییرات سریع در این شورا بررسی گردد و صورت گیرد.

۸- ابعاد اقتصاد کلان سیاست های مالیاتی (مثلاً در شرایط رکود یا کرونا مثل ستاد کرونا): ابعاد کلان اقتصادی مالیاتی در این جا توجه گردد، بحثهایی مانند شرایط رکود و کرونا (مانند ستاد کرونا و اقدامات صورت گرفته مالیاتی که دائمی باشد و به صورت تخصصی برای مالیات در راستای سیاست گذاری مالیاتی باشد).

۹- نظارت بر دادرسی و کارکردهای دیگر از جمله مالیات ستانی

۱۰- تدوین اهداف و استراتژیهای سازمان: لازم است که اهداف و استراتژی های سازمان در آن جا تدوین و هدفگذاری گردد و از سازمان در آن راستا بازخورد گرفته شود و پیگیری صورت گیرد که سازمان پاسخگو باشد.

تحلیل ساختاری

لازم است که این شورا یکسری ویژگی داشته باشد. باید که شورای مالیاتی مستقل از سازمان امور مالیاتی باشد و فرادستگاهی باشد و بتواند تامین اجتماعی و شهرداریها را در خودش جای دهد.

همچنین کارکردهایی مثل ارزیابی عملکرد را انجام دهد. با توجه به بررسی تجربیات کشورهای جهان ترکیب هایی چون نماینده نهادها و نماینده مجلس و معاون اول و ... و همچنین ویژگی های استقلال، ساماندهی و پاسخگویی را نیز داشته باشد.



نگاهی به تجربه شورای عالی مالیات در کشورهای جهان

در برخی کشورهای جهان یک شورامیان دستگاه مالیات ستان و دولت وجود دارد که نقش مشاوره مستقل در مورد برنامه و عملکرد را دارد.

روسیه

Russia's Public Board of the Federal Tax Service



در سال ۲۰۰۹ یک شورای عمومی خدمات مالیاتی ایجاد شد تا بتواند فعالیت های سازمان مالیاتی روسیه (FTS) را یاد در نظر گرفتن نظرات افکار عمومی برای تحقق اهداف خود استفاده کند و همچنین در اختیار عموم قرار می دهد.

وظایف:

- انجام ارزیابی پروژه های طراحی شده
- بررسی سیاست های مالیاتی
- مشارکت در بحث و حل مواردی که FTS مسئول آن ها است.
- شرکت در تدوین پیشنهادات برای اجرای اقدامات با هدف حمایت قانونی، اجتماعی کارمندان FTS
- مشارکت اعضای جامعه، انجمن های عمومی و نمایندگان رسانه جمعی در امور مربوط به فعالیت FTS

ترکیب بندی شورا:

- نمایندگان علمی
- نمایندگان رسانه ها
- نمایندگان سازمان ها (کوچک و بزرگ)
- چهره های عمومی مشهور
- رئیس شورا که یکی از نمایندگان خارج از سازمان است.
- لذا به نظر می رسد که این هیئت مدیره بیشتر جنبه نظارتی، سیاسی و تخصصی (اقتصادی - مالی) دارد.
- این هیئت مدیره در راستای توسعه چارچوب بندی کارکردهای مورد نظر خود ایجاد گردیده است. و همچنین با بازی کردن نقشی فعال در ایجاد یک شورای برای پیشرفت آگاهی مالیاتی که هدفشان جست و جوی راه های موثر برای افزایش درک عمومی از امور مالیاتی و تهیه یک برنامه واحد از اقدامات آموزشی است که باید به صورت کشوری اجرا شود.

مکزیک

Mexico's Governing Board for the SAT



زمان ایجاد این نهاد مستقل در سال ۱۹۹۶ بوده است.

وظایف:

- توسعه سیاست های مالی و اقدامات گمرکی برای توسعه و اجرای برنامه توسعه ملی و برنامه های بخشی
- ارائه نظر درباره پیش نویس لایحه ها، احکام و مصوبات و...
- تصویب بودجه سازمان مالیاتی مکزیک (SAT)
- تصویب ساختار سازمانی
- اقدامات پیشنهادی رییس SAT را بررسی می کند (اقدامات در راستای کارایی عملیاتی)
- تصویب برنامه سالانه برای SAT در راستای بهبود و همچنین نظارت بر اهداف در راستای افزایش کارایی و بهبود ارائه خدمات مالیات دهندگان (با استفاده از شاخص های ارزیابی عملکرد)
- پیشنهاداتی بهبود وضعیت سازمان را تجزیه و تحلیل می کند.

ترکیب بندی هیئت مدیره:

- دبیر وزارت دارایی که ریاست نهاد را بر عهده دارد.
- سه مدیر که توسط وزارت دارایی از میان کارکنان سازمان مالیاتی انتخاب می گردند.
- سه مدیر مستقل منصوب شده از سوی رییس جمهور که باید شرایط خاص تعیین شده زیر را دارا باشند:
- الف) نباید انتصاب شهرداری یا فدرال داشته باشند
- ب) پس از انتصاب نباید فعالیت های مربوط به مالیات یا گمرک را که با نقش شان سازگار نیست انجام دهند.
- ج) در ۷۰٪ جلسات حضور پیدا کنند.



انگلستان

United Kingdom: The Board of Her Majesty's Revenue and Customs (HMRC)



سنگاپور

Board of the Inland Revenue Authority of Singapore (IRAS)

هیئت مدیره IRAS در سال ۱۹۹۲ تاسیس شد و به عنوان بخشی از قانون مجاز به ایجاد یک مرجع قانونی جدید با خودمختاری در مدیریت فعالیت‌های خود در راستای اداره قوانین مالیاتی است.

وظایف:

این هیئت مدیره بر سازمان مالیاتی سنگاپور (IRAS) نظارت می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که وظایف به طور مناسب انجام می‌شود. این شورا سالانه سه بار برای بررسی سیاست‌های اصلی شرکت‌ها و تصویب صورت‌های مالی، بودجه سالانه و پروژهای با هزینه بالا تشکیل جلسه می‌دهد.

ترکیب بندی هیئت مدیره:

- دبیر وزارت دارایی
- کمیسر درآمد داخلی
- ۷ عضو دیگر متشکل از نمایندگان بخش دولتی و خصوصی
- کمیته حسابرسی که ذیل هیئت مدیره است مباحث مرتبط با حسابرسی و سیاست مالی و کنترل داخلی IRAS را بررسی می‌نماید که آیا کیفیت لازم را دارا هستند. برای بررسی صورت‌های مالی IRAS، همکاری با حسابرس خارجی و حسابرس کل دارد و همچنین در برنامه سالانه حسابرسی نیز، نتایج را بررسی می‌کند.

پاداش‌های کارکنان سطح A سازمان در این جا تصویب شده و همچنین انتصاب‌های کلیدی نیز به این صورت است.

برخی وظایف هیئت مدیره HMRC در سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ به شرح زیر است:

- کمک به توسعه استراتژی بلندمدت و برنامه‌های HMRC
- نظارت بر عملکرد در مقابل اهداف مشخص شده
- بررسی چالش‌های برنامه تجاری سالانه HMRC
- مرور پیشرفت در ایجاد «مالیات دیجیتال» و سایر عناصر برنامه تحول HMRC
- حمایت خروج از اروپا و مرزهای آینده و استراتژیهای تجارت
- مرور برنامه نوسازی IT

■ حمایت از دستور کار احترام در محل کار و استراتژی تبدیل HMRC به یک مکان عالی برای کار

هیئت مدیره کیفیت مباحث خود را در هر جلسه ارزیابی می‌کند. هر ساله یک بازبینی کامل از اثربخشی آن از طریق پرسشنامه دارای ساختار مشخص، توسط اعضا انجام می‌گیرد. این بررسی به عنوان فرصتی برای هیئت مدیره است که به ارزیابی خود بپردازد. همچنین بررسی توصیه‌ها و بهبود مستمر اثربخشی و تأثیرات موثر هیئت مدیره برای آنها دارای اهمیت است.

بررسی سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ نشان داد که هیئت مدیره در مسئولیت‌های خود بسیار متعهد و روشن است و ترکیب خوبی از مهارت‌ها وجود دارد. مواردی مانند زیر در این راستا بوده است:

- پیشرفت مداوم از طریق بررسی بهبود چالش‌ها و انتقال موارد توسط هیئت مدیره (کمیته غیر اجرایی) به کمیته اجرایی
- گسترش بیشتر ارتباط با اعضای کمیته اجرایی
- ادامه روابط با وزیر مالی - خزانه‌داری

هیئت مدیره HMRC توسط سه کمیته حمایت و پشتیبانی می‌شود:

■ کمیته حسابداری و ریسک

هدف این کمیته ارائه اطمینان مستقل به هیئت مدیره و مسئول حسابداری در مورد یکپارچگی صورت‌های مالی و جامعیت و قابلیت اطمینان تضمین‌های HMRC در زمینه مدیریت، مدیریت ریسک و کنترل محیط است.

■ کمیته افراد و نامزدها

هدف این کمیته ارائه مشاوره و بررسی برای هیئت مدیره در مورد پشتیبانی منابع انسانی از جهت استراتژیک است و این شامل توانایی HMRC در پاسخگویی مسئولیت‌های قانونی خود در مقابل مردم خود از جمله بهداشت و ایمنی، قانون برابر و فرصت حقوق برابر است.

■ کمیته تجربه مشتریان (رضایت مشتریان)

هدف این کمیته حمایت و به چالش کشیدن کمیته اجرایی در زمینه مسائل مربوط به تجربه مشتری و رضایت مشتریان که همان مالیات دهندگان هستند و همچنین کمک به HMRC برای تحقق اهداف استراتژیک خود است.

قانون سازمان مالیاتی و گمرک انگلستان (HMRC) در سال ۲۰۰۵ شامل پیش‌بینی ایجاد یک هیئت مدیره، اعضای کمیته اجرایی داخلی HMRC و چهار عضو هیئت مدیره غیر اجرایی (خارجی) بود. در سال ۲۰۰۸، HMRC یک ساختار حاکمیتی جدید را تعیین کرد که یک رئیس غیر اجرایی و یک مدیر اجرایی جدید را تعیین می‌کرد. در سال ۲۰۱۲، پست رئیس کنار گذاشته شد و ریاست هیئت مدیره را رهبر شورای غیر اجرایی بر عهده گرفت. نقش رهبر غیر اجرایی مشورتی است و هدایت هیئت مدیره در ارائه چالش و مشاوره در مورد عملکرد بخش و جهت استراتژیک آینده آن است. مدیر اجرایی و کمیته اجرایی مسئول اداره HMRC هستند.

نقش هیئت مدیره برای موفقیت HMRC بسیار مهم است. این هیئت مدیره برای مشاوره و به چالش کشیدن مدیریت HMRC آمادگی لازم را دارد، به ویژه تمرکز توجه خود را بر عملکرد بخش‌های سازمان و جهت‌دهی استراتژیک آینده آن متمرکز می‌کند.

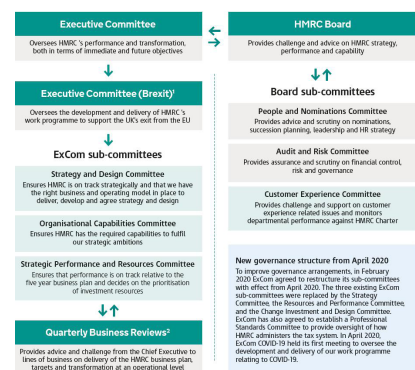
هیئت مدیره نقشی در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی روزمره و همچنین در سیاست‌های مالیاتی با مسائل مربوط به مالیات دهندگان ندارد.

اعضای هیئت مدیره تجربه زیادی از طیف وسیعی از زمینه‌ها، از جمله تجزیه و تحلیل داده‌ها، منابع انسانی، فناوری اطلاعات، حسابداری و حرفه مالیاتی را با خود به همراه دارند. مهارت‌ها و سابقه حرفه‌ای آنها چشم‌اندازی را از بیرون برای HMRC می‌آورد که بتواند در راستای مسائل استراتژیک و چالش‌های اجرایی موثر واقع گردد.

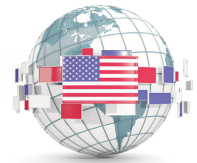
چارچوب‌ها و مکانیزم‌های طراحی شده باعث می‌شود تا کمیته اجرایی HMRC بتواند تصمیمات موثرتر و شفافتر اتخاذ کند و چالش‌ها و نحوه روبه‌رو شدن با آنها را دنبال و تضمین کند.

هیئت مدیره با استفاده از تخصص گسترده بخش عمومی و خصوصی خود به راهنمایی استراتژیک HMRC می‌پردازد و همچنین به دبیران دائمی اول و دوم و تیم اجرایی در مورد توسعه و اجرای استراتژی، برنامه تجاری و عملکرد آنها مشاوره می‌دهد.

شکل زیر که برگرفته از گزارش سالانه ۲۰۲۰ HMRC است بیانگر نحوه ارتباط میان کمیته غیر اجرایی با هیئت مدیره و همچنین ارتباط هیئت مدیره با کمیته اجرایی می‌باشد.



شکل ۸- نحوه ارتباط میان کمیته غیر اجرایی با هیئت مدیره و همچنین کمیته اجرایی در انگلستان



ایالات متحده آمریکا

United States: Internal Revenue Service's Oversight Board

تخصص حرفه‌ای در زمینه‌هایی مانند خدمات مشتریان، فناوری اطلاعات و مدیریت سازمانهای بزرگ را به همراه بیاورند.

همچنین نحوه نظارت هیئت IRS بر سازمان IRS به نحوی نیست که تضعیف روحیه کارکنان همراه داشته باشد.

در مورد انعطاف پذیری قوانین لازم است که گاهی تصمیمات با توجه به شرایط خاص گرفته شوند. مثلاً با به تعویق افتادن زمان پرداخت مالیات در سال ۲۰۱۳ در آمریکا، IRS بار عملیاتی اش افزایش یافت زیرا از سمت دیگر بودجه اش کاهش یافته بود و هیئت مدیره نیز با توجه به وضع قوانین دیر هنگام عملکرد سازمان را بررسی کرده و از عملکرد سازمان تقدیر نیز به عمل آورد. در کشور ایران نیز هرگونه قانون مالیاتی و معافیت باید توسط مجلس صورت گیرد و پویایی لازم وجود ندارد، مثلاً مشاهده می‌شود که در کشور آمریکا IRS شروع به ارائه اقساط ساده کرد تا از طریق برنامه شروع مجدد (Fresh Start) به مالیات دهندگان واجد شرایط کمک کند تا مالیات‌های عقب افتاده را جبران کنند، مزایای این طرح این بود که نیازی به تعهد مالیاتی فدرال نداشت. در آمریکا دفتر Government Accountability Office (GAO) لیستی را از عملیاتی‌های اصلی دولت که ریسک بالا به دلایلی چون آسیب پذیری نسبت به سوءمدیریت دارند را مشخص می‌کند و IRS نیز از سال ۱۹۹۵ در این لیست بود تا نظارت‌های لازم صورت بگیرد. اما در سال ۲۰۱۳ به دلایل ارتقای فنی حذف شد.

در حدود سال ۲۰۱۳، وظایف IRS گسترش پیدا کرده است، برخی از آنها فراتر از مأموریت خدمات و اجرای سنتی است که با توجه به قوانین جدید اضافه شده است. مثلاً FATCA که تبادل اطلاعات مالیاتی با سایر کشورها است. این قانون نیازمند همکاری بانک‌های خارجی، سرمایه‌گذاری و ساز و کار تضمین شرکت‌ها برای دادن گزارش در این راستا است. همچنین لازم بوده که با توجه به زمان مقرر، مودیان و شرکت‌ها اطلاعات خود را وارد سیستم کنند. نظارت بر فرآیند این موارد بر دوش IRS و هیئت مدیره IRS بوده است.

همچنین در مباحث مربوط به رویکرد حسابداری شرکتی، بخش مودیان بزرگ و بین‌الملل پیشرفت خود را در تدوین حسابرسی شرکتی به‌ویژه در ارتباط با مسائل بین‌المللی برای استفاده کارآمدتر و موثرتر از منابع انجام داد و هیئت مدیره نیز با نظارت مناسب تلاشهای نوآورانه را تحسین می‌کند. در کشور ایران نیز توصیه می‌گردد که تشویقات مدیران ارشد با توجه به تغییرات و عملکرد آنها توسط شورای مستقل صورت گیرد.

همچنین هیئت مدیره IRS علاوه بر بررسی چالش‌ها و خطرات IRS (شامل مواردی مانند: محدودیت بودجه، خدمات به مشتریان، تقلب در بازپرداخت و چالش‌های نهادی که شامل افزایش سن نیروی کار است)، به بررسی دستاوردهای IRS نیز می‌پردازد که در گزارش سالانه خود به کنگره این دستاوردها را (که شامل مواردی مانند: نحوه حسابرسی، روالهای اداری، پورتال اینترنتی، بررسی طرحهای آزمایشی، نحوه جدید پرداخت مالیات، رویکرد مشاوره مالیاتی، برنامه‌های تسویه، بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی و کاهش هزینه‌های عملیاتی و اداری سازمان) بررسی می‌کند.

لازم است که IRS بتواند برنامه‌ریزی مجدد داشته باشد تا بتواند قوانین جدید مالیاتی را اجرا کند و هیئت نیز در این امر همراه IRS است و نظارت لازم را دارد. هیئت مدیره نظارت می‌کند که فعالیت‌ها دارای موضوع مشترک برای تقویت کنترل‌های مدیریت، و اطمینان از کارآمدترین و موثرترین شیوه‌های مدیریتی در سرتاسر IRS باشند.

لازم است که در صورتی که مباحث بودجه در داخل این هیئت‌ها تعیین می‌شود، همراه با سازوکارهای مناسب باشد و مقیاس تمام فعالیت‌های سازمان مالیاتی در نظر گرفته شود. تامین مالی نامناسب سازمان مالیاتی باعث می‌شود که در نهایت مالیات دهندگان تنبیه شوند. همچنین باعث می‌شود که سلامت مالی کشور به خطر بیفتد. لذا مشاهده می‌شود که مباحث مرتبط با بودجه IRS و تبعات تغییرات آن برای هیئت مدیره بسیار اهمیت دارد و هم در مرحله تدوین و مراحل بعد همواره در این راستا مشارکت دارد و یک زیر کارکرد بسیار مهم برایش است.

همچنین هیئت مدیره IRS باید اطمینان حاصل کند که علاوه بر تخصیص بودجه مناسب IRS، خود IRS در کارآمدترین، کارترین و موثرترین روش ممکن برای برآورد الزامات قانونی و افزایش تمکین داوطلبانه را استفاده می‌کند.

همچنین بها دادن به نیروی انسانی و ارتباط بودجه و نقش کارکنان سازمان نیز یک مساله کلیدی است. در صورتی که به دلیل کم کردن بودجه، پوشش حسابرسی سازمان مالیاتی کم شود، ممکن است با توجه به سیستم مالیاتی، افراد ریسک کننده بخواهند فرار مالیاتی داشته باشند و کارکرد مالیات ستانی یک از اهداف مهم هر سازمان مالیاتی است.

همچنین لازم است تا سازمان به اندازه‌های بودجه داشته باشد که ارائه خدمات به مالیات دهندگان و اجرای قانون به نحوی باشد که حقوق مشتریان حفظ گردد و با تامین مالیات مورد نیاز دولت، تضمین این صورت بگیرد که تمکین مالیات دهندگان به نحوی است که سهم عادلانه‌ای از مالیات را پرداخت می‌کنند.

یکی دیگر از تبعات کاهش بودجه که هیئت IRS بر مباحث بودجه سازمان نظارت دارد این است که پرسنل بیشتری خارج شده و افزایش حجم کار پرسنل می‌باشد.

اگر شرایط سازمان مالیاتی به نحوی باشد که کارکنان حرفه‌ای تصمیم بگیرند خارج شوند یا حتی وارد نشوند، باعث می‌شود که دانش سازمانی کاهش یافته و به تبع چالش‌ها در راستای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها افزایش یابد و این می‌تواند سازمان مالیاتی را از اهداف خود دور کند.

لازم است که هیئت‌ها در زیر کارکرد راهبری سازمان مالیاتی نحوه خدمات دهی را بهبود بخشند و سیستم‌ها را مدرنیزه کنند زیرا ممکن است خود سازمان مالیاتی انگیزه‌های در این راستا نداشته باشد.

لازم است که اعضای هیئت مدیره بتوانند تنوع تجربه و

این هیئت مدیره ۹ نفره توسط کنگره و در سال ۱۹۹۷ بنابر درخواست کمیته ملی بازسازی IRS برای نظارت و تمرکز بر مسائل استراتژیک که IRS با آنها مواجه است ایجاد شد که مسئولیت نظارت بر IRS در اداره مدیریت، رفتار، هدایت و نظارت بر اجرا و اعمال قوانین درآمد داخلی را دارد. هدف آن بهترین نحو خدمت به عموم مردم است تا نیازهای مالیات دهندگان را برآورده کند. IRS دو هدف زیر را در دستور کار خود دارد:

- بهبود سرویس و خدمات برای افزایش تمکین داوطلبانه
- اجرای قانون برای اطمینان از این که همه به تعهدات خود در پرداخت مالیات عمل می‌کنند

همچنین دارای مبانی راهبری زیر است:

- سرمایه‌گذاری برای عملکرد بالا در افراد و فناوری و مکانیزم‌ها

لذا مشاهده می‌شود که وجود برنامه در راستای هدف‌های موجود و وجود برنامه استراتژیک یک عنصر مهم در این کارکرد است.

دستیابی به این اهداف در آخر به نفع مالیات دهندگان است. با آسان سازی شرایط برای مالیات دهندگان برای فهمیدن، محاسبه و گزارش وضعیت مالیاتی شان می‌توان بار اداری را برای سازمان مالیاتی کاهش داد. سیستم‌های مالیاتی پیچیده هستند و لازم است که مالیات دهندگان فرصت فهمیدن شرایط، برایشان فراهم باشد تا عدالت و درستی فرآیندها در سیستم حفظ و ارتقا یابد.

مشاهده می‌شود که این‌ها کارکردهایی هستند که اهمیت زیادی دارند و هیئت مدیره IRS نیز این موارد را بررسی می‌کند و بر اجرای اینها نظارت دقیقی دارد. همانگونه که ذکر شد هدف این هیئت نظارت بر IRS در زمینه مدیریتی، هدایت و راهبری، جهت‌دهی، نظارت و سرپرستی بر اجرا و اعمال قوانین در آمریکا است. همچنین این هیئت مسئولیت بازنگری، تصویب و موافقت برنامه استراتژیک IRS را دارد و موارد زیر از وظایف محوری این شورا است:

- بازنگری و بررسی شاخص‌های عملیاتی IRS
 - ارزیابی عملکرد IRS
 - پاداش مدیران ارشد IRS
 - بررسی و تایید درخواست بودجه IRS
 - بررسی و تایید درخواست برنامه‌ها برای سازماندهی‌های اصلی IRS
- همانطور که بیان کردیم دارای ۹ عضو است، ۷ عضو از خارج از سازمان برای ۵ سال توسط رئیس‌جمهور تعیین و به تایید سنا می‌رسند. این ۷ نفر متخصص هستند، یکی از ۷ نفر باید به صورت استخدام کامل از نظر زمانی، برای دولت فدرال باشد. برای حفظ مسئولیت‌های نظارت مستقل و بی‌طرف، نه وزیر و نه کمیسر درآمد داخلی، گزارش سالانه هیئت مدیره را تایید نمی‌کنند. البته نظرات آنها خواسته می‌شود و مورد استقبال نیز قرار می‌گیرد.



آنچه در ضرورت تنظیم فرآیند دادرسی اهمیت دارد این است که هدف دادرسی مالیاتی تنها حمایت و احقاق حقوق دولت نیست، بلکه باید به جامعه و صلاح آن اهمیت دهد و مودی به عنوان فردی که به هر صورت از اختیارات قانونی کمتری برخوردار است مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله، ابتدا فرآیند سه مرحله‌ای حل اختلافات مالیاتی شرح داده شده و سیستم دادرسی و حل اختلافات مالیاتی در جهان مرور می‌شود. سپس به دادرسی مالیاتی در ایران می‌پردازد و ساختار پیشنهادی جهت ساختار نظام دادخواهی نوین را ارائه می‌کند.

بررسی روند دادرسی مالیاتی

دنیا چه کاری انجام می‌دهد

۱. دادرسی مالیاتی

واژه «دادرسی» در لغت به معنای «به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی بدادخواهی دادخواه، محاکمه» و در اصطلاح حقوقی «مجموعه‌ای از مقررات است که به منظور رسیدگی به مراعات یا شکایات (قضائی یا اداری) یا درخواست‌های قضائی و مانند آنها وضع و به کار می‌رود». آنچه در ضرورت تنظیم فرآیند دادرسی و توجه به اجرای صحیح و غیر جانبدارانه‌ی آن اهمیت دارد این است که در دادرسی مالیاتی هدف تنها حمایت و احقاق حقوق دولت نیست، بلکه باید به جامعه و صلاح آن اهمیت داد و مودی به عنوان فردی که به هر صورت از اختیارات قانونی کمتری برخوردار است مورد توجه قرار گیرد و امکان استیفای حقوق خود از روشهای منصفانه و کم هزینه داشته باشد، چه اینکه هدف مهم وصول مالیات در واقع افزایش رفاه افراد جامعه است و اگر این فرآیند منجر به ایجاد مشکلات متعدد برای جامعه شود، هرگز به هدف خود دست نخواهد یافت.

فرآیند اعتراض و دادرسی مالیاتی اصولاً با عدم توافق مودی در خصوص مالیات مقرر در گام اول صورت می‌پذیرد و با توجه به آیین‌های مشخص شده در قوانین و دستورالعمل‌های کشورهای مختلف مودی حق اعتراض به این اعلامیه را دارد. بنابراین اولین گام در شناخت فرآیند دادرسی در هر کشور شناخت منشأ وجود اختلاف در آن کشور است و نهایتاً بالاترین مرجع رسیدگی به اختلافات در هر کشور دادگاه است که به نوعی پایان فرآیند دادرسی را تعیین می‌نماید.

۱-۱. فرآیند سه مرحله‌ای حل اختلافات مالیاتی

(۱) بررسی مجدد توسط نهاد مالیات ستان

■ نخستین قدم باید بررسی داخلی در نهاد مالیات ستان

باشد. این گزینه سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه ممکن است و در عین حال به طور همزمان این امکان را به نهاد مالیات ستان می‌دهد که تصمیمات خود را بازبینی و اشتباهات احتمالی را تصحیح نماید.

■ این دفتر شبه مستقل تجدیدنظر، امکان بازبینی و حل و فصل برخی پرونده‌ها را خواهد داشت.

این دفاتر و متصدیان تجدیدنظر باید از سوگیری درآمدی اجتناب نموده و منافع عمومی را در اجرای صحیح قانون مالیات دنبال کنند نه اینکه صرفاً به دنبال وصول درآمدهای مالیاتی بیشتر باشند.

■ متصدیان تجدیدنظر باید از مقامات مالیاتی با پیشینه حساسی و دانش مناسب حقوقی باشند.

■ توصیه‌شده‌ترین روش در این خصوص انجام اجباری بررسی داخلی به عنوان نخستین مرحله از اعتراض مالیات است.

(۲) بررسی توسط یک هیئت داوری تجدیدنظر

تخصصی مالیاتی

■ اگر فرآیند بررسی داخلی در نهاد مالیات ستان وجود نداشته باشد، هیئت‌داوری می‌تواند نخستین مرحله از تجدیدنظر باشد.

در برخی اقتصادها این هیئت‌های داوری وابسته به دستگاه‌های قضایی و دادگاه‌ها هستند و در برخی دیگر این هیئت‌های داوری کاملاً اداری و در قوه مجریه قرار دارند.

■ این هیئت‌های داوری باید استقلال واقعی و آشکاری از نهاد مالیات ستان داشته باشند.

■ این نهاد‌های نیمه قضایی در صورت احراز شرایط زیر می‌توانند نقش مهمی داشته باشند:

■ به خوبی سازماندهی شده باشند (دارای کارمندان

با تخصص مناسب)؛

■ مستقل از دستگاه مالیات ستان عمل کنند؛

■ رایگان باشند؛

■ مورد قبول باشند و در نهایت اکثر پرونده‌ها به مرحله بررسی قضایی نمی‌روند.

(۳) تجدیدنظر قبل از دادگاه

این مرحله در صورتی است که مودی یا دستگاه مالیات ستان کماکان با نتایج بررسی‌ها موافق نباشند در این صورت هر کدام از طرفین می‌تواند تقاضای تجدیدنظر قبل از دادگاه نمایند.

به طور کلی تعداد دادگاه‌های تجدیدنظر که شخص می‌تواند به آنها مراجعه کند (یک، دو یا حتی سه سطح دادرسی) بسته به نظام قضایی کشورها متفاوت است.

چه نوع دادگاه‌هایی می‌توان مراجعه نمود؟ سه گزینه محتمل وجود دارد.

■ دادگاه‌های عمومی؛

■ دادگاه‌های عمومی با ادارات تخصصی؛

■ دادگاه‌های تخصصی مالیات.

■ پرونده‌های مالیاتی معمولاً پیچیده هستند؛ وقتی مسئولیت رسیدگی به آنها بر عهده دادگاه‌های عمومی باشند ممکن است مشکلاتی از قبیل موارد ذیل پدیدار شود:

■ رای‌های صادره از نظر فنی درست نباشد؛

■ دادگاه‌ها از رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی اجتناب کنند و موجب تطویل در رسیدگی شوند.

■ یک رویه ویژه برای پرونده‌های کوچک مالیاتی می‌تواند موجب ایجاد سرعت در رسیدگی به پرونده‌های کوچک شود.

۳ تا ۱۲ ماه زمان می برد که در صورتی که این زمان از ۱۲ ماه تجاوز کند مودی مجاز به مراجعه مستقیم به دادگاه است.

۲-۵: نیوزلند

اختلافات مالیاتی در نیوزلند امر متداولی است اما دعاوی قضایی مالیاتی کمتر است که این موضوع از سه فاکتور زیر نشأت می گیرد:

۱- وجود نظام خودارزیابی و وجود جریمه قابل توجه که باعث می شود مودیان مالیات رفتاری منطقی و منصفانه در خصوص وضعیت مالیاتی خود اتخاذ کنند.

۲- وجود یک نظام حل اختلاف مالیات رسمی که از منصفانه بودن مالیات متعلقه اطمینان حاصل کند.

۳- نگرش و رویکرد عملگرای دادگاه ها در خصوص مسائل مالیاتی که در نتیجه آن حمایت از اداره درآمد داخلی را مدنظر دارند.

سیستم مالیاتی نیوزلند بر اساس خوداظهاری مودیان بنا نهاده شده است که این اظهارنامه ها بدهی مالیاتی مودیان را مشخص می کند. نهاد مالیات ستان می تواند این اظهارنامه را بپذیرد یا بنا بر قانون جامع مدیریت مالیاتی مصوب سال ۱۹۹۴ نسبت به ارزیابی مجدد مودی اقدام نماید.

نهاد مالیات ستان نیوزلند با دسته بندی مودیان و شناسایی مودیان ریسکی نسبت به بررسی مودی و هوشمندانه آنها اقدام می کند و در این مرحله نیز افشای داوطلبانه اطلاعات توسط مودی اولویت این نهاد است و باعث کاهش بسیار زیاد جریمه های مالیاتی می شود.

۲-۶: روسیه

در نظام مالیاتی روسیه سه نوع ممیزی مالیاتی وجود دارد که شامل ممیزی کوتاه مدت، انتقالی و میدانی است که به طور کلی می تواند گستره سه ماه تا سه سال را شامل شود. که ممیزی میدانی در این میان با توجه به گستره زمانی سه ساله خود، موجب بیشترین اختلافات مالیاتی می شود. اعتراض به مالیات مقرر ابتدا در همان اداره مالیاتی و با حضور مودی بررسی می شود و دفتر مالیاتی می تواند بررسی های بیشتری را انجام دهد و تصمیم نهایی خود را پس از بررسی تمامی شواهد و مدارک اعلام کند. اگر مودی به تصمیم اخذ شده اعتراض داشت، می تواند درخواست تجدیدنظر اداری توسط یک مقام مالیاتی بالاتر ظرف یک ماه پس از تصمیم اولیه را ارائه نماید. این درخواست تجدیدنظر پیش از طرح دعوی در دادگاه الزامی است که عموماً بین یک ماه تا دو ماه و نیم منجر به اخذ تصمیم می شود. در اکثر موارد بررسی شده تصمیم اولیه مورد تایید مقام تجدیدنظر اداری نیز قرار می گیرد که روند اخیر نشان از تغییراتی در این مورد و افزایش توجه مقامات تجدیدنظر به مدارک و شواهد مودیان دارد. مودیان مالیاتی تا سه ماه پس از مرحله تجدیدنظر اداری در صورت عدم رضایت از تصمیم صادره می توانند به دادگاه مراجعه نمایند و درخواست ابطال تصمیم نهاد مالیات ستان را بدهند.

البته لازم به ذکر است در صورت عدم رعایت سلسله مراتب پیش گفته این شکایت در دادگاه مسموع نخواهد بود. جمع بندی اجمالی بخش مطالعات جهانی اکثر اقتصادها فرایندهای حل اختلاف تعیین شده ای را در اختیار مودیان خود قرار می دهند که در واقع این روند شامل سه دسته فعالیت اصلی است که شامل موارد ذیل می باشند:

۴۰۰ کرون هزینه دارد و آژانس مذکور پرونده ها را بر اساس صلاحیت و تخصص هیئت های تجدیدنظر بین آنها توزیع می کند. آژانس تجدیدنظر مالیاتی به عنوان دبیرخانه هیئت های تجدیدنظر و دادگاه ملی مالیاتی فعالیت می کند. هر چند در موارد خاصی این آژانس به صورت مستقیم نیز می تواند در خصوص پرونده های تجدیدنظر تصمیم گیری نماید.

۲-۳: فرانسه

فرآیند دادرسی و حل اختلاف مالیاتی در فرانسه زمانی آغاز می شود که مودی مالیاتی ارزیابی را قبول نداشته یا درخواست بازپرداخت مالیات را می نماید.

طبق رویه مالیاتی فرانسه نخستین گام در اعتراض به مالیات یا درخواست بازپرداخت مالیات، ارائه ای در خواست به بخش مربوطه در نهاد مالیات ستان است که اظهارنامه مودی را بررسی نموده است. سالانه حدود سه میلیون درخواست بازبینی در مالیات تعیین شده ارسال می شود که عمدتاً مربوط به مالیات بر درآمد افراد یا مالیات های محلی است.

درخواست اعتراض افراد باید پیش از ارسال به دادگاه در اداره مالیات مربوطه بررسی شود و این درخواست باید شامل موارد ذیل باشد:

۱- مشخص کردن مالیات مورد اعتراض؛ ۲- ارائه خلاصه ای از ادله، استدلالها و موارد اعتراضی؛

۳- ارائه ای تقاضا توسط مودی یا نماینده مجاز وی؛ ۴- رونوشت مطالبات خزانه داری (اطلاعیه ارزیابی، اخطارها یا اسناد اجرایی و تادیبه دیون).

مودی مالیاتی در ازای ارائه ضمانت نامه می تواند درخواست تعلیق اجرای مالیات تا زمان تعیین تکلیف اداری یا قضایی را نماید.

هنگامی که مودی از نتیجه بررسی های اداری راضی نباشد، امکان ارائه دادخواست به دادگاه را دارد؛ در نظام حقوقی فرانسه دادگاه خاص مالیاتی وجود ندارد و با توجه به موارد موجود در پرونده این دادخواست ها ممکن است در دادگاه های اداری، مدنی یا کیفری مورد بررسی قرار گیرند.

۲-۴: آلمان

آلمان دارای سیستم با سابقه، تثبیت شده و برنامه ریزی شده ای در اختلافات مالیاتی است. به نحوی که اگر مودی مالیاتی ادعای اداره مالیات در خصوص مالیات متعلقه را غیر قانونی بداند؛ طبق قانون اساسی امکان طرح شکایت بر علیه اقدامات دولتی را در دادگاه دارد. این امر موجب کاهش امکان فشار غیر قانونی و بی اندازه به مودی جهت پذیرش تصمیمات نهاد مالیات ستان است البته نکته مهم این است که مودیان در چنین شرایطی مجاز نیستند که بدو به دادگاه مراجعه کنند و ابتدا باید فرآیند بررسی اداری را طی کنند؛ این فرآیند که با عنوان تجدیدنظر اداری از آن یاد می شود گام نخست در فرآیند اختلافات مالیاتی است که اولاً موجب کاهش مراجعه به دادگاه ها می شود و ثانیاً فرصت مجددی به نهاد مالیات ستان جهت بررسی مجدد ارزیابی خود می دهد. درخواست تجدیدنظر اداری بسیار معمول است به نحوی که به طور میانگین سالانه چهار میلیون درخواست بررسی مجدد توسط مودیان ارائه می گردد. این فرآیند تجدیدنظر اداری معمولاً موفقیت آمیز بوده و با نتیجه بخش بودن دو سوم پرونده های ارجاعی به طرز قابل ملاحظه ای نیاز به مراجعه به دادگاه را کاهش داده است؛ این فرآیند عموماً بین

۲. مروری بر سیستم دادرسی و حل اختلاف مالیاتی در جهان

در این بخش به بررسی و تدقیق در خصوص برخی نظام های مالیاتی و جایگاه اعتراض و حل اختلاف میان مودی و نهاد مالیات ستان پرداخته می شود، گستردگی جغرافیایی، تنوع سیستم اقتصادی و فرهنگی از جمله مهم ترین موارد در نظر گرفته شده برای انتخاب کشور های مورد بررسی بوده است:

۲-۱: کانادا

مرجع اصلی مالیات کانادا، آژانس درآمد کانادا نام دارد که وظیفه جمع آوری مالیات های دولتی و منطقه ای (شخصی و شرکتی) و مالیات بر کالاها را بر عهده دارد و صرفاً در ایالت کبک این وظیفه بر عهده آژانس درآمد کبک است.

این مالیات ها اساساً از ابعاد مختلفی از جمله پایه مالیاتی؛ نرخ و دوره های گزارشگری متفاوت هستند و فرآیند تطبیق و طرح اختلاف، هم در سطح دولتی و هم ایالتی، یکسان است که شامل مراحل زیر است:

۱- ارائه اظهارنامه توسط مودی مالیاتی؛ ۲- ارزیابی اولیه اظهارنامه توسط نهاد مالیات ستان؛ ۳- ارزیابی مجدد توسط ممیز مالیاتی؛ ۴- اعتراض مودی به نتیجه ارزیابی مجدد.

در صورتی که موضوع در مرحله اعتراض حل و فصل نشود؛ مودی مالیاتی می تواند به دادگاه مالیاتی کانادا مراجعه کند و حتی فراتر از آن به دادگاه تجدیدنظر فدرال مراجعه و یا با ترک ادامه مراحل دادرسی مستقیماً به دادگاه عالی کانادا مراجعه کند.

۲-۲: دانمارک

در حل اختلافات مالیاتی مرحله رسیدگی اداری نقطه شروع فرآیند در نظر گرفته می شود و هنگامی که تمامی رویه های اداری مدنظر به اتمام رسید و تصمیم نهایی گرفته شد، مودی جهت تجدیدنظر امکان مراجعه به دادگاه را دارد. پرونده های مالیاتی باید تا حداکثر سه ماه پس از تصمیم نهایی اداری در دادگاه مطرح شوند که البته به عنوان یک استثنا جهت تسریع فرآیند در مواردی که هیئت اداری مذکور پس از شش ماه تصمیم خود در مورد پرونده مالیاتی را اعلام نکرده باشد، مودی امکان مراجعه به دادگاه را دارد. علاوه بر این اختلافات مالیات را می توان به دادآور پارلمانی دانمارک تسلیم کرد. سیستم تجدیدنظر اداری مالیاتی از چهار هیئت جداگانه تشکیل شده است:

۱- دادگاه ملی مالیاتی؛ ۲- هیئت های ملی تجدیدنظر مالیاتی؛ ۳- هیئت تجدیدنظر ارزیابی و ارزش گذاری؛ ۴- هیئت حل اختلاف وسایل نقلیه.

کلیه ی درخواست های تجدیدنظر باید به آژانس تجدیدنظر مالیاتی ارسال شود که این فرآیند مبلغ

- بررسی داخلی
- بررسی مستقل
- دادگاههای مرتبط و تجدید نظر

نکته حائز اهمیت آنکه در اکثر کشورها ترجیح بر استفاده از روند اولیه است که شفافیت و سرعت انجام امور می تواند به طرز قابل ملاحظه ای بالاتر باشد، به نحوی که بر اساس پژوهش بانک توسعه آسیایی از میان ۳۴ کشور منتخب در آسیا تعداد ۲۳ کشور این مسیر را توصیه می نمایند و ۱۱ کشور مسیر بررسی مستقل و یادادگاهها را توصیه می نمایند.

۳. دادرسی مالیاتی در ایران

بر اساس ماده ۲۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم، تشخیص مالیات باید بر اساس مآخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی باشد. ولی در برخی موارد مودیان مدعی به عدم رعایت قوانین و مقررات و تشخیص مالیات به صورت نادرست می باشند. در این صورت، قانون جهت رعایت حال مودیان و ایجاد اعتماد آنان امکان اعتراض به تشخیص دستگاه مالیاتی را فراهم نموده است. امکان اعتراض به عملکرد دستگاه مالیاتی از ابتدای ترین حقوق مودیان است. لذا علاوه بر اینکه به میزان مالیات یا امکان تعدیل و رعایت مقررات قانونی امکان اعتراض به مالیات وجود دارد، تخلفات انتظامی مأموران مالیاتی نیز قابل تعقیب است. با این توضیح در ادامه به شناخت منشأ اختلاف و اعتراض و همچنین فرآیند دادرسی در ایران پرداخته می شود.

نخستین مرحله: منشأ اختلاف

اصولا اختلاف میان مودی و سازمان امور مالیاتی زمانی پیش می آید که اظهارنامه مؤدی از سوی ممیز مالیاتی رد شده و تشخیص مالیات مؤدی به صورت علی الرأس انجام گرفته باشد. در این صورت مؤدی در مقابل مالیات تشخیص شده، سه موضع می تواند داشته باشد: مالیات تشخیصی را می پذیرد، یا نسبت به آن سکوت می کند که پس از گذشت مهلت مقرر (یک ماه) در حکم قبول است و باید مالیات مربوطه را پرداخت نماید و یا به برگ تشخیص اعتراض می کند که در این صورت موضوع حل اختلاف و رسیدگی در مراجع مربوطه مطرح می گردد. پس از طرح شکایت مودی در مرحله اول پرونده توسط ممیز کل مربوطه طرح و با بررسی مستندات مودی و ممیز مالیاتی سعی در رفع اختلاف و حصول توافق می گردد. در صورت حصول توافق پرونده قطعی و مالیات آن پرداخت خواهد شد، اما در صورتی که پرونده به توافق ختم نشود جهت طی مراحل دادرسی به هیات حل اختلاف مالیاتی ارسال خواهد شد.

مرحله دوم: ارجاع به هیات های حل اختلاف مالیاتی

این هیئت ها به عنوان مرجع بدوی دادرسی تلقی می شوند، ماهیت فعالیت این هیئت ها به فعالیت شبه قضایی شباهت دارد. در واقع هیات حل اختلاف مالیاتی در حکم دادگاه بدوی و اختصاصی مالیاتی است که به طور عام به کلیه دعاوی و شکایات مالیاتی رسیدگی می نماید.

مرحله سوم: ارجاع به شورای عالی مالیاتی

در قانون سال ۱۳۶۶، دو مرجع تجدید نظر شامل هیات حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر و شورای عالی مالیاتی پیش بینی شده بود که اولی رسیدگی ماهوی و دومی رسیدگی شکلی می نمود. در اصلاحات سال ۱۳۸۰، هیات حل اختلاف تجدیدنظر از ذیل مراحل تجدیدنظر

حذف گردید و شورای عالی مالیاتی با هدف رسیدگی شکلی پرونده های مالیاتی باقی ماند.

مرحله چهارم: تشکیل هیئت ۲۵۱ مکرر

این هیئت فوق العاده شکایت نوعی دیگر از هیات حل اختلاف مالیاتی در اصلاحیه سال ۱۳۷۱ پیش بینی گردیده است. این مرجع طریق فوق العاده شکایت از آراء مالیاتی می باشد. طبق این ماده «در مورد مالیات های قطعی موضوع این قانون و مالیات های غیر مستقیم که در مرجع دیگری قابل طرح نباشد و به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات مستند به مدارک و دلایل کافی از طرف مؤدی شکایت و تقاضای تجدید و رسیدگی شود. وزیر امور اقتصادی می تواند پرونده ای را به هیاتی مرکب از سه نفر به انتخاب خود جهت رسیدگی ارجاع نمایند.»

مرحله پنجم: مراجعه به دیوان عدالت اداری

این مرجع طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شده است. مطابق این اصل «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.»

تشریح برخی نارسایی های و نقایص نظام دادرسی مالیاتی ایران

بر اساس بررسی شواهد میدانی و بررسی منابع و مصاحبه با برخی فعالین مالیاتی و کسب و کار، تعدادی از نارسایی های جاری نظام دادرسی مالیاتی به شرح زیر معرفی می گردد:

۱- تعدد مراجع و مراحل دادرسی مالیاتی

حجم انبوه پرونده های مالیاتی علی رغم تأکید بر رعایت عدالت مالیاتی موجب تعویق در اختتام پرونده های مالیاتی و همچنین ایجاد وقفه های مالیاتی طولانی مدت و کاهش درآمد واقعی دولت به دلیل اثرات تورم در کاهش ارزش واقعی پول شده است و از جمله چالش های اساسی در نظام مالیاتی کشور محسوب می گردد.

۲- کمبود نیروی انسانی مجرب و متخصص

حسب بررسی های صورت گرفته بسیاری از مودیان از عدم اطلاع صحیح کارمندان امور مالیاتی و ممیزان از چارچوب فعالیت و بعضاً استانداردهای شناسایی درآمد و اصول حسابداری کسب و کار آنها شکایت دارند. همچنین در مرحله دادرسی نیز در هر یک از مراجع ذکر شده عدم شناخت صحیح و داشتن دانش کافی توسط افراد بررسی کننده از موانع اصلی ایجاد یک نظام دادرسی عادلانه است.

۳- مدت زمان طولانی تعیین وقت هیات حل اختلاف مالیاتی

طرح سریع پرونده های مالیاتی هیات های حل اختلاف مالیاتی نیازمند برنامه ریزی و مدیریت صحیح از سوی ادارات امور مالیاتی است که در برخی موارد مشکلاتی در فرآیند دادرسی مالیاتی بوجود می آورد. همچنین در بسیاری از موارد ابلاغ رای و نتایج حاصل از این هیئت ها ز مانبر می شود به طور مثال در قرار کارشناسی پرونده ها، تعیین کارشناس و تهیه گزارش توسط وی از جمله

فرآیندهای بسیار زمانبر در این مرحله است که موجب نارضایتی عمده مودیان مالیاتی است.

۴- عدم استقلال هیات های حل اختلاف مالیاتی

از عمده مشکلات موجود در هیات های حل اختلاف مالیاتی عدم استقلال این هیات ها و حضور نماینده سازمان امور مالیاتی در کلیه مراجع دادرسی به استثنای دیوان عدالت اداری می باشد که بی طرفی در فرآیند صدور رأی هیات های حل اختلاف مالیاتی را با خدشه مواجه نموده است.

همچنین طبق تجربه اکثر مودیان در این هیئت ها موثرترین نظر و به نوعی اداره جلسه بر عهده نماینده سازمان امور مالیاتی قرار می گیرد که این امر از مهمترین مشکلات و چالش های نظام دادرسی مالیاتی در ایران است؛ در حالیکه در یک نظام دادرسی عادلانه پس از اعلام تصمیم سازمان امور مالیاتی این سازمان نیز باید در ادامه مراحل دادرسی با ارائه ادله و شواهد سعی بر اثبات ادعای خود داشته باشد اما در ساختار فعلی نظام دادرسی مالیاتی ایران به نحوی است که اختیارات سازمان امور مالیاتی در نقش آفرینی در جایگاه قاضی و شاک و هیئت منصفه و اجرائیه عملاً امکان استقلال دادرسی را از بین برده است.

۴- نقایص آشکار در دستورالعمل دادرسی مالیاتی

دستورالعمل ۱۷۳۰۰ مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ سازمان امور مالیاتی در خصوص دادرسی مالیاتی شامل ۶ فصل و ۴۳ بند می باشد که با تدقیق و بررسی آن می توان مشکلات متعددی در زمینه رعایت حقوق مودی را مشاهده کرد، همچنین قدیمی بودن این دستورالعمل با وجود تحولات بسیار عمده سال های اخیر موجب ضعف بیشتر آن شده است.

۴. ساختار پیشنهادی جهت نظام دادخواهی نوین

با توجه به بررسی مشکلات موجود در نظام دادرسی مالیاتی کشور، تجربیات جهانی در زمینه استقرار نظام دادرسی مالیاتی و ظرفیت های موجود در کشور، پیشنهاد این پژوهش ایجاد سیستم سه مرحله ای دادرسی است که معمولترین و توصیه شده ترین رویه دادرسی در جهان است. لازم به توضیح اینکه الزامات بومی سازی و استقرار چنین سیستمی نیازمند برخی بررسی های عمیق از فرآیندهای کاری و ایجاد چرخه های کاری فرآیندمحور در نظام دادرسی مالیاتی است؛ بنابراین در این بخش به معرفی کلیات این پیشنهاد و چارچوب اجرایی پیشنهادی آن اشاره می گردد. این رویه شامل سه مرحله به شرح زیر می باشد:

۱- بررسی اداره مالیات

۱- بررسی مستقل

۱- بررسی قضایی

شکل ۱- فرآیند پیشنهادی سه مرحله ای دادرسی مالیاتی

دومین مرحله: بررسی مستقل خارج از سازمان امور مالیاتی

ایجاد نهاد دادرسی اداری خارج از ساختار سازمان امور مالیاتی راهکاری است که در عین حفظ منافع دولت از دادرسی جانبدارانه و فشار بر مودیان خواهد کاست. ایجاد چنین نهادی با افزایش استقلال دادرسی اداری در عین تسریع رسیدگی به پرونده های مالیاتی سبب کاهش مراجعه به دادگاهها و ایجاد فرآیندهای خاص و پرهزینه قضایی می شود. در این حالت بایستی با عنایت به بند ۱۷۴ قانون اساسی و وجود نهاد سازمان بازرسی کل کشور که با هدف حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری ایجاد شده است.

با توجه به ظرفیت های تخصصی این سازمان پیشنهاد می گردد دفتر مستقل دادرسی مالیاتی در این سازمان ایجاد گردد که مودیان پس از اعلام تصمیم نهایی توسط سازمان امور مالیاتی و پایان فرآیند دادرسی اداری این سازمان امکان مراجعه و طرح دعوی خود در این نهاد را داشته باشند.

در واقع این مرحله به نوعی نخستین مرحله از تجدیدنظر در نظر گرفته می شود و این دفاتر دارای استقلال واقعی و آشکاری از نهاد مالیات ستان است. همچنین ظرفیت های متعدد این سازمان که زیر نظر رئیس قوه قضائیه عمل می کند می تواند در تسریع رسیدگی و شفافیت در پرونده های مالیاتی در صورت ارجاع به دادگاه حائز اهمیت باشد.

سومین مرحله: ایجاد دادرسی و دادگاه ویژه مالیاتی

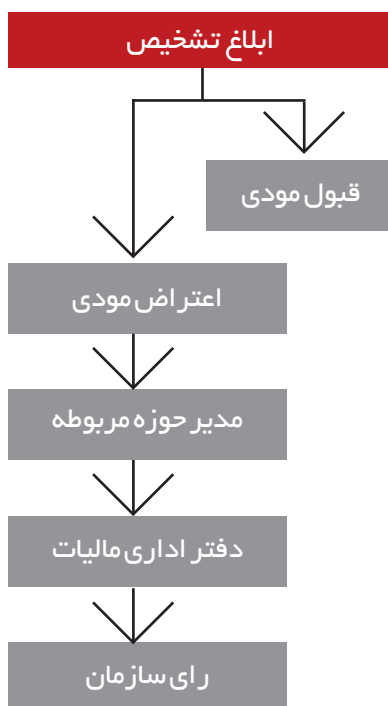
با توجه به اینکه برخی از اختلافات مالیاتی بر اساس ابعاد پرونده ممکن است قهراً نیاز به مراجعه به دادگاه داشته باشند (نظیر وقوع جرائمی نظیر جعل) و یا بر اساس عدم توافق مودی و سازمان امور مالیاتی حتی پس از بررسی مستقل در سازمان بازرسی کل کشور، مراجعه به دادگاه ضرورت یابد، بنابراین با توجه به تجربه کشورهای مختلف، بایستی امکان مراجعه به دادگاه برای طرفین دعوی (مودی و سازمان امور مالیاتی) فراهم باشد.

همانگونه که پیش تر ذکر گردید، پرونده های مالیاتی معمولاً پیچیده هستند؛ وقتی مسئولیت رسیدگی به آنها بر عهده دادگاههای عمومی باشند ممکن است مشکلاتی از قبیل موارد ذیل پدیدار شود: رای های صادره از نظر فنی درست نباشد؛ دادگاهها از رسیدگی به پرونده های مالیاتی اجتناب کنند و موجب تطویل در رسیدگی شوند.

بنابراین پیشنهاد پژوهش حاضر تشکیل دادرسی و دادگاه ویژه مالیاتی است که بتواند به سرعت و طی حداکثر شش ماه نسبت به اصدار رای در خصوص پرونده های جاری اقدام کند. البته این دادگاه صرفاً مبتنی بر جرائم مالیاتی و در راستای تحقق اهداف درآمد مالیاتی نیست و تلاش در جهت ایجاد دادرسی منصفانه و احقاق حقوق مودی و دولت به طور منصفانه تشکیل می شود.

جهت تسریع امور رسیدگی مالیاتی پیشنهاد می شود با توجه به مراحل رسیدگی پیشین، رای این دادگاه از نظر قانونی قطعی تلقی شود.

در مدل پیشنهادی به جز در مواردی که مستقیماً به جرائم کیفری اصابه دارد، امکان اقامه دعوی مستقیم نزد مرجع قضایی وجود ندارد و بایستی نتایج حاصل از درخواست دادرسی در سازمان امور مالیاتی و سازمان بازرسی کل کشور جهت امکان طرح شکایت دادگاه ویژه مالیات ارائه شود.



شکل ۲- فرآیند پیشنهادی دادرسی در سازمانی امور مالیاتی

نخستین مرحله: بررسی توسط اداره مالیات

اساساً جهت تسریع کلیه امور مربوط به اعتراضات مالیاتی و به جهت کاهش مسائل مرتبط با دادرسی مالیاتی بایستی نخستین گام بررسی توسط اداره مالیاتی مربوطه باشد و این امر البته در ظرفیت ماده ۲۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم نیز قرار دارد هر چند در عمل چندان استفاده های از ظرفیت این بند نشده و در بسیاری از موارد اختلافات ابتدا وارد هیئت های حل اختلاف می شود.

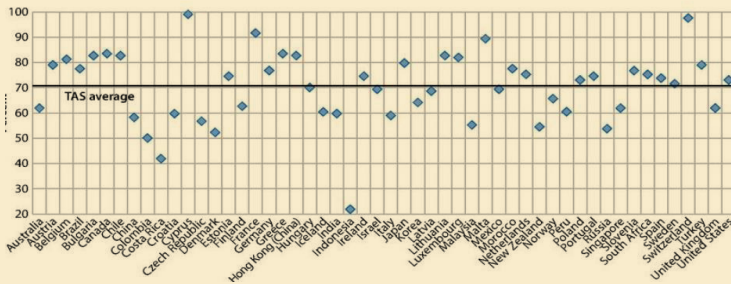
آنچه به نظر می رسد در این مرحله نیاز به تقویت و ساختارمند سازی دارد. افزایش استقلال بررسی در این مرحله است، اینکه ظرفیت دادرسی داخلی صرفاً معطوف به ساختار سازمان امور مالیاتی نباشد و در این مرحله نیز بتوان با افزایش نسبی استقلال بررسی پرونده مودیان تا حد زیادی از ارجاع پرونده ها به مراجع سطوح بالاتر و دستگاه قضایی جلوگیری شود.

پیشنهاد پژوهش حاضر ایجاد دفتر دادرسی مالیاتی در سطح ادارات کل مالیاتی و سازمان امور مالیاتی است، در واقع سه سطح بررسی در سازمان امور مالیاتی به قوت خود باقی می ماند اما اولاً این فرآیند پس از بررسی توسط مدیر مستقیم و تصمیم گیری نهایی در اداره مالیات مربوطه به جای ارجاع به هیئت های موضوعه توسط دفتر دادرسی مالیاتی مستقر در اداره کل مربوطه و در صورت عدم توافق با ارجاع به دفتر دادرسی مالیاتی در سازمان امور مالیاتی مورد بررسی قرار می گیرد. با استقرار چنین ساختاری امکان تجدیدنظر، بازبینی و حل و فصل سریع پرونده ها فراهم می شود.

ارزیابی وضعیت منابع انسانی سازمان

نیاز ابدی

Figure 7.1. Salary cost as a percent of total operating budget, 2015



نمودار ۱-۳- در بعضی از دستگاههای مالیاتی سهم پرداختی به کارکنان از بودجهی عملیاتی به بیش از ۸۰٪ نیز می‌رسد.
منبع: گزارش 2017OECD

مدیریت منابع انسانی با تمامی جوانب چگونگی استخدام، نگهداشت و مدیریت افراد در یک مجموعه سرو کار دارد. کارکنان یک سازمان مهم‌ترین دارایی آن سازمان هستند. مبالغ پرداخت‌شده توسط سازمان مالیاتی به کارکنان، در حوزه‌های مختلف از جمله پرداخت‌ها برای دستمزد، پاداش و آموزش، بزرگترین جزء کل بودجه عملیاتی است، به نظر می‌رسد همین یک مورد در وصف اهمیت داشتن کارکنانی باسواد، دارای انگیزه، توانا و متخصص کفایت کند. از آنجایی که بزرگترین سرمایه‌گذاری یک دستگاه مالیاتی در کارکنان آن است، مدیریت کارکنان و منابع انسانی با اهمیت می‌نماید.



پیچیدگی‌ها در مدیریت منابع انسانی کم نیستند. در سالیان اخیر لزوم حرکت به سمت دیجیتال شدن بیشتر از هر زمان شده، و با تعریف قوانین جدید هر لحظه بر وظایف سازمان افزوده می‌شود. با رشد اقتصاد یانواوریهای بخش‌های مختلف آن، حجم و تنوع کاری سازمان افزایش می‌یابد. جمعیت در حال پیر شدن است و نهایتاً انتظارات عموم مردم نیز از دولت و دستگاه‌های دولتی با گذشت زمان بیشتر می‌شود. این موارد در عین افزایش ریسک‌های موجود، محدودیت‌های بودجه‌ای و محدودیت‌های منابع انسانی رخ می‌دهد. دستگاه مالیاتی در زمینه‌ای متغیر در حال کار است که چابکی، انعطاف، نوآوری و توان تغییر بالایی را از خود و کارکنانش می‌طلبد. در مقطعی از زمان، تغییر صرفاً بهبود شیوه‌های پیشین نیست و افزودن موارد جدید یا حتی اساسی‌تر از آن تغییر زیرساخت و رویکرد کلی را شامل می‌شود.

علاج این پیچیدگی‌ها در شناسایی و کاهش فاصله‌ی مهارت کارکنان با دادن آموزش‌های لازم، گسترش مهارت کارکنان و تربیت کارکنانی شایسته، با انگیزه، نگهداشتن ایشان، استفاده صحیح از فناوری اطلاعات، ارتباط صحیح با مشتریان (اربابان رجوع) و متاثر شونده‌گان، و نهایتاً مدیریت صحیح و به ثمر رساندن پروژه‌ها است. یک دستگاه مالیاتی بایست بتواند در خود ظرفیت تغییر، نوآوری و استخدام و پرورش کارکنان متخصص، با انگیزه و مجموعه‌ی مهارتی بالا، را بسازد. کمیسیون اروپا شاکیه‌های اصلی زیر را برای مدیریت منابع انسانی مدرن و کارآمد لازم می‌داند:

استراتژی: تهیه‌ی سیستم‌ها، مقررات و استراتژی برای مدیریت منابع انسانی به گونه‌ای که کاملاً همخوان و پشتیبان استراتژی کسب و کار سازمان باشد.

استقلال: دستگاه مالیاتی باید توان اتخاذ تصمیماتی چون استخدام، نگهداری، مدیریت عملکرد، ارتقا شغلی، پیشرفت شغلی، آموزش و رشد کارکنان، اخراج و بازنشستگی را داشته باشد.

انگیزه بخشی و مشارکت کارکنان: مقررات و اجراییات منابع انسانی بایست به گونه‌ای باشد که کارکنان را تشویق، حمایت و محافظت کند.

استراتژی آموزش و رشد کارکنان: برنامه‌ای بلندمدت برای آموزش و رشد کارکنان تهیه‌شده و مورد حمایت مدیران بالارده باشد.

سیستماتیک‌سازی رشد کارکنان: ساختار و سیستمی درست در سازمان موجود باشد که نیاز آموزشی و رشد کارکنان را رفع کند.

به عقیده‌ی این کمیسیون، چهارچوبی با این مشخصات خواهد توانست «توسعه‌ی استراتژی، مقررات و سیستم‌ها و روندهایی که منجر به حصول اهداف دستگاه مالیاتی و رشد کارکنان با استفاده از آموزش ساختارمند و توسعه‌ی شغلی می‌شود» را محقق کند.

برنامه‌ریزی منابع انسانی

برنامه‌ریزی منابع انسانی زیرمجموعه‌ی برنامه‌ریزی کل سازمان، و همچون آن استراتژیک است. هدف کلی مدیریت منابع انسانی آن است که اطمینان حاصل کنیم

سازمان، با مدیریت افرادی که دارد می‌تواند چشم‌انداز خود را محقق کرده و به مأموریت سازمانی و اهداف استراتژیک معین‌شده برای کل سازمان برسد.

مدیریت منابع انسانی شامل تعیین اهداف استراتژیک و انجام اندازه‌گیری‌هایی برای نشان دادن ارزش این اهداف و میزان دستیابی به آنها است. مدیریت منابع انسانی باید از طریق استفاده‌ی استراتژیک از کارکنان به خلق ارزش توسط آنان بپردازد، و تأثیر برنامه‌های ریخته‌شده برای مدیریت کارکنان، بر عملیات سازمان، بایست کاملاً مشهود و ترجیحاً به صورت کمی قابل ملاحظه باشد.

اولین گام در راستای مدیریت منابع انسانی، برنامه‌ریزی است. با برنامه‌ریزی می‌توان اهداف مطلوب را تعیین و در جهت آنان کوشش کرد.

پس از برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، موارد برنامه‌ریزی‌شده که تماماً استراتژیک و قابل شاخص‌دهی هستند اندازه‌گیری می‌شوند. با اندازه‌گیری شاخص‌ها حد و حدود رسیدن به اهداف معین می‌شود و امکان ایرادبایی نیز میسر می‌شود. پس از کشف ایرادات و رفع آنها، مثلاً از طریق آموزش کارکنان، این روند از ابتدا آغاز می‌شود و بدین روش، پس از مدتی سازمان به عمده‌ی اهداف خود دست خواهد یافت.

در مدیریت منابع انسانی استراتژیک اعمال ذیل پسندیده به حساب می‌آیند:

تعریف مسیرهای شغلی، سیستم‌های آموزش رسمی، ارزیابی نتیجه‌محور، پرداخت‌های مبتنی بر عملکرد، امنیت شغلی، اهمیت به نظر کارکنان و وجود نمایه‌های شغلی و سیستم‌های مدیریت پروژه.

یک برنامه‌ی استراتژیک منابع انسانی باید این موارد را داشته باشد: مقررات جذب، مقررات آموزش، مقررات ناظر بر نحوه‌ی ارتباط مؤثر با کارکنان، یادگیری و رشد کارآمد، رویه‌ی مدیریتی جامعی برای مدیریت عملکرد و رشد کارکنان، مقررات نحوه‌ی پرداخت و پاداش دهی، روند شکای و انضباطی معتبر و کارآمد، و نهایتاً مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اخلاق سازمانی.

عملکرد یک سازمان را می‌توان به‌طور کلی در سه سطح استراتژیک، عملیاتی و فردی اندازه‌گیری کرد. در سطح استراتژیک،

ارزیابی عملکرد به معنای بررسی عملکرد کلی سازمان در انجام مأموریت و اهداف استراتژیک است. در سطح عملیاتی، بررسی عملکرد به

دنبال اندازه‌گیری میزان کارآمدی اجرای کارکردهای مختلف سازمان است. اندازه‌گیری عملکرد در سطح فردی نیز به دنبال اندازه‌گیری عملکرد محقق‌شده‌ی کارکنان است.

اندازه‌گیری موارد فوق مبتنی بر چندین شاخص و استانداردهای تعیین‌شده‌ی عملکرد خواهد بود. سازمان مالیاتی باید یک سری استاندارد رفتاری تعریف و کارکنان را ملزم به پیروی از آنان کند. این استانداردها باید به صورت مشورتی و با مشارکت ذینفعان سازمان تدوین شوند و از بالاترین سطح مدیریتی پیگیری شوند.

ارزیابی عملکرد کارکنان

ارزیابی سطح فردی نقطه‌ی آغاز ارزیابی کل سازمان است. از این رو داشتن نظام ارزیابی عمل‌کرد فردی کارکنان ضروری می‌نماید. برای این کار سازمان بایست اقدام به تهیه‌ی نمایه‌های شغلی کند. در نمایه‌های شغلی علاوه بر فهرست وظایف افراد، چگونگی و چرایی (ضرورت) وظایف فرد نیز مطرح شده و کار فرد بایست هم‌راستا و یاری‌رسان به برنامه‌ی استراتژیک سازمان باشد. نمایه‌های شغلی بایست بتوانند به این سؤال پاسخ دهند که هر شغل چگونه دارد به اهداف کلی و استراتژیک سازمان کمک می‌کند و ضرورت این شغل و فعالیت‌های انجامی آن در تحقق این اهداف چیست. از این طریق می‌توان از ارزیابی عملکرد فردی کارکنان به ارزیابی در سطح عملیاتی و نهایتاً استراتژیک رسید. از مزایای نمایه‌ی شغلی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. شفافیت بیشتر
 ۲. عدم سردرگمی مدیران و نیز خود شاغلان سازمان در مورد شرح و مرز وظایف هر شخص
 ۳. آشنا شدن افراد سازمان با موقعیت‌های شغلی ممکن و انگیزه‌گیری جهت ارتقاء شغلی
 ۴. تسهیل تشخیص میزان کار انجام‌شده و تعیین یا مطالبه در آمد متناسب با آن.
- نمایه‌ی شغل به طور کلی اطلاعاتی در مورد موارد زیر ارائه می‌دهد: عنوان شغلی، شرح وظایف و مسئولیت‌ها، نمودار ساختن ساختار سازمانی و معین‌سازی اینکه چه کسی از چه کسی دستور می‌گیرد، تعیین روابط بین سایر فعالان سازمان، شاخصه‌های و مهارت‌های نرم و سخت لازم، مدارک تحصیلی، گواهینامه‌ها، حداقل تجربه و سایر موارد لازم، معیار سنجش عمل‌کرد، میزان دستمزد و مزایا.

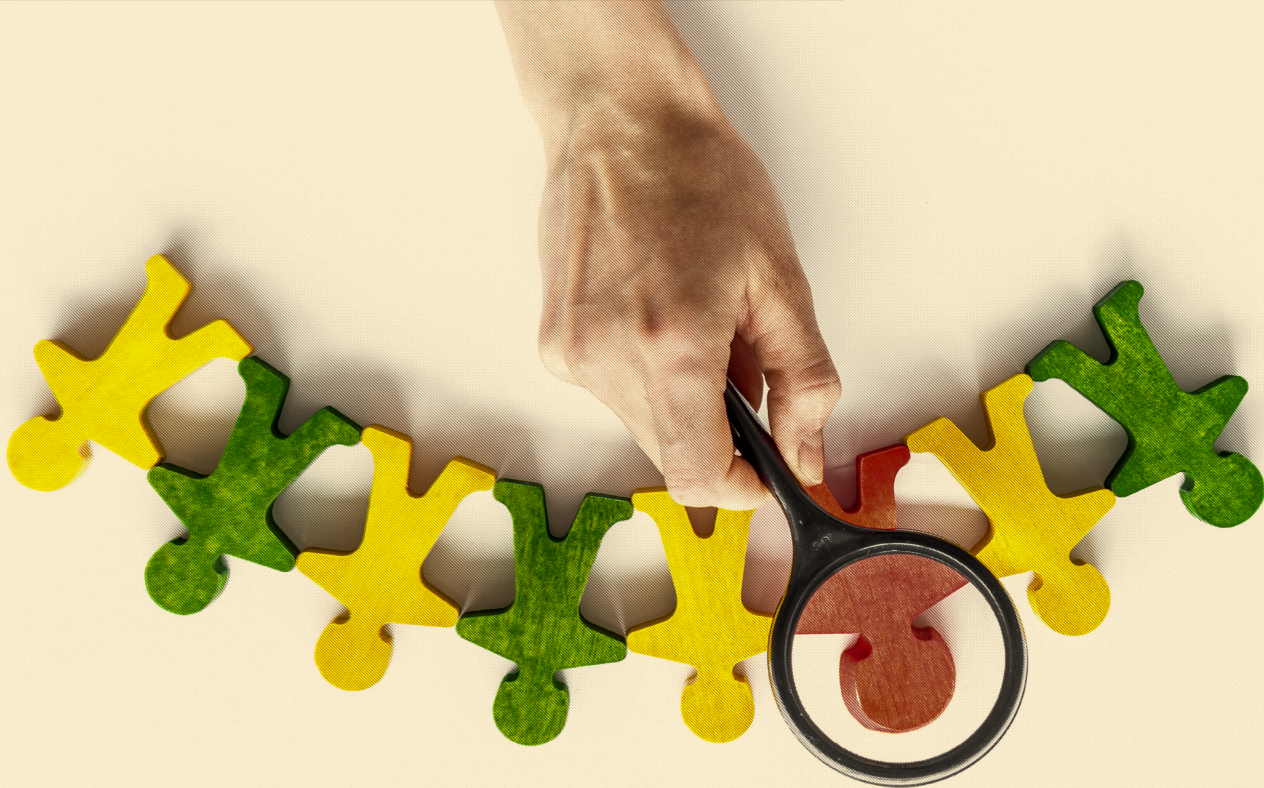
ارزیابی سطوح بالاتر با ارزیابی عملکرد افراد

پس از تهیه‌ی نمایه‌های شغلی گام اول در راستای تاسیس نظام ارزیابی عمل‌کرد فردی کارکنان می‌رسد. ارزیابی عمل‌کرد فردی کارکنان یک ابزار مهم در نظارت بر عملکرد ایشان است. به علاوه با توجه به اینکه نمایه‌ی شغلی به برنامه‌ی استراتژیک سازمان متصل می‌شود، استفاده از این نظام که به ارزیابی فردی کارکنان می‌پردازد می‌تواند به طور غیر مستقیم به ابزاری برای هدایت و نظارت بر عملکرد کلی سازمان در دستیابی به اهداف استراتژیک و عملیاتی آن نیز رسید.

آموزش و رشد کارکنان

همانطور که در بالا گفته شد، پس از انجام ارزیابی عملکرد فاصله‌های مهارتی کشف می‌شوند. سازمانهای مالیاتی در سرتاسر دنیا با آموزش مداوم و سیستماتیک دست به افزایش دانش و مهارت‌های کارکنان خود می‌زنند. چنین کاری سبب بهبود خدمات و تحقق هر چه بهتر اهداف استراتژیک سازمان می‌شود. آموزش یکی از مهم‌ترین پیش‌رانه‌های پیشرفت و تغییر سازمانی است.

در عصر حاضر سرعت تغییر محیط کسب و کار، اقتصاد کشورها، شرایط، قوانین و ابزارها بسیار زیاد است، از این رو شیوه‌های سنتی آموزش نیز بایست جای خود را به شیوه‌های کارآتر امروزی بدهند. مواردی



همچون: شخصی کردن برنامه‌های آموزشی منطبق با نیازسنجی‌ای که در بحث ارزیابی عملکرد رخ می‌دهد، الکترونیکی کردن آموزش و آموزش از راه دور بایست در دستور کار بخش آموزشی مدیریت منابع انسانی قرار گیرد.

آموزش منابع انسانی نه تنها بایست متوجه کارکنان، بلکه بایست متوجه مدیران، سایر مسئولین و سایر ذینفعان نیز باشد. طبیعتاً هر یک از این گروه‌ها و افراد نیازمند آموزش‌های متفاوت، با شیوه‌ها و محتواهای گوناگون هستند.

مثلاً لازم است که قانونگذاران با ابعاد اقتصاد کلان تصمیمات خود آشنا گردند. از جمله‌ی این موارد به اثرگذاری معافیت‌ها و میزان فسادزایی آنها، توانایی تخمین میزان درآمدزایی، نقش توزیعی، اثرات تخصیصی، شناخت گروه‌های اصلی اصابت مالیاتی، و اثرات بر رشد اقتصادی اشاره کرد.

مدیریت دانش

یکی دیگر از مباحث مهم در زمینه‌ی آموزش کارکنان، مدیریت دانش است. از آنجایی که نرخ خروج و ورود کارمندان از و به سازمان مالیاتی ممکن است بالا باشد یا اینکه بازنشستگی افراد مهم و باتجربه رخ دهد، در حالت ایده آل لازم است که تجربه‌ی تمامی افراد ثبت و ضبط شود و مستندسازی فرآیندها نیز نحوه‌ی کارکرد ابزارها (علی‌الخصوص ابزارهای دیجیتالی) و آثار و تجارب تصمیمات پیشین به خوبی مکتوب شود و در اختیار دسترس افراد آتی قرار گیرد.

انگیزش

سازمان مالیاتی باید برای به‌دست آوردن و حفظ مدیران، و کلاً، حسابداران، متخصصان فناوری اطلاعات، و سایر کارکنان به نحوی که همگی مجرب و باصلاحیت باشند، تلاش‌های بسیاری انجام دهد. عملکرد فردی کارکنان مستقیماً تحت تأثیر نظام انگیزشی پیچیده شده توسط برنامه‌ی عملیاتی و استراتژیک سازمان قرار دارد. سازمان مالیاتی بایست برای عمل کرد خوب، مشوق‌های مالی و غیر مالی و برای عمل کرد بد یا نبود عملکرد، تنبیه‌های متناسب پیش‌بینی کند.

پرداخت

انگیزش می‌تواند از طریق پرداخت رخ دهد. دستمزد هسته‌ی اصلی مبادله‌ی بین کارکنان و سازمان است. همه افراد درون سازمان‌ها زمان و تلاش خود را ارائه می‌دهند و در عوض، پول و مزایای دیگری دریافت می‌کنند که نشان دهنده مبادله حقوق و مسئولیت‌های متقابل بین کارمند و کارفرما است. یکی از راهکارهای توصیه شده گره زدن لافل بخشی از پرداخت به ارزیابی عملکرد افراد (منتج از مقایسه با نمایه‌های شغلی) است.

ارتقا شغلی

شیوه‌ی دیگر انگیزش ارتقاء شغلی است. ارتقاء شغلی عبارت است از ارتقای یک کارمند از یک موقعیت شغلی به موقعیت شغلی دیگر که دارای محدوده دستمزد بیشتر، عنوان شغلی سطح بالاتر، منزلت شغلی بالاتر و اغلب مسئولیت‌های شغلی بیشتر و جایگاه اداری

بالاتر است. ارتقاء شغلی نوعی قدردانی از کارمندی است که ایفای نقشی مهم در دستیابی به اهداف سازمان را در کارنامه‌ی خود دارند. مقررات مربوط به ارتقاء شغلی به کارکنان این سیگنال را می‌دهد که سازمان چه چیزهایی را ارزشمند می‌داند و به چه چیزهایی بها می‌دهد.

یکی از نکات مهم در این حوزه توجه به داشتن یک سیستم نظام مند برای ارتقا شغلی است. سازمان‌های بزرگ باید اقدام به طراحی نردبان‌های شغلی نمایند و زمانی که نردبان شغلی طرح و منتشر شود هر کارکن دید شفافی از چگونگی ارتقا شغلی خواهد داشت و برای دستیابی به آن اقدام به برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه و تنظیم عمل کرد خود خواهد کرد.

برای محقق کردن انتظارات جامعه نسبت به سطح حرفه‌ای بودن، انضباط، صداقت و تعهد اخلاقی کارکنان شاغل در سازمان مالیاتی، این سازمان باید بتواند کارکنان با استعداد و بسیار حرفه‌ای با مهارت‌ها، برخورد‌ها، بلندپروازیه‌ها و پتانسیل‌های عالی رشد را جذب و حفظ کند.

سازمان مالیاتی همواره با این خطر مواجه است که مجبور به جذب و حفظ کارکنان «دسته‌ی دوم» که در انتهای بازار کار مانده‌اند، شود. چنین چیزی در بلندمدت منجر به ضعف عملکرد خواهد شد. بنابراین سازمان مالیاتی نباید به روندهای بازار کار بی‌توجه باشد. سازمان بایست به صورت دوره‌ای جذابیت‌های کار کردن در خود را نسبت به سایر مؤسسات علی‌الخصوص مؤسسات خصوصی را بسنجد.



ضرورت بازنگری در معافیت‌های مالیاتی

به نام مردم به کام سودجویان

محسن حاجی بابایی | عضو شورای عالی مالیاتی

باعث فساد و فرار مالیاتی شده و مورد استفاده اشخاصی غیر از جامعه هدف قرار می‌گیرند.

در سال‌های اخیر اعداد و ارقام متفاوتی از سوی مقامات اقتصادی در خصوص اعطای معافیت به صورت کمی بیان شده است و حکایت از این دارد که حدود ۴۰ درصد از اقتصاد ایران تحت پوشش معافیت‌های مالیاتی قرار دارد ولیکن هیچ یک از آنها از دقت و صحت بالایی برخوردار نبوده و در واقع مبلغ معافیت مالیاتی اعطایی دولت به اقتصاد ایران مجهول می‌باشد و برای تبدیل این مجهول به معلوم در آخرین اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم که از ابتدای سال ۹۵ اجرایی شده معافیت با نرخ صفر جایگزین عمده معافیت‌های مالیاتی گردید تا برای دولت مشخص شود چه بخشی از اقتصاد و تولید ناخالص ملی از مالیات معاف است.

درآمد با نرخ صفر برخلاف درآمدهای معاف جزء درآمدهای مشمول مالیات مودی محاسبه می‌شود ولی در نهایت با اعمال نرخ صفر، مالیاتی پرداخت نمی‌شود. ظرفیت مالیاتی یا مالیات‌پذیری اقتصاد، در واقع حداکثر مالیاتی است که بر اساس قوانین امکان وصول دارد و توان یک جامعه را در پرداخت مالیات نشان می‌دهد که تعیین آن کار دشواری می‌باشد ولیکن شناسایی ظرفیت‌های موجود مالیاتی و مقایسه آن با مالیات‌های وصول شده می‌تواند دولت را در برنامه ریزی برای بودجه بندی بر اساس مالیات‌ها کمک نماید.

ظرفیت مالیاتی هر کشور از سه بخش شامل: مالیات‌های وصول شده، معافیت‌های مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی (فرار و اجتناب مالیاتی) تشکیل می‌شود.

شکاف مالیاتی در واقع فاصله بین ظرفیت بالقوه با وصولی‌های بالفعل مالیاتی بوده که توسط معافیت‌های مالیاتی و فرار مالیاتی پر شده، و در کشورهای دنیا اندازه گیری و کاهش شکاف مالیاتی از اصلی‌ترین چالش‌های دستگاه مالیاتی به شمار می‌رود.

در ایران اندازه دقیقی از میزان شکاف مالیاتی (معافیت‌ها و فرار مالیاتی) وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که ایجاد پایگاه اطلاعات مودیان و الکترونیکی شدن

معافیت مالیاتی در واقع چشم پوشی موقتی دولت از تمام یا بخشی از درآمد و دارایی‌های تحصیل شده اشخاص در کشور می‌باشد که می‌توان آن را جز سیاست‌های حمایتی دولت‌ها منظور نمود و از این طریق اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند از جمله هدایت نقدینگی به سمت طرح‌های کم بازده و عام المنفعه، سرمایه‌گذاری در مناطق کم برخوردار که دولت قصد توسعه و آبادانی آن را دارد.

از طرفی اعطای معافیت مالیاتی باعث کاهش درآمدهای دولت می‌شود که در صورت نبود برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مالیاتی و کسب درآمدهای پایدار، منجر به کسری بودجه شده و دولت برای جبران این کسری درآمدهای خود، به ناچار گروه‌های مشمول مالیات تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند و این باعث بی‌عدالتی مالیاتی می‌گردد. لذا اگر اعطای معافیت‌های مالیاتی با دقت و منطق لازم صورت نگیرد می‌تواند به اقتصاد کلان زیان‌های جبران‌ناپذیری وارد نماید.

معافیت‌های مالیاتی در ایران دامنه بسیار گسترده‌ای داشته و از تنوع و تعدد زیادی برخوردار می‌باشد. این در حالی است که در بعضی از کشورها معافیت‌های مالیاتی بسیار محدود بوده و دولت تقریباً از کلیه درآمدها مالیات وصول می‌نماید و سپس بر اساس پایگاه داده‌های در اختیار و حاکمیت داده حمایت خود از اقشار آسیب‌پذیر و وظیفه توزیع عادلانه ثروت در جامعه را انجام می‌دهد. از جمله معافیت‌های متعدد در ایران می‌توان به سودهای سپرده بانکی، فعالیت بخش‌های کشاورزی، آموزشی، ورزشی، فرهنگی، هنری، صادرات، صنایع دستی، بیمارستان، هتل، گردشگری، املاک، فعالیت بخش‌های تعاونی، تولیدی، معدنی، دانش‌بنیان، اوقاف و امور خیریه، مناطق آزاد و ویژه و... اشاره نمود.

برخی از آنها بدون هیچ گونه قید، شرط، حصر و محدودیتی، اطلاق عام و کلی داشته و در واقع از یک لجام گسیختگی و فقدان حد و مرز برخوردار می‌باشند. اینگونه معافیت‌ها که اطلاق عام و کلی داشته باشند نه تنها اثر بخشی در جهت اهداف دولت‌ها ندارند بلکه

فرایندهای

مالیاتی و

اجرای قانون

پایانه‌های

فروشگاهی و سامانه

مودیان باعث می‌شود

بخش‌های تاریک اقتصاد به

شدت کاهش یافته و دولت به

سمت درآمدهای پایدار حرکت کرده و

کارایی نظام مالیاتی افزایش یابد.

با وجود پایه‌های جدید مالیاتی از جمله مالیات

خانه‌های خالی و خودروهای لوکس و مالیات ترانزیت

های مشکوک بانکی اما کماکان ظرفیت‌های مالیاتی بالا

استفاده در ایران مثل تجارت الکترونیک وجود داشته که

هیچ تلاش مالیاتی در آن صورت نگرفته است.

از طرفی یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی کارآمدی

نظام مالیاتی هر کشور نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص

داخلی می‌باشد که این نسبت در ایران بر اساس آمارهای

اعلامی بین ۷ تا ۱۰ درصد متغیر می‌باشد و هر چه این

نسبت پایین‌تر باشد حکایت از وجود معافیت‌های

مالیاتی فراوان و همچنین فرار و اجتناب مالیاتی (عدم

تمکین) دارد.

به اعتقاد نگارنده بایستی معافیت‌های مالیاتی بدون

قید و شرط بخش‌های مهم اقتصاد از جمله کشاورزی

، صنعت، معدن، خدمات، مسکن، در قالب مناطق آزاد

و ویژه، دانش‌بنیان، صنایع دستی، سپرده‌های بانکی،

اوقاف، امور خیریه و... که مورد سوء استفاده اشخاص

و فعالانی غیر از جامعه هدف قرار گرفته مورد بازنگری

جدی قرار گیرد و برای هر یک از آنها متناسب با اهداف

و سیاست‌های اقتصادی دولت و منطقی بودن آنها حد و

مرز و دامنه تعریف نموده و معافیت‌های مالیاتی بدون

منطق را حذف نمود.



شکاف مالیاتی در ایران چقدر است؟

گروه «مالیات» اندیشکده اقتصاد مقاومتی |
نظام مالیاتی ایران به عنوان یکی از اصلی ترین ابزارهای سیاست مالی که تأثیرات عمیق و گسترده ای بر اقتصاد دارد، دچار مشکلات و نارسایی های بسیاری است. عدم تعریف اهداف و چشم انداز معین برای گسترش درآمدهای مالیاتی، وجود ناعدالتی مالیاتی و نابرابری در جامعه و نقش ضعیف تنظیم گرانه مالیات در اقتصاد کشور، برخی از علائم نشان دهنده ناکارایی نظام مالیاتی است. با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران از نظر تهاجم تحریمی آمریکا و اقتصاد وابسته به نفت، رفع برخی از مسائل ایران به جهت نقش درآمدی و رویکرد حمایت از تولید اولویت دارد.

مالیات در اسناد بالادستی کشور نیز از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، سیاست های اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری و مالی و برنامه های توسعه، به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۱۷ سیاست های ابلاغی «اقتصاد مقاومتی» اصلاح نظام درآمدی دولت از طریق افزایش سهم درآمدهای مالیاتی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات نیز از دیگر محورهای مورد تأکید است.

بر اساس آمار (گزارش مرکز آمار) نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در سال ۹۹ برای ایران حدود ۸٫۴ درصد برآورد شده است در حالی که این شاخص در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با میانگین ۸۴٫۳۳ درصد در سال ۲۰۱۹ اعلام شده است. نسبت مالیات به منابع عمومی بودجه همواره زیر ۴۰

درصد بوده و در سال ۱۳۹۹ به ۵٫۳۷ درصد رسیده است. در حالی که میانگین سهم مالیات از کل درآمدهای دولت در کشورهای پیشرو در نظام مالیاتی در سالهای مختلف ۶۴ درصد بوده است. در این میان، هند با متوسط ۸۴ درصد بیشترین و ژاپن با متوسط ۳۹ درصد پایین ترین سهم مالیات از منابع بودجه عمومی دولت را دارا هستند. یکی از شاخص های مهم و مغفول در زمینه ارزیابی نظام مالیاتی در ایران و کارایی مالیات ستانی، شاخص «شکاف مالیاتی» است. شکاف مالیاتی بیانگر آن است که دستگاه مالیات ستان تا چه اندازه از ظرفیت بالقوه نظام مالیاتی درآمد کسب می کند. به بیان دیگر با ساختار قانونی مالیاتی حاکم بر اقتصاد، فرار و اجتناب مالیاتی چقدر است و چه میزان درآمد مالیاتی از دست رفته وجود دارد؟

با توجه به سایر شاخص های می توان به طور کلی حدس زد که میزان درآمدهای از دست رفته نظام مالیاتی، قابل توجه است و این موضوع، مسئله اصلی نظام مالیاتی است که برآوردی کمی از آن وجود ندارد. نبود برآورد شفاف و مشخص از میزان این درآمد از دست رفته، اقدامات و سیاست های بهبود نظام مالیاتی را بدون جهت مشخص و غیر قابل ارزیابی می کند. ضمن اینکه طبق آخرین مطالعات جهانی و تلاشهای نظامات مالیاتی پیشرو، هیچ سنجه واحدی مانند ارزیابی شکاف مالیاتی نمی تواند بیانگر و نشانگر مشکلات ساختاری و فرآیندی نظام مالیاتی و کارایی سازمان امور مالیاتی باشد.

مهم ترین نکته در برنامه ریزی برای تحلیل و کاهش شکاف مالیاتی، اطلاع صحیح از حجم و برآورد آن است. قدم اول برای برآورد شکاف مالیاتی، تخمین میزان اقتصاد غیررسمی (زیرزمینی) است. بخش مهمی از محاسبه شکاف مالیاتی به محاسبه اقتصاد غیررسمی

بستگی دارد. مطالعات و برآوردها در مورد میزان اقتصاد غیررسمی ایران بسیار پراکنده و متفاوت بوده و هیچ مرجع معتبری مسئولیت محاسبه اقتصاد غیررسمی را بر عهده ندارد.

تنها برخی آمارها از مولفه های تشکیل دهنده شکاف مالیاتی، نظیر فرار مالیاتی و معوقات مالیاتی اعلام می شود که آمارها از حجم آنها نیز بسیار پراکنده و بعضاً متناقض است. همچنین مرجع مشخصی برای برآورد و اعلام میزان معوقات و فرار مالیاتی در کشور و فراتر از آن، میزان درآمد مالیاتی از دست رفته (شکاف مالیاتی) وجود ندارد و آمارهای اعلامی صرفاً از زبان مسئولین در سازمانها و نهادهای شنیده می شود. برآوردها از ۳۰ هزار میلیارد تومان تا بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان وجود دارند و اعتبار هیچ کدام به دلیل روشهای مختلف برآورد مشخص نیست.

برآورد شکاف مالیاتی در ایران

محاسبه و برآورد شکاف مالیاتی ابعاد گسترده و پیچیده های دارد. روشها، رویکردها، برآورد به تفکیک پایه های مالیاتی، مبنای تعریف اقتصاد غیررسمی، نحوه محاسبه اقتصاد غیررسمی، نحوه تحلیل شکاف و سایر نکاتی که باید در برآورد شکاف مالیاتی مورد توجه قرار داد، این کار را سخت کرده است. منتها اهمیت و آثار این برآورد به قدری است که گذر از پیچیدگی ها را توجیه پذیر می کند.

اهمیت و آثار محاسبه و تحلیل شکاف مالیاتی

مزایای متعددی برای اندازه گیری و تحلیل شکاف مالیاتی وجود دارد. شکاف مالیاتی ابزاری مفید برای درک اندازه نسبی و ماهیت عدم تمکین مالیاتی است.

از این درک می توان در موارد مختلفی استفاده و بهره برداری کرد.

در حال حاضر تعداد فزاینده ای از سازمان های مالیاتی در سراسر جهان شکاف مالیاتی را برآورد می کنند. به عنوان مثال از بین ۳۶ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بیش از ۲۰ کشور شامل بریتانیا، آمریکا، دانمارک، استرالیا، سوئد، مکزیک و... به طور آشکار بیان کرده اند که شکاف مالیاتی را برآورد می کنند. همچنین نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، پروژه های محاسبه شکاف مالیاتی را در برنامه نظام های مالیاتی کشورها گنجانده اند.

محاسبه شکاف مالیاتی نه تنها به دلیل نشان دادن درآمدهای از دست رفته اهمیت دارد بلکه می تواند نقاط مهم، حساس و گلوگاهی طراحی قوانین را که مدیریت و اجرای آن را دچار خدشه کرده، شناسایی کند. علاوه بر این، شکاف مالیاتی می تواند شواهدی مبنی بر ناکارآمدی طراحی مالیات را نمایش دهد. به این نحو که مالیات به طور ناخواسته تغییراتی در وضعیت اقتصادی ایجاد می کند، لذا در قبال آن، رفتار مودیان نیز متفاوت خواهد شد که در تفاوت بین درآمد مالیاتی واقعی و بالقوه مشهود است.

شکاف مالیاتی همچنین نابرابری های ناشی از بار مالیاتی ناعادلانه در مورد مودیان را برجسته می کند. محاسبه و تحلیل این شاخص، مسائل مربوط به هدف طراحی نظام مالیاتی خوب و ساده سازی آن را آشکار می کند و نشان می دهد چگونه پیچیدگی ممکن است منجر به کاهش تمکین مالیاتی به دلیل هزینه های بالای اداری و پیروی از قانون شود. پایداری نظام مالیاتی نیز از طریق بررسی روند ریسک های درآمد مشهود (درآمد وصولی مورد انتظار) در روند شکاف مالیاتی در طول زمان آشکار خواهد شد.

پیشینه برآورد شکاف مالیاتی

در مورد مفهوم شکاف مالیاتی، برآورد و تحلیل آن، مطالعات بسیار کمی وجود دارد. زیرا که این مفهوم جایگاه خود را در ادبیات اقتصادی کشور پیدا نکرده است و بیش از پرداختن به مسئله شکاف مالیاتی در ایران در مورد موضوع فرار مالیاتی تحقیق انجام گرفته است. حال آنکه شکاف مالیاتی کاربردی دقیق تر و اعم از فرار مالیاتی دارد.

در مورد فرار مالیاتی گزارشهای متعددی وجود دارد که مورد بحث این پژوهش نیست، اما در مورد شکاف مالیاتی که چالش اساسی و مسئله مشترک همه سازمانهای مالیاتی در جهان است، فقط یک گزارش از سازمان امور مالیاتی در سال ۱۳۹۹ و یک گزارش از ملیحه خواجهی و همکاران در سال ۱۳۸۹ وجود دارد.

در مطالعه خواجهی به روش شاخص های چندگانه - علل چندگانه و با بررسی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ حجم اقتصاد زیرزمینی را به طور متوسط ۲۱،۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی و شکاف مالیاتی ایران را به طور میانگین ۲۲ درصد از کل درآمدهای مالیاتی ایران برآورد کرده است. در این مطالعه تمرکز تحلیل بیشتر بر روی متغیرهای تاثیرگذار بر روی حجم اقتصاد زیرزمینی مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، مقررات دولتی و... است و به طور خاص بر روی سازکارهای اثرگذار بر نظام مالیاتی تحلیل و تمرکز انجام نشده است.

در گزارش مرکز آموزش و پژوهش سازمان مالیاتی برای برآورد حجم اقتصاد غیررسمی از گزارش صندوق بین المللی پول (مدینا و اشناپدر) که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده استفاده شده است. گزارش صندوق بین المللی پول

حجم اقتصاد غیررسمی ۱۵۸ کشور از جمله ایران را در دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۱ برآورد کرده است. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول حجم اقتصاد غیررسمی در ایران به طور میانگین در این دوره ۸۸،۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بوده است.

در این گزارش به دلیل داشتن محدودیت هایی در دسترسی به داده و آمار، مبنای آماری بر گزارش رسمی سازمان امور مالیاتی قرار داده شد، اما بررسی گزارش سازمان مالیاتی نشان داد این گزارش نواقص و ایرادات جدی دارد که در برخی نتایج نمی تواند مورد استناد قرار گیرد. البته در برخی موارد نظیر برآورد فرار و اجتناب مالیاتی بخش رسمی به جهت محدودیت در دسترسی به داده به گزارش سازمان اعتماد شد و از آمار آن استفاده شده است. ولی در مورد برخی شاخص ها، آمارها و تحلیل های ایرادات جدی کشف شد که برخی از آنها در ادامه ذکر خواهد شد.

سازمان امور مالیاتی کشور در گزارشی ۶۱ صفحه ای و برای اولین بار به بررسی موضوع شکاف مالیاتی و برآورد آن با عنوان «برآورد شکاف مالیاتی در کشور» در پاییز سال ۱۳۹۹ پرداخته است. هدف از انتشار این گزارش ارائه مفهوم شکاف مالیاتی، برآورد آن و ارائه علل و راهکارهای کاهش شکاف مالیاتی عنوان شده است. در این گزارش با تفکیک شکاف مالیاتی به دو بخش شکاف ناشی از اقتصاد غیررسمی و شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان، شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان و شکاف ناشی از اقتصاد غیررسمی با تکیه بر آمار سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) صندوق بین المللی پول از اقتصاد غیررسمی ایران، محاسبه شده است.

در گزارش سازمان مالیاتی، انتقال اشتباه اطلاعات از مرجع اصلی صورت گرفته و آمار صندوق بین المللی پول در مورد سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به اشتباه در سال ۱۳۹۶ مبنای محاسبات قرار گرفته و به همین ترتیب در سالهای قبل نیز اشتباه در انتقال اطلاعات تکرار شده است. همچنین منبع آمار تولید ناخالص داخلی از مرجع اصلی آن که مرکز آمار است گرفته نشده و از آمار بانک مرکزی که تفاوت حدود ۳۰ درصدی با آمار اعلامی مرکز آمار دارد، استفاده شده است. در ادامه نیز برای تحلیل و مقایسه حجم شکاف مالیاتی از شاخص نسبت میزان شکاف مالیاتی به تولید ناخالص داخلی استفاده شده که این شاخص به دلیل هم واحد نبودن صورت و مخرج کسر و سهم بالای اقتصاد غیررسمی از کل اقتصاد کشور، شاخص مناسبی برای ارزیابی و مقایسه شکاف مالیاتی ایران با سایر کشورها نیست.

برآورد اقتصاد غیررسمی

یکی از موضوعاتی که نقش مهمی در میزان درآمدهای مالیاتی دارد، اقتصاد زیرزمینی است. اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد سایه، اقتصاد غیررسمی و اقتصاد سیاه نیز مشهور است. اقتصاد زیرزمینی به مجموعه فعالیت های اقتصادی گفته می شود که خارج از چارچوبهای قانونی یا نظام مالیاتی (به عنوان فعالیت ثبت نشده) شکل می گیرد.

بر اساس مطالعات پژوهشگر بانک جهانی یک سوم از اقتصاد جهانی غیررسمی است. همه کشورهای جهان متناسب با توسعه یافتگی خود با پدیده اقتصاد زیرزمینی روبرو هستند. یکی از تاثیرات مخرب اقتصاد غیررسمی مربوط به فرار مالیاتی است. اقتصاد زیرزمینی و موضوعات وابسته به آن مانند شکاف مالیاتی یکی از مباحث مهم در اقتصاد است. اقتصاد زیرزمینی می تواند شامل فعالیت های قانونی یا غیر قانونی باشد که به دلیل

گزارش و ثبت نشدن این فعالیت ها، قابل اندازه گیری نیست و فرار از مالیات را به همراه دارد. فرار مالیاتی، تخصیص غیر بهینه عوامل، فشار بر منابع دولت، افزایش نابرابری اقتصادی، شکست سیاست های پولی و مالی و گسترش فساد از جمله مهم ترین پیامدهای گسترش اقتصاد غیررسمی است.

حجم اقتصاد زیرزمینی ایران در مطالعاتی که توسط مراجع مختلف صورت گرفته با پراکندگی بالا برآورد شده است. از میان مجموعه پژوهش های گردآوری و بررسی شده، ۲۵ اثر علمی منتشره در قالب مقاله علمی یا گزارش پژوهشی به اندازه گیری اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن با روشهای مختلف پرداخته اند.

صرف نظر از روش اندازه گیری، دوره مطالعه و دامنه تعریف از مفهوم اندازه گیری شده، میانگین اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در بازه ای بین حداقل ۳۰ درصد برای سال ۱۳۸۵ و حداکثر ۵،۱۸۹۰ درصد (۱۸ برابر) در مطالعه جمشید پژویان (۱۳۹۴) برای سال ۱۳۸۸ گزارش شده است. بررسی برآوردهای انجام شده از حجم اقتصاد غیررسمی در ایران نشان می دهد که پراکندگی بسیار زیادی در میزان برآوردها وجود دارد. این پراکندگی آرا تنها به آمارها برای ادامه روند تحقیق در مورد فرار مالیاتی دچار چالش می کند. لذا باید با بررسی دقیق تر برآوردها و فروض، متغیرها، مدلها و روشهای برآورد، میزان اعتبار برآوردها را سنجید و از میان آنها بهترین تخمین را انتخاب کرد که این اقدام نیازمند پژوهشی جداگانه است.

اما می توان با وضع معیارهایی ساده، برآوردهای معتبرتر را مشخص نمود و بر اساس آنها به ادامه کار پرداخت. بر اساس اینکه اکثر گزارشها چه روشی را معتبرتر دانسته اند می توان به روش منتخب نزدیک شد. روش شاخص های چندگانه - علل چندگانه به خصوص در اکثر گزارشهای متاخر بیشتر دیده می شود. نکته دیگر اینکه در گزارش محمد علیزاده (۱۳۹۸) با عنوان «برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با استفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت» با بررسی ۸ مدل از بهترین روشهای برآوردی روش شاخص های چندگانه - علل چندگانه یا اصطلاحاً روش MIMIC به عنوان معتبرترین روش شناخته شده است. لذا گزارش هایی که از روش شاخص های چندگانه - علل چندگانه برای برآورد اقتصاد غیررسمی استفاده کرده اند معتبرتر خواهند بود. متاخر بودن گزارش ها و نیز اعتبار محققان گزارش ها نیز معیارهای دیگری برای انتخاب گزارش های معتبرتر است. بر اساس معیارهای پیش گفته، مشاهده می شود برآورد بدست آمده از گزارش هایی که باقی می ماند، دارای پراکندگی بسیار کمتری هستند و برآورد اقتصاد غیررسمی بین ۵،۱۷ تا ۳۰ درصد است.

با توجه به اینکه مطالعات بانک جهانی در مورد سالهای مورد بررسی اقتصاد غیررسمی کشورهای جهان از تمامی گزارش های موجود نزدیک تر و به روزتر است، از برآوردهای این نهاد برای ادامه تحلیل ها استفاده می شود. گروه چشم انداز بانک جهانی یک پایگاه داده جهانی از فعالیت های اقتصادی غیررسمی ایجاد کرده است. این پایگاه داده شامل ۱۹۶ اقتصاد در دوره ۲۰۱۸-۱۹۹۰ است و شامل رایج ترین معیارهای مورد استفاده در اقتصاد غیررسمی به تعداد دوازده معیار است. این گزارش به دو روش برآوردهای مبتنی بر مدل تعادل عمومی پویا (DGE) و تخمین های مدل مبتنی بر دلایل چندگانه (MIMIC) برآورد اقتصاد غیررسمی را انجام داده است. معیارهای مورد استفاده برای برآورد اقتصاد غیررسمی،

خوداشتغالی، اشتغال غیررسمی، اشتغال خارج از بخش رسمی، نیروی کار بدون بیمه بازنشستگی و... است و مشاهدات و داده ها بر مبنای نظرسنجی های اجرایی مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، نظرسنجی سازمانی

بانک جهانی از شرکت ها، نظرسنجی های ارزش جهانی (WVS) و معیارهای مستقیم است که از پیمایش های نیروی کار یا کارشناسان، شرکت ها یا خانوارها جمع آوری شده اند. طبق برآورد بانک جهانی با روش شاخص

چندگانه، حجم اقتصاد غیررسمی در ایران طی سال های ۱۳۹۷-۲۰۱۸ میلادی یعنی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ هجری شمسی بر اساس سهم از تولید ناخالص داخلی به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. برآورد بانک جهانی از اقتصاد غیررسمی ایران

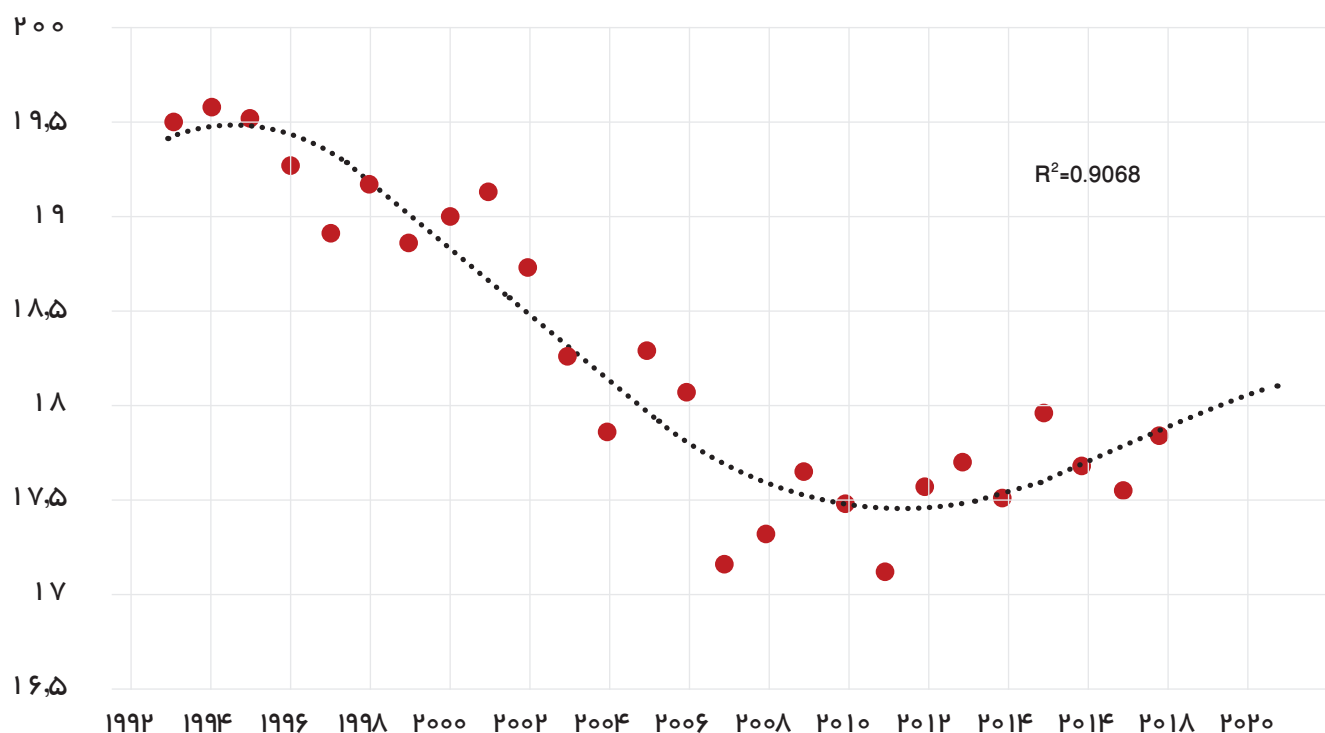
سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
میزان اقتصاد غیررسمی (درصد)	۱۷.۶	۱۷.۵	۱۷.۹	۱۷.۶	۱۷.۵	۱۷.۸

همانگونه که مشاهده می شود، آمار بانک جهانی تا سال ۲۰۱۸ موجود است و به جهت محدودیت برای دسترسی به داده ها و پیچیدگی محاسبات، برای سالهای ۲۰۱۹ و

۲۰۲۰ (۱۳۹۸ و ۱۳۹۹) مبتنی بر روشهای آماری پیش بینی صورت گرفته است. بر این اساس با توجه به روند گذشته اقتصاد غیررسمی

در ایران و با فرض غیرخطی بودن روند، با روش رگرسیون، برای سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ پیش بینی صورت گرفت.

نمودار ۱. رگرسیون میزان اقتصاد غیر رسمی ایران



داده های پیش بینی شده برای سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب ۱۷.۸۷ درصد و ۱۷.۹۴ درصد است. ضریب

تعیین (R^2) که میزان انطباق تخمین انجام گرفته با داده ها را نمایش می دهد، حدود ۰.۹ است که هر چه

این عدد به یک نزدیک تر باشد، نشان از خوبی برازش انجام شده است.

برآورد حجم شکاف مالیاتی

حال با مشخص شدن حجم اقتصاد غیررسمی و با فرض اینکه مالیات دریافتی از بخش غیررسمی به همان نسبت و با همان نرخ است که از بخش رسمی دریافت می شود، میزان شکاف مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی برآورد می شود. نکته حائز اهمیت آن است که در محاسبه میزان فرار مالیاتی ناشی از بخش غیررسمی، بخش های معاف از مالیات کنار گذاشته می شوند و بر اساس معیارها و فروض متعددی نظیر تفاوت نرخها و معافیت های پایه در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی و... میزان فرار مالیاتی برآورد می شود.

راه سریع تر برای برآورد میزان شکاف مالیاتی اقتصاد غیررسمی، برآورد نرخ موثر با در نظر گرفتن تمامی

فروض است. یعنی اگر تمامی فروض با توجه به ثابت ماندن قوانین و مقررات اعمال شوند، طبیعتاً هر ساله نرخ موثر مالیات برای کل اقتصاد غیررسمی یکسان خواهد بود. بررسی گزارش شکاف مالیاتی سازمان امور مالیاتی از میزان نرخ موثر این موضوع را تایید می کند و نرخ موثر برای اقتصاد غیررسمی به طور ثابت، ۸ درصد برآورد شده است. بدین ترتیب می توان با تکیه بر آمار اقتصاد غیررسمی برگرفته از داده های بانک جهانی و محاسبات گزارش و آمار عدم تمکین مالیاتی بخش رسمی برگرفته از گزارش سازمان امور مالیاتی کشور، کل شکاف مالیاتی ایران را تخمین زد.

شکاف ناشی از عدم تمکین مالیاتی ناشی از مودیانی است که در نظام مالیاتی ثبت نام کرده و پرونده دارند منتها به

دلایل گوناگون مالیات کمتری نسبت به آن مالیاتی که باید بپردازند، پرداخت می کنند. این مودیان به دلایلی نظیر عدم اطلاع از تکالیف قانونی خود، وجود خلاهای قانونی، ضعف نظام اطلاعاتی مالیاتی و... به کم اظهار درآمد یا بیش اظهار هزینه ها مبادرت می کنند و در نهایت مالیات کمتری پرداخته و یا با استفاده از ظرفیت وقفه انداختن در پرداخت مالیات در فرآیندهای دادرسی، مالیات خود را نپرداخته یا دیرتر می پردازند.

تخمین دقیق حجم شکاف مالیاتی ناشی از عدم تمکین بسیار دشوار است. با این وجود یکی از شاخص هایی که می توان از آن برای برآورد میزان شکاف مالیاتی عدم تمکین مودیان استفاده کرد، اختلاف بین مالیات ابرازی و مالیات قطعی و تعداد اظهارنامه های مالیاتی با مالیات

ایرازی صفر است.

در فرآیند تخمین شکاف عدم تمکین، مودیان منبع اصلی اطلاعات هستند. داده های مورد نیاز در سطح خرد و از منابع اطلاعاتی مختلف نظیر اظهارنامه های مالیاتی، گزارشهای حسابرسی، گزارشهای ریسک، داده های اشخاص ثالث و مطالعات بودجه خانوار جمع آوری می شود. سپس این اطلاعات با به کارگیری روشهای آماری، شبیه سازی خرد و همچنین تطبیق دقیق داده ها با سایر داده های موجود، درآمدهای مالیاتی بالقوه و همچنین میزان عدم تمکین در منابع مختلف مالیاتی

برآورد می شود. سپس با مقایسه نتایج برآوردها با میزان مالیات وصول شده، اندازه شکاف مالیاتی بدست می آید. آمار سازمان مالیاتی از میزان شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان، در سطح کلان و با محاسبه اختلاف بین شکاف کل مالیاتی و فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی به دست آمده است. در این گزارش حجم شکاف کل در پایه های عمده شامل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی مانند مالیات بر درآمد مشاغل، مالیات بر درآمد مستغلات و مالیات بر درآمد حقوق و مالیات بر درآمد شرکت ها (مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی) و مالیات بر مصرف

برآورد شده است و سپس در گام بعدی، ارقام مربوط به فرار ناشی از بخش غیررسمی از آن کسر شده است. با توجه به برخی اشتباهات گزارش سازمان امور مالیاتی اعم از انتقال اشتباه از گزارش خارجی، مبنای قرار دادن آمار مرجع غیررسمی و ... در محاسبه شکاف مالیاتی بخش اقتصاد زیرزمینی ارقام مربوطه اصلاح شد و محاسبات جدید شکاف انجام گرفت. بنابراین میزان شکاف مالیاتی طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ به صورت جدول (۲) برآورد می شود (ارقام بر حسب هزار میلیارد ریال):

جدول ۲. برآورد شکاف مالیاتی ایران طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

عنوان	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
تولید ناخالص داخلی	۱۱۸۰۵	۱۲۵۵۱	۱۲۱۸۰	۱۴۹۰۷	۱۷۹۷۲	۲۵۸۳۰	۳۴۲۵۵	۵۰۳۰۰
مالیات وصولی با احتساب عوارض ارزش افزوده پرداختی به شهرداریها	۵۸۷	۸۳۳	۸۹۸	۱۱۵۸	۱۳۶۶	۱۴۹۴	۱۸۷۱	۲۴۱۵
حجم اقتصاد غیررسمی (به عنوان درصدی از GDP)	۱۷۰۶	۱۷۰۵	۱۷۰۹	۱۷۰۶	۱۷۰۵	۱۷۰۸	۱۷۰۸۷	۱۷۰۹۴
حجم اقتصاد غیررسمی برآوردی	۲۰۷۸	۲۱۹۷	۲۱۸۱	۲۶۲۴	۳۱۴۴	۴۵۹۸	۶۱۲۲	۹۰۲۴
فرار مالیاتی در بخش اقتصاد غیررسمی	۱۶۷	۱۷۶	۱۷۵	۲۱۰	۲۵۲	۳۶۸	۴۹۰	۷۲۲
شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان	۵۹۰	۶۰۰	۵۵۹	۴۵۱	۳۷۹	۵۸۲	۵۷۵	۶۰۰
شکاف مالیاتی کل	۷۵۷	۷۷۶	۷۳۴	۶۶۱	۶۳۱	۹۵۰	۱۰۶۵	۱۳۲۲
کل ظرفیت بالقوه مالیاتی	۱۳۴۴	۱۶۰۹	۱۶۳۲	۱۸۱۹	۱۹۹۷	۲۴۴۴	۲۹۳۶	۳۷۳۷
سهم فرار مالیاتی بخش غیررسمی از شکاف کل	۲۲۰۰۶	۲۲۰۶۸	۲۳۰۸۴	۳۱۰۷۷	۳۹۰۹۴	۳۸۰۷۴	۴۶	۵۴۰۶۲
سهم شکاف عدم تمکین از کل شکاف مالیاتی	۷۷۰۹۴	۷۷۰۳۲	۷۶۰۱۶	۶۸۰۲۳	۶۰۰۰۶	۶۱۰۲۶	۵۴	۴۵۰۳۸
نسبت شکاف کل به ظرفیت بالقوه مالیاتی	۵۶۰۳۲	۴۸۰۲۳	۴۴۰۹۸	۳۶۰۳۴	۳۱۰۶	۳۸۰۸۸	۳۶۰۲۸	۳۵۰۳۸
نسبت مالیات وصولی به ظرفیت بالقوه مالیاتی (تلاش مالیاتی)	۴۳۰۶۸	۵۱۰۷۷	۵۵۰۰۲	۶۳۰۶۶	۶۸۰۴	۶۱۰۱۲	۶۳۰۷۲	۶۴۰۶۲

منبع: بانک جهانی، سازمان مالیاتی و محاسبات گزارش

بررسی روند میزان شکاف مالیاتی در کشور از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نشانگر افزایش رقم مطلق شکاف مالیاتی از ۷۵ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ به ۱۳۱ هزار میلیارد تومان در سال ۹۹ است. منتها بررسی نسبت استاندارد و بدون واحد از شکاف مالیاتی می تواند مقایسه و ارزیابی

دقیقتری ارائه دهد. بدین منظور باید از نسبت شکاف مالیاتی به ظرفیت بالقوه درآمدهای مالیاتی استفاده کرد. این شاخص از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ فراز و نشیب داشته و روند یکسانی نداشته است و از ۵۶ درصد به ۳۵ درصد رسیده است. این نسبت به طور متوسط در ۸ سال

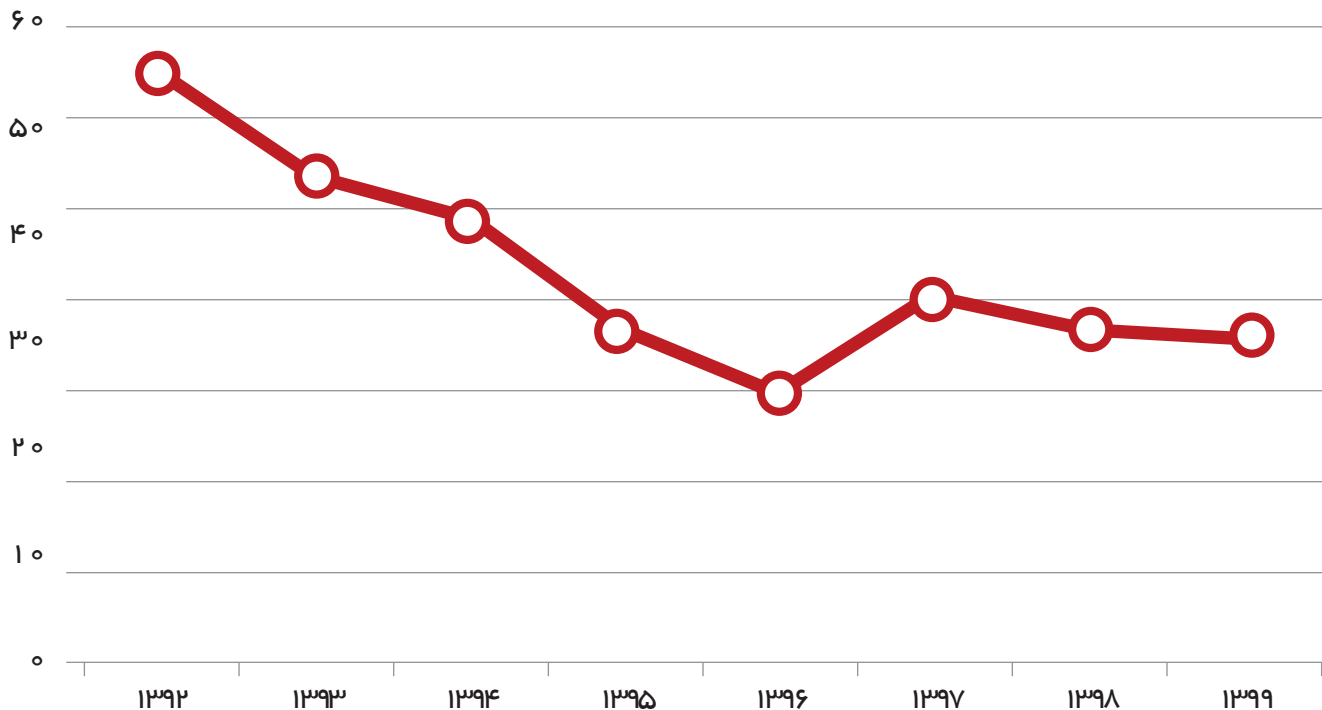
گذشته ۴۱ درصد بوده است. نسبت مالیات وصولی به ظرفیت بالقوه مالیاتی که به عنوان شاخص تلاش مالیاتی شناخته می شود از ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۶۴ درصد در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است.

این شاخص را در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نشان می دهد:

کشورهای پیشرو در نظام مالیاتی برای ارزیابی وضعیت نظام مالیاتی خود به سراغ آن رفته اند. نمودار زیر روند

شاخص نسبت شکاف مالیاتی به کل ظرفیت بالقوه نظام مالیاتی (تلاش مالیاتی)، شاخصی است که اخیراً

نمودار ۲. روند نسبت شکاف مالیاتی به ظرفیت کل مالیاتی در ایران (درصد)

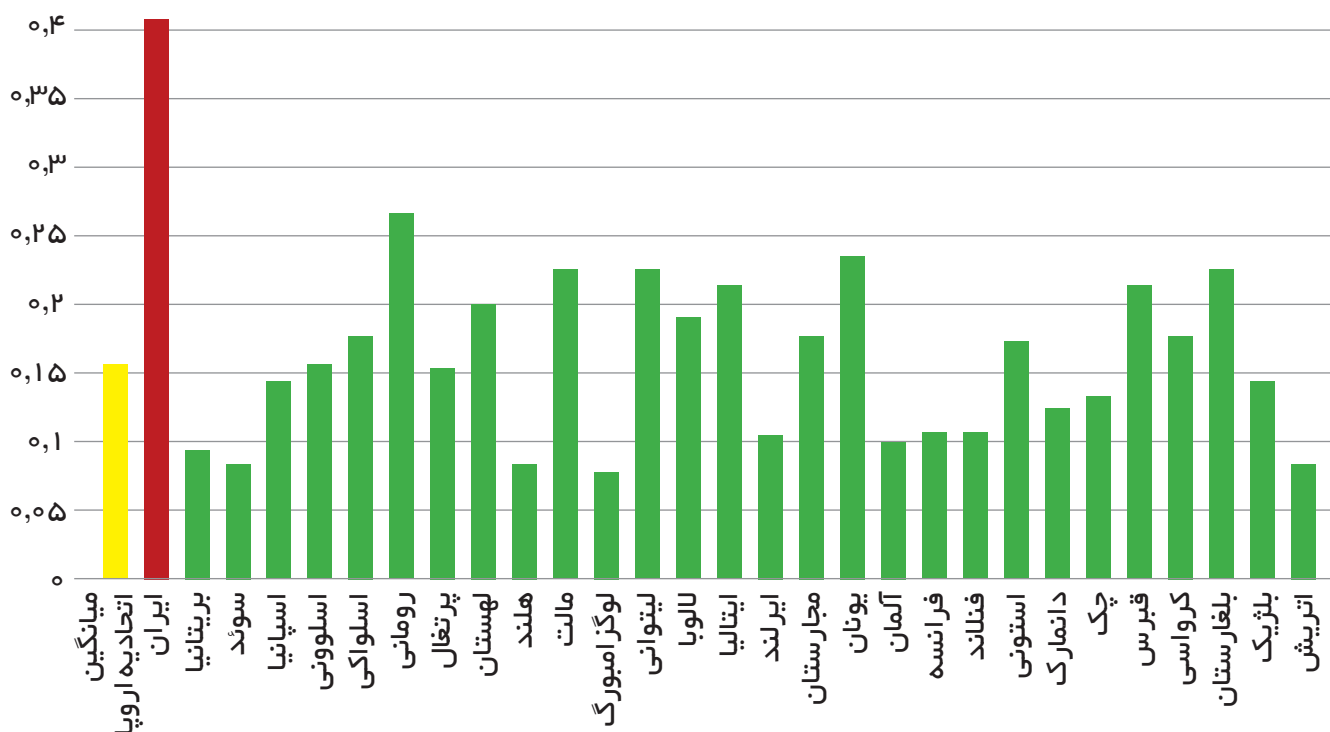


مقایسه شده است که نشانگر سه برابر بودن شاخص تلاش مالیاتی در ایران نسبت به میانگین اتحادیه اروپا است.

شاخص تلاش مالیاتی در مورد ایران طی سال های اخیر نسبت به سایر کشورها (کشورهای عضو اتحادیه اروپا)

همچنین درک وضعیت شاخص تلاش مالیاتی در مقایسه با سایر کشورها نیز مفید خواهد بود. بر این اساس میانگین

نمودار ۳. مقایسه نسبت شکاف مالیاتی به ظرفیت کل مالیاتی



اگر سازمان مالیاتی که متولی اصلی جمع درآمدهای مالیاتی در کشور است نسبت به این موضوع درک شفاف و درستی نداشته باشد، ضرورت توجه به این مسئله را درک نکرده و اقدام عاجل و مناسبی انجام نمی‌دهد. درک این مسئله با وجود نیاز شدید کشور به درآمدهای پایدار و سالم و از طرفی کاهش فشار بر بخش شفاف و مولد اقتصاد، ضرورت مقابله با شکاف مالیاتی را بهتر نمایان می‌کند.

شکاف مالیاتی به تفکیک پایه‌های مالیاتی در ایران

بررسی شکاف مالیاتی به تفکیک پایه‌های مالیاتی نسبت به بررسی کلی شکاف مالیاتی دارای مزیت است. شناخت علل مشکلاتی که موجب شکاف مالیاتی می‌شوند به تفکیک هر بخش آسانتر بوده و اطلاعات بیشتر و تحلیل دقیق‌تری از مسئله ارائه می‌دهد. شناخت بهتر شکاف به تفکیک پایه‌های مالیاتی، جایگاه هر پایه مالیاتی را در هندسه و ساختار نظام مالیاتی معین کرده و برای کشف راهکار متناسب با هر پایه مالیاتی لازم است. لذا در گزارشهای مربوط به شکاف مالیاتی در کشورهای پیشرو در نظام مالیاتی به این رویکرد توجه جدی شده و شکاف مالیاتی علاوه بر برآورد کلی، به صورت جزئی و به تفکیک پایه‌های مالیاتی و حتی به تفکیک گروه‌های مختلف مودیان ارائه و تحلیل می‌شود. این پژوهش نیز بررسی شکاف مالیاتی به تفکیک اصلی‌ترین پایه‌های مالیاتی صورت گرفته است.

مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی

مالیات بر درآمد در ایران شامل مالیات بر درآمد حقوق کارکنان بخش عمومی، حقوق کارکنان بخش خصوصی، درآمد مشاغل، مستغلات و درآمد متفرقه است. بر اساس آخرین آمار سازمان امور مالیاتی در سال ۹۹ سهم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی از کل درآمدهای مالیاتی تنها

۱۹ درصد است. بیشترین سهم درآمدهای مالیات (بیشتر از ۴۳ درصد) مربوط به مالیات بر کالا و خدمات و بعد از آن مربوط به مالیات بر شرکت‌ها (حدود ۲۷ درصد) است. این در حالی است که این رقم در کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت است.

۱۹ درصد مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی شامل ۶ درصد مالیات بر حقوق کارکنان بخش عمومی، ۲،۵ درصد مالیات بر حقوق کارکنان بخش خصوصی، ۶ درصد مالیات بر مشاغل، ۱ درصد مالیات بر مستغلات و کمتر از ۱ درصد مالیاتهای متفرقه است.

بر اساس گزارش برآورد شکاف مالیاتی سازمان امور مالیاتی حدود ۵۵ درصد از شکاف مالیاتی در کشور مربوط به شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد است. جزئیات این آمار نشان می‌دهد که بیشترین شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد مربوط به مالیات بر مشاغل (۸،۵۱ درصد) است. همچنین کمترین میزان شکاف مالیاتی نیز مربوط به مالیات بر حقوق (۱ درصد) است.

باید دقت داشت که محاسبات سازمان مالیاتی در مورد شکاف مالیاتی دو بخش اصلی دارد. بخش اول مربوط به شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان و بخش دوم شکاف ناشی از اقتصاد غیررسمی است. در مورد بخش اول نیاز به داده‌ها و پرونده‌های مالیاتی است و بخش دوم بر مبنای میزان اقتصاد غیررسمی محاسبه می‌شود که به دلیل اشتباه سازمان در انتقال اطلاعات، صحت محاسبات دچار خدشه است. ضمن اینکه در محاسبه تفکیکی شکاف مالیاتی، شکاف ناشی از عدم تمکین و شکاف ناشی از اقتصاد غیررسمی در هر پایه مالیاتی، به طور جداگانه بیان نشده است و امکان اصلاح اطلاعات و به روزآوری آن با تکیه بر محاسبات گزارش حاضر را ناممکن کرده است.

از آنجا که درک میزان سهم هر پایه مالیاتی از کل شکاف، اهمیت بالاتری از نظر سیاستی (علمی) نسبت به رقم

اسمی (حجم ریالی) شکاف دارد، ارقام مربوط به شکاف هر پایه مالیاتی به نسبت شکاف کل محاسبه شده در سال ۹۸ تعدیل و اصلاح شده و بر مبنای روند کلی شکاف مالیاتی برای سال ۹۹ نیز پیش‌بینی حجم شکاف مالیاتی صورت گرفته است.

ارقام شکاف مالیاتی اشخاص حقیقی و سایر پایه‌های مالیاتی مربوط به شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان بوده و ناشی از اقتصاد غیررسمی نیست؛ لذا در این گزارش در مورد شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان، از ارقام اعلامی گزارش سازمان امور مالیاتی استفاده شده است. از آنجا که برآورد کل شکاف مالیاتی سازمان با برآورد این گزارش متفاوت است، طبیعتاً میزان شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان نیز متفاوت خواهد بود. لذا باید در میزان شکاف مالیاتی ناشی از عدم تمکین مودیان به تفکیک هر پایه مالیاتی، تعدیل و اصلاح صورت بگیرد. به این معنی که پس از کسر میزان شکاف مالیاتی از شکاف کل، میزان شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان بدست می‌آید. سپس به نسبت سهمی که هر پایه مالیاتی از میزان شکاف داشته است (طبق محاسبات اولیه سازمان)، رقم جدید شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی مشخص می‌شود. در مورد سال ۹۹ نیز بر اساس روند شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی میزان شکاف مالیاتی سال ۹۹ برای هر پایه مالیاتی پیش‌بینی می‌شود.

بر اساس نتایج تحقیق در گزارش حاضر تخمین زده شده است که در سال ۹۹ حدود ۱۳۲۲ هزار میلیارد ریال شکاف مالیاتی وجود دارد. بر همین اساس با مینا قرار دادن روند شکاف مالیاتی در بخش مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی در سال‌های گذشته، پیش‌بینی میزان شکاف مالیاتی اشخاص حقیقی برای سال ۹۹ انجام می‌شود.

جدول زیر میزان شکاف مالیاتی اشخاص حقیقی طی سالیهای ۹۲ تا ۹۸ را نشان می‌دهد:

جدول ۳. روند شکاف مالیاتی اشخاص حقیقی

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
میزان شکاف (میلیارد تومان)	۳۲۸۲۸	۳۶۸۲۹	۳۷۷۳۴	۳۲۱۶۴	۳۱۲۲۶	۴۱۰۰۰	۵۷۹۵۳

بر پایه این جدول، پیش‌بینی میزان شکاف مالیاتی بخش اشخاص حقیقی برای سال ۹۹ به روش رگرسیون انجام می‌شود که میزان شکاف مالیاتی برآوردی حدود

۸۲ هزار میلیارد تومان خواهد بود. بنابراین میزان شکاف مالیاتی در سال ۹۸ و ۹۹ اصلاح شد و بر این اساس میزان شکاف مالیاتی ناشی از اشخاص حقیقی با رقم ۶۲،۴

درصد، بالاترین سهم از کل شکاف مالیاتی را شامل می‌شود که مالیات مشاغل با سهم بیش از ۵۹ درصدی از کل شکاف، اصلی‌ترین بخش آن را تشکیل می‌دهد.

جدول ۴. شکاف مالیاتی پایه‌های مختلف در سال ۹۸ و ۹۹

مستغلات	مشاغل	حقوق	جمع	مالیات بر اشخاص حقوقی	مالیات بر مصرف
۱۶۷۵	۵۵۱۸۳	۱۰۹۴	۵۷۹۵۳	۳۳۱۶۰	۱۵۲۷۹
۲۳۷۰	۷۸۰۸۴	۱۵۴۸	۸۲۱۰۰	۳۲۰۰۰	۱۷۰۰۰
۱۰۵۷	۵۱۰۸	۱	۵۴۰۴	۳۱۰۱	۱۴۰۴
۱۰۸	۵۹۰۰۶	۱۰۱۷	۶۲۰۱	۲۴۰۵	۱۲۰۱
۱۰۸	۶۲۷	۶۰۵	۲۰۶	۵۷	۱۸۰۷
نسبت شکاف به درآمد در سال ۹۹ (درصد)					

مالیات مشاغل

نکته جالب توجه این است که سهم مالیات بر مشاغل در سالهای اخیر کاهش یافته است. آمارها نشان می دهد که سهم مالیات بر درآمد مشاغل از مجموع درآمد مالیاتی مالیاتهای مستقیم و مالیات بر کالا و خدمات از ۶,۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵,۹ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است. اگر چه رقم مالیات بر درآمد در این سالها افزایش یافته اما با این حال در سالهای اخیر این روند کاهشی بوده است. با توجه به رشد سایر درآمدهای مالیاتی سهم این مالیات کاهش یافته است. شفافیت کمتر و نبود اطلاعات کافی از فعالیت های اقتصادی در بخش مشاغل از دلایل عمده این کاهش محسوب می شود.

مالیات حقوق

مالیات بر حقوق از آنجایی که در هنگام پرداخت کسر می شود و کمترین میزان فرار مالیاتی را دارد و سهم شکاف مالیاتی این پایه مالیاتی تنها یک درصد است. از

طرفی دیگر چون دریافت این نوع مالیات برای سازمان مالیاتی بسیار ساده و به صورت کسر در منبع (مالیات تکلیفی) است، بیشترین سهم از درآمدهای مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی را دارد. ساز و کار اخذ مالیات به صورت کسر در منبع به این صورت است که مالیات بر درآمد یا منبع مشمول مالیات ابتدا محاسبه شده و در نقطه گلوگاهی و قبل از رسیدن درآمد یا منبع مالی به ذینفع درآمد، کسر شده و بدون نیاز به ارائه اظهارنامه و بدون وقفه به سازمان امور مالیاتی پرداخت می شود.

مالیات مستغلات

میزان این مالیات نسبت به سایر پایه های مالیاتی ناچیز است. البته در همین میزان دریافتی نیز با توجه به نبود سامانه های اطلاعاتی کافی و در دسترس نبودن اطلاعات لازم برای سازمان مالیاتی شکاف مالیاتی زیادی وجود دارد.

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی یا همان مالیات بر درآمد شرکتها، یکی از زیرمجموعه های مالیاتهای مستقیم است که نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. بر اساس بانک داده های سازمان امور مالیاتی کشور، مالیات بر درآمد شرکتها (اشخاص حقوقی) به عنوان یکی از مهمترین منابع مالیاتی کشور، در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۴۷,۲ درصد مالیاتهای مستقیم و ۲۶ درصد کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می دهد. سهم مالیات بر درآمد شرکتها از کل درآمدهای مالیاتی طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ به طور متوسط ۳۵ درصد بوده است.

وضعیت شکاف مالیاتی در بخش اشخاص حقوقی نامناسب است و سهم این پایه مالیاتی از کل شکاف، قابل ملاحظه بوده و طی سالهای ۹۲ تا ۹۸ به طور میانگین ۷۳,۴۲ درصد بوده است. در جدول زیر شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی طبق محاسبات گزارش نمایش داده شده است.

جدول ۵. شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی در ایران

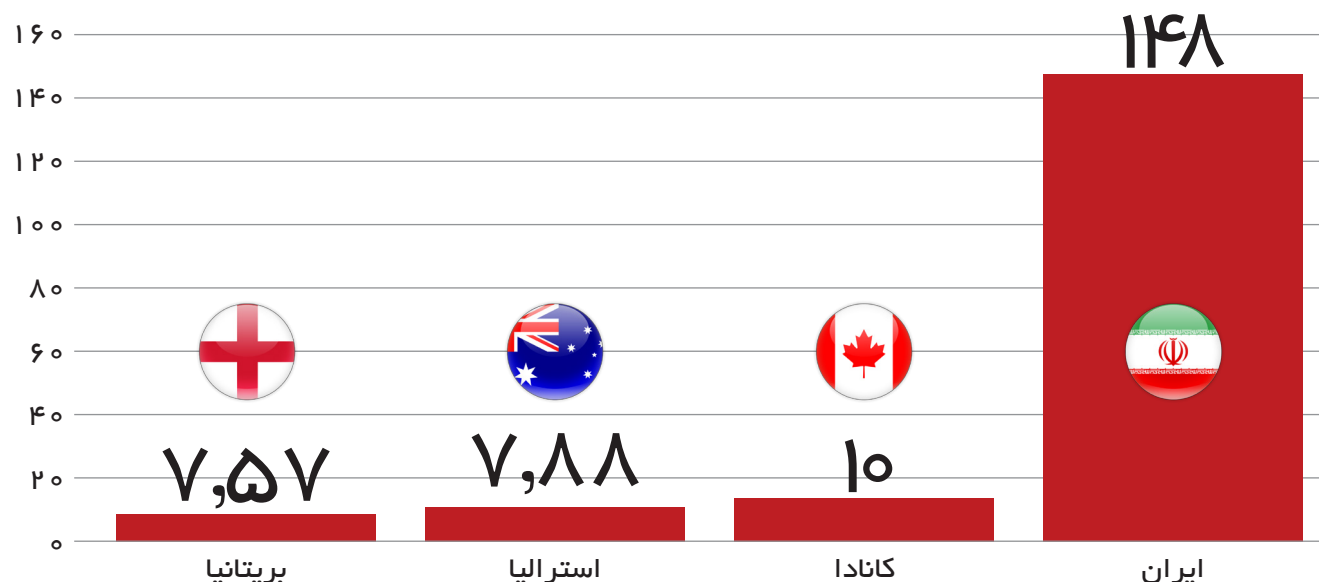
سال	سهم شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی از کل شکاف (درصد)	حجم شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی (هزار میلیارد تومان)	درآمد مالیاتی پایه مالیات اشخاص حقوقی (هزار میلیارد تومان)
۱۳۹۲	۵۱.۵۲	۳۹	۱۷۰.۹۹
۱۳۹۳	۴۵.۸۶	۳۵.۵۹	۲۴۰.۰۴
۱۳۹۴	۳۷.۷۷	۲۷.۷۳	۲۷۰.۸۹
۱۳۹۵	۴۴.۸۵	۲۹.۶۵	۳۲۰.۰۳
۱۳۹۶	۴۴.۲۱	۲۷.۰۹	۳۷۰.۳۸
۱۳۹۷	۴۳.۸۳	۴۱.۶۴	۴۱۰.۴۹
۱۳۹۸	۳۱.۱۲	۳۳.۱۶	۴۴۰.۳۰

اشخاص حقوقی با برخی کشورهای توسعه یافته نشان می دهد، تفاوت بسیار زیادی در شاخص شکاف مالیاتی بین ایران و این کشورها وجود دارد.

برخی کشورهای پیشرو در نظام مالیاتی مقایسه شود، وضعیت شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی بهتر نمایان می شود. مقایسه تطبیقی شکاف مالیاتی شرکتها و

داده های جدول بالا نمایشگر میزان شکاف مالیاتی در اشخاص حقوقی به نسبت کل شکاف مالیاتی ایران و مقایسه نسبت به گذشته است. اگر این میزان شکاف با

نمودار ۴. مقایسه نسبت شکاف به درآمد مالیاتی اشخاص حقوقی در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) (درصد)



آمارها در مورد میزان شکاف مالیاتی اشخاص حقوقی در ایران تا سال ۱۳۹۸ وجود دارد و البته در مورد اشخاص حقوقی می توان این اطمینان خاطر را داشت که تقریباً همه درآمد مالیاتی از دست رفته (شکاف مالیاتی) از ناحیه بخش رسمی است و شخص حقوقی غیر رسمی وجود ندارد زیرا که رسمیت و بهره مندی این اشخاص از شخصیت حقوقی نیازمند ثبت است.

برای برآورد شکاف مالیاتی دوروش بالا به پایین (کلان و مبتنی بر حسابهای ملی) و روش پایین به بالا (خرد و مبتنی بر اظهارنامه ها و پرونده ها) وجود دارد. روش پایین به بالا روشی دقیقتر و مناسبتر برای برآورد شکاف مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی است. دسترسی به آمار پرونده ها و اظهارنامه ها بسیار مشکل و در سطح اختیارات سازمان مالیاتی است. از طرفی



فراوان و تغییر و تحولات بسیار نرخ و معافیت ها، خطای زیادی داشته باشد. لازم به ذکر است از آنجا که آخرین جداول آماری داده - ستانده تنها مربوط به سال ۱۳۹۰ است و تاکنون (تیر ۱۴۰۱) جداول جدیدی توسط مرکز آمار منتشر نشده است، محاسبه شکاف مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تنها برای سال ۱۳۹۰ میسر است. لذا محاسبه میزان شکاف مالیاتی یا باید بر اساس اظهارنامه‌ها اطلاعات جزئی آنها برآورد شود که چنین اطلاعاتی در دست نیست و یا باید از فروض ساده ساز استفاده کرد. میزان شکاف مالیاتی در سالهای دیگر را با استفاده از ضرایبی تخمین زد که این موضوع با توجه به تغییر مکرر نرخ مالیات بر ارزش افزوده در این سالها و برداشته شدن تدریجی برخی معافیت‌ها کاری بسیار سخت و پیچیده است. البته در گزارش مهاجری و سبحانیان (۱۳۹۶) در مورد سالیهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵، تخمینی ارائه شده است، اما به دلیل احتمال بیش‌برآوردی و خطای زیاد، از این اطلاعات استفاده نشد. میزان شکاف مالیاتی ارزش افزوده در سال ۱۳۹۰ بر اساس جداول داده - ستانده ۸۰۰۳۷ میلیارد ریال برآورد شده است که در مقایسه با کل درآمد مالیاتی آن سال که ۳۰۴۱ هزار میلیارد تومان بوده، حدود ۱۹ درصد آن را تشکیل می‌دهد که رقم قابل ملاحظه‌ای است. بنابراین تنها آمار از شکاف مالیات بر ارزش افزوده به طور جداگانه که قابل استناد باشد، مربوط به سال ۱۳۹۰ است که برآورد ۸۰۰۳۷ میلیارد ریال از آن شده است.

مالیات بر واردات

یکی از انواع مالیاتهای غیرمستقیم ذیل مالیات بر مصرف، مالیات بر واردات است. این نوع از مالیات تابع سیاست‌های کلان بازرگانی و شرایط اقتصادی کشور است. همچنین مالیات بر واردات می‌تواند علاوه بر درآمدزایی به عنوان ابزاری برای حمایت از صنایع داخلی نیز استفاده شود. معمولاً این دسته از مالیاتها بر اساس قیمت و ارزش یک کالا یا ویژگی‌ها و مشخصات آن تعیین و دریافت می‌شود که مالیات بر واردات خود به سه صورت تقسیم بندی می‌شود، که شامل: حقوق و عوارض گمرکی، سود بازرگانی و عوارض بر واردات خودرو است.

کرده‌اند. اهمیت بررسی شکاف مالیاتی در این پایه مالیاتی در کشور این است که بیش از ۳۰۲۵ درصد از درآمدهای مالیاتی کشور در سال ۱۳۹۹ از این مسیر بدست آمده است و مالیات بر ارزش افزوده نقش مهمی در ایجاد شفافیت درآمدی دارد. به لحاظ نظری مالیات بر ارزش افزوده اثر اختلال زایی بر تولید ندارد و نسبت به سایر درآمدهای مالیاتی از پایداری بیشتری برخوردار است. وقتی به دلیل فرار یا تقلب مالیاتی از یک سو و سیاستگذاری مالیاتی از سوی دیگر از الگوی نظری مالیات بر ارزش افزوده فاصله گرفته می‌شود (یعنی شکاف تمکین و شکاف سیاستی افزایش می‌یابد)، اعمال این مالیات اثر اختلالی بر تولید خواهد داشت.

شکاف مالیات بر ارزش افزوده

شکاف مالیات بر ارزش افزوده عبارت است از تفاوت بین مقدار مالیات بر ارزش افزوده‌ای که به صورت نظری بر پایه قوانین و مقررات مرتبط با مالیات بر ارزش افزوده برآورد می‌شود و مالیات بر ارزش افزوده‌ای که به صورت واقعی جمع‌آوری شده است. مهاجری و سبحانیان (۱۳۹۶) در مقاله با عنوان «برآورد شکاف سیاستی و شکاف تمکین در نظام مالیات بر ارزش افزوده ایران» با استفاده از جدول داده - ستانده محصول در محصول و حسابهای ملی کشور طی سالیهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ شکاف سیاستی و شکاف تمکین در نظام مالیات بر ارزش افزوده را محاسبه کردند. بر اساس نتایج این تحقیق در طول اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده یعنی از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۵ به طور میانگین سالانه حدود ۱۱۰۴ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی از دست رفته (شکاف مالیاتی) است.

سهم دولت از این میزان درآمد مالیاتی حدود ۸۰۶ هزار میلیارد تومان و سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها حدود ۶۰۴ هزار میلیارد تومان بوده است. البته آمار ارائه شده در این گزارش تنها برای سال ۱۳۹۰ که جداول داده - ستانده برای آن وجود داشته به طور دقیق ارائه شده است و برای سال‌های قبل و بعد از ۱۳۹۰، تخمین ارائه شده است که بنا به اذعان خود گزارش ممکن است به دلیل وجود متغیرهای

بنابراین شرکت‌ها و اشخاص حقوقی برای حاکمیت مشخص و معین هستند و ماهیت وجودی آنها و بهره‌مندی از مزایای شخصیت حقوقی، نیازمند ثبت رسمی آن‌ها توسط حاکمیت است. به این ترتیب خود شرکت برای حاکمیت شناخته شده است اما ممکن است اشخاص حقوقی فعالیت‌هایی انجام دهند که از دید حاکمیت مخفی بماند. با توجه به اینکه همه اشخاص حقوقی در بخش رسمی هستند، می‌توان مبتنی بر آمار شکاف مالیاتی سالهای گذشته اشخاص حقوقی، پیش‌بینی و تخمین مناسبی برای سال ۱۳۹۹ ارائه داد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود با توجه به عدم انجام اقدام مناسب و تحولی در سالهای اخیر برای کاهش شکاف مالیاتی، حجم شکاف مالیاتی کاهش چشم‌گیری نداشته باشد و به رقمی حدود ۳۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ برسد.

مالیات بر مصرف

مالیات بر مصرف نوعی از مالیاتهای غیرمستقیم است که بر روی کالاها و خدمات وضع می‌شود و عموماً مصرف‌کننده نهایی آن را پرداخت می‌کند. مالیات بر مصرف در ایران به دو دسته عمده مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر واردات تقسیم می‌شود. شکاف مالیاتی و عوامل موثر بر آن در هر یک از دو دسته فوق به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مالیات بر ارزش افزوده

تعاریف متعددی از مالیات بر ارزش افزوده ارائه شده است. طبق بند ج ماده ۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰، مالیات بر ارزش افزوده عبارت است از مابه‌التفاوت مالیات و عوارض فروش با مالیات و عوارض خرید در یک دوره معین. تعریف بهتر و گویاتر آن است که مالیات بر ارزش افزوده، مالیات غیرمستقیمی است که بر تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری یا تحصیل شده در یک دوره معین وضع می‌گردد. مالیات بر ارزش افزوده یک سیاست مالیاتی فراگیر در جهان محسوب می‌شود و در حال حاضر بیش از ۱۶۰ کشور جهان این نظام مالیاتی را اجرا

شکاف مالیات بر واردات

شکاف مالیات بر واردات در مصادیق مختلفی رخ می‌دهد. برخی از فروشهای مشمول مالیات تحت عنوان معاف یا مشمول نرخ صفر، واردات غیرقانونی و قاچاق، عدم ثبت نام در مهلت مقرر و ... به عنوان مسیرهای عدم پرداخت مالیات و شکاف مالیاتی محسوب می‌شوند.

در مورد برآورد میزان شکاف مالیات بر واردات، هیچگونه گزارشی یافت نشد و تخمینی از این شکاف ارائه نشده است.

برآورد میزان شکاف مالیاتی در ایران؛ همراه با

بررسی تجارب جهانی

مالیات بر مصرف ارائه شده که به تفکیک مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر واردات نیست. این آمار بر اساس محاسبات کلی گزارش حاضر از شکاف مالیاتی، تعدیل شده است. ارقام تفکیکی شکاف مالیاتی منتشر شده توسط سازمان امور مالیاتی در مورد مالیات های غیرمستقیم و سایر پایه های مالیاتی مربوط به شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان بوده و ناشی از اقتصاد غیررسمی نیست؛ لذا در این گزارش در مورد شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان، از ارقام اعلامی گزارش سازمان امور مالیاتی استفاده شده است. از آنجا که برآورد کل شکاف مالیاتی سازمان با برآورد این گزارش

متفاوت است، طبیعتاً میزان شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان نیز متفاوت خواهد بود. لذا باید در میزان شکاف مالیاتی ناشی از عدم تمکین مودیان به تفکیک هر پایه مالیاتی، تعدیل و اصلاح صورت بگیرد. به این معنی که پس از کسر میزان شکاف مالیاتی از شکاف کل، میزان شکاف ناشی از عدم تمکین مودیان بدست می‌آید. سپس به نسبت سهمی که هر پایه مالیاتی از میزان شکاف داشته است (طبق محاسبات اولیه سازمان)، رقم جدید شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی مشخص می‌شود. در مورد سال ۹۹ نیز بر اساس روند شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی میزان شکاف مالیاتی سال ۹۹ برای هر پایه مالیاتی پیش بینی می‌شود.

جدول ۶. میزان شکاف مالیات بر مصرف طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در ایران

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
میزان شکاف مالیات بر مصرف (میلیارد تومان)	۳۸۶۸۰۲	۵۱۴۹۰۷	۷۹۲۸۰۱	۴۲۶۳۰۲	۲۸۶۷۰۴	۱۲۳۱۸	۱۵۳۸۰۶
سهم از کل شکاف (درصد)	۵۰	۶۰۶۳	۱۰۰۸	۶۰۴۴	۶۰۱۲	۱۲۰۹۶	۱۴۰۴۴

شکاف مالیاتی ایجاد کنند.

نتیجه گیری

تامین منابع درآمدی دولت از هر روشی به جز درآمد پایدار مالیاتی با آسیب‌ها و مضراتی نظیر تورم روبروست. در کوتاه مدت افزایش کارایی نظام مالیاتی در تامین منابع درآمدی با وجود ساختار و قوانین فعلی، از مسیر کاهش درآمدهای مالیاتی از دست رفته (شکاف مالیاتی) میسر است. کاهش شکاف مالیاتی نیازمند برآورد صحیح و مستمر آن توسط متولی جمع درآمدهای مالیاتی، یعنی سازمان امور مالیاتی کشور است. محاسبه شکاف مالیاتی نه تنها به دلیل نشان دادن درآمدهای از دست رفته اهمیت دارد بلکه می‌تواند نقاط مهم، حساس و گلوگاهی طراحی قوانین را که مدیریت و اجرای آن را دچار خدشه کرده، شناسایی کند. علاوه بر این، شکاف مالیاتی می‌تواند شواهدی مبنی بر ناکارآمدی طراحی سیاست‌های مالیاتی را نمایش دهد. تحلیل شکاف مالیاتی آثار مثبتی از جمله پیش‌بینی و درک رفتار مودیان در قبال سیاست‌های مالیاتی، کشف ناعدالتی‌ها و نابرابری‌های مالیاتی، ایجاد امکان کاهش پیچیدگی‌ها و ساده‌سازی به منظور افزایش تمکین، تحلیل و اندازه‌گیری پایداری نظام مالیاتی و درآمدهای آن، کمک به افزایش شفافیت نظام مالیاتی و ... به همراه دارد.

بررسی شکاف مالیاتی به تفکیک پایه‌های مالیاتی نیز نشان می‌دهد، حدود ۶۲ درصد از شکاف مالیاتی در کشور با حجمی بیش از ۸۲ هزار میلیارد تومان مربوط به شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی است. جزئیات این آمار نشان می‌دهد که بیشترین شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد مربوط به مالیات بر مشاغل (۵۹ درصد از کل شکاف مالیاتی) است. همچنین کمترین میزان شکاف مالیاتی نیز مربوط به مالیات بر حقوق (۱ درصد) است. بر اساس تحقیقات انجام شده ثروتمندان بیشترین فرار مالیاتی را دارند.

تصمیم می‌گیرد به انتخاب خود آنها را وصول نکند. (منظور معافیت‌ها و مشوقهای مالیاتی است). اگر مخارج مالیاتی (میزان معافیت‌های داده شده) محاسبه و برآورد نشود، بدان معناست که یک عنصر اساسی از داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی صحیح شکافهای مالیاتی از بالا به پایین در اکثر کشورها به راحتی در دسترس نیست. استفاده از چنین کمک هزینه‌ها و تسهیلاتی، بخشی عادی از مدیریت مالی اکثر کشورها است، اما می‌تواند مقدار قابل توجهی داشته باشد. به عنوان مثال، معافیت‌های مالیاتی عمده ارائه شده در بریتانیا در سال مالیاتی ۲۰۱۷-۲۰۱۶ به ۴۰۶ میلیارد پوند رسید، در حالی که کل درآمدهای مالیاتی ۶۷۲ میلیارد پوند در همان سال بود. مخارج مالیاتی در بریتانیا، اگر به درستی ثبت شود به ۶۰ درصد مالیات جمع‌آوری شده می‌رسد. به نظر می‌رسد مقیاس این هزینه‌ها مستلزم مدیریت موثر این هزینه‌های مالیاتی باشد.

سرریزهای مالیاتی

سرریزهای مالیاتی داده‌های مهم شکاف مالیاتی هستند، اما همه داده‌ها محدودیت‌هایی دارند و نیاز به تفسیر دارند. ارزیابی سرریز مالیات می‌تواند به مسئولان مالیاتی کمک کند تا علل شکاف‌های مالیاتی را شناسایی کنند. بررسی سرریز مالیاتی خطرات ناشی از سیستم‌های مالیاتی را ارزیابی می‌کند. خطراتی که در سطح بین المللی ایجاد می‌شود و آن خطراتی که سیستم‌های مالیاتی سایر کشورها برای نظام مالیاتی کشور اصلی ایجاد می‌کنند.

نتیجه اجتناب‌ناپذیر چنین ارزیابی سرریز مالیاتی این است که، اگر به درستی انجام شود، بزرگترین خطراتی را که منجر به شکافهای مالیاتی در یک سیستم مالیاتی می‌شود شناسایی می‌کند و راههایی را پیشنهاد می‌کند که از طریق آن می‌توان به رفع آنها پرداخت. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا چنین ارزیابی را انجام دهند و سپس یک برنامه عملی برای رسیدگی به مسائل مربوطه با هدف کاهش

بررسی روند و سهم شکاف مالیات بر مصرف از کل شکاف مالیاتی نشان می‌دهد سهم شکاف مالیات بر مصرف رو به افزایش است. از آنجا که در ایران بیش از ۴۰ درصد کل درآمدهای مالیاتی از مالیاتهای غیرمستقیم و علی‌الخصوص مالیات بر ارزش افزوده تامین می‌شود، اهمیت مقابله با شکاف مالیاتی از این ناحیه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از طرفی مالیات بر ارزش افزوده به دلیل ماهیت خود موجب ایجاد شفافیت می‌گردد و همین عامل می‌تواند برای کاهش شکاف مالیاتی در سایر پایه‌های مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

لزوم برآورد سالانه اقتصاد زیرزمینی و شکاف مالیاتی

اگر سازمانهای مالیاتی بخواهند وظایفی را که دولت‌ها از آنها انتظار دارند به درستی انجام دهند، ضروری است که هر یک از آنها به صورت سالانه شکاف مالیاتی را برآورد کنند. برآورد برای هر سال برای کمک و هدایت آنها در سیاست‌ها و اقدامات و همچنین اندازه‌گیری اثربخشی آن اهمیت ویژه دارد.

تخمین جامع شکاف مالیاتی

اکثر برآوردهای شکاف مالیاتی در حال حاضر فقط برای مالیات بر ارزش افزوده تهیه شده است. این پایه مالیاتی، نقطه خوبی برای شروع برآورد شکاف مالیاتی است. مالیات بر ارزش افزوده مالیات بر گردش مالی در یک اقتصاد است. در نتیجه شکاف مالیات بر ارزش افزوده، تخمین خوبی از اقتصاد سایه ارائه می‌دهد، که به نوبه خود ممکن است تخمین‌هایی را که باید از شکافهای مالیاتی دیگر انجام شود، ارائه دهد. با این حال، شکافهای مالیاتی پایه‌های دیگر نیز مهم هستند. برآورد مخارج مالیاتی (میزان معافیت‌ها و مشوقهای مالیاتی).

مخارج مالیاتی اصطلاحی است که برای توصیف آن بخش از یک پایه مالیاتی موجود (مانند درآمد حاصل از اشتغال، یا سود شرکت) استفاده می‌شود که دولت



تجربه جهانی محاسبه شکاف مالیاتی

مهم آن جاست که بریتانیا هر ساله شکاف مالیاتی را محاسبه و منتشر می‌کند و معتقد است محاسبه شکاف مالیاتی ابزار مفیدی برای درک اندازه و ماهیت عدم تمکین مالیاتی است و تجزیه و تحلیل شکاف مالیاتی در تعیین استراتژی‌های سازمان مالیاتی و درک عملکرد بلندمدت نظام مالیاتی بسیار موثر است. در این گزارش به صورت جداگانه شکاف مالیاتی در هر پایه بیان شده است. بیشترین حجم شکاف مالیاتی در بریتانیا با حجم ۱۲,۱ میلیارد پوند مربوط به مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی (مالیات بر درآمد، حق بیمه ۱۳ و مالیات بر عایدی سرمایه) است. شکاف مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده با حجم ۱۰ میلیارد پوند در جایگاه بعدی قرار دارد.

برنامه‌های اداره مالیات و گمرک بریتانیا است. شکاف مالیاتی کل در بریتانیا در سال مالیاتی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ معادل ۵,۳٪ از کل بدهی‌های مالیاتی نظری (ظرفیت بالقوه) برآورد شده است. به بیان دیگر در سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰، اداره مالیاتی بریتانیا ۹۴,۷٪ از کل مالیات متعلق را تأمین کرده است.

بیشترین سهم از کل شکاف مالیاتی در سال ۲۰۲۰ بر اساس نوع مالیات با سهم ۳۶ درصدی مربوط به مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مشارکت بیمه ملی و مالیات بر عایدی سرمایه (NICS)، (IT) و (CGT) است. شکاف مالیاتی مربوط به مالیات بر ارزش افزوده بزرگترین بخش بعدی شکاف مالیاتی با ۱۲,۳ میلیارد پوند است که البته سهم آن در بلندمدت کاهش یافته است. نکته

در این بخش به توصیه‌های پارلمان اروپا درباره نحوه برآورد شکاف مالیاتی و تجربه سه کشور بریتانیا، کانادا و آمریکا در روشهای محاسبه شکاف مالیاتی و میزان آن پرداخته خواهد شد.

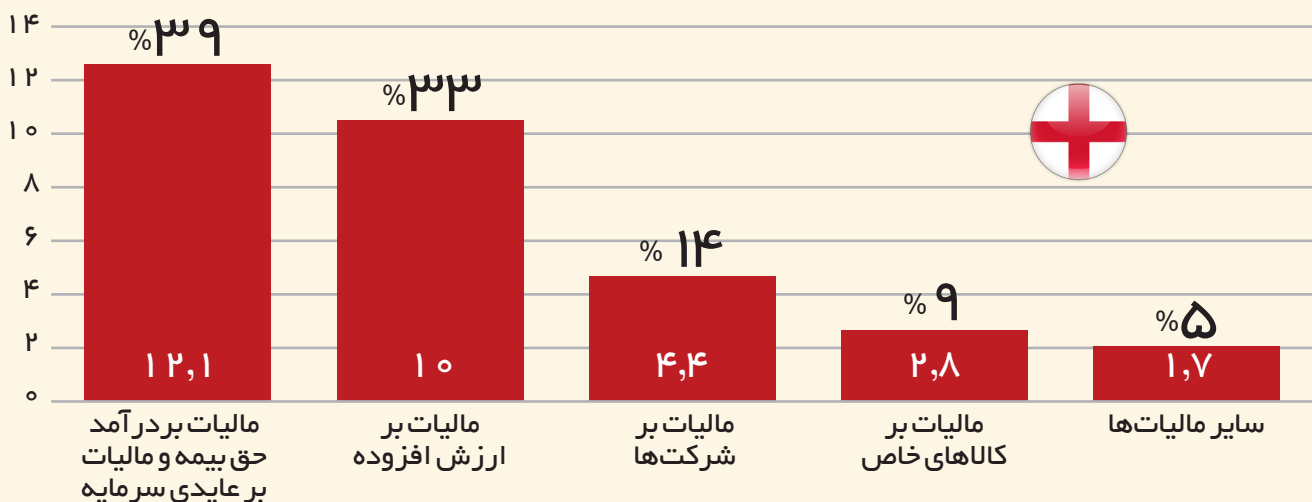
توصیه‌های پارلمان اروپا

پارلمان اروپا در گزارشی مفصل در سال ۲۰۱۹ ضمن برآورد میزان شکاف مالیاتی کشورهای اروپایی، توصیه‌هایی برای نحوه برآورد شکاف مالیاتی ارائه نموده است.

بریتانیا

دولت بریتانیا هر ساله شکاف مالیاتی را محاسبه و منتشر می‌کند. کاهش شکاف مالیاتی از اولویت‌ها و اصلی‌ترین

نمودار ۵. جزئیات شکاف مالیاتی بر اساس پایه مالیاتی در بریتانیا (درصد)

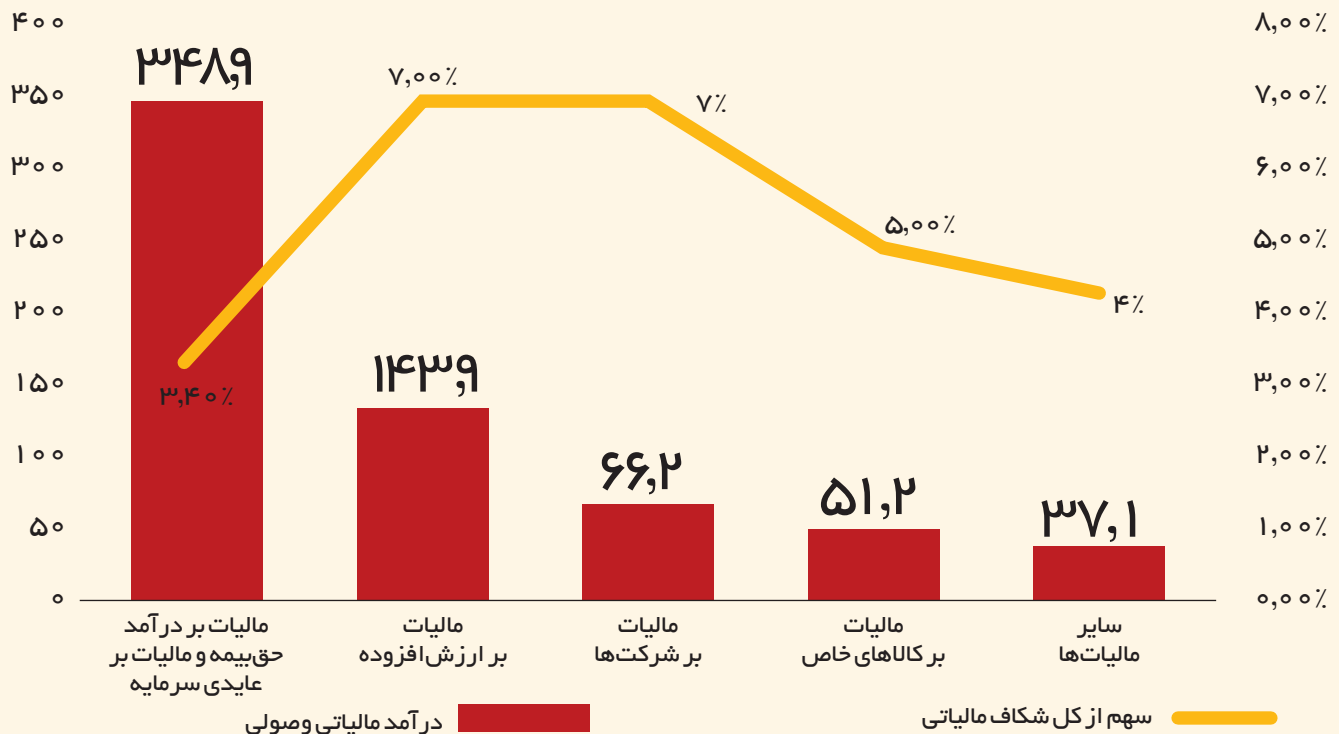


البته باید در نظر داشت که مالیات بر درآمد بیشترین سهم را در درآمدهای مالیاتی این کشور دارد، به همین دلیل حجم شکاف

مالیاتی در این پایه مالیاتی نسبت به سایر مالیاتها زیاد است. این در حالی است که با توجه به نمودار زیر مشاهده می شود

نسبت شکاف مالیاتی به مالیات پرداخت شده در مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی تنها حدود ۳،۵ درصد است.

نمودار ۶. میزان شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی در بریتانیا (میلیارد پوند)



سومین گزارش نیز در ژوئن ۲۰۱۷ به شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی (PIT) پرداخته است. بر اساس این گزارش در این پایه مالیاتی در سال ۲۰۱۴ حدود ۸،۷ میلیارد دلار (حدود ۴،۴ درصد از درآمدهای PIT) شکاف مالیاتی تخمین زده شده است. در جزئیات این گزارش آمده است که از ۸،۷ میلیارد دلار شکاف مالیاتی ۶،۵ میلیارد دلار مربوط به شکاف مالیاتی در اقتصاد زیرزمینی و ۲،۲ میلیارد دلار مربوط به عدم پرداخت بوده است.

روش های محاسبه شکاف مالیاتی در کانادا

شکاف مالیاتی در کانادا به دو روش شکاف پرداخت و اقتصاد زیرزمینی اندازه گیری شده است. در رویکرد شکاف پرداخت با توجه به داده های پرداختی موجود، شکاف مالیاتی اندازه گیری شده است. محاسبات این روش نشان می دهد که در سال ۲۰۱۴ شکاف مالیاتی حدود ۲،۲ میلیارد دلار به عبارتی دیگر ۱،۶ درصد از درآمدهای مالیات بر درآمد اشخاص بوده است. در رویکرد دوم با توجه به اقتصاد زیرزمینی میزان شکاف مالیاتی اندازه گیری شده است. در مجموع میزان درآمد پنهان اقتصاد زیرزمینی در کانادا ۵،۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بوده است که برابر با ۲،۵ درصد از درآمدهای گزارش شده (درآمدهای گزارش شده در اظهارنامه های مالیاتی) و ۱،۶ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است. گزارشهای اخیر اداره مالیاتی کانادا نشان می دهد که در سال ۲۰۱۹-۲۰ بین ۱۶،۹ تا ۲۲ میلیارد دلار به عبارتی دیگر بین ۶،۴ تا ۸،۳ درصد از درآمدهای مالیاتی شکاف مالیاتی وجود داشته است.

دست رفته را محاسبه کرد. اما به چه علت محاسبه درآمد از دست رفته می تواند مهم باشد؟ با محاسبه حدودی این عدد در واقع میزان اثربخشی و کارایی فعالیت های اداره عواید و درآمد در جمع آوری مالیات، مدیریت ریسک تمکین مودیان و جلوگیری از فرار مالیاتی مشخص می شود. در واقع محاسبه و تحلیل شکاف مالیاتی در بجه ای است که از آن می توان کل نظام مالیاتی را تحلیل و اقدامات انجام شده را ارزیابی کرد. همچنین این کار باعث شناسایی بخش های پریسک و به تبع افزایش تمرکز بر آن با توسعه ابزارهای هوش مالی در جهت استفاده از حداکثر ظرفیت مالیاتی است. محاسبه و تحلیل شکاف مالیاتی، اقدامی است که مقدمه نقد و بررسی قوانین ضعیف و غیر منصفانه است. همچنین این اقدام به بهبود حس وجود سلامت در نظام مالیاتی و در نهایت با در اختیار گذاشتن نتایج تحلیل شکاف مالیاتی به مردم باعث جلب اعتماد و درک بهتر از عملکرد مدیران مالیاتی در نزد مردم می شود. به همین دلیل سازمان درآمدهای کانادا تا به امروز سه گزارش در این باره منتشر کرده است. اولین گزارش در ژوئن ۲۰۱۶ منتشر شد و به نکات مهم و کلیدی پیرامون شکاف مالیاتی و رویکردهای متفاوت اتخاذ شده توسط ادارات مالیاتی سایر کشورها در این موضوع پرداخت. دومین گزارش نیز در ژوئن همان سال منتشر شد و به شکاف مالیاتی در مالیات بر کالاها و خدمات پرداخته است. بر اساس این گزارش شکاف مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی در سال ۲۰۱۴ حدود ۴،۹ میلیارد دلار (۷،۱ درصد از کل درآمد مالیات بر کالا و خدمات که وصول شده است) بیان شده است.

بررسی بیشتر جزئیات این گزارش نشان می دهد که تنها یک درصد از این شکاف مالیاتی مربوط به شکاف مالیاتی کارمندان است که حجم این شکاف نیز حدود ۳ میلیارد پوند است.

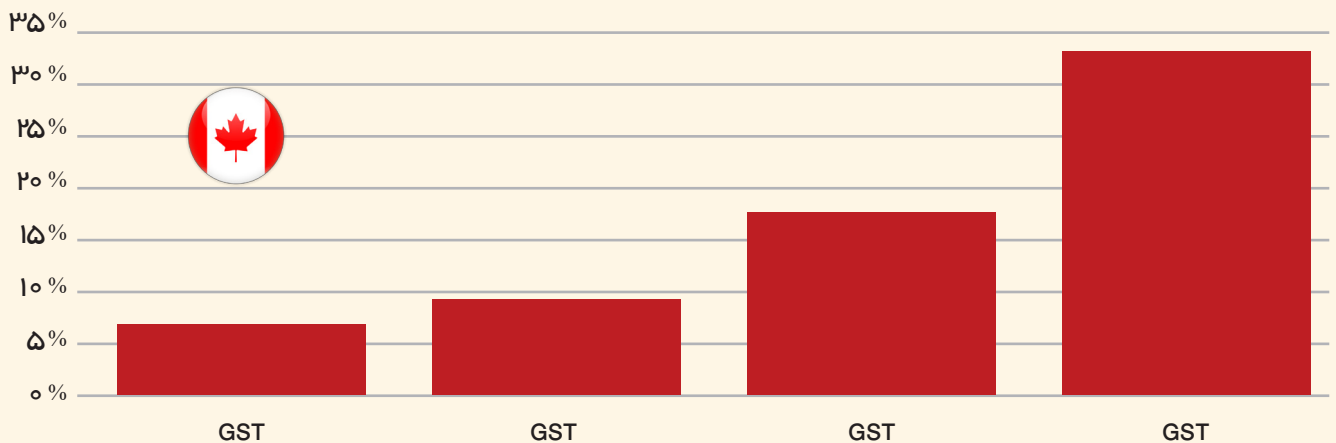
در این گزارش برای اولین بار شکاف مالیاتی افراد خوداشتغال اندازه گیری شده است. این دسته از مالیات دهندگان، ثروتمندانی با بیشتر از ۲۰۰ هزار پوند درآمد یا ثروتی بیشتر از ۲ میلیون پوند هستند. بررسی های این گزارش نشان می دهد که بیشترین سهم شکاف در مالیات بر درآمد مربوط به این دسته از افراد است و جایگاه های بعدی مربوط به مالیات کارمندان، اقتصاد پنهان و زیرزمینی و اجتناب از پرداخت مالیات است.

بنابر این طبق آمار ارائه شده بیشترین شکاف مالیاتی از ناحیه اشخاص حقیقی است. مهمترین خصیصه اشخاص حقیقی که موجب شده است امکان شکاف مالیاتی در این بخش بیشتر باشد، خوداظهاری و نظارت کم بر روی فعالیت های اقتصادی این افراد است. این افراد که غالباً خوداشتغال هستند، بخش وسیعی از فعالیت های اقتصادی جامعه را تشکیل می دهند، لذا حجم درآمد مالیاتی و به تبع آن شکاف مالیاتی ناشی از آن قابل توجه است.

کانادا

در سال ۲۰۱۶ اداره درآمد و عواید کانادا واحد ویژه جهت محاسبه شکاف مالیاتی راه اندازی کرد که بودجه این واحد ۴۴۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ بود. در گزارش این اداره آمده است: شاخص شکاف مالیاتی ابزاری جدید است که به کمک آن می توان میزان درآمد مالیاتی از

نمودار ۷. سهم شکاف مالیاتی هر پایه در کانادا



روشهای تخمین شکاف مالیاتی شرکتها

به علت زمانبر بودن محاسبه شکاف مالیاتی، این شاخص به صورت سالانه منتشر نمی شود بلکه تنها می توان شکاف مالیاتی سالهای قبل را مورد محاسبه قرار داد. گزارش اداره عواید و درآمد کانادا که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است شکاف مالیاتی سال ۲۰۱۴ را بررسی می کند.

این اداره شرکت ها را به دو دسته کوچک و متوسط و بزرگ تقسیم کرده و برای هر کدام از این دو دسته روش های متفاوتی برای محاسبه شکاف مالیاتی بیان کرده است. در سال ۲۰۱۴، ۱.۲ میلیون مودی مالیاتی متعلق به شرکت ها وجود داشته است که از این تعداد ۹۹٪ متعلق به شرکت های کوچک و متوسط است. شرکت های کوچک و متوسط (SME ۱۸) شرکت هایی هستند که درآمد ناخالص آنها کمتر از ۲۰ میلیون دلار در سال و در موارد استثنائی تا سقف ۵۰ میلیون دلار است که این استثناء شامل شرکت های خدمات حمل و نقل، تجارت عمده، خرده فروشی و خدمات می شود. درآمد مشمول مالیات شرکت ها در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۹۸ میلیارد دلار است که ۴۰.۹ میلیارد دلار آن به عنوان مالیات فدرال (محل) ستانده شده است که از این مقدار ۵۲٪ آن متعلق به شرکت های بزرگ بوده است.

اساس سطح ریسک انتخاب و بررسی می کنند. شکاف مالیاتی در چنین فرآیندی کاملاً وابسته به نحوه طبقه بندی پرونده ها بر اساس ریسک است. ممکن است پرونده ای پر ریسک باشد و به اشتباه در سطح ریسک پایین تری طبقه بندی شود و مورد حسابرسی قرار نگیرد. محاسبه شکاف مالیاتی در گزارش شکاف مالیاتی اداره عواید و درآمد کانادا، تنها برای مالیاتهای فدرالی (محل) که شامل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر شرکت ها، مالیات بر ارزش افزوده و مالیاتهای غیر مستقیم دیگر مانند مالیات بر امنیت مسافرت هوایی و فراورده های نفتی است، انجام شده است و مالیات های ملی در آن لحاظ نشده است.

حجم اقتصاد زیرزمینی کانادا ۶۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ محاسبه شده است که با توجه به تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۳ کانادا که ۱۸۴۷ میلیارد دلار است این رقم معادل ۲/۴٪ از کل تولید ناخالص داخلی کانادا است. این عدد در سال ۲۰۱۶ به ۵۱.۶ میلیارد دلار افزایش یافته که ۲.۵٪ از تولید ناخالص داخلی کانادا در سال ۲۰۱۶ را شامل می شود. حجم فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی کانادا در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸ مبلغ ۱۳.۶ میلیارد دلار بوده است. از این مبلغ ۷.۹ میلیارد دلار آن مربوط به شرکت ها و معاملات برون مرزی ۱۷ است که ۲.۹ میلیارد دلار آن اجتناب مالیاتی است.

در مرحله ارائه و دریافت اظهارنامه مالیاتی، فرایندی شامل چند مرحله که طبقه بندی بر اساس ریسک در آن وجود دارد، انجام می شود. بعد از آن دریافت اظهارنامه ها و قبل از شروع حسابرسی طی یک فرایند ۴ مرحله ای بر اساس معیارهای مبتنی بر ریسک، اظهارنامه ها غربال می شوند. در مرحله اول اظهارنامه مالیاتی توسط مودیان مالیاتی ثبت می شود.

در مرحله دوم ارزیابی رایانه ای ریسک انجام می شود. سیستم رایانه ای با استفاده از معیارهای از قبل مشخص شده (شاخص های ریسک) اظهارنامه های مالیاتی را پردازش می کند و آن ها را به صورت زیر رتبه بندی می کند.

- ریسک بالا
- ریسک متوسط به بالا
- ریسک متوسط به پایین
- ریسک پایین

در مرحله سوم ارزیابی دستی ریسک صورت می گیرد و غربالگران مالیاتی اظهارنامه ها را با در نظر گرفتن عواملی مانند رتبه بندی رایانه ای، اطلاعات محل، پروژه های حسابرسی، حسابرسان موجود و... ارزیابی می کنند. در مرحله چهارم گزارش طبقه بندی اظهارنامه ها بر اساس ریسک ارائه می شود. حسابرسان و مسئولان تیم های بررسی، پرونده های مالیات دهندگان را بر

جدول ۷. سهم اقسام مختلف شرکت ها در کانادا از درآمد مالیاتی

نوع شرکت	تعداد	درآمد مشمول مالیات	مالیات فدرال اخذ شده
شرکت های کوچک و متوسط	۲۰۹۸۳۰۰	۱۴۳ میلیارد دلار	۱۸.۷ میلیارد دلار
سهم شرکت های کوچک و متوسط	۹۹.۳٪	۴۸٪	۴۵.۶٪
شرکت های بزرگ	۱۴۶۵۰	۱۵۵ میلیارد دلار	۲۲.۳ میلیارد دلار
سهم شرکت های بزرگ	۰.۷٪	۵۲٪	۵۴.۴٪
مجموع	۲۱۱۲۹۵۰	۲۹۸ میلیارد دلار	۴۰.۹ میلیارد دلار

نحوه محاسبه شکاف مالیاتی شرکت های کوچک و متوسط با شرکت های بزرگ متفاوت است علت این امر تعداد بسیار بالای شرکت های کوچک و متوسط است.

میزان تخمین شکاف مالیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط و روش شناسی آن

میزان شکاف مالیاتی اینگونه شرکت‌ها با طرحی موسوم به «برنامه حسابرسی تصادفی» محاسبه شده است. این برنامه از روش حسابرسی تحت عنوان «نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای» استفاده می‌کند. نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای یک تکنیک آماری است که بر اساس برخی ویژگی‌های مشترک، جمعیت را به زیرگروه‌ها یا «قشرها» تقسیم می‌کند. سپس از هر قشری نمونه‌های تصادفی گرفته می‌شود. با استفاده از این روش ۴۵۰۰ شرکت کوچک و متوسط در سال ۲۰۱۱ به ۲۱ گروه تقسیم شدند و از میان این ۲۱ گروه، نمونه‌های تصادفی جهت حسابرسی انتخاب شدند. با انجام حسابرسی‌ها مشخص شد شکاف مالیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط در سال ۲۰۱۱ بین ۲،۱۴ تا ۲،۷۸ میلیارد دلار یا میانگین ۲،۵ میلیارد دلار است.

برای تخمین شکاف مالیاتی سال ۲۰۱۴ با توجه به این که متوسط رشد مالیات بر درآمد فدرال در طول این سه سال (۲۰۱۱-۲۰۱۴) ۷،۹۲٪ است از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$SME\ Tax\ Gap\ x\ (2011 + 0.0792) = (2014 - 2011) \\ SME\ Tax\ Gap = 2014$$

با استفاده از این روش میزان شکاف مالیاتی سال ۲۰۱۴ با فرض اینکه استانداردهای حسابرسی در همان سطح سال ۲۰۱۱ متوقف شده است بین ۲،۷ تا ۳،۵ میلیارد دلار یا میانگین ۳،۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

بعد از این مرحله تمام شرکت‌های سال ۲۰۱۴ به همان روش سال ۲۰۱۱ به ۲۱ قشر یا گروه تقسیم‌بندی می‌شود تا این بار با حسابرسی تصادفی از نمونه‌های سال ۲۰۱۴ تاثیر فعالیت‌های مقابله با شکاف مالیاتی را دریافت. بعد از حسابرسی تصادفی عدد به دست آمده برای سال ۲۰۱۴ بین ۱،۶ تا ۲،۴ میلیارد دلار یا میانگین ۲ میلیارد دلار بدست آمد. با تفاضل شکاف مالیاتی ۲ میلیارد دلار (بعد از حسابرسی) از شکاف مالیاتی

۲،۵ میلیارد دلار (قبل از حسابرسی) عدد ۵۰۰ میلیون دلار به دست می‌آید. در واقع فعالیت‌های حسابرسی اداره درآمد و عواید کانادا باعث شده که شکاف مالیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط در سال ۲۰۱۴ حدود ۵۰۰ میلیون دلار نسبت به سال ۲۰۱۱ کمتر شود.

میزان تخمین شکاف مالیاتی شرکت‌های بزرگ و روش شناسی آن

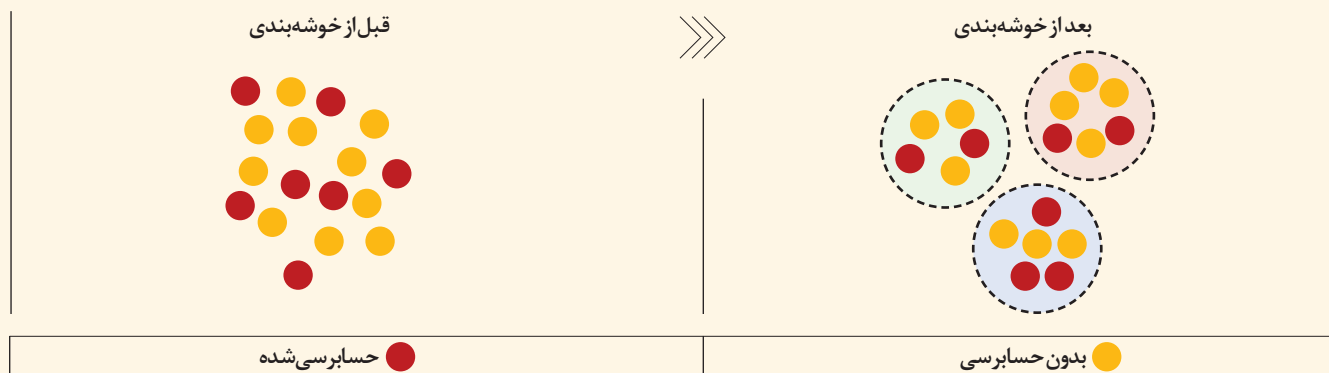
برای محاسبه شکاف مالیاتی شرکت‌های بزرگ می‌توان از مدیریت ریسک رایانه‌های هوش مالی کمک گرفت. چرا که تعداد اینگونه شرکت‌ها به نسبت شرکت‌های کوچک و متوسط بسیار کمتر است و طبقه‌بندی ریسک در آنها با درصد بسیار کمتری از خطا انجام می‌شود. تحلیل داده و یادگیری ماشین و هوش مصنوعی علوم جدیدی هستند که در برنامه‌های هوش تجاری نوین و سامانه‌های مالی کلان مورد استفاده قرار می‌گیرند. هوش مصنوعی علم و مهندسی ساخت ماشین‌های هوشمند است که مقادیر غیر قابل توصیف داده‌ها را با سرعتی بالاتر از انسان تجزیه و تحلیل می‌کند. برای محاسبه ابتدا مودبانی که توسط رایانه‌های مدیریت ریسک بر خطر شناخته شده‌اند از باقیمانده شرکت‌های بزرگ تفکیک می‌شوند. فرض بر این است که تخلف مالیاتی شرکت‌های بررسی نشده بسیار ناچیز است. سپس با دو روش توزیع مقادیر حدی و تجزیه و تحلیل خوشه‌ای محاسبه شکاف مالیاتی شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود. شایان ذکر است که سیستم‌های رتبه‌بندی ریسک همواره باید بروز رسانی شوند زیرا خطای این سیستم‌ها می‌تواند نتایج تخمین شکاف مالیاتی را تحت تاثیر قرار دهد. نظریه توزیع مقادیر حدی شاخه‌ای از آمار است که برای مدل‌سازی و شناخت پدیده‌هایی است که مرتبط با پیشامدهای نادر و غیرطبیعی بوده و سعی دارد برای آنها یک مدل احتمالی ارائه دهد. این روش در تحقیقاتی استفاده می‌شود که درجه ناهمگونی بالایی در یک جمعیت واحد وجود دارد.

نظریه توزیع مقادیر حدی بر این فرض استوار است که اکثر تاثیرات مقداری، متعلق به بخش کمی از متغیرها است، به زبانی دیگر اکثر قرار مالیاتی متعلق به بخش کمی از شرکت‌های بزرگ است. این روش تحقیقات با تمرکز بر شرکت‌های ریسک بالا است و آنها را در نظر می‌گیرد. به دلیل این که شرکت‌های با ریسک کم و متوسط در این روش محاسبه نمی‌شوند پس عدد به دست آمده، کران پایین محاسبه شکاف مالیاتی را تشکیل می‌دهد. نرخ شکاف مالیاتی با این روش برای سال ۲۰۱۱ حدود ۶،۲ میلیارد دلار برآورد شده است که با احتساب ۲،۷ میلیارد دلار متوسط نرخ رشد مالیات فدرال بر شرکت‌های بزرگ و محاسبه نرخ رشد اقتصادی تخمین زده شده برای سال ۲۰۱۴ عدد ۶،۷ میلیارد دلار است.

بعد از بررسی سال مالی ۲۰۱۴ با روش مقادیر حدی عدد ۷،۱ میلیارد دلار محاسبه می‌شود که ۴ درصد از کل درآمد مالیاتی است. ۵ میلیارد دلار کاهش شکاف مالیاتی در طول این سه سال در واقع اختلاف مقدار تخمین زده شده برای سال ۲۰۱۴ (۶،۷ میلیارد دلار) با مقدار محاسبه شده برای این سال (۱،۷ میلیارد دلار) است که می‌تواند نشان دهنده فعالیت‌های موثر اداره درآمد و عایدی کانادا به جهت کاهش شکاف مالیاتی در طول این سه سال باشد.

تکنیک تجزیه و تحلیل خوشه‌ای مبتنی بر عناصر شبیه به هم در یک خوشه است. به نحوی که عناصر درون هر خوشه بیشترین شباهت را به یکدیگر دارند و با دیگر خوشه‌ها تفاوت بسیاری وجود دارد. برای محاسبه شکاف مالیاتی شرکت‌های بزرگ با روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای ابتدا شرکت‌ها بر اساس نوع شرکت، نوع صنعت، نسبت‌های مالی، حضور در شرکت‌های وابسته خارجی و سطح معاملات بین‌المللی خوشه‌بندی می‌شود. بدین صورت که شرکت‌های درون هر خوشه بیشترین شباهت را به یکدیگر داشته باشند و در مقابل بیشترین تفاوت را با شرکت‌های خوشه‌های دیگر داشته باشند.

شکل ۱. مفهوم خوشه‌بندی



مالیاتی در سال ۲۰۱۴ با روش توزیع مقادیر حدی که کران پایین محاسبات را تشکیل می‌دهد، ۶،۷ میلیارد است و مقدار شکاف مالیاتی محاسبه شده با روش آنالیز خوشه‌ای برای سال ۲۰۱۴ که کران بالای محاسبات را تشکیل می‌دهد ۷،۹ میلیارد دلار است. میزان شکاف مالیاتی در سال ۲۰۱۴ حداقل ۶،۷ میلیارد دلار و حداکثر ۷،۹ میلیارد دلار است. جدول زیر نشان دهنده تاثیر حسابرسی اداره عواید و درآمد کانادا است که با روش‌های ذکر شده در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ شکاف مالیاتی و کران بالا و پایین آن را محاسبه کرده است.

متوسط نرخ رشد مالیات فدرال برای شرکت‌های بزرگ و با احتساب نرخ رشد اقتصادی، شکاف مالیاتی در سال ۲۰۱۴ ۷،۹، ۲۰۱۴ میلیارد دلار محاسبه می‌شود. اما محاسبه شکاف مالیاتی با روش آنالیز خوشه‌ای در سال ۲۰۱۴ عدد ۲،۹ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. به عبارتی ۴،۴ میلیارد دلار، مقدار عددی تاثیر فعالیت‌های اداره درآمد و عواید برای کاهش شکاف مالیاتی در این سه سال است. جمع بندی تخمین شکاف مالیاتی سال ۲۰۱۴ با هر دو روش تجزیه تحلیل خوشه‌ای و توزیع مقادیر حدی این است که با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده شکاف

این خوشه‌بندی توسط فناوری‌های هوش مصنوعی انجام می‌شود. در هر خوشه فرض بر این است که قسمت‌های حسابرسی نشده دارای نسبت یکسان از عدم انطباق اظهارنامه با قسمت‌های حسابرسی شده است. همچنین به دلیل این که این روش تمامی شرکت‌های بزرگ پرخطر و کم‌خطر را در نظر می‌گیرد مقدار محاسبه شده کران بالای تخمین شکاف مالیاتی را برای این مدل شرکت‌ها محاسبه می‌کند. براساس اطلاعات مالیاتی سال ۲۰۱۱ مقدار شکاف مالیاتی محاسبه شده با روش آنالیز خوشه‌ای ۷،۳ میلیارد دلار است که با توجه به ۲،۷٪

جدول ۸. تاثیر حسابرسي بر شكاف مالياتي شركت‌ها در كانادا

تعداد	شركت‌های كوچك و متوسط	شركت‌های بزرگ	تمام شركت‌ها
۲۰۹۸۳۰۰	۱۴۶۵۰	۲۱۱۲۹۵۰	
قبل از حسابرسي	۵۰۲۰۷-۳ ميليارد دلار	۹۶۰۷-۷ ميليارد دلار	۹۰۴-۱۱۰۴ ميليارد دلار
بعد از حسابرسي	۴۰۱-۶-۲ ميليارد دلار	۹۰۱-۷-۲ ميليارد دلار	۳۰۳-۳۰۵ ميليارد دلار
تاثير حسابرسي	۱۰۱ ميليارد دلار	۵ ميليارد دلار	۶۰۹ ميليارد دلار

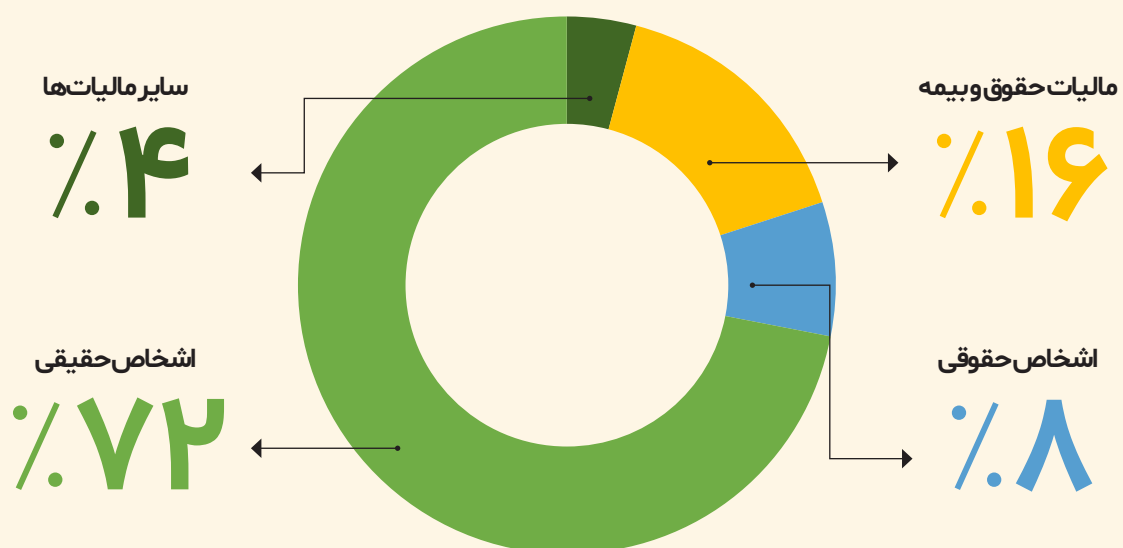
آمریکا

در گزارش اداره در آمد داخلی آمریکا (IRS) که در سال ۲۰۲۱ نوشته شده است آخرین برآوردهای IRS در مورد شكاف مالياتي بر اساس داده های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ نشان می دهد که متوسط شكاف مالياتي ناخالص سالانه در آن دوره ۴۴۱ ميليارد دلار بوده است. بر همین اساس در مطالعات اخير، تورم و در آمد از سال ۲۰۱۳ تعديل شده تا با این روش شكاف مالياتي اندازه گیری شود. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که شكاف مالياتي آمریکا در سال ۲۰۲۰ به ۶۳۰ ميليارد دلار یا حدود ۱۵ درصد از کل بدهی مالياتي رسیده است. محاسبات این تحقیقات نشان می دهد که در دهه آینده شكاف مالياتي ۷،۵ هزار ميلیارد دلار خواهد بود. پیش از این نیز یکی از اعضای IRS که حامی افزایش ارائه گزارشهای اجرائی بود به نتیجه مشابهی رسیده بود و تخمین زده بود که در

سال ۲۰۱۹ شكاف مالياتي حدود ۵۷۴ ميليارد دلار بوده است. این عدد در مورد سال ۲۰۲۱ تا یک هزار ميلیارد دلار تخمین زده شده که توجه بسیاری از افراد را به خود جلب کرده است. این تصور وجود دارد که شرکت های بزرگ بیشترین فرار مالياتي را دارند؛ اما اگر چه این شرکت ها مالیات منصفانه خود را پرداخت نمی کنند، دلیل اصلی این اتفاق استفاده از راههای قانونی برای کاهش مالیات پرداختی است. به عبارت دیگر در این موارد هیچ فرار مالياتي اتفاق نمی افتد بلکه شكاف مالياتي ناشی از اجتناب مالياتي است. به همین دلیل سهم شكاف مالياتي مالیات بر درآمد شرکت ها از شكاف مالياتي کل از سهم شكاف مالياتي افراد حقیقی کمتر است. تحقیقات IRS نشان می دهد که طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ سهم شكاف مالياتي شرکت ها و اشخاص حقوقی با رقم ۴۲ ميلیارد دلار، ۹ درصد از کل شكاف مالياتي بوده است.

این در حالی است که سهم شكاف مالياتي اشخاص حقیقی با رقم ۳۱۴ ميليارد دلار در این دوره حدود ۷۲ درصد بوده است. همچنین مشاغل ۲۴ نیز نقش مهمی در فرآیند جمع آوری مالیات دارد؛ حدود ۲۵ درصد از کل شكاف مالياتي ناشی از درآمد مشاغل بوده و این بخش سهم ۳۵ درصدی از کل شكاف اشخاص حقیقی دارد. منظور از مالیات مشاغل یا مالیات تجاری این است که سازمان مالياتي آمریکا بر درآمد حاصل از قرارداد های مشارکت، پیمانکاران خوداشتغال و کسب و کار های كوچك مالیات وضع می کند. بسته به ساختار کسب و کار، مالکان، درآمد کسب و کار خود را گزارش می کنند و سپس هزینه های عملیاتی و سرمایه ای خود را کسر می کنند. به طور کلی، تفاوت بین درآمد کسب و کار و هزینه های عملیاتی و سرمایه ای آنها، درآمد مشمول مالیات تجاری آنها محسوب می شود.

نمودار ۸. سهم هر پایه مالياتي در شكاف مالياتي آمریکا (درصد)

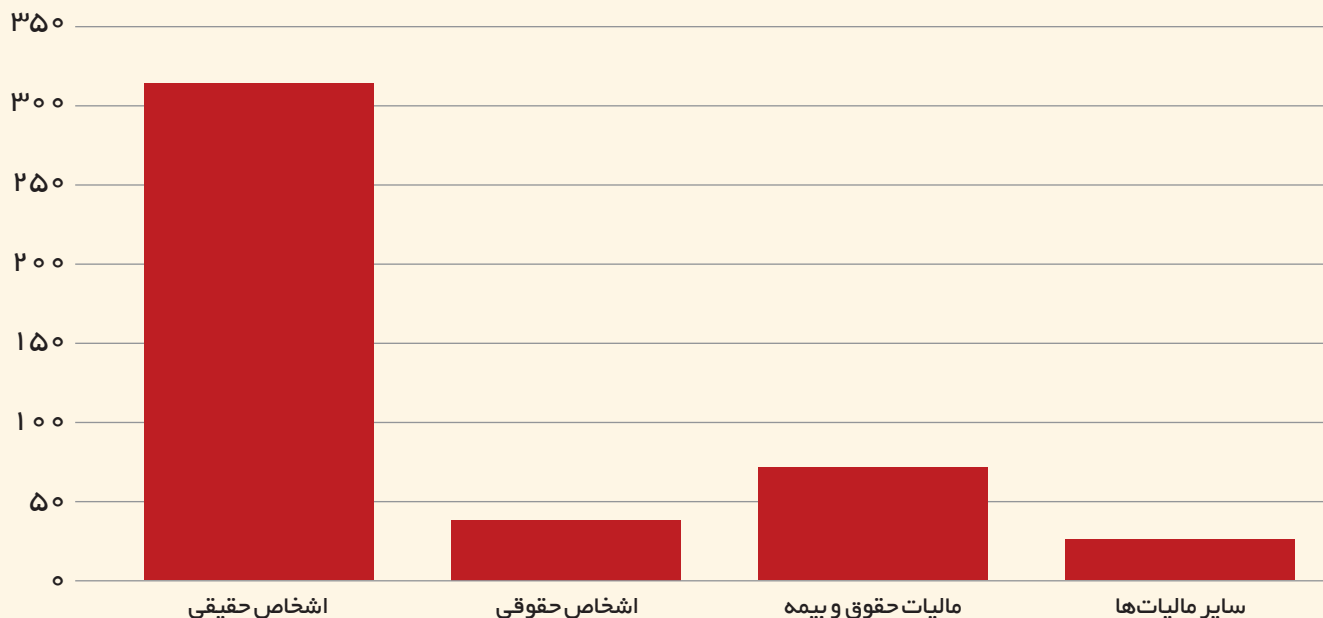


همانگونه که در نمودار بالا مشاهده می شود در آمریکا شكاف مالياتي مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بیشترین سهم را در بین شكاف مالیات سایر پایه های مالياتي

داراست. بر اساس همین گزارش، میزان میانگین سالانه شكاف مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی ۳۱۴ ميلیارد دلار بوده است.

به عبارتی دیگر ۷۲ درصد از کل ۴۴۱ ميلیارد دلار شكاف مالياتي، شكاف مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بوده است.

نمودار ۹. میزان شکاف مالیاتی هر پایه مالیاتی در آمریکا (میلیارد دلار)



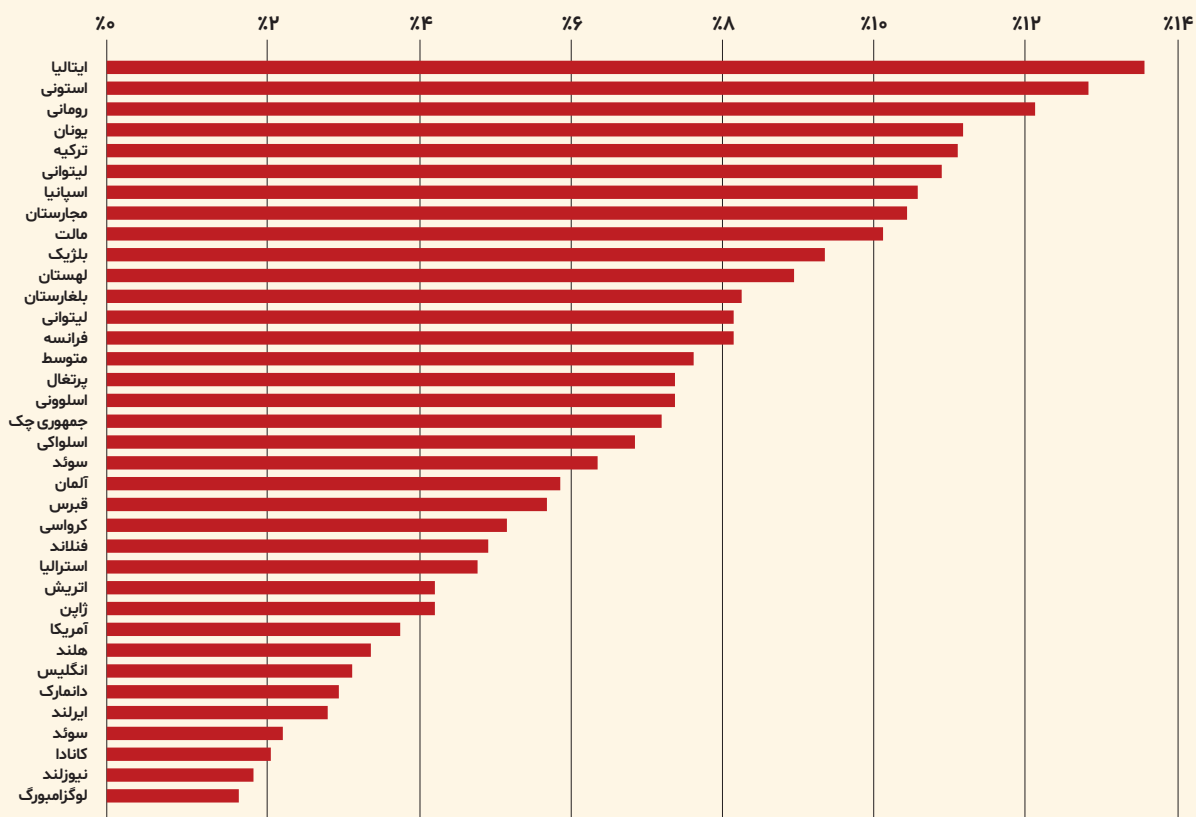
انجام نخواهد شد؛ اما در سایر کشورها که شکاف مالیاتی زیاد است کاهش شکاف مالیاتی می‌تواند درآمد قابل توجهی به وجود آورد. این نکته برای اقتصادهای در حال توسعه مانند ایران بسیار حائز اهمیت است.

این کشورها پایین تر است. باید در نظر داشت در حالی که افزایش درآمد ناشی از کاهش شکاف مالیاتی می‌تواند منبع مناسبی باشد اما با توجه به پایین بودن حجم این شکاف در آمریکا نباید انتظار زیادی بابت افزایش قابل توجه درآمد از این اقدام داشت و این اقدام بدون هزینه

در ادامه جایگاه آمریکا در مقایسه با سایر کشورها در فرار مالیاتی مقایسه شده است. مطالعاتی که در سال ۲۰۱۸ انجام شده است نشان می‌دهد که وضعیت شکاف مالیاتی در آمریکا در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته قابل قبول و از میانگین

نمودار ۱۰. مقایسه شکاف مالیاتی کشورها

فرار مالیاتی به عنوان سهم تولید ناخالص داخلی در کشورهای مختلف چقدر است؟



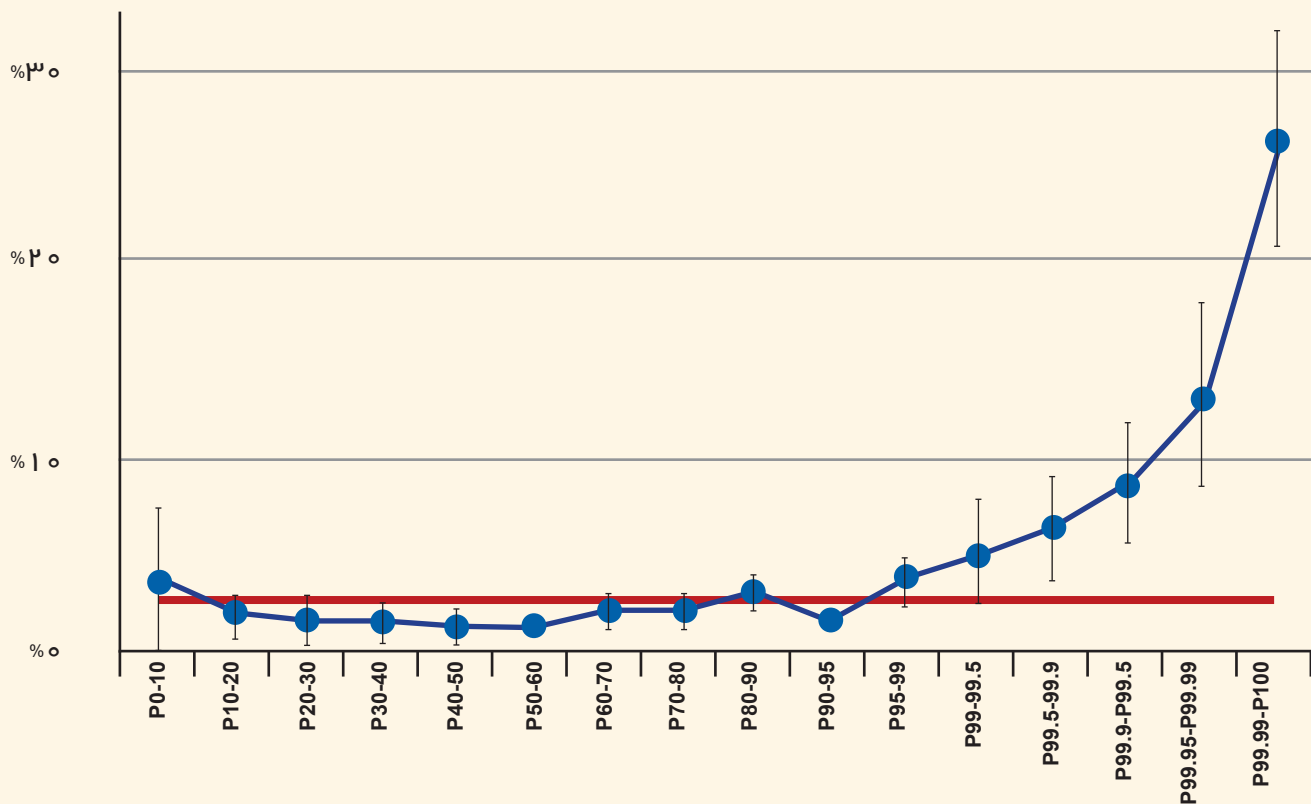


ثروتمند جامعه ۲۵ درصد مالیات خود را از طریق پنهان کردن ثروت خود پرداخت نکرده‌اند. این در حالی است که این کشورها جزو کشورهای با جایگاه بالا در احترام به قانون و گسترش بالای فرهنگ مالیاتی هستند، بنابراین وضعیت مالیات پرداختی توسط ثروتمندان به مراتب بدتر است. نمودار زیر نشان دهنده میزان فرار مالیاتی با توجه به میزان ثروت گروه‌های مختلف در اسکانداوناوی است.

مالیاتی را دارند. بر اساس آمار خزانه داری آمریکا، بیش از ۱۶۳ میلیارد دلار فرار مالیاتی یا به عبارتی دیگر ۲۸ درصد از شکاف مالیاتی مربوط به یک درصد ثروتمند در این کشور بوده است. بر اساس این گزارش بیش از ۵۰ درصد از شکاف مالیاتی مربوط به ۵ درصد ثروتمند بوده است. این رقم در ۲۰ درصد ثروتمند به ۷۷٫۱ درصد می‌رسد. همچنین در تحقیقاتی که در حوزه کشورهای اسکانداوناوی انجام شده است ۰٫۱ درصد دهک

در انتهای این گزارش بیان شده است که اصلاح ساختارهای مالیاتی با هدف تسهیل اخذ مالیات و استفاده از فناوری‌های بهتر می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی کمک کند. دلایل مختلفی برای کاهش شکاف مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی وجود دارد. افزایش عدالت مالیاتی یکی از مهمترین دلایل الزام به کاهش شکاف مالیاتی است زیرا بر اساس تحقیقات انجام شده ثروتمندان بیشترین فرار

نمودار ۱۱. رابطه فرار مالیاتی با میزان درآمد



بر اساس نمودار فوق فرار مالیاتی در دهک‌های ثروتمند بیشتر از سایر دهک‌هاست. به عبارتی فرار در مالیات‌هایی که افراد موظف به پرداخت آن هستند در افراد ثروتمند بسیار بیشتر از سایر افراد است.

نگاهی به قانون مالیات‌های مستقیم

چه کسانی از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند می‌شوند

ماده ۲	ماده ۲۴ بند ۱	ماده ۲۴ بند ۲	ماده ۲۴ بند ۳	ماده ۲۴ بند ۴	ماده ۲۵	ماده ۵۳ تبصره ۱
ماده ۵۳ تبصره ۲	ماده ۵۳ تبصره ۱۱	ماده ۵۷	ماده ۶۵	ماده ۶۸	ماده ۷۰	ماده ۸۱
ماده ۹۱ (۱)	ماده ۹۱ (۲-۴)	ماده ۹۱ (۵-۷)	ماده ۹۱ (۸-۱۳)	ماده ۹۲	ماده ۱۰۱	ماده ۱۰۷ تبصره ۲
ماده ۱۰۷ تبصره ۳	ماده ۱۰۷ تبصره ۴	ماده ۱۱۱ بند الف	ماده ۱۱۱ بند ب	ماده ۱۱۱ بند ج	ماده ۱۲۷ بند ب	ماده ۱۲۷ بند ج
ماده ۱۳۰	ماده ۱۳۲	ماده ۱۳۲ بند ب	ماده ۱۳۲ بند ب	ماده ۱۳۲ بند ت	ماده ۱۳۲ بند ج	ماده ۱۳۲ بند خ
ماده ۱۳۹ بند ر	ماده ۱۳۲ بند ز	ماده ۱۳۲ بند ز	ماده ۱۳۲	ماده ۱۳۴	ماده ۱۳۶	ماده ۱۳۷
ماده ۱۳۸ مکرر	ماده ۱۳۹ بند الف	ماده ۱۳۹ بند ب	ماده ۱۳۹ بند ج	ماده ۱۳۹ بند د	ماده ۱۳۹ بنده	ماده ۱۳ بند و
ماده ۱۳۹ بند ز	ماده ۱۳۹ بند ح	ماده ۱۳۹ بند ط	ماده ۱۳۹ بندی	ماده ۱۳۹ بند ک	ماده ۱۳۹ بند ل	ماده ۱۳۹ تبصره ۱
ماده ۱۴۱ تبصره ۱	ماده ۱۴۲	ماده ۱۴۳	ماده ۱۴۳ مکرر الحاقی تبصره ۱	ماده ۱۴۴	ماده ۱۴۵	ماده ۱۴۶
ماده ۱۴۶ مکرر	ماده ۱۶۵	ماده ۱۶۵ بند د	ماده ۱۷۲			

ماده ۲

اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نیستند:

- ۱-وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی
- ۲-دستگاه‌هایی که بودجه آنها وسیله دولت تامین می‌شود.
- ۳-شهرداری‌ها
- ۴-بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی دارای مجوز فعالیت از حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

تبصره ۱- شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به اشخاص و موسسه‌های مذکور در بندهای فوق باشد، سهم درآمد یا سود آنها مشمول حکم این ماده نخواهد بود. حکم این تبصره مانع استفاده شرکت‌های مزبور از فعالیت‌های مقرر در این قانون، حسب مورد نیست.

تبصره ۲- درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی از قبیل فعالیت‌های صنعتی، معدنی، تجاری، خدماتی و سایر فعالیت‌های تولیدی برای اشخاص موضوع این ماده که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل می‌شود، در هر مورد به طور جداگانه به نرخ مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. مسئولان اداره امور در این گونه موارد نسبت به سهم فعالیت مذکور مکلف

به انجام دادن تکالیف مربوط طبق مقررات این قانون خواهند بود. در غیر اینصورت نسبت به پرداخت مالیات متعلق با مودی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

ماده ۲۴ بند ۱

■ اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

بند ۱- وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس انداز خدمت و مزایای پایان خدمت، مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده نشده و بیمه‌های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط موسسات بیمه یا بیمه‌گذاری و یا کارفرما از قبیل انواع بیمه‌های عمر و زندگی، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آنها حسب مورد که یک جا و یا بطور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد.

ماده ۲۴ بند ۲

■ اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

بند ۲- اموال منقول متعلق به مشمولین بند ۴ ماده ۳۹ قرارداد وین مورخ فروردین ۱۳۴۰ و ماده (۵۱) قرارداد وین مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ و بند (۴) ماده (۳۸) قرارداد وین مورخ اسفند ماه ۱۳۵۲ با رعایت شرایط مقرر در قرارداد مزبور با شرط معامله متقابل.

ماده ۲۴ بند ۳

■ اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

بند ۳- اموالی که برای سازمان‌ها و موسسه‌های مذکور در ماده (۲) این قانون مورد وقف یا نذر یا حبس واقع گردد به شرط تأیید سازمان‌ها و موسسه‌های مذکور

ماده ۲۴ بند ۴

■ اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

بند ۴- اثاث البیت محل سکونت متوفی

ماده ۲۵

■ وراثت طبق اول و دوم نسبت به اموال شهدای انقلاب اسلامی مشمول مالیات بر ارث موضوع این فصل نخواهند بود. اجازت شهادت برای استفاده از مقررات این ماده منوط به تأیید یکی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و یا بنیاد شهید انقلاب اسلامی حسب مورد می‌باشد.

ماده ۵۳ تبصره ۱

درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می‌گردد عبارت است از کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیرنقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه‌ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره. درآمد

مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد. در رهن تصرف، رهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد، درآمد مشمول مالیات وی عبارت است از مابه‌التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره. حکم این ماده در مورد خانه‌های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتیکه مالیات آنها طبق دفاتر قانونی تشخیص شود جاری نخواهد بود.

تبصره ۱: محل سکونت پدر یا مادر یا همسر یا فرزند یا اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک اجاری تلقی نمی‌شود مگر اینکه به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می‌شود. در صورتیکه چند واحد مسکونی محل سکونت مالک و یا افراد مزبور باشد یک واحد برای سکونت مالک و یک واحد مسکونی برای هر یک از افراد مذکور به انتخاب مالک از شمول مالیات موضوع این بخش خارج خواهد بود.

ماده ۵۳ تبصره ۲:

درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می‌گردد عبارت است از کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیرنقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه‌ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره.

درآمد مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد. در رهن تصرف، رهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد، درآمد مشمول مالیات وی عبارت است از مابه‌التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره. حکم این ماده در مورد خانه‌های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتیکه مالیات آنها طبق دفاتر قانونی تشخیص شود جاری نخواهد بود.

تبصره ۲: املاکی که مجاناً در اختیار سازمان‌ها و مؤسسات موضوع ماده ۲ این قانون قرار می‌گیرد غیر اجاری تلقی می‌شود.

ماده ۵۳ تبصره ۱۱:

درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می‌گردد عبارت است از کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیرنقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه‌ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره. درآمد مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد. در رهن تصرف، رهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد، درآمد مشمول مالیات وی عبارت است از مابه‌التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره. حکم این ماده در مورد خانه‌های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتیکه مالیات آنها طبق دفاتر قانونی تشخیص شود جاری نخواهد بود.

تبصره ۱۱: مالکان مجتمع‌های مسکونی دارای بیش از سه واحد استیجاری که با رعایت الگوی مصرف مسکن بنا به اعلام وزارت مسکن و شهرسازی ساخته شده یا

می‌شوند در طول مدت اجاره از صددرد (۱۰۰٪) مالیات بردرآمد املاک اجاری معاف می‌باشد در غیر این صورت درآمد هر شخص ناشی از اجاره واحد یا واحدهای مسکونی در تهران تا مجموع یکصد و پنجاه متر مربع زیربنای مفید و در سایر نقاط تا مجموع دویست متر مربع زیربنای مفید از مالیات بر درآمد ناشی از اجاره املاک معاف می‌باشد.

ماده ۵۷

در مورد شخص حقیقی که هیچ گونه درآمدی ندارد تا میزان معافیت مالیاتی درآمد حقوق موضوع ماده (۸۴) این قانون از درآمد مشمول مالیات سالانه مستغلات از مالیات معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات می‌باشد. مشمولان این ماده باید اظهارنامه مخصوصی طبق نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم و اعلام نمایند که هیچ گونه درآمد دیگری ندارد. اداره امور مالیاتی مربوط باید خلاصه مندرجات اظهارنامه مودی را به اداره امور مالیاتی محل سکونت مودی ارسال دارد و در صورتی که ثابت شود اظهارنامه مودی خلاف واقع است مالیات متعلق به اضافه یک برابر آن به عنوان جریمه وصول خواهد شد. در اجرای حکم این ماده حقوق بازنشستگی و وظیفه دریافتی و جوایز و سود ناشی از سپرده‌های بانکی درآمد تلقی نخواهد شد.

تبصره ۱: حکم این ماده در مورد فرزندان صغیری که تحت ولایت پدر باشند جاری نخواهد بود.

تبصره ۲: در صورتی که سایر درآمدهای مشمول مالیات ماهانه مودی کمتر از مبلغ مذکور در این ماده باشد، آن مقدار از درآمد مشمول مالیات اجاره املاک که با سایر درآمدهای مودی بالغ بر مبلغ فوق باشد معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۶۵

نقل و انتقال قطعی املاک که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات اراضی به عمل آمده و یا خواهد آمد و واحدهای مسکونی از طرف شرکت‌های تعاونی مسکن به اعضای آنها مشمول مالیات موضوع این فصل نخواهد بود.

ماده ۶۸

املاکی که در اجرای ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب مرداد ماه ۱۳۲۰ و اصلاحات بعدی آن به دولت تملیک می‌شود از پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی معاف است.

ماده ۷۰

هر گونه مال یا وجوهی که از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها بابت عین یا حقوق راجع به املاک و اراضی برای ایجاد و یا توسعه مناطق نظامی یا مراکز عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده، راه آهن، خیابان، معابر، لوله کشی آب و نفت و گاز، حفر نهر و نظایر آنها به مالک یا صاحب حق تعلق می‌گیرد یا به حساب وی به ودیعه گذاشته می‌شود از مالیات نقل و انتقال موضوع این فصل معاف خواهد بود. املاکی که طبق قوانین مربوطه در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده یا می‌رسد در صورت انتقال به سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به کل مالیات نقل و انتقال قطعی متعلق و در سایر موارد که مالکیت در دست اشخاص باقی می‌ماند، نسبت به ۵۰

ماده ۹۱ تبصره ۱۳-۸

درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۸- وجوه حاصل از بیمه بابت جبران خسارت بدنی و معالجه و امثال آن.

۹- عیدی سالانه یا پاداش آخر سال جمعا معادل یک دوازدهم میزان معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) این قانون.

۱۰- خانه‌های سازمانی که با اجازه قانونی یا به موجب آیین‌نامه‌های خاص در اختیار مأموران کشوری گذارده می‌شود.

۱۱- وجوهی که کارفرما بابت هزینه معالجه کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آنها مستقیما به وسیله حقوق بگیر به پزشک یا بیمارستان به استناد اسناد و مدارک مثبت پرداخت کند.

۱۲- مزایای غیر نقدی پرداختی به کارکنان حداکثر معادل دو دوازدهم معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون.

۱۳- درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی، مشمولان قانون استخدامی وزارت اطلاعات و جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و آزادگان.

ماده ۹۲

پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات حقوق کارکنان شاغل در مناطق کمتر توسعه یافته طبق فهرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بخشوده می‌شود.

ماده ۱۰۱

درآمد سالانه مشمول مالیات مودیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر تسلیم کرده‌اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن به نرخ‌های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. شرط تسلیم اظهارنامه برای استفاده از معافیت فوق نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۲ به بعد جاری است.

تبصره ۱: در مشارکت‌های مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکا حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و باقی مانده سهم هر شریک جداگانه مشمول مالیات خواهد بود. شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می‌گردد. در صورت فوت احد از شرکا وراثت وی به عنوان قائم مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.

تبصره ۲: در صورتی که هر شخص حقیقی دارای بیش از یک واحد شغلی باشد، مجموع درآمد واحدهای شغلی وی با کسر فقط یک معافیت موضوع این ماده مشمول مالیات به نرخ‌های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون می‌شود.

ماده ۱۰۷ تبصره ۲

در مواردی که پیمانکاران خارجی تمام یا قسمتی از فعالیت پیمانکاری را به اشخاص حقوقی ایرانی به عنوان پیمانکاران دست دوم واگذار کنند معادل مبالغی که برای تهیه لوازم و تجهیزات مذکور در قرارداد دست اول که توسط پیمانکار دست دوم خریداری می‌شود و

درصد مالیات مربوط به درآمد موضوع فصل مالیات بر درآمد املاک از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد شد و همچنین هر گونه وجه مالی که از طرف اشخاص مذکور بابت تملک املاک یا حقوق واقع در محدوده طرح‌های نوسازی، بهسازی و بازسازی محلات قدیمی و بافت‌های فرسوده شهرها به مالکین یا صاحبان حق تعلق می‌گیرد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است.

ماده ۸۱

درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. دولت مکلف است مطالعات و بررسی‌های لازم را در زمینه کلیه فعالیت‌های کشاورزی و آن رشته‌های فعالیت‌های مزبور که ادامه معافیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و لایحه مربوط را حداکثر تا آخر برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ماده ۹۱ تبصره ۱

درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

- ۱- روسا و اعضای مأموریت‌های سیاسی خارجی در ایران و رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی فوق‌العاده دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل و همچنین روسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی آن در ایران نسبت به درآمد حقوق دریافتی از سازمان و موسسات مزبور در صورتیکه تابع دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند.

ماده ۹۱ تبصره ۴-۲

درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۲- روسا و اعضای مأموریت‌های کنسولی خارجی در ایران و همچنین کارمندان موسسات فرهنگی دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دول متبوع خود به شرط معامله متقابل

۳- کارشناسان خارجی که با موافقت دولت جمهوری اسلامی ایران از محل کمک‌های بلاعوض فنی و اقتصادی و علمی و فرهنگی دول خارجی و یا موسسات بین‌المللی به ایران اعزام می‌شوند نسبت به حقوق دریافتی آنان از دول متبوع یا موسسات بین‌المللی مذکور

۴- کارمندان محلی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت تابعیت دولت اسلامی ایران در صورتی که دارای تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند به شرط معامله متقابل.

ماده ۷۹-۵

درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۵- حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری و پایان خدمت و خسارت اخراج و بازخرید خدمت و وظیفه یا مستمری پرداختی به وراثت و حق سنوات و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده.

۶- هزینه سفر و فوق‌العاده مسافرت مربوط به شغل.

۷- ...

با رعایت قسمت اخیر تبصره (۱) این ماده از پیمانکار دست اول دریافت می گردد، از پرداخت مالیات بر درآمد معاف است.

ماده ۱۰۷ تبصره ۳

شعب و نمایندگی های شرکت ها و بانک های خارجی در ایران که بدون داشتن حق انجام دادن معامله به امر بازاریابی و جمع آوری اطلاعات اقتصادی در ایران برای شرکت مادر اشتغال دارند و برای جبران مخارج خود از شرکت مادر وجوهی دریافت می کنند نسبت به آن مشمول مالیات بر درآمد نخواهند بود.

ماده ۱۰۷ تبصره ۴

درآمد حاصل از بهره برداری سرمایه و سایر فعالیت هایی که اشخاص حقوقی مزبور به وسیله نمایندگی از قبیل شعبه، نمایندگی، کارگزار و امثال آنها در ایران انجام می دهند مشمول مقررات ماده (۱۰۶) این قانون خواهد بود.

ماده ۱۱۱ ابتدالف

شرکت هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت، در هم ادغام یا ترکیب می شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می باشند :

الف: تأسیس شرکت جدید یا افزایش سرمایه شرکت موجود تا سقف مجموع سرمایه های ثبت شده شرکت های ادغام یا ترکیب شده از پرداخت دو در هزار حق تمبر موضوع ماده (۴۸) این قانون معاف است.

ماده ۱۱۱ ابتدب

شرکت هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت، در هم ادغام یا ترکیب می شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می باشند :

ب: انتقال دارایی های شرکت های ادغام یا ترکیب شده به شرکت جدید یا شرکت موجود حسب مورد به ارزش دفتری مشمول مالیات مقرر در این قانون نخواهد بود.

ماده ۱۱۱ ابتدج

شرکت هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت، در هم ادغام یا ترکیب می شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می باشند :

ج: عملیات شرکت های ادغام یا ترکیب شده در شرکت جدید یا شرکت موجود مشمول مالیات دوره انحلال موضوع بخش مالیات بر درآمد این قانون نخواهد بود.

ماده ۱۲۷ ابتدب

موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود :

ب: وجوه یا کمک های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیر مترقبه دیگر.

ماده ۱۲۷ ابتدج

موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود :

ج: جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می نماید.

ماده ۱۳۰

بدهی های گذشته موضوع مواد (۳) تا (۱۶) و تبصره (۳) ماده (۵۹)، ماده (۱۲۹) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه های بعدی آن قابل مطالبه و وصول نخواهد بود.

تبصره: وزارت امور اقتصادی و دارایی می تواند بدهی مالیات هایی که سال تحصیل درآمد مربوط یا تعلق آنها حسب مورد قبل از سال ۱۳۸۱ باشد را تا سقف ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای هر مودی در نقاطی که مقتضی بداند کلاً یا جزاً مورد بخشودگی قرار دهد.

ماده ۱۳۲

درآمد ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی که از تاریخ اجرای این ماده از طرف وزارتخانه های ذیربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می شود و همچنین درآمدهای خدماتی بیمارستان ها، هتل ها و مراکز اقامتی گردشگری اشخاص یاد شده که از تاریخ مذکور از طرف مراجع قانونی ذیربط برای آنها پروانه بهره برداری یا مجوز صادر می شود، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج یا فعالیت به مدت پنج سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ده سال به نرخ صفر مشمول مالیات می باشد.

ماده ۱۳۲ ابتدب

ب- مالیات با نرخ صفر برای واحدهای تولیدی و خدماتی و سایر مراکز موضوع این ماده که دارای بیش از پنجاه نفر نیروی کار شاغل باشند چنانچه در دوره معافیت، هر سال نسبت به سال قبل نیروی کار شاغل خود را حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش دهند، به ازای هر سال افزایش کارکنان یک سال اضافه می شود. تعداد نیروی کار شاغل و همچنین افزایش اشتغال نیروی کار در هر واحد با تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ارائه اسناد و مدارک مربوط به فهرست بیمه تأمین اجتماعی کارکنان محقق می شود. در صورت کاهش نیروی کار از حداقل افزایش مذکور در سال بعد که از مشوق مالیاتی این بند استفاده کرده باشند، مالیات متعلق در سال کاهش، مطالبه و وصول می شود. افرادی که بازنشسته، با خرید و مستعفی می شوند کاهش محسوب نمی گردد.

ماده ۱۳۲ ابتدب

پ- دوره بر خور داری محاسبه مالیات با نرخ صفر برای واحدهای اقتصادی مذکور موضوع این ماده واقع در شهرک های صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی به مدت دو سال و در صورت استقرار شهرک های صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته، به مدت سه سال افزایش می یابد.

ماده ۱۳۲ ابتدث

ث- به منظور تشویق و افزایش سرمایه گذاری های اقتصادی در واحدهای موضوع این ماده علاوه بر دوره حمایت از طریق مالیات با نرخ صفر حسب مورد، سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و سایر مناطق به شرح زیر مورد حمایت قرار می گیرد:

۱- در مناطق کمتر توسعه یافته:

مالیات سال های بعد از دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر مذکور در صدر این ماده تا زمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد به دو برابر سرمایه ثبت و پرداخت شده برسد، با نرخ صفر محاسبه می شود و بعد از آن، مالیات متعلقه با نرخ های مقرر در ماده (۱۰۵) این قانون و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود.

۲- در سایر مناطق:

پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات سال های بعد از دوره محاسبه مالیات مذکور در صدر این ماده با نرخ صفر

و پنجاه درصد (۵۰٪) باقی مانده با نرخ های مقرر در ماده (۱۰۵) قانون مالیات های مستقیم و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود. این حکم تا زمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد، معادل سرمایه ثبت و پرداخت شده شود، ادامه می یابد و بعد از آن، صددرد (۱۰۰٪) مالیات متعلقه با نرخ های مقرر در ماده (۱۰۵) این قانون و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود.

درآمد حمل و نقل اشخاص حقوقی غیردولتی، از مشوق مالیاتی جزء های (۱) و (۲) این بند برخوردار می باشند. اشخاص حقوقی غیردولتی موضوع این ماده که قبل از این اصلاحیه تأسیس شده اند، در صورت سرمایه گذاری مجدد از مشوق این ماده می توانند استفاده کنند.

هر گونه سرمایه گذاری که با مجوز مراجع قانونی ذیربط به منظور تأسیس، توسعه، بازسازی و نوسازی واحدهای مذکور برای ایجاد دارایی های ثابت به استثنای زمین هزینه می شود، مشمول حکم این بند است.

ماده ۱۳۲ ابتدح

ح- در صورتی که سرمایه گذاری انجام شده موضوع این ماده با مشارکت سرمایه گذاران خارجی با مجوز سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران انجام شده باشد به ازای هر پنج درصد (۵٪) مشارکت سرمایه گذاری خارجی به میزان ده درصد (۱۰٪) به مشوق این ماده به نسبت سرمایه ثبت و پرداخت شده و حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) اضافه می شود.

ماده ۱۳۲ ابتدخ

خ- شرکت های خارجی که با استفاده از ظرفیت واحدهای تولیدی داخلی در ایران نسبت به تولید محصولات با نشان معتبر اقدام کنند در صورتی که حداقل بیست درصد (۲۰٪) از محصولات تولیدی را صادر نمایند از تاریخ انعقاد قرارداد همکاری با واحد تولید ایرانی در دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر واحد تولیدی مذکور مشمول حکم این ماده بوده و در صورت اتمام دوره مذکور، از پنجاه درصد (۵۰٪) تخفیف در نرخ مالیاتی نسبت به درآمد ابرازی حاصل از فروش محصولات تولیدی در مدت مذکور در این ماده برخوردار می باشند.

ماده ۱۳۲ ابتدز

ز- کلیه تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی که قبل از اجرای این ماده پروانه بهره برداری از مراجع قانونی ذیربط اخذ کرده باشند تا مدت شش سال پس از تاریخ لازم الاجراء شدن این ماده از پرداخت پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات بر درآمد ابرازی معاف می باشند. حکم این بند نسبت به درآمد حاصل از اعزام گردشگر به خارج از کشور مجری نیست.

ماده ۱۳۲ ابتدز

ژ- صددرد (۱۰۰٪) درآمدا برازی دفاتر گردشگری و زیارتی دارای مجوز از مراجع قانونی ذیربط که از محل جذب گردشگران خارجی یا اعزام زائر به عربستان، عراق و سوریه تحصیل شده باشد با نرخ صفر مالیاتی مشمول مالیات می باشد.

ماده ۱۳۲ ابتدژ

ژ- مالیات با نرخ صفر موضوع این قانون صرفاً شامل درآمد ابرازی به جز درآمدهای کتمان شده می باشد. این حکم در مورد کلیه احکام مالیاتی با نرخ صفر منظور در این قانون و سایر قوانین مجری است.

ماده ۱۳۳

صدرصد درآمد صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی، شرکت‌های تعاونی روستائی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها از مالیات معاف است.

ماده ۱۳۴

درآمد حاصل از تعلیم و تربیت مدارس غیرانتفاعی اعم از ابتدائی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای، آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد دارای مجوز از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی و درآمد مؤسسات نگهداری معلولین ذهنی و حرکتی بابت نگهداری اشخاص مذکور که حسب مورد دارای پروانه فعالیت از مراجع ذیربط هستند همچنین درآمد باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی دارای مجوز از سازمان تربیت بدنی حاصل از فعالیت‌های منحصر ورزشی از پرداخت مالیات معاف است. آئین نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۳۶

وجوه پرداختی بابت بیمه عمر از طرف مؤسسات بیمه که به موجب قراردادها منعقد بیمه عاید ذینفع می‌شود از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۷

هزینه‌های درمانی پرداختی هر مودی بابت معالجه خود و یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی به شرط این که اگر دریافت کننده موسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر خواهد شد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب‌العلاج علاوه بر هزینه‌های مذکور هزینه مراقبت و توانبخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار شخصی که تکفل او را عهده‌دار است می‌باشد.

ماده ۱۳۸ مکرر

کارخانه‌های واقع در محدوده آبریز تهران که تعداد کارکنان آن‌ها کمتر از ۵۰ نفر نباشد در صورتی که تأسیسات خود را کلاً به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتر تهران انتقال دهند بر اساس ضوابطی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی و وزارت ذیربط حسب مورد برقرار می‌شود تا ده سال از تاریخ بهره‌برداری در محل جدید از پرداخت مالیات بر درآمد ناشی از فعالیت صنعتی مربوط معاف خواهند بود.

ماده ۱۳۹ بند الف

موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی آستان قدس رضوی، آستان حضرت

عبدالعظیم الحسنی (ع)، آستانه حضرت معصومه، آستان حضرت احمد ابن موسی (شاه چراغ) آستان مقدس امام خمینی (ره) مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و سایر بقاع متبرکه که از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص سایر بقاع به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

ماده ۱۳۹ بند ب

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بند ج

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی صندوق پس انداز بازنشستگی و سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی و همچنین حق بیمه و حق بازنشستگی سهم کارکنان و کارفرما و جریمه‌های دریافتی مربوط توسط آنها از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بند د

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مدارس علوم اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص مدارس علوم اسلامی با شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌باشد.

ماده ۱۳۹ بند هـ

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی نهادهای انقلاب اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی با هیئت وزیران می‌باشد.

ماده ۱۳۹ بند و

آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات کشور که به مصرف عمران موقوفات برسد از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بند ز

درآمد اشخاص از محل وجوه بریه ولی فقیه، خمس و زکات از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بند ح

آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت و بهداشت و درمان، بنساخت و تعمیر و نگهداری مساجد و مصلاها و حوزه‌های علمیه و مدارس علوم اسلامی و مدارس و دانشگاه‌های دولتی، مراسم تعزیه و اطعام، تعمیر آثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان، کمک به مستضعفان و آسیب دیدگان حوادث ناشی از سیل و زلزله، آتش سوزی، جنگ و حوادث غیر مترقبه دیگر برسد، مشروط بر اینکه درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، و همچنین ساخت، تعمیر و نگهداری مراکز نگهداری کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در گروه‌های سنی و جنسی مختلف، مراکز نگهداری و مراقبت سالمندان، کارگاه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال مصدومین ضایعه نخاعی، معلولین جسمی و حرکتی، زنان سرپرست خانوار و دختران خودسرپرست، مراکز آموزش، توانبخشی و حرفه‌آموزی معلولین ذهنی و کودکان نابینا، کم‌بینا، کم‌شنوا و ناشنوا و سایر مراکز و اماکنی که بتوانند در خدمت مددجویان سازمان‌های حمایتی بهزیستی کشور قرار گیرند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره: مفادحساب‌هایی که توسط شعب تحقیق موضوع ماده (۱۴) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ صادر شده یا می‌شود اگر در مهلت مقرر مربوط به تسلیم اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه شود، برای برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی مقرر در این قانون یا سایر قوانین، به منزله اظهارنامه مالیاتی مؤدی تلقی می‌شود. همچنین در مورد سالهای قبل از ابلاغ این قانون در صورتی که مفادحساب مربوط تا پایان سال ۱۳۹۴ به سازمان امور مالیاتی ارائه شود، به منزله اظهارنامه مالیاتی خواهد بود.

ماده ۱۳۹ بند ط

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مؤسسات خیریه و عام المنفعه که به ثبت رسیده‌اند، مشروط بر اینکه به موجب اساسنامه آنها صرف امور مذکور در بند (ح) این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد



و هزینه‌های آنها نظارت کند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره- کمک‌های نقدی و غیر نقدی که در هر سال مالی به مصرف نرسیده باشد بدون تعلق مالیات به سال مالی بعد منتقل می‌گردد.

ماده ۱۳۹ بندی

کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و همچنین حق عضویت اعضا مجامع حرفه‌ای، احزاب و انجمن‌ها و تشکلات غیر دولتی که دارای مجوز از مراجع ذیربط باشند و وجهی که به موجب قانون و مقررات مربوط از درآمد یا حق الزحمه اعضا آنها کسر و به حساب مجامع مزبور واریز می‌شود، از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بندک

موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و درآمدها و عایدی حاصل از موارد فوق برای انجمن‌ها و هیات‌های مذهبی مربوط به اقلیتهای دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ بندل

فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی و قرآنی (دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذیربط)، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شوند، از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۹ تبصره ۱

وجهی که از فعالیت‌های غیر انتفاعی به منظور پیشبرد اهداف و وظایف اشخاص موضوع این ماده از راه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها، نشر کتاب و نشریه‌های دوره‌ای و ... در چارچوب اساسنامه آنها تحصیل می‌شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد هزینه آنها نظارت می‌کند، از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۴۱

صد در صد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از خدمات و کالاهای غیر نفتی و محصولات بخش کشاورزی و بیست درصد (۲۰٪) درآمد حاصل از صادرات مواد خام مشمول مالیات با نرخ صفر می‌گردد. فهرست مواد خام و کالاهای نفتی به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، صنعت معدن و تجارت و نفت و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴۱ تبصره ۱

درآمد حاصل از صادرات کالاهای مختلف که به صورت عبوری (ترانزیت) به ایران وارد می‌شوند و بدون تغییر در ماهیت یا با انجام کاری بر روی آن صادر می‌شوند مشمول مالیات با نرخ صفر می‌گردد.

ماده ۱۴۲

درآمد کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی و شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تولیدی مربوطه از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۴۳

شرکت‌هایی که سهام آنها طبق قانون مربوط از طرف هیات پذیرش برای معامله در بورس قبول می‌شود از سال پذیرش تا سال که از فهرست نرخ‌ها در بورس حذف نشده در صورتی که کلیه نقل و انتقالات سهام از طریق کارگزاران بورس انجام و در دفاتر مربوط ثبت می‌گردد معادل ۱۰ درصد مالیات آنها بخشوده می‌شود.

ماده ۱۴۳ مکرر الحاقی تبصره ۱

تبصره ۵- نقل و انتقال اوراق بهادار بازارگردانی بازارگردانان دارای مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار در بورس و فرابورس از پرداخت مالیات مقطوع نیم درصد (۵٪) این ماده، معاف است.

ماده ۱۴۴

جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول و جوایز علمی و بورس‌های تحصیلی و همچنین درآمدی که بابت حق اختراع یا حق اکتشاف عاید مخترعین و مکتشفین می‌گردد بطور کلی و نیز درآمد ناشی از فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی مراکزی که دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه‌های ذیصلاح می‌باشند به مدت ده سال از تاریخ اجرای این اصلاحیه طبق مقررات در آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

ماده ۱۴۵

سود دریافتی به هر عنوان در موارد زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۱- سود متعلق به سپرده‌های مربوط به کسور بانکشستگی و پس‌انداز کارمندان و کارگران نزد بانک‌های ایرانی در حدود مقررات استخدامی مربوطه
۲- سود یا جوایز متعلق به حساب‌های پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانک‌های ایرانی یا موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز. این معافیت شامل سپرده‌هایی که بانک‌ها یا موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز نزد هم می‌گذارند نخواهد بود.

۳- جوایز متعلق به اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه

۴- سود پرداختی بانک‌های ایرانی به بانک‌های خارج از ایران بابت اضافه برداشت (اوردرافت) و سپرده ثابت به شرط معامله متقابل

۵- سود و جوایز متعلق به اوراق مشارکت

تبصره: در مواردی که در قانون مالیات‌های مستقیم به بانک‌ها اشاره می‌شود امتیازات، تسهیلات، ترجیحات و تکالیف ذکر شده شامل موسسات اعتباری غیر بانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده‌اند یا می‌شوند نیز خواهد شد.

ماده ۱۴۶

کلیه معافیت‌های مدت‌دار که به موجب قوانین مالیاتی و مقررات قبلی مقرر شده است با رعایت مقررات مربوط تا انقضای مدت به قوت خود باقی است.

تبصره: مالیات سود متعلق به قبوض اقساطی اصلاحات ارضی که‌ماکان بخشوده خواهد شد.

ماده ۱۴۶ مکرر

معافیت‌های مذکور در مواد (۱۳۳)، (۱۳۴)، (۱۳۹) «به استثنای بندهای (الف)، (ب) و (ز) آن»، (۱۴۲)، (۱۴۳)

و تبصره (۱) ذیل ماده (۱۴۳) مکرر) به عنوان مالیات به نرخ صفر منظور می‌شود.

تبصره ۱- ارائه اظهارنامه مالیاتی، دفاتر و یا اسناد و مدارک موضوع ماده (۹۵) این قانون در موعد مقرر به ترتیبی که سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌نماید به جز مورد بند (ج) ماده (۱۳۹) این قانون که مطابق ماده ۸۵ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ عمل می‌شود. شرط برخورداری از نرخ صفر و هرگونه معافیت یا مشوق مالیاتی مندرج در این قانون و سایر قوانین می‌باشد و در صورت عدم ارائه اظهارنامه، دفاتر و یا اسناد و مدارک مذکور، مودی مطابق احکام و ضوابط این قانون مشمول مالیات، جریمه و مجازات مقرر در این قانون می‌شود. حکم این تبصره در خصوص مشمولان مواد (۱۴۴) و (۱۴۵) و بندهای (الف)، (ب) و (ز) ماده (۱۳۹) این قانون جاری نمی‌باشد. اجرای حکم این تبصره در خصوص اشخاص حقیقی مشمول ماده (۸۱) این قانون به صورت تدریجی و متناسب با ایجاد ظرفیت‌های اجرایی، اداری و حسب اعلام سازمان امور مالیاتی کشور خواهد بود.

ماده ۱۴۵

در مواردی که بر اثر حوادث و سوانح از قبیل زلزله، سیل، آتش‌سوزی، بروز آفات و خشکسالی و طوفان و اتفاقات غیر مترقبه دیگر به یک منطقه کشور یا به مودی یا مودیان خاص خسارتی وارد گردد و خسارت وارده از طریق وزارتخانه‌ها یا موسسات دولتی یا شهرداری‌ها یا سازمان‌های بیمه و یا موسسات عام‌المنفعه جبران نگردد وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند معادل خسارت وارده از درآمد مشمول مالیات در آن سال و سنوات بعد کسر و نسبت به آن دسته از مودیان که بیش از ۵۰۰ اموال آنان در اثر حوادث مذکور از بین رفته است و قادر به پرداخت بدهی‌های مالیاتی خود نمی‌باشند یا تصویب هیئت وزیران تمام یا قسمتی از بدهی مالیاتی آنها را بخشوده یا تقسیط طولانی نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۴۵ ابندد

در مواردی که مودیان قادر به ادامه فعالیت در نقاط مذکور نباشد با ارائه دلایل مورد قبول وزارت امور اقتصادی و دارایی تمام یا قسمتی از بدهی‌های موصوف مودی بخشوده خواهد شد.

ماده ۱۷۲

۱۰۰٪ وجهی که به حساب‌های تعیین شده از طرف دولت به منظور بازسازی یا کمک و نظایر آن بصورت بلاعوض پرداخت می‌شود و همچنین وجه پرداختی یا تخصیصی و یا کمک‌های غیر نقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر، تجهیز و احداث و یا تکمیل مدارس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مراکز بهداشتی و درمانی و یارادگاه‌های تربیتی و آسایشگاه‌ها و مراکز بهزیستی و کتابخانه و مراکز فرهنگی و هنری (دولتی) طبق ضوابطی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مودی انتخاب خواهد کرد قابل کسر است.



نقدی بر اجرای معافیت‌های مالیاتی غیر هدفمند

بر باد رفته رفته رفته رفته

دریافت‌های مالیاتی پایدارترین و سالم‌ترین نوع درآمد برای دولت به حساب می‌آید. بنابراین هر کس باید در حد توانایی خود در مخارج عمومی کشور از طریق پرداخت مالیات سهمیه باشد. در واقع هدف از وصول مالیات از طرف دولت و پرداخت مالیات از طرف مردم صرفاً یک همیاری و همکاری مشترک و عقلایی است تا هزینه‌های عمومی و نیازمندی‌های اجتماعی تأمین شود.

انجام این وظیفه خطیر، با عنایت به ضرورت کاهش هر چه بیشتر اتکا به درآمد نفت نقش مالیات را در جامعه کنونی ایران برای تأمین منابع مالی دولت بیش از پیش مشخص می‌کند با این حال مروری بر کارکرد نظام مالیاتی در ایران گویای فقر برخورد علمی و ضعف ساختاری از دو زاویه قانون و اجرا می‌باشد.

یک بخش ضعف‌های مورد اشاره عمدتاً از کارکرد معافیت‌ها ناشی شده است. این معافیت‌ها به دلیل برخورد‌های غیر سیستماتیک، در نظام مالیاتی ایران هر از چندگاهی اعمال شده و از آنجا که اکثر افاقد زمان بندی مشخص

بوده و بدون مدت اعمال شده، بعضاً به امتیازاتی که کارکرد نگاه‌ها به بخش‌ها را از شفافیت خارج ساخته، تبدیل گردیده است.

با توجه به مطالب فوق اکنون این پرسش مطرح می‌شود که پس چرا دولت باید قشر خاصی از جامعه را از این همیاری معاف کند؟

پاسخ به این پرسش یعنی بررسی اهداف دولت از اعطای معافیت مالیاتی و همچنین چگونگی اعمال این سیاست و معافیت و مزایای آن موضوعی است که با مراجعه به سوابق قانونگذاری به طور خلاصه به آن پرداخته ایم.

انگیزه‌های معافیت مالیاتی در ایران

معافیت مالیاتی طبق تعریف تخفیف قسمتی یا حتی کل مالیات حقه یک شخصیت حقیقی یا حقوقی برای مدتی کوتاه یا طولانی است و به عنوان ابزار حمایتی متداول در کنار سایر سیاست‌های حمایتی توسط دولت به کار گرفته می‌شود.

استفاده از این سیاست در هر مورد توجیهات اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد اما در هر حال معافیت مالیاتی برای حمایت از یک منطقه مشخص، فعالیتی ویژه و یا به منظور کمک به قشری خاص اعطا می‌شود. انگیزه‌های اعطای معافیت‌های مالیاتی در ایران نیز خارج از چارچوب مذکور نیست ولیکن برای بررسی دقیق‌تر پیامدهای این سیاست، ذکر مهم‌ترین معافیت‌های مالیاتی جاری در کشور به همراه اهداف آنها به شرح ذیل ضروری است:

الف - معافیت مالیاتی بخش کشاورزی: بر اساس

ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم بخش کشاورزی از این ویژگی برخوردار است که می‌تواند در کوتاه مدت سهم تولید کالاهای جامعه را گسترش دهد. از این طریق هم ظرفیت تشکیل سرمایه جامعه در کوتاه مدت به طور محسوس افزایش می‌یابد و هم شرایط عینی مشارکت قشر وسیعی از جمعیت در حرکت اقتصادی را فراهم

می آورد.

ب - معافیت مالیاتی واحدهای تولیدی و معدنی
مورد نیاز کشور بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم توسعه سریع فعالیتهای معدنی و صنعتی یکی از اصلی ترین راه های وصول به استقلال اقتصادی است.

ج - معافیت مالیاتی واحدهای تولیدی و معدنی
در مناطق محروم کشور بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم محرومیت زدایی از طریق تشویق ایجاد صنایع و واحدهای تولیدی در مناطق محروم و دور افتاده از اهداف اصلی کشور به حساب می آید.

د - معافیت مالیاتی مدارس غیر انتفاعی و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مالیاتهای مستقیم برای گسترش کمی و ارتقای کیفی و فرهنگی عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص به نسل جوان و همچنین برای جلب مشارکت مردم در تأمین قسمتی از هزینه ارائه خدمات عمومی.

ه - معافیت مالیاتی سپردههای پس انداز در بانکها
بر اساس ماده ۱۴۵ قانون مالیاتهای مستقیم برای تشویق پس انداز ملی و توفیق بیشتر در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا

و - معافیت مالیاتی صادرات غیر نفتی بر اساس ماده ۱۴۱ قانون مالیاتهای مستقیم برای توسعه صادرات و تحصیل ارز بیشتر برای کشور

ز - معافیت مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس بر اساس ماده ۱۴۳ قانون مالیاتهای مستقیم برای هدایت نقدینگی بخش خصوصی به سمت فعالیتهای تولیدی و گسترش و تقویت بازار بورس اوراق بهادار

ح - معافیت فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم برای ایجاد انگیزه لازم جهت توسعه اختراعات، اکتشافات و توسعه مراکز آموزشی و علمی.

ط - معافیت مالیاتی کارگاههای دستیاف و صنایع دستی بر اساس ماده ۱۴۲ قانون مالیاتهای مستقیم برای ایجاد و گسترش صنایع مناسب در مناطق روستایی و تقویت و توسعه قابلیتهای تولیدی و رقابتی صنایع کوچک

ی - معافیت مالیات بر درآمد حقوق ماده ۸۴ قانون مالیاتهای مستقیم برای مورد حمایت قرار دادن درآمدهای پایین در جهت توزیع عادلانه ثروت و درآمد. بانگاهی دقیق تر معافیت مالیاتی همانند کاهش نرخهای مالیاتی یک نوع سیاست مالی انبساطی به حساب می آید به طور کلی سیاست مالی به اتخاذ مجموعه تدابیر سنجیده و هماهنگ از طرف دولت در باره مالیاتها و مخارج دولتی اطلاق می شود. هدف این تدابیر علاوه بر تنظیم جریان دخل و خرج عمومی، نیل به یک یا چند هدف از هدف های اشتغال کامل، تثبیت قیمتها، رشد اقتصادی ملی و بالاخره تعادل تراز پرداخت ها است.

در بین ابزارهای سیاست مالی، مالیاتها از اهمیت خاصی برخوردارند در اقتصاد کشورها در حال توسعه به پایین بودن سطح درآمدها و پس انداز عمومی که در

حقیقت منشاء اصلی تشکیل سرمایه است؛ مالیاتها نقش عمده ای را در ایجاد سرمایه و تحول در تکنولوژی ایفا می کنند.

وظیفه اصلی سیاست مالی در این کشور افزایش بازده تولید و در نتیجه افزایش درآمد و پس انداز و بالاخره هدایت سرمایه ها به سوی سرمایه گذاری های تولیدی است. در این میان سیاست های مالیاتی به طرق مختلف می توانند عاملی برای تشویق سرمایه گذاری ها باشند

که یکی از مهمترین انواع آن استفاده از سیاست معافیت مالیاتی است. ولیکن بر خلاف تصور رایج اجرای این سیاست ساده نیست و نادیده گرفتن بعضی از نکات به ظاهر کم اهمیت می تواند اثرات نامطلوبی بر اقتصاد بگذارد به عبارت دیگر هنگام استفاده از سیاست معافیت مالیاتی سیاستگذاران باید به نکات بسیار ظریف و حساسی توجه داشته باشند تا اثرات مثبت اجرای آن بر بخش های مختلف اقتصاد هر چه بیشتر نمایان شود و در



عوض مضار اعمال این سیاست به حداقل برسد. تبیین این نکات به همراه بیان برخی از مهمترین مزایا و معایب به کارگیری سیاست معافیت مالیاتی خطوط اصلی ادامه بحث را تشکیل می دهند.

معافیت مالیاتی باید هم پیوند با سیاست صنعتی باشد

رشد و توسعه اقتصادی مستلزم سرمایه گذاری وسیع در بخشهای مختلف اقتصادی است. اما در این مسیر، دولت به تنهایی نمی تواند پائین نهاد و تمام بار را به دوش بکشد، مسلماً سهم عمده ای از این مهم باید توسط بخش خصوصی انجام شود. بنابراین لازم است که دولت برای تشویق بخش خصوصی سرمایه گذاری در فعالیتهای مختلف تولیدی از ابزارهای حمایتی گوناگون بهره بگیرد. یکی از مهمترین این ابزارها، سیاست معافیت مالیاتی است. این سیاست همانند برنامه حمایت های گمرکی اغلب در زمینه حمایت از صنایع نوپا مورد استفاده قرار می گیرد.

از آنجایی که این صنایع نوپا در سالهای اول حیات خود ناچارند منابع متناهی برای هزینه های تأسیساتی و تعلیمات فنی کارگران و غیره به مصرف برسانند احتیاج

مبرم به کمک مالی دارند به ویژه که سود آنها در سالهای اولیه تأسیس به علت اینکه کارخانه با تمام ظرفیت کار نمی کند و کارگران فاقد تجربه و تخصص لازم هستند معمولاً ناچیز است.

در واقع معافیت مالیاتی نقش مؤثری را در تأسیس این گونه صنایع ایفا می کند. حسن استفاده از سیاست معافیت مالیاتی آن است که بر خلاف روش حمایت گمرکی رقابت را از بین نبرده و ایجاد انحصار نمی کند. زیرا درجه استفاده از معافیت مالیاتی بستگی مستقیم به سودآوری صنعت ذی نفع دارد. بدین معنا که هر قدر سود مؤسسه بیشتر شود استفاده ای که به علت معافیت این سود از پرداخت مالیات عاید شرکت تولیدی می شود، زیادتیر خواهد بود. بنابراین صاحبان صنایع برای اینکه سود مؤسسات خود را حتی المقدور افزایش دهند، حداکثر کوشش را برای پایین آوردن هزینه تولید محصولات خود به کار می برند. این امر هم منافع مصرف کنندگان را تأمین می کند و هم به پیشرفت صنعتی کشور کمک خواهد کرد.

علاوه بر این معافیتهای مالیاتی نه تنها موجب تشویق صنعتی می شود که فرآورده هایشان در داخل مصرف می شود بلکه برخلاف سیستم حمایت گمرکی به ایجاد

صنایع تولید کننده کالاهای صادراتی نیز کمک می کند. با این وجود باید توجه داشت که مالیات بر درآمد شرکتها به عنوان یکی از منابع عمده مالیات های مستقیم از حساسیت فوق العاده ای برخوردار است و ممکن است اعطای معافیت های بی مورد سرمایه ها را از مسیر اصلی منحرف کرده و به سوی رشته های غیر مولد و یا نامنتطبق با سیاستهای توسعه صنعتی یک کشور سوق دهد و یا موجب از دست رفتن کارایی شرکتها و کاهش منافع اجتماعی شود. بنابراین برای بهره مندی کامل از نتایج اعمال سیاست معافیت مالیاتی و به حداقل رساندن اثرات منفی احتمالی آن رعایت نکاتی به شرح ذیل و توجه جدی به آنها ضروری است.

یکی از مزایای سیاست معافیت مالیاتی این است که مخاطره و ریسک سرمایه گذاری را کاهش و انگیزه سرمایه گذاری را افزایش می دهد. در کلیه کشورها و به ویژه در ممالک در حال توسعه، یکی از موانع سرمایه گذاری عدم اطمینان به ثبات اقتصادی و سیاسی آینده کشور است. اگر صاحبان سرمایه به بازگشت سرمایه هایی که تعهد دارند به کار بیندازند اطمینان نداشته باشند، رغبتی به سرمایه گذاری نشان نخواهند داد و هر قدر مدت پیش بینی شده برای برگشت سرمایه طولانی تر باشد اطمینان و علاقه صاحبان سرمایه به سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به عکس هر قدر این مدت کوتاhter باشد، رغبت سرمایه داران به سرمایه گذاری زیادتیر خواهد بود.

زیرا در یک مدت کوتاه امکان بروز بحران های اقتصادی کمتر است. معافیت مالیاتی مدت برگشت سرمایه های به کار انداخته شده را کوتاhter می کند و انگیزه سرمایه گذاری را افزایش می دهد اما باید توجه داشت که استفاده از این سیاست به تنهایی تأثیر چندانی روی سرمایه گذاری نمی گذارد زیرا عوامل متعدد دیگری چون نرخ تورم، نوسانهای ارزی، نرخ سود تسهیلات بانکی، فراهم بودن تأسیسات زیربنایی و ... بر سرمایه گذاری تأثیر می گذارند و همگی بر معافیت مالیاتی مقدم هستند به عبارت دیگر اگر سایر شرایط فراهم نباشد،



صاحبان وجوه مالی حتی با وجود معافیت مالیاتی اقدام به سرمایه گذاری نخواهند کرد. بنابراین اگر قصد داریم صنعت خاصی را از پرداخت مالیات معاف کنیم - با این هدف که سرمایه گذاران منابع مالی خود را به سمت آن صنعت سرازیر کنند - حتماً باید به متغیرهای دیگر نیز که بر سرمایه گذاری اثر می گذارند توجه کنیم یعنی باید از ابزارهای حمایتی دیگر مثل سود تسهیلات بانکی از طریق تضمین و پرداخت قسمتی از سود این تسهیلات، کاهش نرخ توسط دولت و فراهم آوردن تأسیسات زیربنایی نیز استفاده کنیم.

از نظر روانی نیز فراهم بودن شرایط اولیه برای سرمایه گذاری تأثیر بیشتری روی ذهنیت صاحبان پول دارد، تا حمایتی مثل معافیت مالیاتی که پس از به بهره برداری رسیدن طرح سرمایه گذاران را زیر چتر خود می گیرد.

مهمترین موضوعی که در به کار بردن سیاست معافیت مالیاتی باید مورد توجه قرار بگیرد، تشخیص صناعی است که حقوق استفاده از این بخشودگی را دارند. یک اصل کلی که در این مورد باید ملاک عمل قرار گیرد آن است که معافیت مالیاتی باید بیشتر منطبق بر سیاست توسعه صنعت ملی باشد. در این شرایط معافیت مالیاتی نه تنها موجب تأسیس واحدهای صنعتی جدید می شود بلکه به طور غیر مستقیم درآمد مالیاتی دولت را نیز افزایش می دهد. زیرا ایجاد و توسعه صنایع ثروت ساز خود مولد فعالیتهای ساختمانی تأسیساتی و خدماتی زیادی است که هر یک از اینها مشمول مالیات بوده و کسری درآمد مربوط به معافیت را تا حدود متناهی جبران خواهد کرد.

در مواردی دیگر که برای حمایت از یک نوع صنعت خاص و یا برای حمایت از صنایع یک منطقه خاص، قصد معاف کردن واحدهای تولیدی آن صنعت با آن منطقه را از پرداخت مالیات داریم باید یک ارزیابی اقتصادی دقیق از طرح های توسعه شرکت هایی که قرار است مورد حمایت قرار گیرند، انجام شود. تنها در صورتی می توان به اعطای معافیت مالیاتی اقدام کرد که از توجیه اقتصادی برنامه های توسعه صنعتی کشور اطمینان کامل حاصل شود. اگر بدون بررسی کامل و تجزیه و تحلیل، اقتصادی تولید کننده ای از پرداخت مالیات معاف شود، چه بسا انگیزه مدیران آن شرکتها در جهت استفاده بهینه از عوامل تولید و افزایش کارایی اقتصادی کاهش یابد.

با مطالعه طرح های توسعه شرکتها می توان دریافت که آیا شرکت مورد نظر با بهره گیری از حمایت مذکور می تواند کارایی خود را افزایش دهد یا خیر؟ به این ترتیب از هدر رفتن منابع مالی محدود و با ارزش دولت در جهت کمک به مؤسساتی که استعداد و توان باقی ماندن در صحنه رقابت با کالاهای مشابه خارجی را ندارند، جلوگیری می شود.

این امر در قالب برنامه جامع توسعه صنعت کشور تدوین پذیر بوده و مبنای عمل دستگاه مالی و دستگاه های

اداره کننده صنعت کشور قرار می گیرد. این سیاست صنعتی متأسفانه در ایران هنوز به خوبی تدوین و اجرا نشده و بنابراین تا تدوین نشدن آن نمیتوان با اطمینان از یک نظم فراگیر کارآمد مالیاتی که متقن توسعه صنعت ملی باشد، سخن گفت.

موضوع دیگری که باید بدان توجه داشت مدت و میزان استفاده از معافیت مالیاتی است. در بعضی از کشورها مدت معافیت مالیاتی به مبلغ سرمایه گذاری بستگی دارد. یعنی هر قدر مبلغ سرمایه گذاری در یک بنگاه بیشتر باشد، مدت استفاده آن مؤسسه از معافیت مالیاتی طولانی تر می شود. اما نکته حایز اهمیت در زمینه مدت و میزان معافیت مالیاتی این است که اعمال این سیاست باید طی یک دوره از پیش زمانبندی شده صورت گیرد و سال به سال درصد معافیت کاهش یافته و در نهایت به صفر برسد. این امر موجب می شود تا شرکت تولیدی مورد نظر برای باقی ماندن در میدان رقابت هر سال کارایی خود را افزایش داده و به نحو اقتصادی تری از منابع محدود خود استفاده کند. این روش وقتی موثرتر خواهد بود که اعطای معافیت مالیاتی سال های بعد، ضمن کاهش درصد معافیت منوط به افزایش کارایی فعالیت بنگاه باشد.

به عبارت ساده تر اگر پس از گذشت یک سال مالی شرکت مورد نظر نتواند بهبودی در روند فعالیت تولیدی خود به وجود آورد، معافیت مالیاتی آن برای سال های بعد باید منتفی شده و منابع محدود مالی دولت به سمت مؤسسات دیگری که به گونه مناسب تری از این حمایت بهره می گیرند، سوق داده شود.

اگر معافیت مالیاتی برای دوره ای طولانی و یا ضریبی ثابت همانند اکثر معافیتهای مالیاتی در ایران اعطا شود باعث می شود که شرکت در سایه این حمایت تنبل شده و سعی در افزایش کارایی اقتصادی خود نداشته و به محض پایان یافتن طول دوره معافیت و رشکست شده از حیات اقتصادی بازمانده و در آن صورت پس از مدت ها انتظار و صرف مبالغ هنگفتی سرمایه نفعی از به کارگیری سیاست مذکور نصیب اقتصاد ملی نخواهد شد. تاریخ شروع استفاده از معافیت مالیاتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بهترین شرایط آن است که دوره معافیت یک الی دو سال پس از تاریخی که مقامات ذی صلاحیت با تقاضای صاحب صنعت مبنی بر معافیت مالیاتی موافقت کردند، آغاز شود. حسن این روش آن است که صاحب صنعت کوشش خواهد کرد طری را که برای آن معافیت مالیاتی تحصیل کرده است، در اسرع وقت اجرا کند.

در اجرای هر گونه سیاست حمایتی از جمله معافیت مالیاتی باید به این نکته دقت شود که تمامی تولید کنندگان یک کالای مشابه اعم از دولتی و خصوصی از حمایت مورد نظر برخوردار شوند. اگر حمایت مورد نظر فقط از شرکتهای دولتی به عمل آید، شرکت های خصوصی مشابه قادر نخواهند بود با آنها به رقابت پرداخته و از گردونه فعالیت تولیدی خارج می شوند. به این ترتیب تولید داخلی کالای مورد نظر کاهش می

یابد. این فرایند بدون شک با هدف اولیه اتخاذ سیاست های حمایتی یعنی افزایش و تقویت تولید داخلی مغایر می باشد. مضافاً این گونه تبعیض ها بین بخش دولتی و خصوصی باعث می شود، انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در تولید کالای مورد نظر از بین برود و سرمایه گذاران ترجیح دهند منابع مالی خود را در بخش غیر مولد اقتصاد (خدمات) به کار گیرند که این نیز به نوبه خود موجبات کند شدن روند توسعه اقتصادی کشور را فراهم خواهد آورد.

آخرین نکته مهم در اتخاذ سیاست معافیت مالیاتی، دامنه و وسعت استفاده از آن است. این واقعیت که معافیتهای مالیاتی همیشه هر چه ینه هستند، غیر قابل انکار است.

سیاست مذکور موجب کاهش درآمد مالیاتی دولت می شود. در چنین شرایطی معمولاً گروه هایی که از معافیت مالیاتی استفاده نمی کنند با نرخهای بالاتر مالیاتی مواجه می شوند. به عبارت دیگر هر چه میزان استفاده از سیاست معافیت مالیاتی گسترده تر شود، بار مالیاتی بهره مندان از معافیت بر روی دوش سایرین قرار می گیرد و فشار مالیاتی را بر آنان افزایش می دهد.

در حال حاضر در کشور ما استفاده از سیاست معافیت مالیاتی به صورت بی رویه صورت گرفته است. این امر موجب شده است که تنها از ۴۰ تا ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور مالیات دریافت شود و فشار مالیاتی بر روی مؤدیان فعلی بسیار بالا باشد.

عدم توجه برخی از مسؤولان و کارشناسان کشور به نکات بر شمرده باعث افزایش فشار فعلی بر مؤدیان مالیاتی شده است، به این ترتیب که این گروه با تکیه بر پایین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سایر کشورهای مشابه اعتقاد دارند که حجم مالیات های دریافتی از مؤدیان پایین است. در صورتی که به دلیل اعطای معافیتهای مالیاتی فراوان در کشور این نسبت دیگر شاخص مناسب و قابل اعتمادی به حساب نمی آید.

همانطوری که اشاره شد حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور از پرداخت مالیات معاف است و این امر موجب از دست رفتن درآمد بالایی از منابع مالیاتی شده است و سؤالی که اکنون مطرح می شود این است که اگر همین مبالغ به عنوان مالیات اخذ می شد و از طریق بودجه به مصرف می رسید آیا به مراتب کارایی بیشتری نداشت؟

در هر صورت به نظر میرسد که ساختار نظام مالیاتی کشور باید از طریق افزایش کارایی شبکه حذف معافیتهای مالیاتی بی مورد و تعدیل نرخهای مالیاتی اصلاح شود.

نتیجه کلام آنکه عدالت مالیاتی دو سو دارد؛ یکی تأمین درآمد مالیاتی دولت از آن عده که صاحبان ثروت و درآمد هستند و دیگر کاهش فشار مالیاتی بر اقشار مختلف با درآمد ثابت. بنابراین باید از اعطای معافیت های مالیاتی غیر ضرور و بی مورد امتناع شود تا سوی دوم عدالت مالیاتی زایل نشود و سخن آخر آنکه استفاده از سیاست معافیت مالیاتی زمانی قابل قبول است که حتماً جهت دار بوده و متضمن منافع اجتماعی نیز باشد.

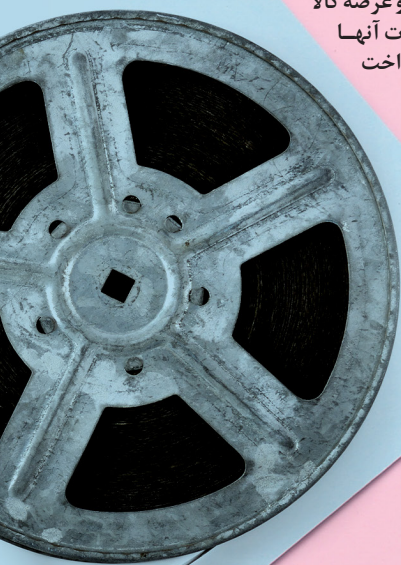


مالیات هنرمندان برقرار یا معاف؟

برقراری مالیات یا معافیت مالیاتی با هدف های مستقیم و غیرمستقیم صورت می گیرد. که توسط آن بخشی از سیاست های دولت به اجرا درمی آید. از جمله هدف های دولت که با معافیت مالیاتی در زمینه های مختلف دنبال می شود عبارت است از:

۱. تأمین حداقل معیشت و زندگی (با معافیت حداقل دستمزد و درآمد از مالیات مواد (۸۴)، (۹۱) و (۱۰۱) قانون مالیات های مستقیم).
۲. جذب سرمایه و اشتغال بیشتر به یک بخش اقتصادی خاص (معافیت مالیاتی در آمد کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل، نوغانداری و... موضوع ماده (۸۱) قانون مالیات های مستقیم).
۳. جذب سرمایه و نیروی کار به مناطق خاص با معافیت مالیاتی برای آن مناطق (مطابق اصاحیه ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۸۸/۳/۶ مجلس شورای اسلامی همه سرمایه گذاران، شرکتها و فعالان اقتصادی که از این تاریخ در هر کدام از مناطق آزاد ۶ گانه کیش، قشم، چابهار، اروند، ارس و انزلی شروع به فعالیت کنند به مدت ۲۰ سال از پرداخت هر گونه مالیات معاف خواهند بود).
۴. ایجاد امکان فعالیت در زمینه هایی که دارای سود کمی هستند نظیر امور فرهنگی (بند «ل» ماده (۱۳۹) قانون مالیات های مستقیم).

۵. جذب سرمایه از طریق معافیت مالیاتی بر مصرف (از طریق معافیت از مالیات بر ارزش افزوده که عمده ترین موارد آن در ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده پیش بینی شده و عرضه کالا و ارائه خدمات و همچنین واردات آنها حسب مورد در ۱۷ بند از پرداخت مالیات معاف می باشند).



معافیت مالیاتی در حوزه فرهنگ

نظر اقتصاددانان کلاسیک بر بیطرفی مالیات ها بود. آنها می گفتند مالیات ها نباید به وسیله ای برای پیشبرد اهداف اقتصادی یا سیاسی دولت ها تبدیل شود. اما امروزه دیگر مالیات تنها وسیله درآمدزایی برای دولت نیست، بلکه ابزاری برای اعمال اقتصاد ارشادی است و دولت ها با وضع مالیات زیاد برای بخش هایی که قصد محدود کردن فعالیت افراد را در آن بخش دارند، سرمایه گذاران را به سوی فعالیت هایی سوق می دهند که دارای مالیات کمتری

کتاب را طرح می کند. به طوری که در مرکز و دور افتاده ترین نقطه قیمت یک محصول یکسان باشد. در آلمان در حالی که مالیات بر ارزش افزوده صنعت نشر ۱۹ درصد است در مورد کتاب حداکثر ۵ درصد پیش بینی شده است. در نظام حقوقی ایران مطابق بند «ل» ماده (۱۳۹) قانون مالیات های مستقیم فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام میشود از پرداخت مالیات معاف می باشد.

است یا معاف است و آنها فعالیت هایی هستند که با سیاست های اقتصادی و حتی فرهنگی دولت همسو هستند. مثلا دولت با اعمال مالیات سنگین بر سیگار یا کالاهای لوکس و در مقابل اعمال تخفیف یا معافیت مالیاتی در بخش های مطبوعات و چاپ و نشر کتاب، آن بخش را محدود و این بخش را تشویق می کند، یا با اعمال اقتصاد ارشادی از طریق مالیات، تورم را مهار می کند. برای نمونه دولت فرانسه در بخش انتشارات برای حمایت از نشر کتاب، قانون تثبیت قیمت های

معافیت مالیاتی سینماگران

به طور کلی باید توجه داشت که هر شخصی که درآمد دارد، باید مالیات بپردازد و پرداخت مالیات خصوصاً از طرف سینماگران که الگوی سایر اقشار جامعه هستند، باید موجب مباحثات و افتخار باشد و نه اینکه به مثابه یک هزینه اضافی تصور شود. زیرا پرداخت مالیات فی نفسه یک نوع مشارکت در سرنوشت دنبال خواهد داشت، اهمیت این امر در مورد کشور را به تأثیر گذاری ایشان مضاعف خواهد بود. البته باید اذعان کرد که در صنف سینماگران به جهت یکسان نیست و طیف وسیعی از درآمدها وجود دارد به طوری که افراد معدودی از درآمد بسیار بالا برخوردار به طوری که افرادی هستند که از حداقل درآمد نیز محرومند و وضعیت درآمدی مناسبی ندارند، اما این موضوع به معنای عدم رعایت شرایط قانونی امور مالیاتی ایشان نخواهد بود.

درباره معافیت مالیاتی سینماگران دلایلی ذکر شده است:

الف) اینکه این فعالیتها سودآور نیست و اگر فعالیتی سودآور نباشد عموماً اخذ مالیات از آن منتفی خواهد بود. در بررسی این دیدگاه باید گفت اولاً مالیات لزوماً به سود تعلق نمی گیرد، بلکه به اصل درآمد نیز تعلق می گیرد و مالیات بر درآمد املاک، مالیات بر درآمد حقوق و مالیات بر درآمد مشاغل از این قسم است ثانیاً اینطور نیست که هر فعالیتی که سودآور نیست باید حمایت شود، قاعده‌اً اگر فعالیتی سودآور نباشد، تعطیل می شود و موضوع حمایت از یک فعالیت زمانی صورت می گیرد که اولاً در راستای تقویت ارزشهای نظام سیاسی باشد (شرط لازم) و اینکه این فعالیت بدون حمایت دولت توانایی ادامه حیات و فعالیت را نداشته باشد (شرط کافی).

ب) اختصاص ممیز مالیاتی برای این حوزه با توجه به پایین بودن گردش مالی آن و براساس منطق هزینه فایده برای دولت به صرفه و بهینه نیست.

ج) اینکه اخذ مالیات موجب بالا رفتن قیمت تمام شده کالاهای فرهنگی شده و این امر در نهایت یا موجب کاهش مصرف کالاهای فرهنگی در سبد مصرفی خانوارها خواهد شد (به طوری که مصرف محصولات از اولویت خارج شود) و یا زمینه تکیس غیرمجاز و قاچاق این محصولات فراهم خواهد آمد.

البته این امر نیز با برخی تدابیر مانند آنچه در ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده برای کتاب و مطبوعات پیش بینی شده قابل کنترل است.

در اینجا نحوه اختصاص یافتن معافیت (مکانیسم‌های حمایت) مانند دوره‌ای بودن یا معافیت تا سقف معین درآمدی و یا در صدد بند معافیت اشخاصی که گرداگرد یک فعالیت درآمد کسب می کنند نیز می تواند مطرح گردد.

پیشینه قوانین مالیاتی نشان می دهد که ماده (۱۳۲) قانون مالیاتهای مستقیم قبل از اصلاحیه سال ۱۳۸۰ معافیت مالیاتی فعالیت های فرهنگی و هنری را نه از نوع مطلق بلکه از نوع ادواری قلمداد کرده بود.

تبصره «۶» ماده (۱۳۲) قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ اعلام می دارد مراکز فرهنگی و هنری اعم از مراکز و مؤسسات امور فیلمسازی و سینماها، تماشاخانه ها، مؤسسات دوباز و فیلمبرداری، آموزش تئاتر و موسیقی و خطاطی و نقاشی، مجسمه سازی که دارای پروانه فعالیت و یا تأسیس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسامی می باشند از تاریخ شروع فعالیت برای مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف می باشند و اگر در مناطق محروم واقع باشند این مدت به ۸ سال افزایش می یابد. حکم این تبصره شامل مراکز نشر کتاب، مجله و روزنامه که دارای مجوز نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسامی هستند، نسبت به درآمد حاصل از انتشار مرتبط نیز است. که این موضوع در «بند ل» ماده (۱۳۹) «پس از اصلاحیه سال ۱۳۸۰ معافیت های مالیاتی حوزه فعالیت های فرهنگی دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسامی غیر زمان مند و مطلق اعلام کرده است. این بند اشعار می دارد که:

فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسامی انجام می شود از پرداخت مالیات معاف می باشد.



معافیت‌ها پاشنه آشیل نظام مالیاتی

حسین فرامرزی

به درستی گفته اند که مالیات یک موضوع بین رشته ای است. اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی، سیاست، تاریخ و حتی جغرافیا از علومی است که برای اعمال سیاست های مالیاتی باید مدنظر مسئولین قرار گیرد.

نگاه به رفتار و سیاست های مالیاتی در جای جای این کره خاکی گواه این است که حتما و قطعا مالیاتی ستانی بر اساس عدالت، خواسته همگان است و حتی شاخص ارزیابی کیفیت مالیات ستانده شده به میزان رعایت عدالت بر می گردد.

در اقتصاد ایران از زمانیکه پایه مالیات ستانی بر اساس قانون مدون به اسم ق.م.م به اجرا گذاشته شده، استفاده از مالیات برای اعمال سیاست های مالی دولت در قالب اعطای مشوق های مالیاتی مدنظر قرار گرفته است.

به نظر می رسد این موضوع به گونه ای در ق.م.م در قالب انواع وسیعی از معافیت های مالیاتی در نظر گرفته شده که این گمان به ذهن خطور می کند که قانونگذار از زمان تدوین و تصویب ق.م.م بیشتر بر جنبه ابزار سیاست مالی به مالیات نگاه می کرده تا اینکه مالیات را منبعی قابل اتکا برای تامین بودجه اداره کشور مدنظر داشته باشد.

اقتضا زمان تدوین ق.م.م ایجاد مناطق تجاری و

اقتصادی، راه اندازی و بهبود صنعت معادن در کشور، ایجاد زیرساخت های مسافرتی و گردشگری و توجه به کودک نوپای فرهنگ جهت توانمند سازی خود بوده است. اما با گذشته بیش از ۴۰ سال و ارزیابی برخی سیاست های مورد نظر به طور مثال در زمینه مناطق آزاد و تجاری و مناطق کم برخوردار نشان می دهد که این سیاست ها کارآمدی لازم را نداشته و حتی این موارد در نظر گرفته شده در ق.م.م ابزاری برای سودجویان گردیده است. امروز مطالبه عمومی مردم رعایت عدالت در مسائل اقتصادی کشور می باشد که سازمان مالیاتی می تواند با اصلاح معافیت های مالیاتی نقش به سزایی در بهبود این شاخص داشته باشد.

بارها این جمله را در ادارت مالیاتی از زبان مودیان شنیده ایم که چرا از فلان موسسه، ارگان و فلان سلبریتی و پزشک و... مالیات گرفته نمی شود. وجود معافیت های مالیاتی افسار گسیخته و غیر هدفمند از طرفی باعث گردیده بیش از پنجاه درصد اقتصاد کشور از زیر چتر مالیاتی خارج شده و از سوی دیگر عاملی برای ایجاد احساس ناعدالتی در مردم شده است. به نظر می رسد سازمان امور مالیاتی کشور باید از این دو فرصت طلایی، اولی فرصت تحریم و نیاز و توجه کشور به درآمد های داخلی و مالیاتی و دومی مطالبه و همراهی

افکار عمومی برای اجرای عدالت در قوانین کشور بهترین استفاده را کرده و تکلیف معافیت های مالیاتی را یکبار برای همیشه مشخص نماید.

مالیات ستانی بر مبنای عدالت باید انجام شود و غیر از این نه تنها اهداف مدنظر در بلند مدت تحقق نمی یابد بلکه باعث ایجاد ضرر از جنبه های اجتماعی و سیاسی برای کشور می شود. امروزه بر کسی در این کشور پوشیده نیست که سیاست گذاری و حمایت یکجانبه از صنعت خودرو سازی پس از انقلاب باعث ناکارآمدی شده و این فرزند ۴۰ ساله تنبل به نحوی معطل این سیستم گردیده که اعتراض مقام معظم رهبری را هم به دنبال داشته است. لزومی ندارد مشکل صنایع ناز پرورده خودرویی کشور در معافیت های مالیاتی، بنگاه ها و افراد شاغل ذیل این موضوع تکرار شود.

سر چشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به بیل نظام مالیاتی با سیاست های در پیش گرفته می تواند در پروسه ای بلند مدت به نظامی کارآمد و راهنما برای بخش های مختلف اقتصادی این کشور تبدیل گردد به شرطی که در کوتاه ترین زمان از فرصت های طلایی پیش آمده استفاده نماید و از شر ناعدالتی موجود در روح معافیت های مالیاتی به عنوان پاشنه آشیل خود خلاص گردد.

دکتر علی عسگری تشریح کرد

چالش‌ها و راهبردهای نظام مالیاتی

دکتر علی عسگری، معاون توسعه و مدیریت منابع وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاون سابق وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل پیشین سازمان امور مالیاتی ایران است. وی دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران می‌باشد. علی عسگری مهر ماه سال ۱۳۸۸، با حکم وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی سید شمس‌الدین حسینی، به سمت رئیس کل سازمان امور مالیاتی منصوب و برای مدت حدود شش سال و ۲ ماه و نیم سکان سازمان امور مالیاتی را بر عهده داشت. ایشان در همایش چالش‌ها و رهیافت‌های نظام مالیاتی به آسیب‌شناسی نظام مالیاتی پرداخته که در ادامه ارائه می‌گردد.

آقای دکتر عسگری از نظر داشتن پایه‌های

مالیاتی کشور ما در مقایسه با دنیا در چه مرحله‌ای قرار دارد و چه کارهای باید انجام بدهیم؟

در اقتصادهای متعارف دنیا و در کشورهای توسعه یافته، تقریباً سه پایه مالیاتی شناخته شده وجود دارد و اتکاء نظام مالیاتی‌شان روی این سه پایه اصلی مالیات است. یکی مالیات بر اشخاص حقوقی است، یکی مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی است، چه خانوار و چه فرد و یکی هم مالیات بر ارزش افزوده.

تقریباً اگر اشتباه نکنم بخش اعظم نظام مالیاتی قوانین و مقرراتشان روی این سه پایه مالیاتی است. اگر همین را در اقتصاد خودمان ببینیم و ببینیم، ما هم پایه مالیاتی اشخاص حقوقی را داریم، پایه مالیاتی اشخاص حقیقی را هم داریم، پایه مالیات بر ثروت را داریم، پایه مالیات بر ارزش افزوده و بقیه را هم داریم. اما در زیرمجموعه این پایه‌های مالیاتی ما تقریباً بیست پایه مالیاتی داریم. ما چهار پایه مالیاتی نداریم، بلکه بیست تا پایه مالیاتی داریم.

یکی از شعارهای ما که می‌دهیم این است که می‌گوییم پایه‌های مالیاتی را گسترش بدهیم. اگر گسترش به این جور باشد که جزء جزء ما یک پایه جدید برای هر فعالیت، هر کاری در اقتصاد بکنیم، جز سردرگم کردن نظام مالیاتی و سردرگم کردن مردم نتیجه دیگری ندارد.

یعنی ما برای مالیات گرفتن بیست بار مردم را باید به نظام مالیاتی بکشانیم. در حالی که مردم در سه حوزه باید به نظام مالیاتی جواب بدهند. اگر شخص حقوقی است، در درآمد و سودش بباید، اگر شخص حقیقی است در درآمدش و منافعش که در اقتصاد دارد بباید و اگر مصرف کرده و ارزش افزوده‌ای دارد پرداخت کند که آن جایگاه خودش را دارد. اینقدر مردم را نباید به نظام مالیاتی بکشانیم.

ما پایه‌های مالیاتی مان به گونه‌ای است که مردم را به نظام مالیاتی می‌کشانیم. این هم نفس نظام مالیاتی را می‌گیرد و هم نفس مردم را می‌گیرد و هم با فضای کسب و کار که امروز در دنیا بحث می‌کنند، اصلاً مغایرت دارد. چرا مردم برای دادن مالیات اینهمه باید بروند و بیایند و این همه حساب پس بدهند.

اصولاً در دنیا تجربه‌ای که دنیا کسب کرده، تجربه خوبی است. دنیا آمده در این حوزه قواعد قانونی خودش را نظام‌مند کرده و پایه‌های خودش را برده در سه حوزه خاص. ما مالیات بر اشخاص حقوقی را داریم که در دنیا هم داریم.

آقای دکتر، سواى که مطرح است اینکه ایران در نرخ‌های دریافت مالیات در مقایسه با دنیا در چه جایگاهی قرار دارد؟ و موضوع حمایت از تولید و... چگونه اعمال سیاست می‌شود؟

به طور مثال شما وقتی پایه مالیات بر اشخاص حقوقی را در دنیا بررسی و با ایران مقایسه می‌کنیم نرخ ما در پایه مالیاتی بر اشخاص حقوقی ۲۵ درصد بود که الان با ۵ درصد کاهش به ۲۰ درصد رسیده است.

در دنیا پایه مالیات بر اشخاص حقوقی بین ۱۳ تا ۴۰ درصد است که در کشورهای مختلف متفاوت است. یعنی بعضی از کشورها تا ۴۰ درصد هم می‌گیرند. متوسط کشورها را اگر بگیریم ۲۸ درصد است. یعنی ما به عنوان یک کشور در حال گذار در توسعه، در نرخ مالیات بر اشخاص حقوقی کشور متوسط هستیم. نرخ مالیات اشخاص حقوقی الان شده ۲۰ درصد و ارزش افزوده را هم بالا نبرده‌ایم که می‌گوییم به خاطر حمایت از تولید است.

مالیات را ما چه زمانی می‌گیریم؟ زمانی می‌گیریم که سود محقق می‌شود. من کار ندارم زمان رکود، رونق و یا بحران است. اگر سود محقق شد من باید مالیات را بگیرم. کاری ندارم که الان کدام شرکت است. یک سودی تحقق یافته و سازمان مالیاتی باید مالیات بگیرد. اگر می‌خواهیم از تولید حمایت کنیم، خواهیم گفت که کجا و چطور باید حمایت کنیم و حمایت‌های ما چه هدفمندی‌ای را باید دنبال کند.

در مالیات بر اشخاص حقیقی، ایران قبل از ۳۵ بود الان ۲۵ شده است. کشورهای دنیا بین ۱۳ تا ۶۰ است. یعنی از ۱۳ درصد مالیات بر درآمد دارند تا شصت درصد. یعنی شصت درصد درآمد مشمولشان را مالیات می‌گیرند. متوسط دنیا ۳۹ است. نرخ مالیات بر ارزش افزوده در کشور ما ۹ درصد است که توی آن همه چیز شامل بهداشت و ورزش و چیزهای دیگر هم قاطی کرده‌ایم. در دنیا بین ۵ تا ۲۴ است. متوسط دنیا ۱۵ است و ما ۹ هستیم. بنابر این می‌خواهم بگویم اگر بحث نرخ‌ها را در نظام مالیاتی بررسی کنیم، باید بدانیم نرخ‌ها را با چه هدفی تنظیم می‌کنیم، کار کرد این نرخ‌ها در جایگاه خودش چی است و کجا این کار کردها نقش خودشان را درست ایفا می‌کنند و هیچ مبادله‌ای هم بین نرخ‌ها و پایه‌ها در اقتصاد دنیا قرار نمی‌دهند. در جایگاه خودش نرخ را تعیین می‌کنند.

آقای دکتر عسگری از میان پایه‌های مالیاتی جدید، PIT خیلی مطرح است. لطفاً بفرمائید در دوره مسئولیت حضرت تعالی چه برنامه‌ای برای اجرای این پایه مالیاتی جدید داشتید؟

زمانی که من در سازمان مالیاتی بودم، در لایحه PIT را به طور ضمنی گذاشته بودیم که سه سال بعد از اجرای طرح جامع مالیاتی و شکل‌گیری پایگاه داده مالیاتی در نظام مالیاتی، بتوانیم لایحه تکمیل شده PIT را در مجلس طرح نماییم. اما به خاطر اینکه این پایه‌گذاری را برای آینده انجام بدهیم، سر نخ PIT را در قانون گذاشته بودیم که آن پایگاه را بتوانیم شکل بدهیم. به همین خاطر ماده ۱۶۹ مکرر را در

نظام مالیاتی آوردیم که ارزش افزوده و PIT را در آینده بتوانیم درست اجرا کنیم.

بدون تبادل اطلاعات و تقاطع اطلاعات در اقتصاد و اگر درست شکل نگیرد، اجرا کردن PIT سخت است. در PIT یک ویژگی خیلی خوبی که دارد، این است که در نظام مالیاتی فعلی سزای مالیاتی باید اثبات کند که یک فرد چقدر درآمد داشته و چقدر هزینه دارد و درآمد مشمول مالیاتش چقدر است و برایش مالیات تعیین کند. اما در PIT فرد باید اثبات کند که درآمدش چقدر بوده و هزینه‌اش اینقدر بوده، سازمان مالیاتی اثبات نمی‌کند، او باید درآمد و هزینه‌اش را اثبات کند.

سازمان مالیاتی بر اساس پایگاه‌های اطلاعاتی در اختیارش اظهارنامه برآوردی برای مودی تکمیل می‌کند و مودی اگر اعتراض دارد باید اثبات کند که اطلاعات اشتباه است و اگر اثبات نکند بر اساس همان اظهارنامه برآوردی مالیات مودی تعیین می‌گردد. ضمن اینکه گستردگی تام دارد، یعنی همه خانوارها در اقتصاد باید اظهارنامه بدهند و همه درآمدها و هزینه‌هایشان احصاء بشود، به یک عده مالیات تعلق می‌گیرد و به یک عده هم مالیات تعلق نمی‌گیرد. بلکه دولت باید بارانه هم پرداخت کند. بنابر این اگر ما بخواهیم روی پایه‌های اصلی مالیات در اقتصاد برویم، باید روی سه پایه اصلی متمرکز بشویم. اشخاص حقوقی، PIT و مالیات بر ارزش افزوده. اگر یک روزی PIT در کشور اجرایی بشود، بسیاری از زیرپایه‌های مالیاتی را ما در اقتصاد باید حذف کنیم. اگرچه بعضی از این پایه‌های مالیات‌های مقطوعی است که زمان اجرا ما از مودی می‌گیریم. ما مالیات حقوق را علی‌الحساب می‌گیریم و در پرونده‌اش می‌گذاریم و موقع اظهارنامه‌اش توی حساب و کتابش هست. خیلی از مالیات‌ها، مالیات حقوق، مالیات مشاغل، مالیات مستغلات، اتفاقی، سرقفلی، نقل و انتقال سهام، املاک، حق تمیر، خروج از کشور، نقل و انتقال اتومبیل و خودرو، و... همه باید جمع بشود و در PIT در نظر گرفته می‌شود. ولی در حال حاضر وضعیت اجرای قانون به گونه‌ای است که برای همه اینها مردم به ادارات مالیاتی مراجعه می‌کنند.

آقای دکتر تجربه‌ای از دوره مسئولیتان در این زمینه وجود دارد که این موارد اصلاح شده باشد؟

من یادم هست زمانی که در سازمان مالیاتی بودم، یک مالیاتی به نام مالیات بر مشاغل خودرو داشتیم. ما چهار میلیون و پانصد هزار مودی در کل اقتصاد داشتیم که یک میلیون و دویست هزار نفر، مودی مالیات مشاغل خودرو بود. یک میلیون و دویست هزار تا نیم درصد مالیات‌های ما می‌دادند. یعنی حدوداً ۲۵۰ میلیارد تومان مالیات می‌دادند. هزار و دویست نفر از همکاران سازمان مالیاتی از مجموع هفده هزار نفر کارمندی که در سازمان مالیاتی بودند، مشغول این کار بودند. تصمیم گرفتیم این مالیات را مقطوع کنیم. یک کتاب درآوردیم و گفتیم ماشین تاکسی، اتومبیل، لودر، بلدوزر، گریدر، کامیون، تریلی، مینی‌بوس، اتوبوس، مدلش و سال تولیدش، مالیاتش چقدر است. الان بروید دفتر پیشخوان دولت هر کس بگوید مدل ماشینش چی است، آن را می‌بینند و می‌گویند مالیاتش اینقدر است، همین جا پرداخت کند و برود. اصلاً نیاز نباشد به نظام مالیاتی هم مراجعه کند.

بنابر این یک میلیون و دویست هزار مودی را با یک ابتکار اینجوری از نظام مالیاتی جمع کردیم. رفت و آمد آنها را کم کردیم. هزار و دویست نفر نیروی ما از اینجا آزاد شد. هزار و دویست تانمیز، صندلی، کامپیوتر و هزار و دویست تا هفت‌الی ده متر فضای اداری، همه اینها صرفه‌جویی شد و اینها رفتند در جاهای دیگر مشغول به کار شدند.

بنابر این روی پایه‌های مالیاتی حتماً در اقتصاد ما باید

تجدیدنظر جدی انجام شود و اگر همین امروز ما نظام مالیات بر PIT را بخواهیم اجرا کنیم، چون معمولاً این پایه‌های مالیاتی در کشور بحث‌برانگیز است و موافق و مخالف زیاد دارد، اینجوری نیست که لایحه‌اش برود مجلس و یکی دو سال دیگر تصویب شود.

جناب دکتر عسگری به نظر شما چه زمانی می‌توان PIT را در کشور اجرا کرد؟

برای شما مثالی میزنم و این موضوع را توضیح می‌دهم. سال ۱۳۹۱ که اصلاح قانون مالیات‌ها را در مجلس مطرح کردیم، فرض این بود که با طرح جامع و با آن سرعت که به دنبال اجرای آن بودیم، شش ماه یا یک سال این قانون در مجلس به تصویب می‌رسد. این قانون فقط به خاطر ماده ۱۶۹ مکرر دو سال در مجلس ماند. بقیه موادش را حرفی نداشتند، فقط به خاطر این ماده، دو سال در مجلس ماند. به نظر من PIT هم قطعاً زودتر از سه یا چهار سال در مجلس تصویب نمی‌شود. امیدوارم در مهلتی که این قانون تصویب گردد، با نظام‌مندی‌ها و زیرساخت‌هایی که در نظام مالیاتی برقرار شده و قوانینی که الان وجود دارد، صندوق فروش هم به میدان بیاید و اطلاعات دقیق‌تر بشود، آن موقع جای امیدواری هست که بشود PIT را اجرا کرد. و گرنه، الان اگر بیايد، یک دغدغه پشت آن خواهد بود که PIT را می‌شود اجرا کرد یا نه.

جناب دکتر، یکی از موضوعاتی که بین کارشناسان مطرح است، موضوع گسترده‌ی معافیت‌های مالیاتی در نظام مالیاتی کشور است. برخی با ایراد اشکال به هدف‌گذاری برای این نوع معافیت‌های مالیاتی و بیان اینکه این مدل معافیت قائل شدن نه تنها اثرات مثبتی به دنبال نداشته بلکه تبعیض‌ها و نابرابری‌های قانونی مالیاتی رو هم افزایش داده است. نظر حضرت تعالی در این خصوص چیست؟

یکی از مشکلاتی که ما در اقتصاد داریم، بحث مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی است. در نظام‌های اقتصادی دنیا، نوعاً چند تا مشوق دارند. یکی از جنس معافیت‌های دائمی است. مثلاً می‌گوییم فعالیت‌های بخش کشاورزی از مالیات معاف است. یعنی کسی که فعالیت کشاورزی، زراعت، باغ و دام دارد، هر چقدر هم تولید کند، مالیات نمی‌دهد و کلاً معاف است. مشمول مالیات نیست. در دنیا هم از این جنس معافیت‌ها وجود دارد ولی امروز در نظام مالیاتی دنیا، معافیت‌های دائمی بسیار بسیار کم شده است. چون PIT آمده، هر کسی هر فعالیتی در هر جای کشور داشته باشد و به درآمد برسد، در PIT باید بیايد و بگوید که درآمد را از کجا آورده‌ام. دیگر استثناء ندارد که در بخش خدمات، کشاورزی، صنعت و یا در گردشگری کار می‌کند. هر جا که کار می‌کند و به درآمد می‌رسد، باید این درآمد را بیاورد و در اظهارنامه خودش بگنجاند. بنابر این دنیا با پایه‌های جدید که آورده، این استثنایها را برداشته است که ما بگوییم یک بخش اقتصادی کلاً معاف شود. چنین معافیت‌هایی دیگر در کشورهای توسعه‌یافته تقریباً معنا ندارد. یک جنس دیگر از معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی، تعطیلی مالیاتی است. ما یک کار اشتباهی که در کشور خودمان برای تعطیلی مالیاتی کردیم، این بود که مثلاً گفتیم مناطق آزاد اول پانزده سال و بعداً بیست سال مالیات ندهند. یعنی بیست سال تعطیلی مالیاتی. در دنیا تعطیلی مالیاتی را چطور اجرا می‌کنند؟ می‌گویند اگر منطقه آزاد کیش، سال ۲۲ کارش شروع شده، به خاطر اینکه زیرساخت‌هایش شکل بگیرد، و به خاطر اینکه فعالیت‌ها توسعه پیدا کند، هر کس که در منطقه آزاد تا بیست سال در دامنه بیست سال، هر فعالیتی را شروع کرد، در این دامنه بیست سال معاف است. یکی سال ۷۲ آمده تا سال ۹۲ معاف



در حال گذار و توسعه یافته را ببینید، شیفیت این معافیت‌ها و مشوق‌ها از معافیت دائمی از تعطیلی و نرخ‌های ترجیحی رفته به سمت اعتبار مالیاتی و اعتبار سرمایه‌گذاری. بنابراین این مشوق‌ها اگر اینجوری باشد، هدف‌مندی‌اش برای اقتصاد خیلی بهتر و مؤثرتر است و ما متأسفانه به جای اینکه شیفیت مالیاتی را در اقتصاد برای مشوق‌ها انجام بدهیم، همه اینها را درجا داریم. یعنی هم معافیت دائمی را داریم، هم تعطیلی را داریم، هم ترجیحی را داریم، هم به نوعی ناقص اعتبار مالیاتی و اعتبار سرمایه‌گذاری را داریم که در ماده ۱۳۲ و ۱۳۸ قانون آمده، یعنی همه‌اش را داریم. به جای اینکه این شیفیت را انجام بدهیم، همه را داریم فقط توسعه داده‌ایم و این توسعه به این نحو هم اشتباه است و حتماً باید اصلاح بشود و نظام‌مند بشود.

اگر به چالش‌های نظام مالیاتی بخواهیم برگردیم، امروز مشکل نظام مالیاتی چیست؟ و چکار باید بکنند که مشکلاتش رفع بشود. و چرا نظام مالیاتی، امروز آن کارکرد واقعی خودش را نمی‌تواند از خودش بروز بدهد؟

ما یک سری مشکلات داریم که مشکلات داخلی است، به اعتبار قوانین مان، به اعتبار تصمیمات مان و هم یک مشکلاتی هست که از خارج از اقتصاد و از بیرون اقتصاد به ما تحمیل شده و نظام مالیاتی و اقتصاد ما را تحت‌الشعاع خودش قرار داده است. بالاخره در یک اقتصادی که رشد اقتصاد پایین است، نظام مالیاتی آن میدان‌داری را نمی‌تواند از خودش نشان بدهد. وقتی رشد اقتصادی نوسانی است و مرتب مثبت و منفی می‌شود با نرخ‌های پایین، نظام مالیاتی همیشه با یک چالش اجتماعی در جامعه روبروست. اگر کسی هم سود کند، سود بسیار خوبی هم کند چون تلقی جامعه این است که اقتصاد آهنگش کند است، می‌گویند او هم مالیات ندهد. در حالی که ربطی به آهنگ تنس یا کند اقتصاد ندارد. وقتی رشد اقتصاد می‌آید پایین، این تصور اجتماعی در مقابل نظام مالیاتی قرار می‌گیرد.

بخشی از اقتصاد ما زیر زمینی است و آن چیزی که برآورد نشان می‌دهد، نزدیک ۲۰ تا ۲۵ درصد از اقتصاد ما زیر زمینی است که اینها یا در بخش خاکستری اقتصاد و یا در بخش سیاه اقتصاد هستند. یعنی با قاچاق هستند یا فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی. مجبوره‌اند، ولی با فرار مالیاتی دارند یا اجتناب مالیاتی دارند. این هم دلیلش به علت عدم تبادل اطلاعات و تقاطع اطلاعات در کشور است. اگر تبادل اطلاعات اقتصادی و تقاطع اطلاعات اقتصادی در جامعه و در اقتصاد وجود داشته باشد، فعالیت اینها بیرون می‌زند. چه بسا در سال‌های اخیر خیلی از اینها بیرون زده است. هدفی که من در ماده ۱۶۹ مکرر داشتم این بود که بتوانیم شفافیت را در اقتصاد توسعه بدهیم و تبادل اطلاعات و تقاطع اطلاعات را در اقتصاد نهادینه کنیم تا نظام مالیاتی طرف مقابل خودش را بشناسد که چکار می‌کند و سطح فعالیتش چیست و کجا و در چه رشته‌ای فعالیت می‌کند و با کی فعالیت می‌کند. تبادل اطلاعات و تقاطع اطلاعاتی‌اش با کی است. بنابراین مشکل چی است، مشکل اطلاعات است. اگر نظام مالیاتی بتواند به اطلاعات دسترسی پیدا کند، خیلی از مشکلاتی که امروز عارض هست، قطعاً کم خواهد شد. ولی باید بپذیریم که حتی در کشورهای توسعه یافته امروز هم حدود ده درصد فرار مالیاتی وجود دارد. یعنی شیوه‌های جدید، شگردهای جدید، ترندهای جدید به وجود می‌آید که بعضی از افراد از پرداخت مالیات فرار می‌کنند و کتمان می‌کنند. این نیست که این را صفر کنیم، ولی می‌شود در چه و حدش را پایین آورد که میزان معقولی باشد.

عدم انضباط و شفافیت مالی

یکی دیگر از مشکلاتی که ما در اقتصاد داریم، متأسفانه عدم

۳۰ درصد، ولی درستش آن است. مثلاً در کشور ما تعاونی‌ها نرخ ترجیحی دارند، پنجاه درصد می‌دهند. گردشگری نرخ ترجیحی دارد و ۵۰ درصد می‌دهد. برخی فعالیت‌های فرهنگی نرخ ترجیحی دارند یا معاف هستند یا نرخ ترجیحی دارند. بنابراین در کشور ما هم الان نرخ ترجیحی یک جاهایی استثنایی وجود دارد. ولی دامنه آن را خیلی گسترش نداده‌ایم ولی در دنیا نرخ ترجیحی وجود دارد و با توجه به فعالیت‌های اقتصادی، نرخ ترجیحی اعمال می‌کنند.

مثالی در این زمینه دارید؟

یک مشوق دیگری هست به نام اعتبار مالیاتی. که ما در اصلاح قانون سال ۱۳۹۴ انجام دادیم، ولی متأسفانه ماده ۱۳۲ و ۱۳۸ را از قانون کشیدند بیرون، بردند در قانون دیگری این را مصوب کردند و آن هدفی را که ما داشتیم در قانون و لایحه‌ای که داده بودیم، وقتی رفت در مجلس، مختل شد. دولت آقای روحانی که آمد و این لایحه در مجلس که رفت، با انگیزه‌هایی که مجلسی‌ها داشتند و دولت داشت دنبال می‌کرد، یک مقدار ساختارش را به هم زدند. در اعتبار مالیاتی، هدف ما این بود که اگر یک فعال اقتصادی شخص حقوقی بیاورد و سرمایه‌گذاری کند و میزان سرمایه‌گذاری‌اش از مالیات معاف بشود. و اگر مازاد سرمایه‌گذاری هم داشته باشد، در دوره‌های بعد بتواند آن را برای مالیاتش مستهلک کند. یعنی تشویق کنیم سرمایه‌گذار اگر سودی در کارخانه‌اش در آورد، به جای اینکه برود ملک و سکه و طلا و اینها را بخرد، برود توی شرکتش سرمایه‌گذاری کند و فعالیت خودش را گسترش بدهد. حالا ما گفتیم ما به ازای این را از کجا درمی‌آوریم؟

اگر فعالیت توسعه پیدا کند، اگر آن تولید توسعه پیدا کند، مادر مالیات ارزش افزوده، در ته خط می‌توانیم این مالیات از دست رفته را بگیریم. اگر توسعه تولید در اقتصاد اتفاق بیفتد، اگر توسعه اشتغال در اقتصاد اتفاق بیفتد. از مالیات حقوق می‌شود این ما به ازای آن گرفت. منتها ساختارش را چیزی که نیت ما بود، یک مقدار به هم زدند. یک مشوق دیگری هم داریم به نام اعتبار سرمایه‌گذاری. اعتبار سرمایه‌گذاری فرقی با اعتبار مالیاتی این است که بخشی از سرمایه‌گذاری را از مالیات معاف می‌کنیم و همه سرمایه‌گذاری از مالیات معاف نمی‌شود. در رشته‌های خاص، در فعالیت‌های خاص از محل منابعی که می‌آوری، اگر از آورده خودت باشد و بیاوری، آن بخش از سرمایه‌گذاری را من معاف می‌کنم.

آقای دکتر تجربه دنیا در این موضوع چگونه است و شما چه پیشنهادی می‌دهید؟

در دنیا امروز برای اینکه تشویق مالیات‌ی انجام بدهند، به جای معافیت‌های دائمی، به جای تعطیلی مالیاتی و به جای نرخ‌های ترجیحی، عمدتاً رفته‌اند روی اعتبار مالیاتی و اعتبار سرمایه‌گذاری. شما اگر مقایسه کشورهای توسعه یافته و

است، یکی سال ۸۰ آمده تا سال ۹۲ معاف است. یکی هم سال ۹۰ آمده، تا سال ۹۲ معاف است. چرا؟ چون کسی که سال ۹۰ آمده خیلی از زیرساخت‌های مناطق آزاد دیگر ایجاد شده است. خیلی امکانات شکل گرفته است، خیلی فعالیت‌ها انجام یافته است. ایشان می‌تواند دو سال استفاده کند، اما کسی که سال ۷۲ آمده می‌تواند بیست سال استفاده کند. اما ما گفتیم هر کسی که آمد بیست سال معافیت دارد. یعنی کسی که سال ۷۲ آمده بیست سال دارد و کسی هم که در سال ۹۰ آمده باز هم بیست دارد، بنابراین این هیچ زمان معافیت در مناطق آزاد تمام نمی‌شود. تازه یک کار دیگر می‌کنند. سال ۷۲ آمده یک شرکت ثبت می‌کند، می‌شود معافیت تا سال ۹۱، شرکت را منحل می‌کند و یک شرکت دیگر می‌زند در همان جا با همان افراد و کادر و کامپیوتر و یک کار جدید را شروع می‌کند و باز دوباره ۱۹ سال که گذشت باز منحل می‌کند و یک شرکت جدید تأسیس می‌کند. بنابراین معافیت هیچ زمانی تمام نمی‌شود. در دنیا آمدند گفتند تعطیلی دامنه بیست سال. و در این بیست سال تمام. وقتی بیست سال تمام شد چه می‌کنند؟ می‌گویند حالا از بیست سال که گذشت، ما صرفاً نرخ ترجیحی برای بعضی فعالیت‌های "های‌تک" و نرخ معافیت برای بعضی فعالیت‌های "فوق‌های‌تک" اگر در آنجا شکل گرفت و گرانه فعالیت‌هایی که قبلاً شکل گرفته، دیگر معافیتی ندارند.

یا برای سرمایه‌گذاری خارجی که می‌خواهند در فعالیت‌های "های‌تک" بیایند و سرمایه‌گذاری کنند ما این استثناها را قائل می‌شویم.

آقای دکتر در برخی کشورهای دنیا نرخ‌های متفاوتی مالیاتی برای موضوع فعالیت اشخاص حقوقی و حقیقی اعمال می‌گردد. ولی چرا در کشور ما نرخ مالیات برای اشخاص حقوقی یکسان اعمال می‌گردد؟

یک مشوق دیگری در اقتصاد داریم به نام نرخ‌های ترجیحی. نرخ ترجیحی در همه دنیا وجود دارد. در کشور آلمان، آمریکا، انگلیس و حتی نرخ ترجیحی برای فعالیت‌های اشخاص حقوقی هم دارند. عرض کردم که مالیات بر اشخاص حقوقی از سیزده درصد تا چهل درصد هست.

در رشته‌های فعالیت‌های اقتصادی نرخ ترجیحی می‌دهند. مثلاً اگر در صنایع غذایی باشد یک نرخ است، در فولاد یک نرخ است، در پتروشیمی یک نرخ است و در رشته‌های آی‌سیک مثلاً صنایع خوراکی، پوشاک، سلولزی، یک نرخ است، فولاد و پتروشیمی یک نرخ است و صنایع دیگر هم نرخ دیگر. در ساختار آی‌سیک تفاوت نرخ می‌دهند که بتوانند مدیریت کنند و کنترل کنند. مادر کشورمان نمی‌توانیم این موضوع را اعمال کنیم چون در کشورهایی مثل ما، اگر شما یک فعالیت نرخ‌های ایشکنی، برود توی مجلس، هر کسی که هر فعالیتی در استان و شهر خودش هست را می‌خواهد در نرخ ترجیحی بگذارد. می‌خواهد فعالیت کارخانه را در نرخ پایینی بگذارد. به همین خاطر نرخ فلت می‌دهیم و می‌گوییم ۲۵ درصد، یا

انضباط و شفافیت مالی است. اولش خود دولت است. دولت خودش انضباط مالی و شفافیت مالی یکی از نقصان هایش است. ما فکر می‌کنیم همه چیز در دولت شفاف است، اتفاقاً همه چیز شفاف نیست. در بخش خصوصی که بدتر. ما فکر می‌کنیم بخش خصوصی شفاف است. اتفاقاً شفاف نیست. وقتی داخل شرکت‌ها می‌رویم و حسابرسی می‌کنیم، من بی‌تعارف بگویم کتمان مالیاتی خیلی زیاد است. فرار مالیاتی زیاد است، من یادم هست وقتی بر اساس ماده ۱۸۶ اطلاعات را که رفته‌ام از بانک‌ها بگیریم، اولاً که بانک‌ها زیر بار نمی‌رفتند.

آن زمان آقای بهمنی رئیس بانک مرکزی بودند. رفتم با ایشان جلسه گذاشتم که قانون است و شما باید اطلاعات به من بدهید. کسی که تسهیلات می‌گیرد، این را برای فعالیت اقتصادی می‌گیرد و من باید بدانم ما به‌ازای این رفته به فعالیت اقتصادی و تولید منجر شده یا نشده که بتوانم مالیات بگیریم. بانک‌ها نمی‌دادند و بهانه آوردند که ما نرم‌افزار نداریم. گفتیم چشم، من نرم‌افزار را تولید می‌کنم.

گفت آموزش، گفتیم آموزش هم من می‌دهم، نرم‌افزار تولید کردم و آموزش هم به همه بانک‌ها دادیم، اطلاعاتی که به ما می‌دادند، اطلاعات تا یک میلیارد را می‌دادند و بالاتر را نمی‌دادند. گفتیم شما وام ده میلیاردی، صد میلیاردی، و... می‌دهی ولی یکی از آنها اینجا قید نشده، بانک‌ها اطلاعات نمی‌دادند. چرا؟ چون شفافیت در اقتصاد نیست. حتی بخش مالی اقتصاد و بانک دولتی هم اطلاعات نمی‌داد. بخش خصوصی که هکدا. نظام اقتصادی اگر خواهد خوب عمل کند باید انضباط مالی داشته باشد. اگر نظام مالیاتی می‌خواهد خوب عمل کند، در سایه انضباط مالی در اقتصاد خوب می‌تواند عمل کند و گرنه سرکار می‌گذارد. یک گزارش حسابرسی به ما می‌دهند که شرکت زیان کرده است، یک گزارش حسابرسی می‌دهند به بانک که سود دارد. چون از آنجا می‌خواهد وام بگیرد، باید سود نشان بدهد و به من که می‌خواهد مالیات بدهد، زیان نشان می‌دهد.

یادم هست زمانی رفته بودم کمیسیون اقتصادی مجلس، یکی از نمایندگان گفت یک شرکت هست که شما برایش مالیات نوشته‌اید، این می‌گوید من اصلاً فعالیت ندارم، بطوری این مالیات سنگین چند میلیارد تومانی را برایش نوشته‌اید. گفتیم من که نمی‌دانم این شرکت فعالیت داشته یا نه، اجازه بدهید ببینم چی است. رفتم دیدیم یک شرکتی است در خرمدره، رفته مجوز گرفته از وزارت صنایع که قطعات خودرو تولید کند. همکاران من رفته‌اند بازدید، دیدند ۲۵۰ میلیارد تومان وام از بانک گرفته یک پیچ توی سوله‌اش نیست، یعنی یک ماشین با یک پیچ در سوله پیدا نمی‌شود، اما قطعات خودرو، به خودروسازان تحویل داده است. رفته یک شرکت بازگانی زده و پول را به اسم تولید و شرکت تولیدی گرفته و داده به شرکت بازگانی‌اش و رفته قطعات خودرو در چین ساخته و آورده اینجا به ایران خودرو تحویل داده است. من گفتم ما اصلاً مالیات برای شرکت تولیدی نزدیک، مالیات برای شرکت بازگانی زده‌ایم و این را هم خودش اصلاً ابراز نکرده، من خودم این را پیدا کرده‌ام. از واردات گرفته‌ام و گفتم کجایی. گفته واردکننده هستم و گفتم بیا مالیات واردات خودت را بده. اینها انضباط مالی نداشتن اقتصاد است. اگر انضباط مالی باشد، این اتفاقات در اقتصاد نمی‌افتد.

آدم شصت میلیونی

یکی دیگر از نمایندگان یک روز به من گفت که یک نفر آمده در شهر من و گفته عسگری ۵۰ برابر از من مالیات گرفته، یعنی یک میلیون و دویست را تو شصت میلیون کردی. پنجاه برابر. گفتم بروم ببینم چی است. اطلاعات را گرفتم و بعد از بررسی مشخص شد ایشان ۸ میلیارد تومان تراکنش

مالی داشته است. ۸ میلیارد تومان تراکنش مالی، من باید یک میلیون و دویست هزار تومان مالیات بگیریم یا شصت میلیون. تازه اگر درست بنویسم باید دویست الی دویست و پنجاه میلیون مالیات می‌گرفتم، خیلی ارفاق در حقش کردم. ایشان کتمان در آمد داشته و مثل سال‌های قبل یک میلیون و دویست انداخته توی صندوق سازمان مالیاتی و رفته و بعد هم فکر کرده مالیات خودش را داده است، ولی به او بگوید، از این به بعد تو یک آدم شصت میلیونی هستی و یک آدم یک و دویستی نیست. کنتور تواز اینجا شروع می‌شود و می‌رود بالا. بنابر این انضباط مالی در اقتصاد خیلی مؤثر است.

جناب دکتر عسگری جای در اجرای قانون بوده که با سازمانهای دولتی برای اجرای قانون با مشکل روبرو شده باشید؟

نکته دیگر ساختار ناقص نظام مدیریت مالی و محاسباتی دولت است. دولت چه در دامنه و پیکره خودش و چه خودش با بیرون، نظام محاسباتی اش ناقص است. یکی از دغدغه‌هایی که ما در ارزش افزوده داشتیم این بود که کارفرمای ما دولت بود، قرارداد می‌بست و ارزش افزوده را برای پیمانکار نمی‌داد. می‌گفتمیم تو خودت دولت هستی و قرارداد داری و باید ارزش افزوده قرارداد را پای پیمانکار حساب کنی و از طرف پیمانکار به حساب مالیات بریزی، چرا نمی‌ریزی. یا مثلاً با وزارت نفت و با وزارت نیرو اختلاف داشتیم سر ارزش افزوده. می‌گفتمیم شما در تمام مراحل تولید باید ببایید و ارزش افزوده هر بخش را به ما گزارش را بگویید و ارزش افزوده مابه‌ازاء آن را پرداخت کنید تا بروید ته خط. اگر برق تولید می‌کنی از ابتدا تا آخر، اگر آب تولید می‌کنی از ابتدا تا آخر، اگر بنزین تولید می‌کنی، از ابتدا تا آخر. اگر گاز تولید می‌کنید همین طور. شرکت نفت و وزارت نیرو، هیچ کدام در مراحل تولید ارزش افزوده‌شان را حساب نمی‌کردند. ما ناچار شدیم و گفتیم شما را به عنوان آن‌بزر حساب می‌کنیم. به مراحل قبلی کاری نداریم، به عنوان آن‌بزر، ته خط به ما حساب پس بدهید. چقدر برق تولید کردید و فروختید، مابه‌ازای ۹ درصدش را بده. چقدر آب فروختی، گاز فروختی، ۹ درصدش را بده و چقدر بنزین فروختی ۳۰ درصدش را بده. چون بنزین ۳۰ درصد است، گازوئیل دهم درصد است. اینها نرخش فرق می‌کند.

چون حاضر نبودند اطلاعات خودشان را شفاف کنند. البته به ضررشان بود. من اثبات کردم که شما اگر ببایید کلی استرداد از ما خواهید داشت. کسی که یک کالای یارانه‌ای تولید می‌کند، اگر بگوید من این قطعات نیروگاه را از خارج آورده‌ام، این قطعات را در داخل تولید کرده‌ام و بابت هر کدام از اینها این قدر اعتبار مالیاتی داده‌ام، آخر خط رفته‌ام برق فروخته‌ام به یک پنجم قیمت، ارزش افزوده یک پنجم قیمت را گرفته‌ام، تازه آن را می‌توانست از ما استرداد بگیرد، ولی این کار را نمی‌کردند چون حاضر نبودند این معامله را با نظام مالیاتی انجام بدهند.

ولی ضرر می‌کردند. همان ضرری که شهرداری‌ها می‌کردند. شهرداری‌ها کلی کارهای پیمانکاری و فعالیت‌های اقتصادی داشتند، انتها بلیت اتوبوس را مجانی و مفت می‌دادند و بلیت مترو و مفت می‌دادند، خدمات شهری را مفت می‌دادند و می‌گفتیم اگر شما ببایید و اینها را حساب کنید، من استرداد هم به شما می‌دهم. چرا می‌گوی من حاضر نیستم بدهم.

بنابراین، مشکل ساختار ناقص مدیریت مالی و محاسباتی دولت است که حاضر نیست بعضی جاها پای حساب بباید. معافیت‌ها را که عرض کردم غیر هدفمند هستند. تحریم‌های بین‌المللی به هر حال روی اقتصاد ما اثر گذار است و اثرش را روی نظام مالیاتی می‌گذارد و بعضی مواقع سیاست‌های تحمیلی از اقتصاد بین‌الملل سیاست‌های مالیاتی ما را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. ضعف زیرساخت‌های قانونی، حقوقی

و اجرایی در کشور و کافی نبودن آنها و نکته بعدی بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی، ما از جمله کشورهایی هستیم که دائم سیاست‌های اقتصادی‌مان تغییر می‌کند. شاید یک سیاست اقتصادی ما در یک سال دوبار تغییر می‌کند.

سیاست‌های اقتصادی باید یک سیاست‌های هدفمند و نظام‌مند و بلندمدت و میان‌مدت باشد. وقتی سیاست‌ها دائم تغییر می‌کند، هم فعالین اقتصاد سر در گم می‌شوند و هم نظام مالیاتی سر در گم می‌شود، چون به این سرعت نمی‌تواند قوانینش را احصاء کند. ما یک سیاست اقتصادی را اعلام می‌کنیم. نظام اقتصادی مواجه است که با این سیاست اقتصادی چطور خودش را تطبیق بدهد در حالی که قانون هم ندارد. تا برود قانون بگیرد، سیاست عوض شده است.

بالا بودن حجم بازرگانی و واسطه‌گری و غیر شفاف بودن آن

یکی از غیر شفاف‌ترین بخش‌های اقتصاد ما، بخش بازرگانی و واسطه‌گری اقتصاد ایران است. یعنی بین تولید کننده و بین مصرف کننده. این بخشی که به عنوان واسطه اقتصاد، عمده فروش و بنکدار، بخش‌های واسطه اقتصاد هستند، غیر شفاف‌ترین بخش اقتصاد ایران هستند. اینها الان در ارزش افزوده نه فاکتور می‌دهند و نه فاکتور می‌گیرند. فاکتور نمی‌گیرند و مالیات خودشان را به تولید کننده تحمیل می‌کنند. فاکتور نمی‌دهند و مالیاتی را که مردم می‌دهند به حساب خودشان می‌گذارند و بخشی از آن را به دولت نمی‌دهند.

طراحی نظام مالیاتی هدفمند

بنابراین اگر بخواهیم در چند جمله نکات خود را جمع کنیم، ما نیازمند این هستیم که پایه‌های مالیاتی خودمان را در شرایط تحول نظام اقتصادی و نظام مالیاتی در آینده هدفمند و مؤثرتر کنیم و خیلی از پایه‌ها و زیر پایه‌های غیر مؤثر خودمان را حذف کنیم.

من معتقدم اگر PIT بیاید، حتماً بعضی از زیر پایه‌های مالیاتی باید حذف بشود. نکند PIT بیاید و دوباره هم آنها را در محاسبات بیاوریم و هم PIT ای بیاوریم که همه‌اش را کم می‌کنیم و مردم را گرفتارتر می‌کنیم. بنابر این پایه‌های مالیاتی، معافیت‌ها و مشوق‌ها را هدفمند کنیم و اطلاعات اقتصادی را تبادل و تقاطع اطلاعات را در اقتصاد شکل بدهیم و کاملش کنیم.

امروز اقتصادهای دنیا که حرفی برای گفتن در نظام مالیاتی دارند، کشورهایی هستند که اطلاعاتشان شفاف است. خیلی از کشورها اظهار نامه بر آوردی که می‌دهند، دامنه اعتراض مؤدی با اظهار نامه‌ای که می‌گیرد به پنج درصد نمی‌رسد. یعنی مؤدی آن اظهار نامه را قبول می‌کند چون تمام کتاچه‌اش را نظام مالیاتی جلوی او می‌گذارد.

من رفته بودم هلند، با معاون وزیر اقتصاد هلند جلسه داشتیم. گفتیم چرا ماشین گران در خیابان‌های شما نیست. ماشین‌های گرانی که در خیابان‌های ما هست، در خیابان‌های آنها نیست. گفت کسی جرأت نمی‌کند ماشین گران سوار شود. چون گرید مالیاتی‌اش از چهار می‌شود شش. به جای چهل درصد باید شصت درصد مالیات بدهد. یک ماشین اینجوری اگر زیر پای او ببینم گرید او را عوض می‌کنم. همین معاون وزیر اقتصاد با دو چرخه آمد و از ما خداحافظی کرد. یک دو چرخه ۲۸ قدیمی خودمان. به هر حال نظام مالیاتی هنوز جای کار کردن خیلی زیاد دارد و این تحولات زمان، ممارست، دقت و همراهی می‌خواهد. تمام بخش‌های اقتصادی در قوه مقننه، در قوه اجراییه و در قوه قضائیه باید هماهنگ عمل کنند و نظام مالیاتی را پشتیبانی کنند. نمی‌شود که نظام مالیاتی تنها به میدان بیاید.

مرور تاریخ مالیات در گفت‌وگو با استاد محمد رزاقی:

کشور را خود مردم اداره می‌کنند

استاد محمد رزاقی متولد سال ۱۳۲۴ استان همدان است که دانش آموخته دوره کارشناسی در رشته بازرگانی موسسه عالی بازرگانی در سال ۱۳۵۱ و دوره کارشناسی ارشد روابط بین الملل در دانشگاه تهران سال ۱۳۵۷ می‌باشد.

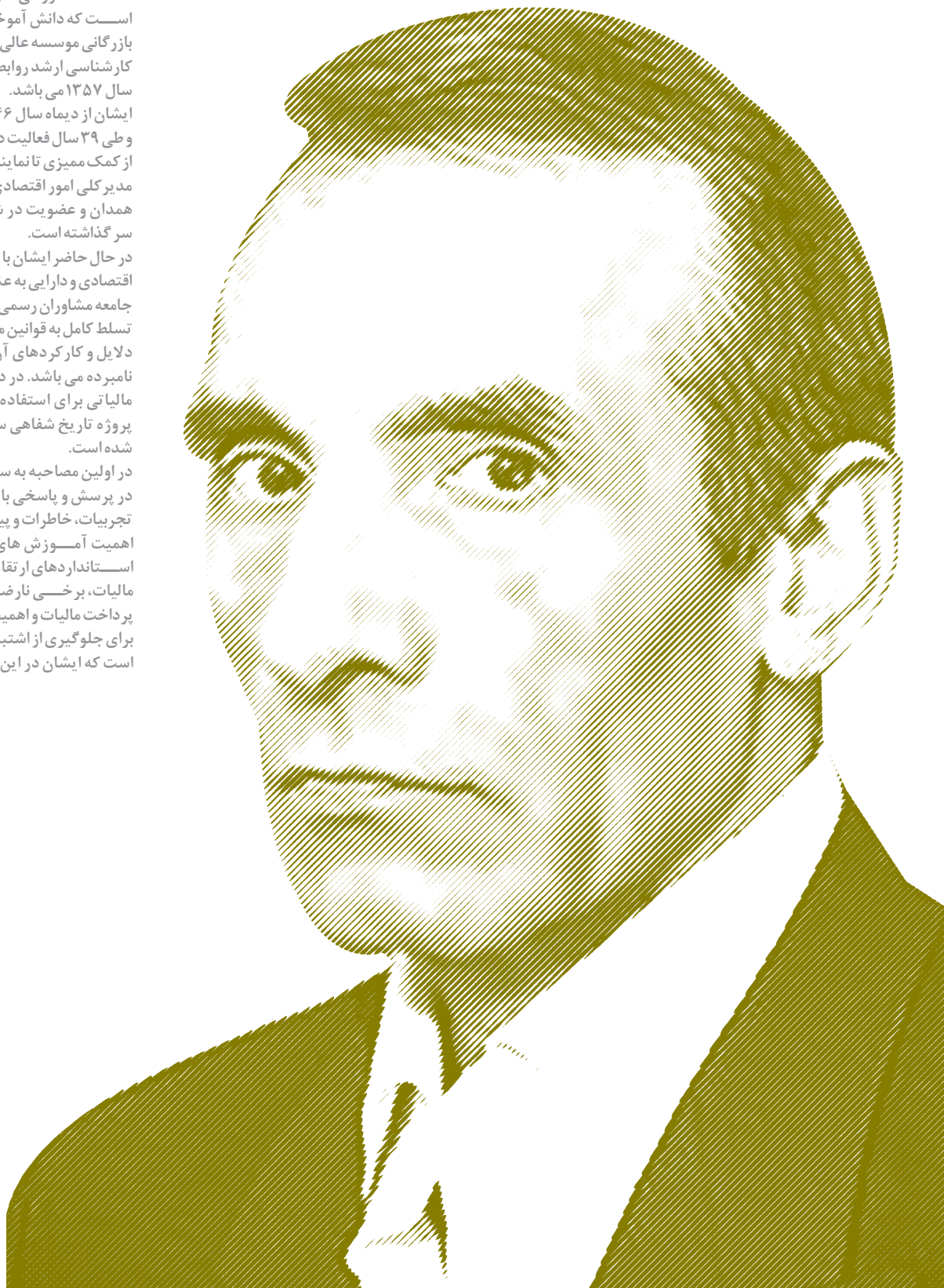
ایشان از دیماه سال ۱۳۴۶ جذب وزارت دارایی شده و طی ۳۹ سال فعالیت در قسمت‌های مختلف مالیاتی از کمک ممیزی تا نماینده هیئت حل اختلاف مالیاتی، مدیر کلی امور اقتصادی و دارایی استان سمنان و همدان و عضویت در شورای عالی مالیاتی را پشت سر گذاشته است.

در حال حاضر ایشان با حکم دکتر خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس هیئت عالی نظارت جامعه مشاوران رسمی مالیاتی منصوب شده‌اند.

تسلط کامل به قوانین مالیاتی از جمله شرایط تنظیم، دلایل و کارکردهای آن از جمله ویژگی‌های ایشان نامبرده می‌باشد. در دوره جدید اداره سازمان امور مالیاتی برای استفاده از تجربیات نخبگان مالیاتی پروژه تاریخ شفاهی سازمان مالیاتی راه اندازی شده است.

در اولین مصاحبه به سراغ آقای محمد رزاقی رفته و در پرسش و پاسخی بالغ بر دو ساعت ایشان به بیان تجربیات، خاطرات و پیشنهادات خود پرداخت.

اهمیت آموزش‌های بدو استخدام، تعریف استانداردهای ارتقاء، فشار ساواک برای تعیین مالیات، برخی ناراضی‌ها پس از انقلاب برای پرداخت مالیات و اهمیت نوشتن قانون و بخشنامه‌ها برای جلوگیری از اشتباه و تخلف از جمله موضوعاتی است که ایشان در این گفتگو بر آنها تاکید داشتند.





استخدام و اهمیت آموزش های بدو خدمت

جناب رزاقی: ما می خواهیم خاطرات و تجربیات شما را از ابتدای ورودتان به سازمان امور مالیاتی کشور، ثبت و ضبط کنیم. لطفاً بفرمایید شما در چه سالی وارد سازمان امور مالیاتی شدید و چه سمتی داشتید؟

آقای رزاقی: خاطرات اداری و در گذر زندگی اداری بالآخره هست. در طی این دوران جدلهایی و چانه زنی با ارباب رجوع، مؤدیان مالیاتی و مسئولان بالادستی و همکاران وجود داشت.

البته باید دید که دیدگاه آن کسانی که من با ایشان سروکار داشتم، درباره بنده چیست.

سال ۱۳۴۶ من در وزارتخانه دارایی استخدام شدم. در اوایل دهه ۵۰ بود که عنوان این وزارتخانه به وزارت امور اقتصادی و دارایی تغییر پیدا کرد.

حدود سه ماه، ما دوره آموزشی بدو استخدام خوبی را گذرانیدیم و اساتید خیلی مجربی درس می دادند.

بر اساس تجربه ام خدمتتان نکته ای عرض کنم و آن اینکه آموزش بدو خدمت یک نیروی تازه وارد، نقش به سزایی در کارایی شغلی و جهت گیری زندگی آن فرد می تواند داشته باشد.

در آموزشهای ابتدای استخدام بود که من با مسئله حقوق آشنا شدم و این موضوع یک تحولی برای بنده ایجاد کرد. با قوانینی مثل قانون بیمه، مثل قانون آیین دادرسی مدنی، قانون جزا و... آشنا شدم و پس از گذراندن دوره های آموزشی، تحت عنوان کارورزی به واحدهای مالیاتی معرفی شدم.

مقداری راجع به دوره کارورزی و شرایط

سال های اول استخدامتان توضیح بدهید.

آقای رزاقی: پس از طی دوره آموزشی مادر واحدهای مالیاتی مشغول به کار شدیم. در آن دوره به کارورزان حقوق نمی دادند حتی به قول معروف در حد یک پول توجیبی ندادند. امثال این چالش ها از همان موقع تا امروز وجود دارد. پس از کش و قوس های فراوان که من تازه استخدام بودیم و در اوایل جوانی و تازه هم از دوره سربازی برگشته بودیم، بی جیره و مواجب ثابت کار کردیم و در نهایت لطف کردند، رقمی را به صورت مقطوع به حساب من واریز کردند. تا آنجایی که من یادم است در ۲۷ اسفند ۱۳۴۶، حکم استخدام رسمی آزمایشی را به ما دادند. حکم استخدام رسمی آزمایشی داده شد و پس از یک سال دوره آزمایشی، بعدش حکم استخدامی قطعی گرفتیم. این داستان قضیه در بدو ورود.

توجه به تحصیلات و سوابق در نظام ارتقاء

اولین مسئولیت من، کمک ممیز مالیاتی ساختمان بود. چند سالی گذشت، هم مان رتم کنکور دادم و با قبولی در دانشگاه، لیسانس گرفتم.

پیش از دوره ورود من به وزارت دارایی، بیشتر ممیزهای مالیاتی، مدرک تحصیلی دیپلم داشتند، ولی از آن موقع به بعد دیگر سطح سواد بالاتر رفته بود، وزارت دارایی هم به نوبه خودش تصمیم گرفته بود که حتی الامکان تا آنجایی که میسر است، با لیسانس، حکم ممیزی بدهند.

همانطوری که در دوره دبستان و دبیرستان هم من معمولاً می درخشیدم و بیشتر مواقع رتبه اول بودم، در دانشکده هم نمراتم خوب بود و نمراتی آوردم که آن موقع شهریه می گرفتند، از شهریه ما را معاف کردند و حتی

یک جایزه ای هم به من دادند. با توجه به سوابق تحصیلی در نتیجه من یک سال هم از دوره لیسانسم باقی مانده بود که حکم ممیزی را برای من صادر شد.

و به این ترتیب در حالی که من سال ۱۳۵۱ لیسانس گرفتم ولی در سال ۱۳۵۰ حکم ممیزی را به من دادند.

تعریف و رعایت استاندارد تقسیم بندی حوزه ها / صدمات فشار کاری حوزه های مالیاتی به ممیزان

مسئولیت خیلی سنگین بود و حوزه مالیاتی بسیار سنگینی در شرق تهران به من که تازه ممیز شده بودم واگذار شد.

این حوزه در اختیار من ۱۳۵۰ پرونده یا دو نفر کمک ممیز داشت. اگر آن محدوده حوزه مالیاتی که به من داده بودند، مجدداً واحدهایی می شد، با خیلی از مشاغل روبرو می شدی که پرونده مالیاتی نداشتند. مقداری از این ۱۳۵۰ پرونده املاک بود و در حد ۱۰ درصد این املاک، اجاره ای بود که مشمول مالیات می شدند.

با همان تناسب در همان محدوده مغازه، کارگاه های واحدهای کسبی بود که به عنوان مشاغل، مشمول مالیات می شدند.

پرونده مشمول مالیات فقط اجاره املاک که نبود، مشاغل مهم تر از آن بود و شرکت ها مهم تر از مشاغل بود. اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمد اتفاقی و مالیات بر درآمد کشاورزی داشتیم که بعد از انقلاب، کشاورزی را معاف کردند.

۱۳۰۰۰ پرونده!!

آقای رزاقی: بله، تا ۱۰-۱۱ شب ما مشغول کار بودیم. این ها خاطرات به اصطلاح دوره های خیلی سخت و فشرده مالیاتی است که در دوره ممیزی گذرانیدیم.

با توجه به این شرایط دشوار کاری، واقعاً دیگر دیدم که دچار یک فرسایش عصبی من شدم. درخواست کردم که ما را منتقل کنند و بعد از مدت ها چالش و چانه زنی بالآخره پذیرفتند و من را به حوزه مالیاتی ای در مرکز شهر تهران که کارش کمتر بود، منتقل کردند. با انتقال به مرکز تهران، مقدار زیادی از آن بار سنگین کاسته شد. این فراز و نشیب به همین سبک ادامه داشت. بعدش سرممیزی مالیاتی گرفتیم.

تفکیک پرونده ها بر اساس منابع مالیاتی

جناب رزاقی از مهمترین اقدامات اواخر دهه ۴۰ در حوزه مالیاتی چه نکاتی مدنظر تون می رسد که بیان کنید؟

آقای رزاقی: یکی از تحولات مهمی که در اواخر دهه ۴۰ ایجاد گردید، تفکیک حوزه های مالیاتی بر اساس منابع مالیاتی بود که حوزه مالیاتی به املاک، مشاغل و اشخاص حقوقی تقسیم بندی شدند. به طور مثال پرونده مالیاتی اشخاص حقوقی را از ادارات جدا کردند و اداره مالیاتی شرکتها راه اندازی شد. بعد از اشخاص حقوقی ارث را تفکیک کردند. یک مدتی هم با نام اداره کل امور مالیاتی ارث و اشخاص حقوقی با هم بودند و بعد از انقلاب ارث هم جدا شد.

ناراضی های همیشگی از پرداخت مالیات

مردم آن ایام از وضعیت مالیات سستانی دولت راضی بودند؟

آقای رزاقی: نه. از مالیات والا هیچ موقع ما رضایتی

نمی دیدیم. از مالیات هیچ موقع ما رضایتی نمی دیدیم و این هم برمی گشت به فرهنگ مالیاتی. یعنی می گفتند که ما این همه نفت داریم. ما که نفت داریم دیگر مالیات نباید بدهیم. همیشه این چالش را آنها داشتند و همیشه این اعتراض مطرح بود. در این میان یک عده ای افراد فرنگ رفته بودند و با فرهنگ مالیاتی آشنایی داشتند. آنها می آمدند و می گفتند که هیچ مملکتی بدون مالیات اصلاً به نظر ما معنی ندارد. اداره مملکت باید به عهده خود جمعیت آن کشور باشد. این ها را ما جستجوگر یخته از آدم های باسواد و دانشگاهیان آن موقع می شنیدیم.

مسئولین دولتی هم این درک را داشتند که به جای اینکه در آمدهای نفتی را به عنوان مثلاً منابع اصلی بودجه باشد، در آمدهای مالیاتی را در منابع اصلی بودجه ببینند؟

آقای رزاقی: ناگفته نماند که آن موقع هنوز آن کنسرسیوم و مسائل کنسرسیوم نفتی به قول معروف چندان هم عاید کشور ما نمی شد و باز منبع اصلی بودجه را نفت تشکیل می داد.

فشار ساواک برای تعیین مالیات برخی افراد

بر گردیم به سال ۱۳۵۶ که شما سرممیز شدید. فرمودید که سیاسی نبودید ولی یک مسأله سیاسی برای شما اتفاق افتاد.

آقای رزاقی: بله، یک روزی رفتم خیابان ایران شهر. در خیابان ایران شهر یک سرممیزی تفکیک شده بود.

خوش نام بودم نه اینکه خیلی خدمت به انقلاب کرده باشم، ولی لااقل صداقت خودم را نشان داده بودم. لااقل این معروفیت را پیدا کرده بودم که من خلاف قانون انجام نمی‌دهم.

پس از انقلاب کمیسیونی تشکیل شده به نام "کمیسیون ملی توافق مالیاتی" که من با همین شهرت عضو آن شدم.

تشکیل کمیسیون (توافق ملی در حوزه مالیات) پس از انقلاب

مجری: کار کمیسیون چه بود؟

آقای رزاقی: کمیسیون "ملی توافق مالیاتی" که پس از انقلاب تشکیل شد، قبل انقلاب اسمش "کمیسیون تشخیص مالیات" بود.

در آن دوره مردم و وزارت دارایی مانده بود که درباره مالیات چه کاری باید انجام شود.

پس از انقلاب مسئولین برای سروسامان دادن به اوضاع لوايح متعددی می نوشتند و این لوايح پشت سر هم در شورای انقلاب طرح و تصویب می شد و به اجرا گذاشته می شد. یک لایحه ای شورای انقلاب تصویب کرد و اسم آن کمیسیون را گذاشت "کمیسیون توافق ملی". یعنی آن مرجع حل اختلاف بود.

در مورد امور مالیاتی؟

آقای رزاقی: بله، ممیز مالیاتی با نظر سرممیز مالیاتی وقتی برگه تشخیص مالیات صادر می شد، ابلاغ می شد، اگر مودیان اعتراض می کردند، باید می رفت یک مرجع حل اختلاف که حلش کند. پیش از انقلاب اسمش کمیسیون تشخیص مالیات بود و بعد اسمش را عوض کردند، کمیسیون ملی توافق ملی گذاشتند. به این جهت اسمش را عوض کردند که خب مردم از آن ناراضی بودند و همه انتظار داشتند به تناسب انقلابی که صورت گرفته یک تأثیرات مالیاتی هم گذارده شود.

من هم در سال ۱۳۵۸ عضو این کمیسیون شدم که از یک نفر نماینده وزارت دارایی که بنده بودم، یک نفر قاضی و یک نفر هم نماینده از اتاق بازرگانی، یا مراجع مجامع حرفه ای تشکیل می شد.

کمیسیون سه نفره بود؟

آقای رزاقی: سه نفره بود. خلاصه سعی می کردیم که موافقت مودی را با توافق بگیریم.

اگر تعدیل از یک حدی بالاتر می شد، یک نسخه رای کمیسیون به دادستانی انتظامی مالیاتی ارجاع می شد و آنهایی که تشخیص داده بودند، تحت پیگرد قانونی قرار می گرفتند که چرا اینقدر در تشخیص مالیات برای مودی بی دقتی کرده اند.

ای بابا انقلاب شده که ما مالیات بدهیم؟

با توجه به شرایط انقلاب، به یک نحوی این اختیار را داشتیم که با مودی کنار بیاییم. اغلب سعی می کردیم تراضی شان می کردیم و با رضایت مالیات وصول شود. نکته ای که در همان کمیسیون توافق ملی بود، اینکه همه طلبکارانه می آمدند. می گفتند ای بابا انقلاب شده که ما مالیات بدهیم؟ ما هم باید آنجا چالش می کردیم؛ آقا، برای ادامه مسیر انقلاب و چرخش امور مملکت باید مالیات پرداخت کرد و در اصل کشور باید با مالیات اداره شود.

انتظار داشتید که خور و خواب فقط؟ نه خیر. بعضاً بایک زبانی متقاعدشان می کردیم، بعضاً هم مدام تندروری



چه کسانی بودند آن دو نفر؟

آقای رزاقی: اجازه بدهید اسم ببریم. به هر حال ما زیر بار نرفتیم، زیر بار نرفتیم و بعد مدام روز به روز تهدید بیشتر می شد.

خلاصه دو نفر از انقلابیون بودند؟

آقای رزاقی: دو نفر از به اصطلاح آزادی خواهان و بله سیاسی ها بودند.

تا بالاخره مدیر کل وقت ما را احضار کرد و پرسیدند که چرا نمی نویسید؟

گفتم من قانونی می نویسم.

مدیر کل وقت به ما گفت که ما سر باز هستیم و هر چه گفتند باید انجام بدهیم.

من هم جوان بودم خیلی تند بودم. برگشتم جواب خیلی بدی دادم. گفتم سربازی که می فرمایید که هر چه گفتند انجام می دهید، هر چه هم نیست، هر چه خیلی چیزها در آن نهفته است.

جواب بدی دادم که طرف یک مقداری هم با اینکه خیلی علاقمند به بنده بود و قبلاً استاد من هم بود، ناراحت شدند.

بالاخره ما این کار را نکردیم و در همان جا بنده را برکنار کردند. یک پست کارشناسی سطح پایین به بنده دادند. در حالی که همان ماه ما قرار بود ممیز کل بشوم.

آن موقعیت از بین رفت، یک پست پایین به من دادند تا اینکه بالاخره جنبش ها شروع شد. یواش یواش جنبش شروع شد، رسیدیم به سال ۵۷، جنبش انقلاب اوج گرفت، بالا گرفت که منجر شد به دگرگونی و بعد از دگرگونی من از سمت انقلاب، خوش نام بودم.

سر ممیزی بازرگان ها و یا آن موقع می گفتیم مشمولین ماده ۵۹، مشمولین ماده ۵۹ قانون مصوب سال ۱۳۴۵ که آن زمان بر می گشت به آنهایی که دفتر قانونی باید نگهداری می کردند که مهم ترین هایشان هم بازرگان ها بودند.

بازرگان ها بودند که واردات، صادرات داشتند و در کنار آنها وکلای دادگستری بود که آنها هم مشمول ماده ۵۹ می شدند.

اسم دو نفر از وکلای دادگستری را به من دادند، گفتند که این دو نفر اینجا مسئله سیاسی دارند و ساواک پیگیر این قضیه است و می بایستی مالیات یا مبلغی که ساواک اعلام می کند، برای این دو نفر وکیل نوشته شود.

در پاسخ این دستور، گفتم به درستی یک عده من را مشهور کردند که من در اجرای قانون سختگیر هستم. قانون دستوری است که به وسیله قوه مقننه تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ می شود. من هم تابع دستور قوه مقننه هستم. عدول نکردم و نخواهم کرد.

اینکه رقم به من بدهید، بنده زیر بار نمی روم. غافل از اینکه این لیست شامل ۶۰-۷۰ نفر است، که این افرادی مشخص شده، رقم مشخص شده و به معاونت درآمدهای مالیاتی اعلام شده تا بر اساس آن اقدام کنند.

از این لیست دو نفرشان در حوزه سرممیزی من بوده و این دو نفر معروف ترین و شاخص ترین این لیست بودند.

به من گفتند که فلانی سخت گیر. دو نفر نیستند و ۶۰-۷۰ نفر هستند. مابقی ممیزان چشم به راه تو هستند و گفته اند که اگر فلانی نوشت ما هم می نویسیم.

من در جواب گفتم من نمی نویسم.

می کردند. من هم خب هنوز جوان بودم، من هم عصبی می شدم، من هم بر خورد تند می کردم در مقابل آن تندروی ها. بعضی موقع ها به اوقات تلخی هم کشانده می شد. این است که بدترین خاطره که من داشتم، همان جدل های در کمیسیون توافق ملی بود.

یعنی پیش می آمد که مثلاً یک فردی یک تاجری، بیاید و بگوید که من مثلاً اینقدر مالیات نمی خواهم بدهم به خاطر سوابق انقلابی ام و ارتباط با فلاتی و بهمانی.

آقای رزاقی: ببینید کلیات این بحث را همه شان داشتند، منتها بعضی ها دیگر وقتی تخفیف برایشان عنوان می کردیم، تعدیل می کردیم راضی می شدند و تشکر هم می کردند، بعضی می گفتند مالیات یعنی چه اصلاً؟ می گفتند ما انقلاب کردیم...

کلامی خواستند مالیات پرداخت نکنند؟! آقای رزاقی: بعد ما مجبور شدیم و گفتیم که اگر انقلاب کردید مالیات ندهی، ببخود کردی. دیگر کار به اصطلاح بعضی موقع ها دیگر عصبانی می شدیم و ناخودآگاه این جدل ها را داشتیم و این جملات هم به کار می رفت.

ولی خب نهایتاً رضایت بخش بود. نهایتاً آخر سر که ارزیابی می شد از کمیسیون ما بالاخره دستگاه رضایت داشت. این گذشت و تا اینکه دعوتان کردند، گفتند که خب مدیرکلی یکی از استان ها را برایت در نظر گرفتیم. بعدش هم حکم مدیرکلی امور اقتصادی در استان سمنان را به من دادند و بعدش هم مدیرکلی همدان. از آنجا هم بعد دیگر برگشتیم و بعد از چند صبحی عضو شورای عالی اداره مالیاتی شدیم.

این چه سالی هست؟ آقای رزاقی: شورای عالی مالیاتی سال ۱۳۶۲ عضو شدم.

شورای عالی مالیاتی کارش چی بود؟ آقای رزاقی: شورای عالی مالیاتی اینجا مراجع حل اختلاف...

اولین مرحله اعتراض مودیان، ممیزکل بود. یعنی در ابتدای امر می گفتند که آنهایی که اعتراض دارند می توانند ظرف ۳۰ روز پیش ممیزی مالیاتی بروند. اگر آنجا توافق حاصل شد فیها، بخشودگی جرائم هم دارند که الان هم همان وضعیت در حقیقت هست. اغلب هم توافق حاصل نمی شد و آنجا وقتی حاصل نمی شد، ممیزکل باید برگه تشخیص مالیات را پشت نویسی می کرد و پرونده را جهت طرح به کمیسیون تشخیص مالیات یا همان کمیسیون توافق ملی می فرستاد.

بنابراین وقتی می رفت کمیسیون توافق ملی، دیگر مرحله تا سر ممیزی مالیاتی و ممیزکل مالیاتی طی شده بود. کمیسیون تشخیص و توافق ملی مرجع حل اختلاف بود.

مجدداً مودی ها می توانستند از رأی کمیسیون تشخیص هم شکایت کنند و این شکایت می رفت شورای عالی مالیاتی، در شورای عالی مالیاتی حداقل با پنج نفر عضو شورا می بایستی این رأی را مورد بررسی قرار دهند.

آن موقع شورای عالی مالیاتی ۱۳ نفر بود. ۵ نفر عضو اصلی، ۸ نفر علی البدل. می شد ۱۳ نفر. از آن ۵ نفر

اصلی وزیر دارایی باید یکی را انتخاب می کرد به عنوان رئیس شورا. رئیس شورای عالی مالیاتی. ۴ نفر دیگر چه کار می کردند؟ ۴ نفر اصلی یک نفر اصلی، ۲ نفر علی البدل تشکیل یک هیئت تحقیق را می دادند. بعد شکایت که دریافت می شد، اول به یکی از این هیئت های تحقیق ارجاع می شد و آن آن هیئت تحقیق با بررسی مدارک در ابتدا تشخیص می دادند که پرونده مودی شرایط طرح در شورای عالی را دارد یا خیر. اگر آنجا می گفتند که قابل طرح نیست، همان رأی کمیسیون توافق ملی با همان رأی سه نفر برمی گشت و خطاب به مودی اعلام می شد که این پرونده در شورای عالی مالیاتی قابل طرح نیست. اگر نظر می دادند که قابل طرح در هیئت ۵ نفره است، در اجلاس شورای عالی مالیاتی آن موقع ارجاع می شد به ۵ نفر از اعضای آن ۱۳ نفر، آن ۵ نفر هر چه رأی می دادند اکثریت آن لازم الاجرا بود، یا نقض می کردند یا ردش را باید اعلام می کردند.

این فرآیند شکایت چقدر طول می کشید؟ یعنی از همه مادی بیاید تا برسد به شورای عالی. آقای رزاقی: اگر خیلی سرشان شلوغ نبود حدود دو ماهه بر می گشت. دو ماهه داشتیم. ولی داشتیم که ۵-۶ ماه هم طول می کشید.

مشکلات قانونی تحولات مالیات ستانی!

تحولات مالیات ستانی کشور از سال ۸۵ به بعد را شما چطور ارزیابی می کنید؟ نظام مالیاتی چقدر در الکترونیکی کردن مالیات ستانی موفق بوده است؟ چه مشکلاتی وجود دارد؟

آقای رزاقی: خب طبیعی است که با توجه به تغییرات تکنولوژی، دولت الکترونیک باید در رأس همه امور تحولی قرار بگیرد. اقدامات خوبی انجام شده است و البته مشکلاتی هم داریم. الان مثلاً همین موضوع ابلاغ الکترونیکی اوراق مالیاتی چون به نظر می رسد با برخی قوانین دیگر مغایرت دارد، مسئله ایجاد کرده است.

قانون در خصوص ابلاغ اوراق مالیاتی به مودی ذکر کرده که باید اوراق به خود مودی ابلاغ شود. و در صورت عدم حضور مودی یا خودداری از دریافت برگه مالیاتی، قانونگذار ابلاغ قانونی را پیش بینی کرده است. ابلاغ قانونی بر اساس قانون محالی دارد. اینکه در صورت عدم حضور مودی طی آگهی در یک روزنامه ای را جایگزین ابلاغ کنیم ممکن است اشکالاتی به دنبال داشته باشد. ابلاغ الکترونیکی هنوز هم بحث های حقوقی به سرانجام نرسیده و نیاز به کارشناسی دارد.

به لحاظ زیرساخت های لازم هوشمندسازی و الکترونیکی شدن فرآیند وصول مالیات در چه مرحله ای قرار داریم؟ آقای رزاقی: من مهارت الکترونیکی به آن صورت ندارم، اجازه بدهید که انشالله همکارهای دیگر که تبحر دارند در این قسمت پاسخ بدهند.

بنده مالیات بر ارزش افزوده را قبول ندارم

از سال ۱۳۸۷ پایه مالیاتی EVT با همان مالیات بر ارزش افزوده را هم اضافه شد. شما از این فرآیند نکته ای دارید که به ما بگوید؟

آقای رزاقی: بله. تدوین قانون مالیات بر ارزش افزوده از زمان وزارت جناب آقای دکتر ابروانی شروع شد.

واقعیت قضیه این است که بنده مالیات بر ارزش افزوده را قبول ندارم. خیلی رک و راست بگویم، قبول ندارم. خب ما چرا قدیم مالیات های غیرمستقیم داشتیم، مالیات مستقیم داشتیم. مالیات های غیرمستقیم، مالیات از مصرف کننده است.

مالیات اصل و عادلانه؛ مالیات های مستقیم است. یک جنسی که می خواهند بخرند، دارا هم همان مالیات را بدهد، ندار هم همان مالیات را بدهد، این مسلماً از جهت عدالت قابل قبول نیست. من در آن دوره این موضوع را مقاله نوشتم. مالیات ارزش افزوده تقلیدی هم هست و ما مقلد شدیم.

رفتیم از کشورهای دیگر اقتباس کردیم. در حالی که تا آنجایی که بنده شنیدم، در برخی کشورها با اقتصاد بزرگ از جمله آمریکا... هنوز مالیات بر ارزش افزوده اجرا نشده است. مدام به ما می گویند از حدود ۱۹۰ یا ۲۰۰ تا کشوری که در دنیا وجود دارد، متجاوز ۱۵۰ کشور این قانون را دارند.

بعد رفتیم بیشتر تحقیق کردیم دیدیم نه اشتباه شده، ۱۵۰ کشور این قانون را دارند و اگر دارند بعضی از کشورهای مهمی هم هستند که این قانون را اجرا نکرده اند. ما روی مالیات های مستقیم باید کار کنیم و آن را تقویت کنیم و جلوی فرار مالیاتی آن را باید بگیریم.

من با اجرای این قانون با این شکل که فقیر و غنی به طور یکسان مشمول آن شوند مخالفم.

اجرای این قانون در کشور هم با چالش شروع شد. اول بار زمان آقای دکتر ابروانی یک بار رفت مجلس. در جلسه علنی مطرح شد، آنجا تصویب نشد. مجدداً در زمان وزارت دوم مرحوم دکتر نوربخش مجدداً مطرح شد. این بار رفت از هیئت دولت برگشت. گفتند ما ۷۰ درصد تورم داریم. مالیات بر ارزش افزوده هم می شود مزید بر آن. از خود هیئت دولت برگشت و در نهایت در خرداد سال ۱۳۸۷ تصویب شد.

یکی از کارکردهایی که برای مالیات بر ارزش افزوده می گویند و به حساب می آورند، این است که زنجیره تولید را شفاف می کند.

آقای رزاقی: بله. یکی از محاسنش والا آنها گفتند. یعنی در نهایت جواب ما مخالفین را اینطوری دادند. گفتند که این کلیدی برای مالیات های مستقیم است.

بله. شفاف باشد.

آقای رزاقی: فروشنده وقتی می فروشد باید صورتحساب تنظیم بکند، مالیات را بگیرد و اظهارنامه هم بدهد. با اجرای قانون پایانه های فروشگاهی دیگر مستقیم می شود. یعنی مستقیماً وقتی طرف می گیرد از خریدار صورتحساب را تنظیم می کند، خودبه خود به سازمان امور مالیاتی منعکس می شود.

به این ترتیب بله. وقتی تمامی این خریده ها با اکثریت این خرید فروشگاه وقتی به صورت مکتوب در می آید و سیستمی می شود، از طریق سیستم همه این ها را وقتی پرونده مالیاتی سال سپری شد، هر ممیزی پرونده مالیاتی مشاغل و شرکت ها را باز می کند، علی الاصول تمامی دادوستدها باید آنجا مشخص باشد. این حسن بسیار بزرگی است که می گویند.

من خیلی موافق با مالیات بر ارزش افزوده نیستم. برای اینکه در عین حال تورم را هم هست و صغیر و کبیر هم نمی شناسد.

درست، بالاخره تجمیع می شود و اعداد و ارقام خزانه من بالا می رود. ولیکن آثار منفی اش را روی آنها خیلی

هم از موارد جزئی صرف نظر کردن که اشکالی ندارد. مواردی که خیلی جزئی است اصلاً در قانون نیامده. فوئش یک استعلام می‌کند که سازمان ما چه کار بکنیم؟

مدام مطبور کنیم، بعد هر چقدر مطبور می‌کنیم گنگ بودن و مبهم بودن و فراموشی هم زیاد است. منجر می‌شود به چی؟ منجر می‌شود به بخشنامه. مدام دستورالعمل، مدام بخشنامه. مدام دستورالعمل وزارتین، مدام مصوبه دولت و الی آخر و می‌رود این‌ها خیلی هایشان دیوان عدالت اداری و هیئت دیوان عدالت اداری خیلی از این‌ها را نقض می‌کند. هیچی بر باد رفت. تأثیرات لغو بخشنامه‌ها در دیوان عدالت اداری بسیار زیاد است و اینطور نیست که دیوان یک بخشنامه دستورالعملی را نقض کرد و تمام شد رفت.

انواع و اقسام پرونده‌ها را داریم در مراحل مختلف. حالا در مراحل مختلف این رای هیئت دیوان را چطوری پیاده کنیم؟ خود همین می‌شود یک معضل عجیب. دوباره بخشنامه.

بخشنامه، بخشنامه می‌آورد. دستورالعمل، دستورالعمل می‌آورد. خب، پس بنابراین امیدوارم که این جمله‌ای که من عرض می‌کنم را متولیان محترم به خاطر داشته باشند.

یک قانون، یک آیین‌نامه.

البته همه قوانین هم باز آیین‌نامه جانبی نمی‌خواهد، بعضی از قانون‌ها مثلاً این قانون مدنی ما را خواندید که قانون مدنی ما خیلی روشن و صریح است.

یک قانون، یک آیین‌نامه. حالا دوباره نیابند دوباره یک آیین‌نامه برای آن آیین‌نامه و دوباره برای هر تبصره‌اش دوباره یک بخشنامه. معضل بزرگی است و این کاری نیست که در مدت زمان کوتاه هم حل بشود، حتی یک سال دو سال هم حل نمی‌شود. به این عرض من اگر بها بدهند و قبول کنند، همین خودش یک پروژه‌ای است. ولی امیدوارم که متولیان کشور، متوجه قضیه باشند، قوانینی که جنبه فنی دارد، محاسباتی دارد، فکر می‌خواهد، مشکل معضل پیچیدگی زیاد دارد، سعی کنیم طوری تنظیم کنند و کاری کنند که بایک آیین‌نامه معضل همه آنها پیش‌بینی بشود.

بگذارند زمان بگذرد. ۵ سال، ۶ سال گذشت و دیدند که این جواب نداد، ایراد زیاد دارد، بعد از ۵-۶ سال قانون را تجدید کنند، اشکال ندارد.

من برای قوانین مالیاتی ۱۰ هزار صفحه هم دیدم، در چند جلد. معلوم است که خب به چه ترتیب می‌خواهیم به حافظه بسپاریم. قانون هم باید نهایتاً ذهنی باشد، حافظه‌ای باشد. هر مورد کوچکی که نمی‌شود به ده تا قانون مراجعه کنیم، به ده تا بخشنامه، ده تا آیین‌نامه. معضل بزرگی شده است.

شما فرمودید که یعنی مسئله اصلی که

اینجا داریم، یک قانون‌گذار خبره نیاز است که این‌ها را انجام بدهد. این قانون‌گذاری در چه سطحی باید انجام بشود؟ در سطح مجلس یا در سطح درون‌سازمانی؟

آقای رزاقی: از پیش‌نویس شروع می‌شود. عمده موارد برمی‌گردد به آن پیش‌نویس. برای اینکه هیئت محترم دولت انقدر وقت ندارد که بیاورد کلمه به کلمه همه این‌ها را بررسی کند، بررسی در هیئت دولت کلی است.

مجلس اعتماد می‌کند به دولت، دولت هم بررسی می‌کند. هیئت وزیران هم اعتماد می‌کند به آن وزارتخانه. خب، حالا آن هم بیاورد اعتماد کند به آن کسی که پیش‌نویس نوشته.



چرا این طرح به طور کامل اجرا نشد؟

آقای رزاقی: در سال ۱۳۹۸ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان تصویب شد. این سامانه مودیان یعنی چه؟ یعنی الان فردی اگر بخواهد ببیند که وضعیت درآمدش چطوری است، وقتی مراجعه می‌کند به سامانه جستجو اسمش را بدهد، آنجا مثلاً مشخصات را تطبیق می‌دهند، آن مواردی که رفته خرید یا فروش داشته مشخص می‌شود.

الآن این سامانه در مراحل اولیه طراحی و اجرا است و رفته رفته جامع‌تر می‌شود. انشالله یک چند صبحا می‌گذرد و نمی‌گوییم ده‌ها سال، انشالله یک چند سالی بگذرد، امیدوارم برسیم به آنجا که این نظام جامع به طور کامل تحقق یافته و ابزار اصلی تحقق عدالت مالیاتی باشد.

بر باد رفتن قوانین مالیاتی؛

یک قانون، یک آیین‌نامه

جناب رزاقی وجود بخشنامه‌های متعدد در نظام مالیات‌ستانی کشور یکی از موضوعات چالش برانگیز در حال حاضر است. دلیل تعدد بخشنامه‌ها در نظام مالیاتی چیست و چه کار می‌شود کرد؟

آقای رزاقی: سؤال بسیار جالبی است. بله «جانا سخن از زبان مامی گویی» به قول معروف.

در عین حال حرص می‌خورم، شب در خواب هم که هستم مدام حرص چیزها را می‌خورم. بالاخره ما جزو قانون‌نویس‌های این مملکت بودیم و علی‌الاصول قانون‌نویس را باید آدم قدر انتخاب کنند. خیلی قدر. اگر هم نداشتیم حتی توجیه‌پذیر که هست، از کارشناسان خارجی استفاده کنیم. آنهایی که تجربه دارند، آنهایی که این مسیر را پشت سر گذاشتند. داریم از این افراد، می‌توانیم دعوت کنیم و کمک بگیریم. قانون باید جامع باشد و باز بنده بارها عرض کردم در همه محافل، آقا جان بیاورید مدام اصلاحیه قانونی و بخشنامه‌های متعدد صادر کنیم.

به طور مثال در قانون مالیات بر ارزش افزوده ۱۲ تبصره یک ماده قانونی دارد. کیست که این‌ها را در مغزش جا بدهد؟ به چه ترتیبی آخر؟ بی‌جهت، بیخود. بعدش

کار نکردیم. روی آثار منفی اش کار کنیم، احتمالاً بنده طرفدارهای بیشتری پیدا خواهیم کرد. نهایتاً برنده آنهایی هستند که طرفدار این ارزش افزوده هستند.

اطلاعات ابزار اصلی اجرای عدالت و نقش پایانه‌های فروشگاهی

جناب رزاقی نظر تان در مورد اجرای طرح جامع مالیاتی بفرمائید که خیلی سر و صدا کرد.

آقای رزاقی: عرض کنم که باید ببینیم قانون راجع به این نظام جامع اطلاعات چه می‌گوید؟ ماده ۲۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم تکلیف کرده که تشخیص مالیات باید متکی به دلایل و مدارک و اطلاعات کافی باشد و برای مودی روشن باشد و اگر مراجعه کرد برای گرفتن اطلاعات، این اطلاعات را باید واحد مالیاتی در اختیار مودی قرار بدهد.

پس بنابراین اطلاعات ابزار اصلی برای تشخیص مالیات و اجرای عدالت است. و همه این‌ها را ارائه می‌دهد و بر آن مبنا باید این مالیات نوشته بشود. اینکه گروه رسیدگی مالیاتی بر اساس شواهد اقدام به نوشتن مالیات برای مودی می‌نماید یکی از مضرات عدم دسترسی به اطلاعات است.

تعیین مالیات بر اساس علی‌الرأس، بی‌عدالتی به دنبال داشته است. پس این نظام جامع طرح اطلاعاتی مالیاتی را باید داشته باشیم و این تا آنجایی که من یادم است برای اولین بار در همان ماده ۵۹ قانون برنامه سوم، مصوب فروردین ۱۳۷۹ بر آن تأکید شده بود.

ماده ۵۹ آن قانون بود که جدا شدن سازمان امور مالیاتی کشور از وزارت دارایی را تجویز کرد. این ماده دوبند داشت. بند اولش همان بود که دولت سازمان امور مالیاتی را باید تشکیل بدهد. بند دومش این بود که نظام جامع طرح اطلاعات مالیاتی باید تدوین شود و اجرا گردد.

برای اینکه به اطلاعات کافی و وافی دسترسی پیدا بکنیم و بتوانیم بر مبنای آنها حسابرسی مالیاتی انجام شود.

بعداً هم در قوانین، تبصره‌ها، بخشنامه‌ها دائم بر اجرای این طرح تأکید شده است.

پس بنابراین اساس نگارش قانون در دست پیش نویس انجام می‌شود. آنجا باید نهایت دقت و تمام فکرمان و تمام هر چیزی که بخواهید شگرد، ترغند، هر علم و علمی که می‌خواهید به کار ببرید آنجاست. هر فنی که بخواهید به کار ببرید عمدتاً ۸۰-۹۰ درصد آنجاست. افراد کم تجربه را نباید برای قانون نویسی راهش بدهند. قانون نویس باید سرشار از معلومات باشد.

قوانین باید باز دارنده باشد

یکی از بحث‌های خیلی مهمی که ما در نظام مالیات‌ستانی کشور داریم و تجربیات شما حتما می‌تواند به ما کمک کند، این است که در رابطه‌ای که ممیز و مودی دارد، تخلفاتی اتفاق می‌افتد. حالا چه از سمت مودی که می‌خواهد رشوه بدهد، چه از سمت ممیز که احیاناً می‌خواهد خدایی نکرده رشوه بگیرد. دوست دارم از تجربیات شما بشنوم در این زمینه و اینکه به نظر شما این رابطه چطوری می‌تواند اصلاح بشود که مادیگر شاهد این گزارشات و این اخبار این شکلی نباشیم.

آقای رزاقی: این خودش یک مبحث علمی خیلی وسیعی است. عرض کنم که علی‌الاصول خود قانون، خود دستورالعمل، خود مدیریت باید بازدارنده باشد. برمی‌گردیم به قانون، هر چقدر قانون جامع‌تر و بهتر آنجا مسلماً که آنجا مفری ندارد. قانون مفری ندارد و به هر طرف می‌چرخید می‌بینید که قانون آنجا پیش‌بینی لازم را کرده و قواعد خوب بازدارنده را آنجا پیش‌بینی کرده است.

بنابراین باز برمی‌گردد به خود متن قانون، متن قانون. خوب چرا، نظارت باید باشد، خود نظارت هم باید سنجیده باشد. سازمان مالیاتی دادستانی انتظامی مالیاتی دارد. دادستانی انتظامی مالیاتی یک تعدادی دادیار دارد. مگر چند تا دادیار می‌تواند داشته باشد. برای هر ممیز مالیاتی نمی‌تواند یک دادیار آنجا بالای سرش بگذارد. باز آن هم چیست؟ باز آن هم یک چیز کلی است.

شده سر همان به اصطلاح متأسفانه کار فساد که قرار است به تحقیق پیبوند، سر همان قضیه در جا مأموران سر رسیدند و دستگیر کردند طرفین را. داشتیم. اما خوب قوانین باید بازدارنده باشد که آن مسائل پیش نیاید.

این باز برمی‌گردد در درجه اول به قانون و بعدش هم آن برنامه نویسی اجرایی آن قانون، طرق اجرایی که نوشته می‌شود و در اختیار مأموران مالیاتی گذارد می‌شود. برمی‌گردد به جامعیت، دقت بیشتر، سواد بیشتر، سلیقه بهتر، انتخاب اصلح.

چهار گانه ارتقا نیروی انسانی؛ اغنا، نظارت، آموزش و اصلاح

یک بحث دیگری را هم که داریم البته مرتبط است به بحثی که عرض کردم، در باب حقوق کارکنان سازمان امور مالیاتی است. بسیاری اعتقاد دارند که کم بودن پایه حقوق کارکنان، خودش جزو عواملی است که انگیزه‌های فساد را افزایش می‌دهد و بر این اعتقادند که باید این حقوق افزایش پیدا کند که کارکنان، ممیزها، انگیزه تخلف را نداشته باشند. شما نظر تان چیست؟

آقای رزاقی: خوب والا این یک اصل هست، علی‌الاصول وقتی مأمور مالیاتی مایوس باشد، با یأس و دل‌سردی و یا اینکه نه قصد آن کار را هم ندارد، ولیکن این فکر و افکار خانواده، معضلات خانواده، تمام ذهن و فکر این

را مشغول کرده، نمی‌تواند خوب کار کند. اینکه اصل است، باید مخصوصاً درباره مسائل مالی، مخصوصاً در مشاغل مالی باید طرف را سیرش کنند، باید طرف را اغنا کنند، باید طرف احتیاجاتش را برطرف کنند. هم خودش هم خانواده‌اش، هیچ شکی در آن نیست. در عین حال نکته‌ای را باید عرض کنم خدمتان که باید سعی کنند مخصوصاً درباره امور مالی، به قولی اینکه از قدیم می‌گفتند، افراد اصیل انتخاب کنند. یک آدم اصیل به اعتقاد من اگر از گرسنگی هم از بین برود، از آن شخصیتش خارج نمی‌شود، کار خلاف انجام نمی‌دهد. یک آدم اصیل تادم مرگ هم از آن اصالت خودش خارج نمی‌شود.

چطوری باید این افراد اصیل را انتخاب کنیم؟

آقای رزاقی: راه‌های زیادی هست. عرض کنم که پرس‌وجو و تحقیقات که هست. مصاحبه هست، پرس‌نامه‌هایی تنظیم کردند، که از جواب به همان پرس‌نامه‌ها شخصیت تا حدود زیاد بتوانند پی ببرند. این ابزارها وجود دارد. منتها باید صرف وقت کنند و علاقه باید باشد. آدم‌های اصیل را باید انتخاب کنند.

و بعدش هم دوره‌هایی هست که تربیت می‌کنند. طرف مثلاً آمادگی دارد کارمند خوبی باشد، ولی الآن آن به اصطلاح محفوظاتش و تجربه‌اش و این چیزها قد نمی‌دهد که بیاید. حتی بعضاً خیلی هستند کار خطا می‌کنند، پشیمان می‌شوند. پس این اصالت را داشته منتها یک قضیه‌ای پیش آمده، گول خورده مثلاً. این‌ها را می‌شود از قبل تا حدود زیادی شناسایی کرد.

حالا اگر آمد یک قصور مرتکب شد، طوری باید تنبیهات باشد که سازنده باشد. من نمی‌گویم با یک گناه صغیر طرف را بگیرند اعدامش بکنند. گناهان صغیره قابل اغماض است ولی در عین حال تربیت هم نباید از دست بدهیم. کامل کردن ذهن و هوش و به اصطلاح این عقل و تعقل طرف هم نباید فراموش کنیم. می‌توانیم از او آدم خیلی خوبی بسازیم.

اجرای قانون کام اول مبارزه با فرار مالیاتی

بحث پایانی مان در باب فرارهای مالیاتی است. فضای نظام مالیات‌ستانی کشور در زمینه فرارهای مالیاتی را برای ما شرح بدهید، چه اتفاقاتی قبلاً افتاده، فرایندش چطوری بوده؟ الآن بیشتر شده، کمتر شده؟ چقدر توانستیم محدود و کنترل این‌ها را کنیم و چه پیشنهاداتی برای آینده دارید؟ **آقای رزاقی:** به نظرم یک از دلایل فرار مالیاتی عملکرد مأموران مالیاتی است. برای اینکه مأمور مالیاتی بعضاً سختگیری می‌کنند. وقتی سختگیری می‌کنند مودی می‌گوید که این چه کاری است؟ فراریان مالیاتی زیاد هستند، من هم به آنها ملحق می‌شوم.

پس بنابراین من دیگر آن واقعیتی که در دفتر نوشتیم یا در حافظه کامپیوتر ضبطش کردم دیگر نمی‌کنم. من هم یک در میانش می‌کنم، من هم این کار را می‌کنم. پس بنابراین یکی‌اش همان اجحاف ناآگاهانه یا آگاهانه مأموران است.

مأموران مالیاتی باید قانون را به طور کامل اجرا کنند و عدم التزام به اجرای قانون خودش فرار ایجاد می‌کند و موجب انحراف مودی می‌شود.

اهمیت فرهنگ سازی و افشا متخلفان مالیاتی از طریق رسانه

موضوع فرهنگ‌سازی بسیار مهم است. حتی الامکان این اشاعه فرهنگ مالیاتی که هر ۲۰۰ کشور که داریم، در عقب‌مانده‌ترین کشور مافرنهنگ مالیاتی می‌بینیم. حیف و زشت است برای ما در ایران که تاریخ مفتخری داریم دیگر مثلاً ایرانی بیاید فرار مالیاتی پیشه کند. از طریق رسانه‌ها، از طریق آموزش و به هر نحوی که میسر است با مردم باید در میان گذاشت. حتی شده از طریق اعزام به کشورهای خارج، ما مربی کارآمد و افراد سالم تربیت کنند.

آنهایی که فرار مالیاتی را ترویج می‌کنند، آن خیلی مهم است. یک کاسب مالیاتی در یک محل می‌تواند تمام کسبه آن محل را آلوده کند. فکرها را خراب کند که آقا مگر نادانیم، مگر نادان شدید، مگر عقلمان کم است؟ رفته این کار را کردم، از رفیق من گرفتند ۱۰۰ میلیون من دادم ۲۰ میلیون. خب این بنابراین اشاعه فساد، جلوی این اشاعه فساد باید گرفته شود.

باید کسانی که مردم را به فرار سوق می‌دهند شناسایی شوند و برای افشاء متخلفان مالیاتی خبرنگارها و رسانه‌ها باید نقش اصلی را برعهده بگیرند.

پیشنهاد دیگر این است که چون مالیات یک موضوع کشوری است، دانشجویان در هر رشته‌ای موضوع مالیات را به عنوان یک فعالیت و درس جانبی بگذارند.

کشور را خود مردم آن اداره می‌کنند

به عنوان نکته پایانی اگر صحبتی دارید برای آیندگان، نسل‌های آینده، حتی افرادی که شاید هنوز به دنیا نیامده باشند که فردا روز به در دشان بخورد در فضای مالیات‌ستانی بفرمائید. **آقای رزاقی:** اشاعه فرهنگ مالیاتی و بالا بردن معلومات اجتماعی را اولی می‌بینم.

اگر مالیات نشأت گرفته از معلومات اجتماعی در نظر بگیریم، یکی‌اش مالیات است. این معلومات اجتماعی را به آن اهمیت بدهند.

موضوع فرهنگ مالیاتی را از همان ابتدا که بچه‌ها به مدرسه پا می‌گذارند محور اصلی آموزش قرار بدهند. از ابتدا مأموس باشد برای همه که علی‌الاصول کشور را خود مردم آن کشور می‌گردانند.

بعضاً مدام اشاره می‌کنند به نفت که من همه جا عرض کردم که با نفت هم مالیات است. اصلاً نفت هم مالیات است. حالا دولت آمده منابع زیرزمینی را ملی کرده است. ملی کرده یعنی چه؟ یعنی به عنوان مالیات برداشته برای اداره کشور. اگر اگر ملی نمی‌کرد آن محوطه، آن محدوده زمین آن پالایشگاه برای مردم بود. او استخراج می‌کرد، می‌فروخت و فایده‌ای که می‌برد مالیات می‌داد.

مملکت برای ماست، تمام سرزمین و همه امکاناتش برای مردم است. پس بنابراین عرضم به حضورت که از مراحل اول زندگی باید بگویند که بابا گرداننده کشور خود مردم هستند. تا جایی که می‌شود به توان بازو، تا آنجایی که می‌شود با مغز و تا آنجایی که می‌شود با پرداخت از طریق مالیات و تزییق نقدینگی. این موضوع به فرهنگ مالیاتی برمی‌گردد که می‌توانیم با آموزش‌های لازم نگاه مردم را ارتقا بدهیم.

خیلی ممنون و متشکرم که به ما افتخار دادید و در برنامه ما شرکت کردید.



در سلسله نشست‌های نخبگانی نظام مالیاتی لزوم اجرای قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان بررسی شد

آغازی برای شفافیت و عدالت

با تراکنش‌های بانکی که آن سمت دارد اتفاق می‌افتد برابری و هم‌عرضی بین آنها برقرار می‌کند. البته نمی‌شود ادعا کرد قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان در ابتدای این مسیر کامل‌ترین وجه برای تولید و احصاء کلیه این اطلاعات است. حالا خدمت شما عرض می‌کنم که نیاز به یک تکمله دارد و این تکمله می‌تواند تمام فضای اقتصاد را پوشش بدهد، اما قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان حداقل به دنبال این است که تمامی تبادلات تجاری و فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات اقتصادی بین کسب و کارها و مصرف‌کنندگان نهایی را ثبت و ضبط کند. این اتفاق یعنی از ابتدای زنجیره تولید که می‌تواند واردات یا کاربری مواد اولیه توسط یک تولیدکننده باشد، تا آخرین زنجیره تبادلات اقتصادی که انتقال این کالای نهایی به مصرف‌کننده نهایی باشد، قرار است در این سامانه مورد ثبت و ضبط قرار گیرد. قرار است تمام این تبادلات اقتصادی به تناسب تراکنش‌های بانکی، مورد ثبت و ضبط قرار گیرند.

این است که اطلاعات را از اشخاص ثالث دریافت کنیم. یعنی یک مجموعه اطلاعاتی را برای ارتقای فضای مالیاتی‌مان با تکیه بر این مبنای اطلاعاتی که اشخاص ثالث باشند به سمت آن حرکت کنیم و این دیتا را تولید کنیم. یا توانسته‌ایم در ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم به دنبال این برویم که براساس اطلاعات خرید و فروشی که در سامانه‌هایمان ثبت می‌شود، بتوانیم این کار را انجام بدهیم. اما قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان به دنبال یک زیرساختی است که این بستر بخشی از یک اطلاعات را از ریزترین اطلاعات تولید شده در اقتصاد تغذیه کند و این اطلاعات را دارد کسب می‌کند. برای مثال اگر بخواهم خدمت شما عرض کنم، قانون دارد بستری را فراهم می‌آورد که ما از قبل آن مبنای تولید اطلاعات را براساس تک‌تک معاملات ثبت کنیم. یعنی یک سمت، معاملات است، کلیه تبادلات تجاری که بین کسب و کارها و در زنجیره تولید دارد اتفاق می‌افتد و از سمت دیگر، این تنازع را

دکتر موحّدی: نکته اصلی اینجاست که در فضای کنونی مالیات ما با یک اتمسفر مواجه‌ایم. در این اتمسفر قرار است با قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان یک شیفت پارادایم برای ما ایجاد شود و به واسطه قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مربوطه شاهد یک چرخش پارادایمی، یک چرخش مبنایی و یک چرخش تحول‌آفرین باشیم. اگر بخواهیم بگوییم این قانون چیست ساده‌اش این می‌شود که این قانون بخشی است از یک فضای تولید اطلاعات مبتنی بر ریزداده‌ها که این ریزداده‌ها جای بحث دارد.

ما در شرایط اقتصادی و برای تقویت نظام مالیاتی ایران به اطلاعات و داده نیاز داریم. معمولاً در شرایط معمول و متعارفی که خیلی از کشورها هم تجربه کرده‌اند و طبیعتاً ما هم سعی کرده‌ایم به نوعی با تمسک به ماده ۱۶۹ مکرر به سمت آن حرکت کنیم،



این تنازع طبیعتاً کلیه ریزداده‌ها در یک بخشی از اقتصاد که معطوف به ارتباط بین «بیزنس‌ها» با «بیزنس‌ها» و یا «بیزنس‌ها» با «کانتیومن‌های بی‌توسی» هست را ثبت و ضبط می‌کند. این یک بخشی از اطلاعات بسیار مهمی است که در ساختار اقتصادی کشور باید تولید شود. باید احصاء، یکپارچه و در یک جا جمع شود.

شما موقعی که این بخش از اطلاعات را داشته باشید، یعنی موقعی که ما وارد ارتباطات «بی‌تویی» و «بی‌توسی» می‌شویم تمامی تبادلات «بی‌تویی» و «بی‌توسی» در قالب رویدادهای مالی که همین فعالیت‌های اقتصادی و تبادلات تجاری باشد، و تراکنش‌های بانکی و تراکنش‌های مالی در نظام مالیاتی قابلیت ثبت و ضبط پیدا می‌کند با انطباق این دو تا، کلیه این مسیر شفاف خواهد شد.

این بخشی از قاعده‌گذاری ما برای کسب اطلاعات مورد نیازی است که سازمان مالیاتی به آنها احتیاج دارد. حال یک سؤال ممکن است مغفول باشد و در ذهن بیاید. اما برای بقیه مبادلات چه اتفاقی خواهد افتاد. یعنی بقیه تبادلاتی که ما در عرصه اقتصاد داریم. تبادلاتی که ناظر بر ارتباط بین دو مصرف‌کننده است، دو تافرادی که اساساً به عنوان دو شخص حقیقی فاقد شغل، دارند فعالیت شغلی انجام می‌دهند. یعنی بدون این که خودشان را بتوانند به نظام مالیاتی بشناسانند، دارند چنین اتفاقی را رقم می‌زنند.

طبیعی است که قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها، اینجا چه بسا حرفی برای گفتن نداشته باشند و نیاز به تکمله‌هایی داشته باشند. اگر دو تامیحت را خلاصه کنم، می‌توانم خدمت شما عرض کنم که این شیفیت پارادایم به این دلیل اتفاق می‌افتد که ما به جای این که بخش قابل توجهی از اطلاعات مورد نیاز سازمان امور مالیاتی را بخواهیم به اتکالی اشخاص ثالث به آن اطلاعات نیاز داریم. اما یک مبنایی را براساس ریزداده‌های مالیاتی که همان ثبت اطلاعات حاصل از معاملات و تبادلات اقتصادی است، دارد برای ما ایجاد می‌کند.

این فضا، فضایی بوده که همواره مورد تأکید مقنن و قانونگذاران ما در عرصه اقتصادی بوده است. مثلاً ماده ۷۱ قانون نظام صنفی کشور به دنبال این بود که بیاید یک صندوق فروشی را تعریف کند که این صندوق فروش حداقل بتواند در زمان فروش یک کالا به مصرف‌کننده نهایی مستندسازی کند، بتواند ثبت کند، بتواند نظارت بر قیمت و شفافیت اقتصادی داشته باشد و یا در قانون برنامه پنجم توسعه ماده ۱۲۱، این الزام وجود دارد که ما به این سمت حرکت کنیم که مبادلات اقتصادی را با تکیه بر سامانه‌های صندوق فروش شفاف کنیم تا از قبل این شفافیت بتوانیم درآمدهای مؤدیانی مالیاتی و مؤدیانی مالیات بر ارزش افزوده خودمان را شناسایی کنیم.

اما این تکمیل شد تا رسید به قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیانی که در سال ۱۳۹۸ به تصویب رسید و مبنایی شد برای یک گامی که براساس آن می‌شود به این سمت حرکت کرد. حالا اگر وقتی باقی باشد، در مورد تکمله قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و همچنین دستاوردهایی که می‌تواند برای سازمان به همراه داشته باشد، خدمت شما اطلاعاتی را ارائه خواهم کرد.

این مبادلات لایه «بی‌توسی»، کسب و کار با

مصرف‌کنندگان نهایی در قانون سامانه مؤدیانی هست یا در بستر اجرایی «سی‌جی‌تی» است؟

دکتر موحدی: بی‌توسی همان پیوندی می‌شود که از قبل پایانه‌های فروشگاه‌ها قرار است اطلاعات آن را در معاملاتی ثبت و ضبط کند که بین حلقه آخر، یعنی معامله‌ای که بین فروشندگان حلقه آخر و مصرف‌کننده نهایی دارد، صورت می‌گیرد. عملاً قرار است پایانه‌های فروشگاه‌ها برای اتصال این حلقه بی‌توسی تعریف شود و سامانه مؤدیانی هم سامانه‌ای است که تمام کنشگری‌های اقتصادی و مالی در زنجیره اعم از حلقه آخر یا سایر عوامل در حلقه‌های میانی، قرار است در سامانه مؤدیانی در کارپوشه‌ای که برای مؤدیانی در نظر گرفته می‌شود، فعالیتشان مورد ثبت و ضبط قرار گیرد.

متشکرم. خیلی ممنون. آقای دکتر ارسطو خواهش می‌کنم مطالبتان را بفرمایید و بعد در خدمت آقای دکتر اسکندری خواهیم بود.

دکتر ارسطو: بسم‌الله الرحمن الرحیم. بابت برگزاری این جلسه و دعوتی که از بنده داشتید تشکر می‌کنم. امیدوارم بتوانیم مطالب مفیدی را خدمت دوستان ارائه کنیم. آقای دکتر موحدی تبیین مختصر و بسیار خوبی از فضای قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها داشتند و احتمالاً همه دوستان با کار کردها و اهداف قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها آشنایی لازم دارند. من یک تاریخچه کوچکی بگویم از اتفاقاتی که در سیر قانونگذاری این قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها رخ داد. مخصوصاً که آقای دکتر موحدی به سابقه قانونگذاری در قانون امور صنفی و در قانون برنامه پنجم و ماده ۱۶۹ اشاره فرمودند. مستحضر هستید که در سال ۱۳۹۵ دولت لایحه‌ای را به مجلس فرستاد تحت عنوان لایحه صندوق‌های مکانیزه فروشگاه‌ها. وقتی این لایحه به مجلس فرستاده شد، هدف از این لایحه، صرفاً راه‌اندازی صندوق‌های مکانیزه فروشگاه‌ها بود. ما در بین صاحبان کسب و کار و اصناف و مشاغل نسبت به چیزی که در سایر قوانین بود، پیشرفت کوچکی را شاهد بودیم. در لایحه‌ای که به دولت آمده بود ما تحولی را شاهد نبودیم. خود دولت وقت هم زمانی که

این لایحه را به مجلس فرستاد، بعد از مدتی تمام مفاد آن لایحه را تحت یک آئین‌نامه اجرایی ابداع کرد. اگر شما آئین‌نامه‌ای که فکر می‌کنم کمتر از یک سال آمده بود و ابلاغ شده بود را با لایحه تطابق می‌دادی، شاید کمتر از ۲۰ درصد تفاوت وجود داشت. در این لایحه ما هیچگونه شیفیت پارادایم و آن فضای اتمسفری که آقای دکتر فرمودند را شاهد نبودیم. چه چیزی باعث شد که در مجلس و نهادهای سیاستگذاری و نهادهای پژوهشی به این جمع‌بندی رسیدند که ما با آن لایحه خداحافظی کرده و از اول شروع کنیم به یک نگارش جدید با یک ادبیات و پارادایم متفاوت. این سؤال‌ها عمدتاً در زمان بررسی لایحه مالیات بر ارزش افزوده به وجود آمد. آنجا چند تا مشکل خیلی بزرگ اتفاق افتاده بود که وقتی کارشناسان و پژوهشگران و سیاستگذاران آمدند برای این مشکلات چاره‌اندیشی کنند، به یک مجموعه اقدامات و مجموعه قاعده‌گذاری‌هایی رسیدند که متوجه شدند این قاعده‌گذاری‌ها را با توسعه لایحه صندوق مکانیزه فروشگاه‌ها می‌توانیم به آن برسیم. یکی از این چالش‌ها، بحث نحوه رسیدگی و ممیزی اظهارنامه‌های مالیاتی بود. یکی دیگر از این چالش‌ها که می‌شود گفت عمده اختلافات نظام مالیاتی و مؤدیانی در حوزه نظام مالیات بر ارزش افزوده بود، بحث رسیدگی و پذیرش اعتبار مالیاتی فعالان اقتصادی بود. یا مثلاً در نظر بگیری روشی را که برای معاملات اقساطی و معاملات نسیه وجود دارد و یا همان طور که آقای دکتر موحدی به درستی اشاره کردند، ما نحوه استفاده از اطلاعات سایر اشخاص ثالث را برای چک کردن اظهارنامه‌های آنها و براساس یکسری خلاءهای قانونی داشتیم. با این سؤالات و این مشکلات و چالش‌هایی که در زمان بررسی لایحه مالیات بر ارزش افزوده به وجود آمد، کارشناسان وقت، سیاستگذاران و دوستان آمدند یک سلسله پیشنهاداتی را دادند که آن پیشنهادات منجر شد به این قانونی که الان تصویب شده است.

یعنی عمده این تحولات در ابتدای امر، در راستای بهبود نظامات اجرایی قانون مالیات بر ارزش افزوده اتفاق افتاد. البته در ادامه وقتی که شروع شد به قاعده‌گذاری و سیاستگذاری و خواستیم یکسری ساز و کارها را شناسایی کنیم، متوجه شدیم که می‌شود از این ظرفیت برای سایر پایه‌های مالیاتی و سایر اهداف اقتصادی هم استفاده کرد. پس در ابتدای امر، تا جایی که من حضور کوچکی در فرآیندها داشتم، برای رفع مشکلات اجرایی، بررسی لایحه پایانه‌های فروشگاه‌ها تقریباً در مجلس کنار گذاشته شد. آمدند قانون مالیات بر ارزش افزوده را به یک جایی رساندند و چالش‌ها و مشکلات را شناسایی کردند، راهکارها را بررسی کردند و بعد از آن مجدداً لایحه صندوق مکانیزه فروشگاه‌ها را در دستور کار گذاشتند.

اگر شما به تاریخ چاپ اولین نسخه کمیسیون اقتصادی مراجعه بفرمایید می‌بینید که بین این دو تا لایحه فاصله خیلی کمی هست. در قانون مالیات بر ارزش افزوده هم بیش از بیست و چند مورد ارجاع داده شده به قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها. من فقط یک اشاره مختصری کردم به این لایحه که بدانید چه شد که ما رسیدیم به قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها فعلی. من می‌خواهم به چند تازا کارکردهایی که در مفاد قانون مالیات بر ارزش افزوده و قانون پایانه‌های

با توجه به قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و ساماندهی، آخرین اطلاعاتی که من از سازمان گرفتم، بیش از ۸ میلیون حساب تجاری را خود مؤدیانی معرفی کرده‌اند. این دستاورد بزرگی است برای سازمان که باید تکمیل بشود ولی تا همین جا هم به نظر من اقدام خیلی مهمی است

و ماده ۶ به صراحت در خصوص مؤدیان صوری و معاملات صوری صحبت می‌کند.

برای بحث عوارض آلاینده‌گی در سامانه مؤدیان یکسری کار کردها تعریف شده است. بارگذاری اوراق مالیاتی فعالان اقتصادی، ثبت اعتراض آنها نسبت به هیأت‌های حل اختلاف، بارگذاری لوایح آنها و نتایج هیأت‌های حل اختلاف، ارتباط آن با مراجع صدور مجوز، اتاق بازرگانی، اتاق اصناف و سایر نهادهای مربوطه، جایگزینی سامانه مؤدیان با بعضی از سامانه‌های موجود، سامانه معاملات فصلی، ماده ۱۶۹ مکرر یا رسیدگی به مالیات در عملکرد بعضی از فعالان اقتصادی که در سامانه مؤدیان فعالیت دارند. البته موارد خیلی زیاد است که اگر بخواهم احصاء بکنم زمان می‌گذرد.

از همه مهمتر، بحث محاسبه بدهی مالیات بر ارزش افزوده بوده است. پس اگر ما بخواهیم یک قضاوتی بکنیم در خصوص این که الان کجای مسیر هستیم و چقدر فاصله داریم با جایگاهی که قانون برای سامانه مؤدیان طراحی کرده است، باید ببینیم که آیا این کار کردها که چند مورد دیگر هم وجود دارد، الان عملیاتی و طراحی شده یا خیر؟ که می‌شود در ادامه در خصوص آنها صحبت کرد.

خیلی متشکر و ممنون از بیانات ارزشمند شما، آقای دکتر اسکندری در خدمت شما هستیم.

دکتر اسکندری: عنوان جلسه،

قانون پایانه‌های فروشگاهی سامانه مؤدیان و ارزیابی ساحت‌های آن است. من در اینجا شرايطی که در آن قرار داریم، یعنی شرايطی که در سامانه پایانه فروشگاهی مؤدیان تصویب شد را خیلی مختصر خدمت شما توضیح می‌دهم.

به طور کلی تشخیص مالیات و تشخیص درآمد و محاسبه مالیات، مبتنی بر دورکن اصلی است. اولین رکن فرایند تشخیص بحث رویدادهای مالی است که اتفاق می‌افتد. یعنی در واقع معاملاتی که مؤدیان در عرصه اقتصادی انجام می‌دهند.

در بحث رویداد مالی شرایط زمان سال ۱۳۹۸ که قانون تصویب شد و این شرایط همچنان ادامه دارد، این بوده که سازمان مالیاتی همواره این فاکتورهای کاغذی را معتبر می‌دانسته و این فاکتورهای کاغذی مرسوم، محلی است برای فرار مالیاتی، فساد و ورود ممیز و سازمان و حاکمیت ناگزیر است که دست ممیز مالیاتی و عامل انسانی را برای رسیدگی، باز می‌گذارد البته یک جاهایی هم در حق مؤدی اجحاف می‌شد. پس بحث الان، بحث رویداد مالی بوده که مبتنی بر فاکتورهای کاغذی بوده و فساد زیادی داشته است.

رکن دوم در مورد بحث نظام پرداخت است. زمانی که قانون پایانه فروشگاهی مؤدیان تصویب می‌شود و ۲ سال پیش اینجوری بود که مؤدیان حساب‌های متعددی داشتند و این حساب‌هایشان را بعضاً به سازمان مالیاتی معرفی نمی‌کردند و سازمان مالیاتی نهایتاً می‌توانسته بخشنامه‌هایی صادر کند.

نحوه رسیدگی به تراکنش‌های مشکوک مؤدیان مبتنی بوده بر دخالت عوامل انسانی که در آن هم فساد بوده و چندین بار مؤدیان اعتراض کردند و خود سازمان چند بار این را اصلاح کرده و هدفش این



انديشكده اقتصاد ايران برگزار مي‌كند:

سلسله نشست‌های نخبگانی

نظام مالیاتی

هفته اول: بررسی و ارزیابی دستاوردهای اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی

دکتر سیدعلی روحانی

معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس

دکتر مهدی طغیانی

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

دکتر موحدی بکنظر

رئیس مرکز آموزش پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان امور مالیاتی کشور

دکتر عبدالرضا ارستو

رئیس‌دانش و پژوهشگر اقتصادی و عضو هیئت مدیره سازمان منطقه آزاد ازن

ظرفیت محدود

بخت ثبت‌نام پیوند زیر را باز نمایید

<https://survey.porsline.ir/s/MfFePsZLF>

و یا کد QR مقابل را اسکن کنید

16 Nov

7th Nov

تهران

خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان ولیعصر و پسران مظفر شمالی پلاک ۹۷

16:00

04:00 PM

Tehran: GMT+۳:۳۰

همراه با اعطای گواهی معتبر

بحث معاملات اقساطی و نسیه یکی از کار کردهای اصلی است. بحث بارگذاری قراردادها، قرارداد دستگاه‌های اجرایی، اطلاعات پیمانکاران، پرداخت‌های فعالیت‌های پیمانکاری و مشاوره‌ای، همه از کار کردهای سامانه مؤدیان بوده. شناسایی مؤدیان صوری و معاملات صوری یکی از کار کردهای این سامانه بوده که در یکی از ماده‌های این قانون



در حال حاضر هیچ دستگاه کارخوان بانکی و درگاه الکترونیکی پرداختی نداریم که به پرونده مالیاتی الصاق نشده باشد. کاملاً مشخص است که این کارخوانی که اینجا هست مال کسی است که دارد فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد

فروشگاهی برای سامانه مؤدیان در نظر گرفته شده اشاره کنیم. چون در این جلسه ما نمی‌خواهیم در خصوص خوبی یا بدی و مناسب بودن و نامناسب بودن سامانه مؤدیان صحبت کنیم. همه ما این اصل مترقی را پذیرفته‌ایم و می‌خواهیم در خصوص جریان اجرایی آن صحبت کنیم.

اگر ما به قانون مالیات بر ارزش افزوده و قانون پایانه‌های فروشگاهی مراجعه کنیم، بیش از بیست و چند کار کرد برای آن می‌توانیم فهرست کنیم، و بعد ببینیم آیا این کار کردها در این طراحی که الان رونمایی شده و در اختیار حداقل شرکت‌های بورسی و فرابورسی قرار گرفته است، وجود دارد یا ندارد؟ نکته اولیه و اصلی‌اش، حضور صورتحساب الکترونیکی بوده که اصل قضیه و اصل ماجرا بوده که الان فرصت پرداختن به این صورتحساب الکترونیکی نیست.

بحث ارتباط دوسویه آن با اطلاعات نظام بانکی بوده که آقای دکتر موحدی فرمودند. موضوع بعدی که من خلاصه بگویم، بحث اعتبار مالیاتی مؤدیان در نظام مالیات بر ارزش افزوده بوده. اینجا ماده ۵ به صراحت کارکرد اصلی سامانه را محاسبه بدهی مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده بیان می‌کند.

بوده که به تراکنش‌های مؤدیان رسیدگی کند. البته مؤدیان خیلی در این خصوص اعتراض دارند که بحق یا ناحق بودن آن فعلاً کاری نداریم.

پس این دورکن اصلی است که ما برای تشخیص درآمد و محاسبه به آن نیاز داریم. قانون پایانه فروشگاهی سامانه مؤدیان دقیقاً در این دو حوزه ورود کرده است. در حوزه رویداد مالی تصویب قانون پایانه فروشگاهی و اجرای آن، ما دیگر باید فاکتورهای کاغذی مرسوم را کنار بگذاریم. صورتحساب الکترونیکی جایگزین فاکتورهای کاغذی مرسوم می‌شود و این صورتحساب‌های الکترونیکی استاندارد و غیرقابل جعل هستند و دارای کد یکتا هستند و اقلام اطلاعاتی خرید و فروش در آن درج شده و این اطلاعات بدون دخالت عامل انسانی در سامانه‌های سازمان مالیاتی و در کارپوشه مؤدیان می‌نشینند. یعنی هم سازمان و هم مؤدی می‌تواند اطلاعات خودش را ببیند.

این صورتحساب‌های الکترونیکی هستند که مبنای محاسبه مالیات قرار می‌گیرند. در حوزه نظام پرداخت به عنوان رکن دوم قانون پایانه‌های فروشگاهی چند اصلاح اساسی انجام شد. نکته اول در خصوص ماده ۱۰ قانون سامانه مؤدیان است که آنجا تصریح شده حساب‌های مرتبط با فعالیت اقتصادی مؤدیان باید در سازمان به عنوان حساب تجاری مؤدیان معرفی شود. سایر حساب‌های مؤدیان هم قاعداً تا حساب غیرتجاری است، حساب‌هایی که مرتبط با فعالیت اقتصادی آنها نیست.

نکته دوم در مورد ابزارهای پرداخت است. دستگاه‌های کارتخوان بانکی و درگاه‌های الکترونیکی پرداخت. قبل از قانون سامانه فروشگاهی مؤدیان، ابزار پرداخت صاحبان مشخص نبود که چه کسی هستند و چه کسی دارد از آنها بهره‌برداری می‌کند و آیا کسی که دارد استفاده می‌کند مؤدی مالیاتی هست یا نیست. بعضاً حتی صاحبان این دستگاه‌های کارتخوان بانکی، افرادی بودند که مشخص شد چند سال است که از فوت آنها می‌گذرد و سوءاستفاده‌های متعددی از این کارتخوان‌های بانکی می‌شده است. به طور کلی من این قسمت از عرایضم را جمع‌بندی کنم، سامانه پایانه فروشگاهی مؤدیان دو نقص دارد. یکی بحث در حوزه معاملات بود و رکن دوم نظام پرداخت و بحث حساب‌های بانکی و ساماندهی آنها و استفاده از تراکنش‌های بانکی در فرآیند رسیدگی به مالیات مؤدیان.

نکته اول راجع به شرایطی است که قانون پایانه‌های فروشگاهی سامانه مؤدیان در آن شرایط تصویب شد و تا الان هم یک بخش‌هایی اجرا شده و یک بخش‌هایی هم اجرا نشده است. و یک مطلب این است که چه دستاوردهایی در آینده خواهد داشت.

من راجع به دو بند آن یک توضیحی بدهم. قانون پایانه‌های فروشگاهی و ساماندهی آخرین اطلاعاتی که من از سازمان گرفتم، بیش از ۸ میلیون حساب تجاری را خود مؤدیان معرفی کرده‌اند. این دستاورد بزرگی برای سازمان است که باید تکمیل بشود. ولی تا همین جا هم به نظر من اقدام خیلی مهمی است. در مورد ساماندهی دستگاه‌های کارتخوان و درگاه‌های الکترونیکی پرداخت، در حال حاضر هیچ دستگاه کارتخوان بانکی و درگاه الکترونیکی پرداختی نداریم که به پرونده مالیاتی الصاق نشده باشد. یعنی همه مشخص هستند که این کارتخوانی که اینجا هست

مال کسی است که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد. یک بخش زیادی از فرارهای مالیاتی که انجام می‌شد، پوشش داده شد و سازمان با جهش درآمدی و جهش به لحاظ شناسایی تعداد مؤدیان جدید هم مواجه بود که این دستاورد بزرگی بوده است.

من این را در پراکنش بگویم، ما سال ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ در کارگروه‌های سامانه مؤدیان بودیم که باید دستگاه‌های کارتخوان را رسیدگی و ساماندهی می‌کردیم. نماینده یکی از این دستگاه‌هایی که در کارگروه بود خیلی مخالف بود. می‌گفت مردم شورش می‌کنند، مخالفت می‌کنند و بحث‌های امنیتی را مطرح می‌کرد و مخالفت‌های جدی می‌کرد. ما آن موقع یک گزارشی آماده کردیم و گفتیم این کار نهایتاً ۴ ماه است و می‌شود اجرا کرد و توصیه کرده بودیم که از مؤدیان بزرگ شروع کنیم و پیامک بدهیم و اگر احیاناً گفتند تسویه نمی‌کنیم گام به گام می‌بریم جلو و جالب این است که به محض استقرار تیم جدیدی که به سازمان آمد کمتر از ۴ ماه آن را به صورت کامل اجرا کرد و هیچ اعتراض خاصی هم نبود. ناظر به قسمت دوم که در آینده چه مزایا و چه دستاوردهایی دارد، باید بگویم همان طور که آقای دکتر موحی اشاره کردند، این یک تحول و به اصطلاح یک شیفت پارادایم است. الان در حال حاضر، قانون پایانه‌های فروشگاهی فعلی دو تا تعامل «بی‌توسی» و «بی‌توبی» را دارد پوشش می‌دهد و این ظرفیت برای سامانه مؤدیان وجود دارد که «سی‌توسی» و «سی‌توبی» به آن اضافه بشود. اگر بخواهم مثال بزنم سی‌توبی مثل فروش طلا و ارز و طلافروشی و صرافی شخص چیزی می‌فروشد برعکس سی‌توسی که خرید و فروش املاک و خودرو است و به مراکزی که این خرید و فروش را انجام می‌دهند اصطلاحاً سی‌توسی گفته می‌شود. اگر این دو تا تعامل هم به قانون سامانه مؤدیان اضافه بشود یک پوشش کاملی از تعاملات اقتصادی خواهیم داشت و از این طرف نظام پرداخت اطلاعات حساب‌های جدید هم می‌تواند مرتبط شود با معاملاتی که اشخاص انجام می‌دهند.

من خواستم یک بحث کلان‌تری را در خصوص آثار اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی از درجه سطح توسعه بگویم که اگر وقت بود در ادامه عرض خواهم کرد.

آقای دکتر خواهش می‌کنم در مورد وضعیت



در حال حاضر، قانون پایانه‌های فروشگاهی فعلی دو تا تعامل «بی‌توسی» و «بی‌توبی» را دارد پوشش می‌دهد و این ظرفیت برای سامانه مؤدیان وجود دارد که «سی‌توسی» و «سی‌توبی» به آن اضافه بشود

پیشرفت سامانه صحبت بفرمایید و این که آن فراخوان اولیه که انجام شده چقدر از آن استقبال شده است و چند درصد از شرکت‌های بورسی توانسته‌اند صورتحساب‌های استاندارد را صادر کنند؟ بحث کدهای کالا و خدمات که قرار بود وزارت صمت تعیین کند در چه وضعیتی است و اینکه کد HS جایگزین شد و یا کد جدیدی تعریف شد؟ در مورد شرکت‌های معتمد که به نیابت از مؤدیان آن صورت حساب‌های استاندارد را صادر می‌کنند و در سامانه مؤدیان ثبت می‌کنند هم توضیحاتی بفرمایید. این که شرکت‌های بزرگ وارد شده‌اند و مجوز شرکت معتمد را گرفته‌اند یا نه؟ چون فکر می‌کنم الان دو تا شرکت هستند و آیا این دو شرکت برای همه مؤدیان کافی است یا خیر؟



دکتر موحی: به نظر من خیلی

سریع رفتید به سطح اجرا رسیدید. بنده به شخصه اعتقاد دارم که کمتر کسی هست که به اطلاعات مفهومی و قانون پایانه‌های فروشگاهی اشراف پیدا بکند. یعنی درک کند که اساساً چرا به قانون پایانه‌های فروشگاهی نیاز داشتیم. به نظر من می‌شود راجع به آن صحبت کرد که مثلاً الان ما گزارش بدهیم از تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱ حدود ۲۷۰ شرکت از ۶۸۰ شرکت بورسی ملحق شدند و ۲۵ هزار صورتحساب الکترونیک ثبت شده است. از مجموع ۱۸ میلیون کد شناسایی کالا و خدمات که قرار بود وزارت صمت در اختیار ما قرار بدهد، قریب به کمتر از ۵۰۰ هزار تا کد شناسه در اختیار ما قرار گرفته است. این آمادگی در سازمان وجود دارد که یک چنین اتفاقی را رقم بزنند. این مباحث می‌شود اطلاعات. یعنی از آخرین وضعیت گفت. ولی به نظر من اگر اشتباه نکنم قرار است یک سلسله جلساتی باشد پیرامون قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان و چه بسا در این محافل است که می‌شود راجع به این قانون و جایگاه این قانون و مدل مفهومی و نقشی که این قانون می‌خواهد ایفا بکند بیشتر بتوانیم گفت‌وگو کنیم، نباید این وقت را از دست بدهیم چون این گزارش‌ها را می‌شود داد. ولی برگشت به این نکته که چقدر این قانون می‌تواند اهمیت داشته باشد اجازه بدهید تعریضی داشته باشم به سخنان آقای دکتر ارسطو و این دو نکته را عرض کنم.

هرچند که قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مؤدیان برای حل مشکلی از شیوه اجرای قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده آمد و به نوعی قانون مالیات بر ارزش افزوده بر ستون‌های قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان قرار است بایستد، اما نکته مهم اینجا است که ما چه چیزی کم داشتیم. در شرایط کنونی سازمان امور مالیاتی و نظام مالیاتی آیا اساساً به این سمت حرکت کردیم؟ با توجه به این که حرکت به سمت قانون پایانه‌های فروشگاهی یک حرکت انفعالی بود، اما به نظر من رسد با توجه به تجاربی که از کشورهای مختلف در حیطه حرکت به سمت سازمان‌های امور مالیاتی دیجیتالی شده، می‌بینیم که یکی از الگوهای اقتباس شده است. اگر بگویم عیناً همان مباحث پیاده می‌شود، حداقل اقتباس خوبی از بسیاری از کشورها و سازمان‌های امور مالیاتی پیشرفته و مترقی صورت گرفته است.



دارد ریل را تغییر می دهد اینجا دارد تفاوت می گذارد. موقعی که این اتفاق به واسطه ثبت و ضبط تبادلات اقتصادی تحقق پیدا می کند، فضای بسیار متنوع و مختلفی برای این موضوع به وجود می آید تا بتوانید جمع آوری اطلاعات را از کلیه کالاهای خدماتی که دارد رد و بدل می شود بین فعالان اقتصادی رصد بکنید و می توانید یک بستر امن جریان داده ای را در درون اقتصاد ایجاد کنید. برای انتقال این اطلاعات می توانید صحت سنجی کنید، ثبت کنید، مستندسازی کنید. می توانید کلیه اطلاعات حاصل از تبادلات و مبادلات تجاری و اقتصادی بین مؤدیان را ثبت کنید. خدمات الکترونیکی که در این بین مطرح است، ولو در ارزیابی در محاسبه ای که آقای دکتر ارسطو به آن اشاره کردند، محاسبه ارزش افزوده بشود اتوماتیک و نیازی به رسیدگی و مراجعه ممیز نباشد، بلکه همان صورتحساب هایی که از سمت مؤدیان دارد انتقال پیدا می کند به سامانه مؤدیان به عنوان اسناد مستتر و جهت رسیدگی به مالیات کفایت می کند. می تواند سطح تمکین مالیاتی را افزایش بدهد چون دیگر نیازی به مؤدی و اظهاراتش ندارد، بلکه خود به خود به واسطه ثبت صورتحساب ها از مجاری ای که قابل تعریف است در سامانه مؤدیان، این محاسبه هوشمند با توجه به ارزش افزوده براساس اطلاعات اساسا دارد صورت می گیرد. حتی نیازی به ارائه اظهارنامه از سمت مؤدیان ارزش افزوده وجود ندارد. وقتی یک اظهارنامه الکترونیکی وجود دارد حتی نیاز به نگهداری در مراکز هم نیست، چون شما دارید تمامی این تبادلات را از طریق صورتحساب های

نظام تشخیص و رسیدگی مالیات های مستقیم و چه مالیات های ارزش افزوده و غیرمستقیم ما، یک اتفاقی دارد می افتد، یک سری مجاری اطلاعاتی وجود دارد و بخشی از این اطلاعات را ما از مؤدی می گیریم و بخشی را هم از اشخاص ثالث می گیریم و وارد نظام تشخیص و رسیدگی می شویم. از مرحله ثبت نام، ارزیابی، تشخیص، وصول، دادرسی و... یک مسیر اینچنینی خطی را برای سازمان مالیاتی تعریف می کنیم، الان قرار است که این سامانه، یعنی حداقل انتظار بنده از یک قانون مترقی مثل قانون پایانه های فروشگاهی این است که در این مسیر دارد شیف پارادایم و تغییر ریل اتفاق می افتد. آن سوزن بانی که



با توجه به تجاربی که از کشورهای مختلف در حیطه حرکت به سمت سازمان های امور مالیاتی دیجیتال شده به دست آمده می بینیم که اقتباس خوبی از کشورهای پیشرفته صورت گرفته است

معمولاً این سؤال پیش می آید که شما می خواستید مشکل مالیات بر ارزش افزوده را حل بکنید، مثلاً فرض کنید به رسیدگی به مالیات بر ارزش افزوده کمک بکنید و می توانستید اصطلاحاً نقش ممیزها را در این رسیدگی ها کم کنید. اما این بخشی از کار بود. ولی چه بسا مقنن ما زمانی که قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مالیاتی مؤدیان را به رشته تحریر و تدوین در آورده، شاید به این انتظاراتی که ما الان داریم از آن صحبت می کنیم، واقف نبوده است. ولی الان می شود راجع به این انتظارات صحبت کرد و چه بسا که بهتر است راجع به این انتظارات و این قانون صحبت کنیم که این قانون چه آینده ایده آلی را می تواند برای ما به ارمغان بیاورد. در کنار مشکلات و تعارضات و تناقضاتی که همین الان در دل قانون وجود دارد. یعنی فعلاً ما وارد بحث و بطن قانون نمی شویم. اصل را بر این می گذاریم که این قانون مدل مفهومی استواری دارد و بعد با تکیه بر این قانون ببینیم چه آینده ای را قرار است برای ما رقم بزند و چه فضایی را قرار است برای ما پوشش بدهد.

به نظر من این فایده مندی که قانون از این حیث دارد، جای بحث دارد و جا دارد که در چنین جلساتی راجع به آن صحبت کنیم. یکی از مهمترین ویژگی هایی که خدمت شما عرض کردم از جهت شیف پارادایم بودن به این دلیل است که این یک مبدا است. یک مبدا تغییر ریل است. مثل یک سوزن بانی که در جداسدن مسیر یک قطار دارد ریل را تغییر می دهد و ما الان در مرحله تغییر ریل هستیم. مثلاً در نظام تشخیص و رسیدگی که حالا فرق نمی کند چه

الکترونیک انجام می‌دهید و به نوعی یک پیوند نظام‌مند بین مجاری مهم اطلاعاتی که یک سر آن بانک مرکزی باشد از طریق تراکنش‌های بانکی و یک سر آن سازمان امور مالیاتی باشد به عنوان جمع‌کننده صورتحساب‌های الکترونیکی اتفاق می‌افتد. این دستاوردها را حداقل در این مرحله که در فاز یک اجرای کامل پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان برای ما باشد، دارد ایفا می‌کند.

این اتفاقات، اتفاقات خیلی مثبتی است و ما داریم متفاوت از نظام سنتی تشخیص و رسیدگی که ما در قانون مالیات‌های مستقیم داریم تجربه‌اش می‌کنیم. این تفاوت باید برجسته بشود. این نگاه باید برجسته بشود. اگر ما این تفاوت را برجسته نکنیم، یعنی دیگر نیازی نیست ممیز ما ورود پیدا کند، بلکه همین که کنش اقتصادی و کنش تجاری و فعالیت تجاری خودش را انجام می‌دهد به مثابه مشارکت خودش در ارائه ارزش‌آفرینی اطلاعات اقتصادی‌اش باشد به واسطه سامانه مؤدیان. به نظر می‌رسد که ما به مقدار زیادی این تحول را نه یک گام بلکه چند گام جلوتر برده‌ایم.

در جلسات آتی انشاءالله فرصت زیاد است که ما بتوانیم عملکرد سازمان امور مالیاتی را از جهت چگونگی اجرای این قانون به آن بپردازیم. هر چند اگر فرصت باشد من چند کلامی راجع به اتفاقاتی که در عرصه پیاده‌سازی قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان وجود دارد با شما صحبت خواهم کرد.

خیلی متشکرم. شاید الان برای قضاوت زود باشد که بگوییم چقدر این قانون خوب اجرا شده چون به تازگی فراخوان اول انجام شده. انشاءالله در فراخوان‌های بعدی که انجام می‌شود، در خدمت شما هستیم و این قول را از شما می‌گیریم که گزارشی از اقدامات سازمان به ما ارائه کنید. متشکرم.

آقای دکتر طغیانی خوشامد عرض می‌کنم خدمت جنابعالی. با توجه به اینکه شما در مجلس حضور دارید، در مورد بسط‌تر اجرای قانون مؤدیان و برنامۀ مجلس در این باره توضیح بفرمایید. خیلی ممنون.

دکتر طغیانی: مسئله سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاه‌های، به نظر من در سال‌های اخیر یکی از گام‌های مهم اصلاح زیرساخت



مالیاتی کشور بوده و قطعاً تا ما ثمرات این قانون را بینیم و اجرای آن را شاهد باشیم، راهی داریم که لاجرم باید خیلی سریع‌تر از این‌ها طی می‌شده. اینکه کشور الان در شرایطی است که به دلایلی مثل تحریم، آسیب‌پذیر است به خاطر این است که چنین زیرساخت‌هایی در کشور ما به شکل جدی مورد توجه قرار نگرفته است. چه در حوزه مالیاتی و چه در بحث اصلاح زیرساخت و نظامات اقتصادی در بانک و چه در ساختار بودجه و سایر زیرساخت‌هایی که در یک نظام اقتصادی دارد عمل می‌کند. اصلاح این‌ها خیلی توانست به کاهش آسیب‌پذیری و افزایش قدرت مقاومت کشور در مقابل این شوک‌های تحریمی و غیر تحریمی، مثل کرونا و غیره، کمک بکند. در این ۱۰ سال اخیر، نبود چنین زیرساخت‌هایی

وقتی یک اظهارنامه الکترونیکی وجود دارد دیگر نیازی به نگهداری در مراکز نیست، چون شما تمامی این تبادلات را از طریق صورتحساب‌های الکترونیک انجام می‌دهید و به نوعی یک پیوند نظام‌مند بین مجاری مهم اطلاعاتی و سازمان امور مالیاتی اتفاق می‌افتد

شاید میلیاردها دلار به کشور از جهت فرار سرمایه و همچنین کاهش درآمدهای دولت و کاهش رفاه عمومی زیان وارده کرده است. من اشاره مختصری خدمت شما بکنم. الان مهمترین مسئله‌ای که در بحث اقتصادی داریم، مسئله داده است. باینکه داده فراوان در اقتصاد کشور ما تولید می‌شود، ولی جهت‌دهی این داده‌ها و ترجیح و تحلیل و رساندن این‌ها به نتایجی، مثل این است که در بحث مالیات چه افرادی مشمول مالیات هستند و چقدر باید بدهند که نتیجه آن بشود عدالت مالیاتی. دستان از آن خالی است.

چیزی که در اقتصاد کشورمان مردم ما را خیلی آزار می‌دهد همین تبعیض‌ها و همین نبودن عدالت مالیاتی است. وقتی این عدالت مالیاتی نباشد، نمی‌شود اصل هر که بامش بیش، برفش بیشتر که ما در مالیات داریم، می‌گوییم هر که از اقتصاد کشور و مواهب آن بهره‌مندتر است، به همان نسبت هم باید در هزینه‌های عمومی کشور مشارکت کند. نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم.

این داده‌ها در اقتصاد ایران واقعاً به شکل پراکنده و غیر سازمان‌یافته همیشه بوده، سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاه‌های، نیت اصلی‌اش به نظر من این است که مشکل این داده را در سازمان امور مالیاتی به شکل نظام‌مند حل کند. یعنی همان موقعی که یک رویداد مالی دارد اتفاق می‌افتد، همان موقع داده را ثبت کند. به جای این که مجبور باشیم یک سری از داده‌های مالی پراکنده را تصویری تحلیل کنیم. الان امسال چه اتفاقی افتاد. سازمان امور مالیاتی خواست به اطلاعات تراکنش‌ها بپردازد و آن را بگذارد به عنوان یک علامت دهنده در مورد تعیین مقدار مالیات اشخاص. طبق قانون هم بود، باید بررسی می‌کردیم و به این داده‌ها توجه می‌کردیم.

چرا این توجه با عکس‌العمل نظام‌های صنفی و کسبه و بازرگانان و تجار مواجه شد؟ یک علتش این است که کشور ما اساساً فرهنگ مالیات پرداختن ندارد. یعنی طرف اصلاً عادت نکرده که مالیات بدهد. حالا هر چقدر هم که می‌خواهد درآمدش باشد. ممکن است در آمدش روزی چند میلیارد باشد ولی حاضر نیست ۱۰۰ میلیون مالیات بدهد و تا به حال هم نداده و همین را هم یک پول زور می‌داند. یاد هم نگرفته است.

مسئله دیگر رفتارهای پراکنده‌ای است که در حوزه‌های مالی اتفاق می‌افتد و چون یک سازماندهی مناسبی روی آن سوار نیست، پس معترض بود. می‌گفت من پول دستی به همکارم دادم و این را جزو تراکنش من حساب کرده‌اند. یا من نقل و انتقال بین حساب خودم و شاگردم را انجام داده‌ام، این را جزو تراکنش‌های من حساب کرده‌اند. اتفاقاً مسئله همین بود که در موقع رویداد مالی، یعنی موقعی که دارد نقل و انتقال و یا یک خرید و فروشی انجام می‌شود و یک رویداد مالی رخ می‌دهد همان موقع درست ثبت نشده بود.

اتفاقاً سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاه‌های پاسخ به همین مسئله و همین مشکل است. یعنی قرار است عدالت مالیاتی را که ما با مشکلات عدیده‌ای مثل فرارهای مالیاتی، همین وضعیتی که قبض را تا الان پرداخت نکرده یا از آن طرف اجحاف‌هایی که می‌شد با تشخیص‌های علی‌الرأس و بریدن‌های مالیات توسط ممیزان که از آن طرفش هم بعضاً ظلم اتفاق می‌افتاد، این را جایگزین کنیم. پس به نظر من اولین و اصلی‌ترین داستان عدالت مالیاتی است.

ما در سازمان مالیاتی، داده زیاد داریم اما به دردمان نمی‌خورد. نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم و می‌شود همین داستان استفاده از تراکنش‌ها.

مسئله بعدی، مسئله شفافیت است. اقتصاد ایران اقتصاد شفاف نیست. یعنی روشن نیست که چه کسی چقدر از این اقتصاد بهره‌مند است. در همین دوره تحریمی، ده‌ها هزار میلیارد تومان رانت در اقتصاد ایران توزیع شده است. ولی آیا بخشی از این‌ها به شکل مالیات برگشته به دولت؟ خیر. فقط در فولاد سالیانه ۲۰ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان طی سال‌ها رانت توزیع شده است. به خاطر این که قیمت بازار از قیمت کارخانه فاصله گرفته، یک خریدهایی بوده که در بازار دست به دست کرده‌اند و فروخته‌اند. همین داستان ۹۰ هزار میلیارد تومان بخشی از آن همین رانتی است که در بازار توزیع شده. ولی تا این رویداد که در حوزه فولاد و پتروشیمی اتفاق می‌افتد، ثبت نشود، برای دو طرف عامل پیگیری بحث مالیات هم نیست. چه یک

ریال و چه ده‌ها هزار میلیارد تومان. مسئله بعدی بحث کاهش ارتباط بین مؤدی و ممیز و کلاً افراد در ادارات امور مالیاتی است. ما حتی در دوره کرونا که اغلب رفت و آمدهای خودمان را کم کردیم و الکترونیکی کردیم، خیلی توفیقی در بحث کاهش رفت و آمدها به سازمان امور مالیاتی نداشتیم. علتش دقیقاً همین بود که نتوانسته بودیم سامانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات به همین سبکی که دسته‌بندی کند و نظام‌مند این‌ها را ثبت کند، ایجاد کنیم. لذا مالیات‌ستانی ما از مالیات‌ستانی هوشمند یا الکترونیکی که بخش‌هایی از آن بر همین مبنا و قوانین دیگری که بعد از این خواهد آمد جایش خالی بود.

مورد بعدی، اقتصاد زیرزمینی، سیاه، سایه و هر چه می‌خواهید اسم آن را بگذارید است که در اقتصاد ایران گسترده است. چرا؟ یکی از دلایل عملکرد نظام مالیاتی ماست. در برخی کشورها فقط همین یک کار اتفاق افتاده، یعنی همین پایانه‌های فروشگاه‌های که قبلاً ما می‌گفتیم صندوق‌های مکانیزه هوشمند. اگر بروید پیشینه این را در بیاباید می‌بینید که از سال ۸۲ این اصطلاح صندوق‌های مکانیزه فروش وارد قوانین ما شد. اول وارد قانون نظام صنفی

شد، بعد رفت بالاتر و رفت برنامه پنجم و مرتب این را ادامه دادیم. در کشورهایی که همین صندوق های هوشمند، یعنی صندوق مکانیزه فروش فعال شده است، حداقل ۲۰ درصد از حجم اقتصاد سایه کم شده است.

چون اقتصاد غیر رسمی و اقتصاد بازار سیاه و قاچاق و هر چه که اسمش را بگذارید، از هر مسیری که می بینید در تور مالیاتی می افتد. چون مجبور است در رویداد رفت و برگشت پولی که دارد، در ازای آن خرید و فروشی که اتفاق می افتد را یک جایی ثبت کند. الان بخش زیادی از پیام ها هست که می آید که تلویزیون هست از مرز. ما کشور پهناوری هستیم و مرزهای بسیار طولانی ای داریم. مرزهای دریایی و مرزهای زمینی. کوهستان و غیره. ما بعضی وقت ها نوع قانونگذاری که در حوزه قاچاق انجام داده ایم، در دنیای نظیر است. مثلاً گفته ایم وقتی ۲۰ تا نیشان بار می آید از هر نیشان ۴۰ میلیون می گیریم و این می شود گمرکی و مهم نیست داخل این نیشان ها چه چیزی هست. حالا این ۴۰ نیشان از کجا آمده، ۴۰ عدد مقدس بوده که گذاشتیم یا این که چقدر بار نیشان است و چه چیزی داخل آن هست، این چیزی را که دارم می گویم واقعیت است. حالا به این بگویم تا لنج است یا این ۴۰ تا نیشان از کجا می آید. آیا این تا بد می خواهد ادامه پیدا کند؟ کجا باید جلوی این را بگیریم؟ به نظر من در همین قوانین مثل سامانه مؤدیان و پایانه های فروشگاه.

بحث من اصلاً قوانین حمایتی از تولید داخلی و غیره نیست. در مورد آنها هم بحث دارم و آنجاها را هم معتقدم سیاستگذاری صنعتی و تجاری ما، سیاستگذاری های از هم گسیخته ای است ولی هر چه می خواهد باشد، بالاخره این سیاست را کی و چطوری می خواهیم پیاده کنیم. راهش همین قوانینی مثل قانون سامانه مودیان و پایانه های فروشگاه است. یعنی آن طرف یک رویداد. این پول از کجا دارد به حساب شما می آید؟ کجا شما یک ارزشی خلق کردی؟ بخشی از این بازار غیر رسمی و سیاه و سایه اینجا باید بتواند مهار بشود. همین رانتهایی که خلق



در سال های اخیر مسئله سامانه مؤدیان و پایانه های فروشگاه، یکی از گام های مهم اصلاح زیر ساخت مالیاتی کشور بوده و قطعاً تا مآثرات این قانون را ببینیم و اجرای آن را شاهد باشیم، راهی داریم که لاجرم باید خیلی سریع تر از اینها طی می شد

می کنیم اینجا باید به تور بیفتد.

نکته بعدی بحث افزایش درآمد دولت است و کاهش وابستگی و تحکیم مالیاتی. یک چنین اهداف بزرگی در این قانون ها پیش بینی شده است. قانون سامانه مؤدیان و پایانه های فروشگاه، برای ما زیر ساخت است. ما الان داریم قانون مالیات بر عایدی را در مجلس می آوریم. قانون مالیات بر عایدی چیست؟ سوداگری از بازارهای ضروری مثل مسکن، خودرو، طلا و ارز خارج بشود. سوداگری از این بازارها باید برود بیرون. به نوعی نباید سوداگری و تولید این شکلی باشد. چون می دانید آنقدر که سوداگری به صرفه است، تولید به صرفه نیست. چه کسی هست که وقتی یک خرید و فروش طلا و ارز ۵۰ درصد، یا ۴۰ درصد کمتر یا بیشتر عایدی برایش در طول سال دارد، برود مثلاً با ۲۰ یا ۲۵ درصد میانگین سودآوری در حوزه تولید کار کند. هیچ کس چنین کاری را انجام نمی دهد. آنجا منفعت است. اگر ما می خواهیم از تولید حمایت کنیم، غیر از این که در خود فضای تولید باید کار کنیم، باید کسب و کار را تسهیل کنیم و موانعش را از سر راه برداریم. آن طرفش را هم باید از رونق بیندازیم. یعنی کار غیر مولد را باید

از رونق بیندازیم. چکار کنیم؟ بخشی از عایدی اش را از او بگیریم. کم یا زیاد. حالا در کشورهای مختلف اعداد مختلف است. ۲۰ درصد، ۳۰ درصد و در بعضی کشورها تا ۹۰ درصد عایدی را می گیرند. عایدی ای را که در نقل و انتقال ملک، بدون قصد مالک و بدون قصد سکونت و بدون قصد استفاده در این دوره هایی که بازارهایشان دچار التهاب است از او می گیرند. هر چقدر این بازار گسترده تر می شود، نسبت عایدی ما کمتر می شود. همه اینها غیر از سطح مصرف است. چه خودرو، چه مسکوکات و طلاجات زینتی و چه آپارتمان و منزل مسکونی و چه دلار. تا یک حدی که نیازهای مصرفی افراد است و از آن استفاده می کنند از مالیات معاف است. مثلاً یک نفر یک ماشین دارد و سالی ۳۰۰ بار بخواهد بخرد و بفروشد. اشکالی ندارد، بگذارد بخرد و بفروشد. ولی مازاد بر آن می شود انگیزه سوداگرانه و این انگیزه سوداگرانه را مالیات بر عایدی از آن می گیرد.

کلیات قانون مالیات بر عایدی سرمایه وقتی در مجلس مطرح شد، اصلی ترین ایرادی که به آن وجود داشت، سامانه اطلاعاتی اش بود. شما از کجا می فهمید که این آقا چقدر ارزش خریده و چقدر عایدی برده، شما از کجا می خواهید بدانید چه کسی چند تا ماشین دارد؟ اگر قولنامه ای خرید و فروش کرد چه؟ اگر بدون سند و مدرک خرید و فروش کرد چه؟ شما از کجا می خواهید بدانید طرف چقدر طلا دارد؟ این که اصلاً فاکتور نمی خواهد، هیچ سندی لازم نیست همراهش باشد، ما ناچاریم قانون سامانه مؤدیان و پایانه های فروشگاه را به عنوان زیر ساخت اطلاعاتی و داده ای مالیاتی بر عایدی، هم اجرایش را داشته باشیم و هم تکمیل آن را. نمی دانم آقای اسکندری صحبت کردند یا نه، تکمیلی آن را اگر برای دوستان گفته باشید، چیزی که در سامانه معاملات نیامده بود، معاملات سی توسی است. در دیوار و این طرف و آن طرف افراد با هم معامله کرده اند و فاکتور الکترونیکی ندارد. خانگی است و همین جوری با اطرافیان و آشنایانشان معامله کرده. این باید بیاید در زیر ساخت سامانه مؤدیان. به ویژه این که بعضی از این معاملات می تواند به راحتی محو بشود و نبینیم. اگر این کار را نکنیم نمی شود مالیات بر عایدی صدق کند. اگر مالیات بر عایدی نستانیم، رفع التهابات بازارهایی مثل ارز و طلا و مسکن امکان پذیر نیست. و اگر این کار را نکنیم همین معاملات سوداگرانه در شهر تهران و داشتن خانه در شهرهای کشور را به آرزو تبدیل می کند. آرزویی که هیچ وقت به آن دست پیدا نمی کنیم. یعنی خانه در کشور ما جزو نیازهای مصرفی نیست. یک سرمایه است. یک شخصی پولی دارد، ارثی دارد، مبلغی دستش رسیده. راحت ترین و بهترین کار این است که پولش را به خانه تبدیل کرده، ضرر هم نکرده است. تورم برایش جبران کرده است. لذا تا زمانی که این نیازهای سوداگرانه و این تقاضاهای سوداگرانه در بازار هست، شما موفق نمی شوید تقاضا را پاسخ بدهید.

بعضی های می گویند این معلول تورم است. دوستان اگر فرصت داشتند می توانند توضیح بدهند. بله بخشی از آن معلول تورم است، ولی می تواند علت بخشی از مسائل تورم ها هم باشد. در یک رابطه رفت و برگشتی به تورم هم می انجامد. همین معاملات سوداگرانه پر چمدارهایی را داغ می کند که آن پر چمدارها بر روی اقتصاد اثر می گذارند. پر چمداری مهم تر از

جدول آمار نسبت درآمد به مالیات پرداختی

مشاغل	حقوق (ماهانه)	مبلغ مالیات پرداختی (سالانه)
کارمند	۱۰ میلیون تومان	۸,۴ میلیون تومان
تلا فروش	—	۶,۷ میلیون تومان
نمایشگاه خودرو	—	۴,۷ میلیون تومان
موبایل فروش	—	۲,۷ میلیون تومان
وکیل	—	۲,۱ میلیون تومان
املاک	—	۱,۳ میلیون تومان
پزشکان	—	۲۲ میلیون تومان

طلا، مهمتر از ارز؟ الان شما هر جا حرف می‌زنید می‌گویند دلار شده این قیمت. چرا؟ اگر نخود و لوبیا هم اینقدر شده بود می‌گفتید؟ بعضی از این آقایان بحث می‌کردند و می‌گفتند آن چهار تا را می‌بندی می‌رود روی نخود و لوبیا. بقیه کالاها اینقدر که این چهار تا به فعالان اقتصادی علامت‌دهی و سیگنال دارند، ندارند.

این چهار تا در اقتصاد دنیا به عنوان پرچمدارهای حرکت رشد قیمت‌ها در شرایط تورمی مطرحند و باید چاره‌ای برای آن اندیشید. قانون سامانه مؤدیان و پایانه فروشگاهی اجرا و تکمیلش از نظر ما حیاتی است. زیرساخت اینهاست.

دو تا کار دیگر داریم؛ مالیات عایدی سرمایه و تکمیل سامانه مؤدیان، که الان در نوبت صحن است. به نظر من اگر ما بخواهیم یک مورد نظام مالیاتی‌مان را بازنگری و اصلاح کنیم، این چند تا کار به عنوان کارهای باقیمانده است که باز هم عرض می‌کنم زیرساخت همه اینها آن نظام داده‌ای و اطلاعاتی مبتنی بر رویداد مالی است در همان لحظه‌ای که دارد اتفاق می‌افتد، نه بعدها، که پیش‌بینی‌اش در قانون سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی شده است.

دولت در یک سال اخیر تلاش کرد که این قانون را سرریزتر پیش ببرد، اما هنوز تا اجرای قانون که قرار بوده اردیبهشت ۱۴۰۰ یعنی یک سال و اندکی گذشته پیش قانون اجرا بشود الان یک سال و اندکی گذشته و حالا تازه قانون آمده زمانبندی از دی‌ماه تا دی‌ماه سال دیگر و باید مرحله به مرحله کسب و کارها را مشمول کنیم که به شکل یک فوریتی تصویب شده و انشاءالله در مجلس هم بررسی می‌شود.

دکتر اسکندری: همان طور که ابتدای عرایض خدمت شما عرض کردم قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، دو تا سامانه



«سی‌توسی» و «سی‌توبی» را پوشش می‌دهد. ایراد نمی‌شود گفت، یک تکمله‌ای نیاز دارد که تعاملات «سی‌توسی» و «سی‌توبی» هم باید به آن داده شود. ما چیزی به نام سامانه مؤدیان نداریم. یعنی سامانه نیست. یک پروژه است به اسم سامانه مؤدیان که آن پروژه سامانه مؤدیان یک سری سامانه در دلش دارد. سامانه اصلی مؤدیان زیرسامانه اصلی‌اش، سامانه جمع‌آوری اطلاعات است، جمع‌آوری صورتحساب است که در جاهای مختلف مؤدیان این صورتحساب‌ها را صادر می‌کنند، این سامانه صورتحساب‌ها را دریافت می‌کند. بعد از آن، در مرحله بعدی، یک سامانه دیگری هست به نام کارپوشه که اطلاعات جمع‌آوری شده را برای مؤدیان ارسال می‌کند. یعنی ما چیزی به نام سامانه مؤدیان به عنوان یک سامانه نداریم. جمع‌آوری می‌کند. برای مؤدیان صورتحساب ارسال می‌کند به سامانه جمع‌آوری و این سامانه اطلاعات را ارسال می‌کند توی کارپوشه مؤدی و مؤدی می‌بیند. از آن طرف هم سازمان هسته محاسباتی دارد که یک سامانه مجزایی است و محاسبات را انجام می‌دهد و در کارپوشه منعکس می‌شود.

این سامانه جمع‌آوری الان در سازمان مالیاتی طراحی شده و قابل استفاده است. این چه اهمیتی دارد. از این جهت مهم است که ما اشخاص ثالثی را که معاملات آنجا انجام می‌شود می‌توانیم اطلاعات و

صورتحساب‌هایی را که آنجا صادر می‌شود مستقیم ارسال کنیم به سامانه جمع‌آوری و بعد به سامانه کارپوشه که در حال حاضر برای مؤدیان کارپوشه اختصاص داده بگوییم به بقیه اشخاص جامعه هم کارپوشه غیرتجاری اختصاص بدهد. پس ما در حال حاضر به لحاظ زیرساختی، در بحث «سی‌توسی» و «سی‌توبی» هم تا حدود خیلی خوبی جلو هستیم. چون اصل داستان سامانه دریافت‌کننده صورتحساب است. مثلاً در تعویض پلاک که مالک خودرو را می‌خواهد بفروشد، همان لحظه بدون دخالت عامل انسانی و به صورت استاندارد، این سامانه نهایی را می‌تواند وارد کند و به صورت کاملاً پیش‌پردازش و پردازش، این اطلاعات می‌رود در سامانه کارپوشه غیرتجاری مؤدیان. حالا فرض کنید اگر بخواهد به بنگاه برود و خودرو را بفروشد می‌رود در کارپوشه تجاری‌اش.

این سامانه‌هایی که بعداً سازمان مالیاتی راه‌اندازی کرده، سامانه جمع‌آوری و سامانه کارپوشه که تکنولوژی بسیار پیشرفته‌ای هم دارد، ما الان دیگر به این تکنولوژی دست پیدا کرده‌ایم و فقط کافی است سوئیچ تعویض پلاک را به عنوان شخص ثالث فعال کنیم که اصلاً کار پیچیده‌ای نیست.

من می‌خواهم اهمیت موضوع را بگویم. در دنیا تا قبل از سال ۱۹۸۸ دولت‌ها می‌آمدند افراد جامعه را مجبور می‌کردند که شما باید در انتهای سال و در ابتدای هر سال یک اظهارنامه بدهید و اطلاعات کل سال گذشته‌تان را به حاکمیت اعلام کنید. یعنی رویکرد الزام و اجبار و اگر شما به عنوان مؤدی در آمریکا این کار را نمی‌کردی، جریمه‌های بسیار سنگینی برای شما اعمال می‌کردند. در سال ۱۹۸۸ در دانمارک و فنلاند و شمال اروپا گفتند ما به جای این که به مردم بگوییم باید یک اظهارنامه بدهید شرايطی را فراهم می‌کنیم که در مسیر انجام معاملات شما اظهارنامه برآوردی تکمیل نمایند این رویکرد را می‌گوید رویکرد سرویس و ارائه خدمات.

از سال ۱۹۸۸ که دانمارک و کشورهای شمال اروپا این کار را شروع کردند، همین طور سال به سال کشورهای مختلفی به آن پیوستند و طبق آخرین اطلاعاتی که من گرفتم و مربوط به سال ۲۰۱۹ است قریب به ۵۰ کشور دارند از این رویکرد استفاده می‌کنند.

در زیرساختی که در مورد سامانه فروشگاهی و مؤدیان داریم که سامانه جمع‌آوری است، ما می‌توانیم



الان مهمترین مسئله‌ای که در بحث اقتصادی داریم، مسئله داده است. در اقتصاد کشور ما داده فراوان تولید می‌شود ولی در جهت‌دهی این داده‌ها و ترجیح و تحلیل و رساندن اینها به نتایج عدالت مالیاتی، دستان خالی است

سوئیچ‌های مختلفی را فعال کنیم و اطلاعات را از اشخاص ثالث بگیریم. دیگر اظهارنامه‌ها اظهارنامه‌ای نیست که من هر جور بدهم به سازمان مالیاتی، سازمان آن را بررسی کند. اظهارنامه‌ها دارد تولید می‌شود و دانه به دانه که اظهار می‌کند، سامانه جمع‌آوری می‌برد در کارپوشه من و در انتهای سال من این اطلاعات را می‌بینم. اگر اشتباهی باشد می‌گوید درست کن و اگر ناقص باشد می‌گوید تکمیل کن و اگر هم کامل باشد می‌گوید تأیید کن. بعد تأیید به منزله تأیید نهایی است و این اظهارنامه مالیاتی پیش‌فرض در این ۵۰ کشور، که احتمالاً کشورهای دیگری هم به آن اضافه شده‌اند، این اطلاعات هم مبنای اخذ مالیات بر سرمایه است و هم مبنای اخذ مالیات بر مجموع درآمد. بلافاصله حاکمیت می‌تواند این مالیات‌ها را اخذ کند، لذا ما با آن نقطه فاصله زیادی نداریم. یعنی ممکن است این برداشت در قانون‌نویسی و بحث‌های پذیرش عمومی و فرآیندی که در مجلس طی می‌شود طولانی باشد، منتها برای اجرا به لحاظ چالش‌های عملیاتی و اجرایی نداریم. این در واقع بستر اجرایی مالیات بر سرمایه و مجموع درآمد است. راجع به این که چه اقلامی مشمول می‌شوند آقای دکتر اشاره کردند ۴ قلم اساسی املاک، خودرو، طلا و سکه و ارز است و این ۴ دارایی را مشمول می‌شود.

قرار شده که نیاز مصرفی افراد کنار گذاشته بشود و مشمول نشود. افرادی هم که نیازمندی‌های مصرفی‌شان خرید می‌کنند، مادامی که شروع به خرید و فروش مکرر نکرده‌اند، مشمول نمی‌شوند. در خصوص املاک مسکونی گفتیم مثلاً یک خانوار، به تعداد اعضای خانوارش می‌تواند چهار تا ملک مسکونی داشته باشد و اگر خرید و فروش کند، مشمول می‌شود و خودرو هم همین طور و در مورد طلا هم گفته‌ایم برای هر فرد تا میزان ۲۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار که اگر عدد خانوار در ایران ۳ در نظر گرفته بشود هر خانوار می‌شود ۶۰۰ گرم به طور میانگین در طول هر ۵ سال. یعنی اگر یک نفر ۶۰۰ گرم طلا بفروشد، مشمول نمی‌شود مشروط به اینکه در ۵ سال گذشته از این موضوع استفاده نکرده باشد. یعنی محدودیت‌هایی که ما بررسی کردیم تقریباً ۹۹ درصد افراد جامعه امکان مشمول شدن را ندارند و آن یک درصد هم بستگی دارد که رفتارشان چطور باشد و اگر تغییر رفتار بدهند ممکن است آن یک درصد هم مشمول نشود.

من ۶ مورد جدی نوشته‌ام که واقعاً اثرگذار خواهد بود. بحث شفافیت است، بحث عدالت است، بحث این که این سرمایه ضدتولید است و به لحاظ تولیدی هم تولیدمحور است. ارتقای نظام مالیاتی است. همان طور که مستحضری الان شرکت‌های دانش‌بنیان به لحاظ توسعه یکی از محورهای توسعه کشور هستند. الان قوانینی که در حوزه دانش‌بنیان تدوین می‌شود مبتنی بر روح صدور صورتحساب الکترونیک است. در مورد بحث تقویت اعتماد عمومی به حاکمیت هم خیلی نقش جدی دارد. در حال حاضر مؤدیان به شدت با سازمان مالیاتی درگیرند و همان طور که شما گفتید این را پول زور می‌دانند و این خیلی باعث بی‌اعتمادی می‌شود و یک عده مالیات زیادی می‌دهند با این که درآمد زیادی ندارند و یک عده مالیات نمی‌دهند با این که درآمدهای انبوه دارند. از این جهت من یک آماری را برای شما می‌گویم که

از فعالان اقتصادی نمی‌توانستند آن را کتمان کنند. من می‌گویم این قسمتش که به درستی ایجاد شده باید توسعه داده بشود، آن طرفش هم اگر تسهیلاتی در نظر گرفته بشود و مشوق‌هایی برای فعالان اقتصادی در نظر گرفته شده، که همان کاهش ممیز محوری و همین تسهیل فعالیت مالیاتی بوده، اینها را زودتر به مرحله اجرا برسانیم تا طعم شیرین عدالت مالیاتی بالاخره در منظر فعالان اقتصادی رسمی و تولید کنندگان واقعی رسمی چشیده بشود. الان چند ماه یا بیش از یک سال از پایان دوره سامانه مؤدیان گذشته، آیا مادر روش‌های ممیزی خودمان، آیا در خروجی که منجر می‌شود به برگ تشخیص مالیات و برگ ابلاغ مالیات، آیا تغییری داشته‌ایم؟ صحبت من بر سر همین بود که همزمان با این که داریم به سمت توسعه این بسترهای اجرایی می‌رویم که کاملاً هم درست است و نیاز اصلی اقتصاد کشور ما هم هست، ملاحظات اجرایی که الان بخشی از اهداف قانونگذار و سیاستگذار بوده را هم در نظر بگیریم و آن کارکردهای جزئی‌اش را هم سعی کنیم خیلی زودتر اجرایی بشود.

آقای دکتر طغیانی فرمودید که تجربه‌ای داشتید در صندوق‌های مکانیزه فروش، آیا این تجربه بررسی شده که چرا شکست خورد؟ آیا سامانه مؤدیان به همان تجربه و همان مشکلات دچار نمی‌شود؟ یعنی می‌خواهم بگویم ما می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که بعد از این ۵ فراخوان که سازمان مالیاتی داده به طور کامل این قانون فروشگاهی اجرا می‌شود؟ و یکی هم این که در مورد طلا صحبت کردند، ما با طلا فروشی مواجه هستیم که الان به روش‌های مختلف فرار مالیاتی دارند. آیا فقط همین طلا فروش‌ها را می‌توانیم پای کار بیاوریم که مالیات را پرداخت کنند.

دکتر طغیانی: من یک مطلبی را خدمت شما عرض کنم. واقعیت این است که اجرای هر قانونی به نظر من نیاز به آماده‌سازی افکار عمومی دارد. ما سال ۸۸ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را نه فقط در یک حامل انرژی، بلکه در همه حاملان انرژی و در بعضی از چیزهای دیگر مثل نان و غیره به طور همزمان اجرا کردیم. تبعات اجتماعی هم به آن معنا نداشت و قانون هم اجرایی شد و تا حدی به نتیجه هم رسید. البته ثمراتش بعداً با بحث تحریم‌ها دچار مشکل شد و با یکدیگر درهم آمیخت و مشخص نشد که چقدر توانست در اقتصاد ایران تأثیر بگذارد، همین تجربه را سال ۹۸ برای فقط بنزین داشتیم که به آشوب اجتماعی انجامید و این برای ما درس مهمی است. اگر ما یک قانونی را بدون آماده‌سازی افکار عمومی آن هم به شکلی که مردم، حتی مردم کوچه و خیابان که ممکن است اصلاً درگیر با قانون به آن معنا هم نباشند، حتی بچه‌های مدرسه تا این سطح بتوانیم این قانون را توجیه کنیم، توضیح بدهیم و افکار عمومی را آماده کنیم، توفیقش و به نتیجه رسیدنش را تضمین کرده‌ایم. ولی اگر این کار را انجام ندهیم و بخواهیم به شکل یکباره و یا مرحله به مرحله انجام بدهیم، مهم نیست. ما حتی در قانون مالیات بر ارزش



بستر اجرایی سایر نظام‌ها و پایه‌های مالیاتی است و یا منجر به ایجاد یک پارادایم جدید شده است، این پارادایم جدید بروز مصداق‌هایش چیزی جز محاسبه سیستماتیک بدهی مالیاتی مؤدیان نیست، چیزی جز تعیین خودکار اعتبار مالیاتی، رد یا پذیرش اعتبار مالیاتی مؤدیان نیست. من صحبت‌م سر این است. الان که به دنبال توسعه و تکمیل سامانه مؤدیان هستیم خیلی خوب است. این کار کردهایی که تا حالا در قانون نوشته شده، و کارکردهای بسیار متعدد و متنوعی هم هست، اینها را تا زمانی که این بستر اجرایی تصویب می‌شود و به قول آقای اسکندری خیلی از زیرساخت‌ها در حال حاضر هم وجود دارد، اینها را باید تکمیل کنیم. با استقرار تیم جدید نظام مالیاتی کشور، کاری که بالاخره در دوره گذشته می‌گفتند شدنی نیست و منجر به آشوب می‌شود، دوستان با توانمندی‌ای که داشتند اثبات کردند که ظرف چند ماه می‌شود کلیه حساب‌ها را تفکیک کرد. می‌شود کارخوان‌ها را وصل کرد به پرونده مالیاتی و تنازع ایجاد کرد ولی بازار هم به هم نریزد. ما در تفکیک حساب‌ها و سامانه کارخوان‌ها دستاورد خیلی بزرگی داشتیم. خیلی از این اعتراضاتی هم که در تابستان آن سال شد، بابت این بود که شفافیت بسیار خوبی در تراکنش‌ها به وجود آمده بود و خیلی

شاید جالب باشد. سال ۱۴۰۰ عملکرد طلا فروشان، پزشکان یا نمایشگاه‌های خودرو را که درآمدشان بالاست با هم مقایسه کردند با کارمندی که حقوقشان ۱۰ میلیون تومان است. در حالی که خیلی از کارمندان حقوقشان کمتر از ۱۰ میلیون تومان است. این کارمندی که ماهانه حقوقش ۱۰ میلیون تومان است، سالانه ۸/۴ میلیون تومان به طور متوسط مالیات می‌دهد، ولی طلا فروش ما ۶/۷ میلیون تومان مالیات می‌دهد یعنی طلا فروش ما از یک کارمند کمتر مالیات می‌دهد. نمایشگاه خودرو ۴/۷ میلیون تومان یعنی نصف کارمند مالیات می‌دهد و موبایل فروش‌ها ۲/۷ میلیون تومان، یعنی یک سوم کارمندان و وکلا، ۲/۱ میلیون تومان، یعنی یک چهارم کارمندان و بنگاه‌های املاک هم ۱/۳ میلیون تومان که یک ششم یک کارمند است. این نشان دهنده اوج بی‌عدالتی است.

نکته این است که اگر ما بتوانیم این قانون را با تکمیل‌اش به طور کامل اجرا کنیم، از جهات مختلف می‌تواند مفید باشد بخصوص دستگاه‌هایی که درگیر هستند مثل سازمان مالیاتی که تا اینجا پیش رفته‌اند و انشاءالله بتوانند با هماهنگی کار را به سرانجام برسانند.

خیلی ممنون و متشکرم. آقای دکتر ارسطو بفرمایید.

دکتر ارسطو: از فرمایشات آقای دکتر طغیانی و دکتر موحدی بسیار استفاده کردیم. من اگر صحبتی کردم اصلاً به معنای نفی کارکردهای سامانه مؤدیان و نقشی که در توسعه نظام اقتصادی کشور و امثال اینها دارد نبوده، من صرفاً در این خصوص صحبت کردم که با یک نگاه کلان به سامانه مؤدیان که بستر اجرایی سایر پایه‌های مالیاتی و قوانین مالیاتی هم است، باید توسعه داده بشود، باید تکمیل بشود، بالاخره باید به کارکردهای جزئی که به انتظارات فعالان اقتصادی و مؤدیان نظام تبدیل شده‌اند، توجه کنیم.



اگر به درستی می‌گویم قانون پایانه‌های فروشگاهی

حتی در دوره کرونا که رفت و آمد را کم و الکترونیکی کردیم، در کاهش مراجعه به سازمان امور مالیاتی توفیقی نداشتیم. چون نتوانسته بودیم سامانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات به سبکی که دسته‌بندی و نظام‌مند اینها را ثبت کند، ایجاد کنیم

افزوده سابق، تجربه مرحله‌ای را هم داشتیم. مرحله‌ای اجرا کردن قانون تضمینی به نتیجه رسیدن آن نیست. بعضی از اصناف همراهی نکردند و تا آخر هم این عملیات تباطؤ مسالمت‌آمیز در بحث عدم اجرای قانون ادامه پیدا کرد. افکار عمومی را باید آماده کنیم، این را ما بارها در جلسات مختلف به مدیران سابق و مدیران جدید سازمان مالیاتی هم گفته‌ایم. مثل قانون چک. قانون چک کار بزرگی بود. قانون چک زیر و رو شد. اصلاحیه قانون چک که از سال ۹۹ شروع شد، صبح رادیو و تلویزیون را روشن می‌کردید توضیح می‌داد، ظهر توضیح می‌داد، شب توضیح می‌داد. این را ما فقط در ۴ بخش خبری برویم و توضیح بدهیم به هیچ وجه کفایت نمی‌کند، باید تضمین کنیم که همه چه کسی که اخبار گوش می‌کند و چه کسی که اخبار گوش نمی‌کند، این باید به گوشش رسیده باشد و توجیه شده باشد که اساساً قانون سامانه مؤدی و پایانه‌های فروشگاهی برای این نیست که مردم متضرر بشوند، اتفاقاً برای این است که این بی‌عدالتی که در مورد آن صحبت شد را برطرف کند. یعنی کارمند ۸/۴ میلیون مالیات ندهد و بنگاه معاملات ملکی ۱/۲ مالیات بدهد. اینها نتیجه تبعیض مالیاتی است و ما باید این را برای مردم خوب توضیح بدهیم و بگوییم این قانون تضمین می‌کند که کسی که دارد مالیات پرداخت می‌کند متضرر نشود و کسانی که پرداخت نمی‌کنند، قطعاً مشارکت بیشتری در هزینه‌های کشور پیدا کنند.

اگر ما بخواهیم کارهایی مثل صندوق مکانیزه انجام بدهیم، تجربه صندوق مکانیزه را ما هر سال در بودجه داریم. امسال مثل سنوات قبل استفاده از کار تخوان در مطب‌های پزشکان را در قانون بودجه آوردیم. الان سال سوم یا چهارمی است که ما داریم این بند را در قانون بودجه می‌آوریم. من می‌گویم تا ۴۰ سال دیگر هم اگر این را فقط در قانون بیاوریم و برای آن ضمانت اجرا نگذاریم فایده‌ای ندارد. ضمانت اجرا یعنی چه؟ یعنی راه‌های دیگری که پزشک می‌تواند قانون را دور بزند. این راهش چیست؟ راهش جدا کردن حساب‌های تجاری از شخصی برای همه است. نه فقط برای پزشک چون همین داستان می‌رود در حساب منشی، می‌رود در حساب مادر، می‌رود در حساب... ما وقتی می‌خواهیم قانونی را اجرا کنیم، باید بتوانیم راه‌های فرار آن را ببندیم، راه فرار هم جدا کردن حساب‌های شخصی از تجاری است. همان چیزی که امسال براساس قانون بودجه دارند اجرا می‌کنند. اگر هر سال فقط در قانون ذکر شود به نتیجه نمی‌رسیم. چرا از سال ۸۹ صندوق فروش اجرا نشد؟ به همین دلیلی که خدمت شما می‌گویم. مورد دوم هم بحث این است که ما کار را می‌اندازیم روی دوش مردم بدون اینکه برای مردم از این وضع مطالبه‌ای درست کنیم. یعنی مردم از مردم مطالبه نکنند.

در قانون سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی یک چیزی خیلی خوب پیش‌بینی شده است. براساس قانون از هر ۱۰ تا فاکتور فروشی که افراد متوسط پرداخت کرده‌اند، از هر ۱۰ تا فاکتور خریدی که پولش را داده‌اند و فاکتور گرفته‌اند، یک مورد به قید قرعه به حساب افراد برمی‌گردد. خود مردم مطالبه دارند. ۱۰ تا قرارداد خرید کرده، یکی از آنها ۹ درصد را براساس قانون به او برمی‌گرداند. مردم هم می‌آیند مطالبه اجرای قانون می‌کنند. این

کار غیرمولد را باید از رونق بیندازیم. به عبارتی بخشی از عایدی‌اش را از او بگیریم. کم یا زیاد فرقی ندارد. در کشورهای مختلف اعداد مختلف است؛ ۲۰ درصد، ۳۰ درصد و در بعضی کشورها تا ۹۰ درصد عایدی را می‌گیرند

که دارد پول را می‌دهد چه فرقی برایش می‌کند. خودش می‌آید و می‌گوید من فاکتور می‌خواهم. چون ممکن است همین فاکتوری که می‌گیرد فاکتوری باشد که براساس قانون ۹ درصد به او برگردد. این را مشوق گذاشته‌اند. پس در قوانین هر دو طرف اینها با تبیین خوب و بالا بردن فرهنگ مالیاتی و نه تنها به صرف نوشتن، محقق نمی‌شود.

ما در مورد بحث فرارهای مالیاتی یک اختلاف نظری در مجلس با دوستان داریم. من آخرش را خدمت شما بگویم. ما معتقدیم که قانون سامانه مؤدیان مالیاتی و پایانه‌های فروشگاهی قانون اجرای مرحله‌ای نیست. قانون یکباره است. ممکن است شما به مردم بگویید تا یک سال اصلاً داده‌ای که دارد در حوزه تراکنش‌های شما تولید می‌شود برای من ملاک نیست، یا اصلاً کاری به آن ندارم و می‌خواهم فقط خودت بدان. تا یک سال، یا دو سال برای من ملاک مالیات‌گذاری نیست تا مردم به این سیستم عادت کنند. ولی رویداد مالی در بیزنس تو بیزنس و یا حتی در بیزنس تو کاستوم دو طرف دارد. نمی‌شود یک طرف آن هم به چه سبکی، به سبک شرکت‌های بورسی شامل بشوند و بقیه نباشند. مثل زدن یک سوئیچ است. الان شما نزدیک به ۵/۵ میلیون مؤدی مالیاتی دارید که همین الان می‌توانید برای همه اینها کارپوشه باز کنید. لازم نیست فراخوان بدهید که بیاید و بگوید من فلانی هستم و مغازه من فلان جاست، ما می‌دانیم تو فلانی هستی و مغازه‌دار هستی. ما می‌دانیم که تو داری خرید و فروش می‌کنی. اطلاعات اظهارنامه تو را داریم. یا مثلاً من فلان شرکت می‌دانیم که تو فلان شرکت هستی و خرید و فروش داری. لذا ما معتقدیم می‌توانیم راه‌اندازی سامانه را برای تعداد زیادی از مؤدیان به یکباره داشته باشیم و فراخوان هم ندهیم و رفته رفته اطلاعات تکمیل بشود. ممکن است تکمیل اطلاعات و این که همه جوانب قانون فعال بشود، کمی طول بکشد و یا ممکن است مثلاً یک دوره یا دو دوره مالیاتی مبنای محاسبه ما نباشد که اشکالی هم ندارد. اینها می‌تواند به عنوان تدابیر اجرای قانون پیاده بشود. ولی این که مردم به مرحله در طول یک سال برویم و بعد از آن هم یک مهلت شش ماهه بدهیم که اگر کسی نیامد مؤاخذه می‌شود، اینها ممکن است اجرای قانون را دچار مشکل کند. چون بالاخره هر رویدادی دوطرفه است. شما برای اینکه

ثبت کنید، چون نمی‌توانی ثبت نکنی، پس آن طرف هم باید کارپوشه‌اش فعال باشد و برایش لحاظ بشود.

دکتر اسکندری: ما در

مرکز پژوهش‌های مجلس یک گزارشی را آماده کرده‌ایم درخصوص بحث اجرای تدریجی



قانون سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروش. این دوستان یک مسئله‌ای دارند و مسئله‌شان هم این است که ما یک سری سامانه ایجاد کردیم. این سامانه‌ها را به نحوی کدنویسی کرده‌ایم و ممکن است ایراد داشته باشد و اگر باگی داشته باشد و یک جایی قطع بشود، این مشکل ایجاد می‌کند. براساس خود قانون مؤدی مشمول جریمه می‌شود. ما یک حکمی می‌خواهیم که بتوانیم اولاً مرحله به مرحله اجرا کنیم که باگ‌ها را در بیاوریم و دوم این که اگر یک جایی مؤدی مشمول جرائم مورد نظر قانون شد ما اجازه داشته باشیم جرائم را اجرا نکنیم. ماطی یک گزارش بحثی را مطرح کردیم. گفتیم قانون دو تا تکه دارد، یک تکه در مورد دریافت کنندگان صورتحساب است، یکی هم در مورد صادر کنندگان صورتحساب. نکته این بود که در طرز کارپوشه کردن به هیچ عنوان نمی‌توانیم بگوییم یک عده کارپوشه دارند و یک عده ندارند. این طور که معلوم است همه باید کارپوشه داشته باشند. به این معنا که اگر من دارم براساس کارپوشه مالیات می‌دهم، از هر کسی که خرید کردم بتوانم صورتحسابش را دریافت کنم و از جهت دریافت مشکلی نداشته باشم. دریافت کننده داشته باشم. اما آیا من به عنوان یک مؤدی علاوه بر اینکه دریافت می‌کنم، صورتحساب‌های خرید من می‌آید، آیا من صورتحساب هم صادر می‌کنم؟ ما گفتیم اشکالی ندارد اگر اینجا در این مرحله صدور صورتحساب را همراه با هم نکنید، می‌شود اقدام کرد. ولی زمانش نباید طولانی بشود. حالا یکی دو تا تبصره دارد که یکی از تبصره‌های خیلی مهم است. نکته اول این است که آن که خودش سامانه را می‌خواند ممیز دیگر نتواند آن صورتحساب سیستمی را صادر کند. نکته دوم این است که اگر من که مشمول قانون شدم، صورتحسابم را صادر نکردم و به یک دلیلی می‌خواستم خلاف کنم، مثلاً شما از من خرید کردید و من به شما صورتحساب کاغذی دادم و شما خریدار نمی‌دانستید که من جزو مشمول‌ها هستم یا نیستم، این کاغذی که دست شماست به عنوان خریدار، به شما اعتبار مالیاتی بدهیم، اما برای فروشنده جرایم باشد. یعنی جرایم را به چه کسی بدهیم، به کسی که خلاف کرده، نه خریداری که نمی‌دانسته چه کسانی مشمول هستند و چه کسانی مشمول نیستند. نکته سوم اینکه اگر این مؤدی گفت من فراخوان نشدم ولی می‌خواهم قانون را اجرا کنم، شما نباید بگویید نه، اجازه نمی‌دهم. شما باید به کسی که می‌آید شرایط را برای اجرا فراهم می‌کند، اجازه بدهید که اجرا بکند و از مشوق‌ها هم استفاده بشود. با این شرایط، به نظر می‌شود اجرا کرد.

دکتر ارسطو: فرمایشی که آقای

دکتر اسکندری می‌کنند در لایحه نیست. یعنی هیچ تفکیکی بین سامانه و پایانه و



اینها نیست.



دکتر اسکندری: در تبصره‌هایی که آورده اینها را دارد.



دکتر ارسطو: در مورد جرایم نیست. به پذیرش ارتباط ندارد. باید برای همه کارپوشه باز کنیم و پایانه را تدریجی انجام بدهیم.



دکتر اسکندری: این لایحه که من برای کمیسیون فرستادم در تبصره اولش این بود که سازمان موظف است به همه مؤدیان کارپوشه بدهد. نکته دوم این است که خریدار که می‌خواهد چیزی بخرد، ما یک هزینه به او بار نکنیم که خریدار مجبور بشود بگوید حالا کدام یک از این مؤدی‌ها صورتحساب صادر می‌کند و بعد هم اگر من خریدار رفتم از کسی خریدم به خاطر این که او خلاف بکند، اعتبار او را در نظر نگیرم. اینجا در حق خریدار ظلم می‌شود.



دکتر ارسطو: علیرغم همه توضیحات، این اتفاق یعنی اینکه ما اجرای قانون را حداقل تا دی ماه ۱۴۰۲ به تعویق می‌اندازیم و بعد هم این قانون، قانونی است که من اشاره کردم باید با هم اجرا بشود تا معنادار بشود. این که ما جریمه نکنیم، مجازاتی نباشد و هزینه‌ای بار نکنیم، من می‌گویم اصلاً نگیریم، مینا نباشد، دو دوره مالیاتی مینا نباشد، ولی این که قرار بوده اردیبهشت ۱۴۰۰ سامانه بهره‌برداری و راه‌اندازی بشود و الان آبان ۱۴۰۱ است یک سال و نیم تأخیر داریم. تازه این یک سال و نیم را به موجب قانون به دو سال و چند ماه تبدیل کنیم. یعنی برویم تا دی ماه ۱۴۰۲.



دکتر اسکندری: من زمانبندی را تأیید نمی‌کنم. من اصل حرفم این بود که آیا اجرای آن گزارشی که نوشتیم، آیا اجرای تنظیم آن امکانپذیر هست یا نیست. ما گفتیم امکانپذیر هست با این شرایط، حالا سؤال، آیا این فراخوان‌ها باید یک سال یا دو سال طول بکشد؟ یا می‌شود این را کوتاهتر هم کرد که به نظر من می‌شود.



دکتر موحدی: در مورد نکته‌ای که شما فرمودید به ذهن من چند نکته می‌رسد که خدمت شما عرض می‌کنم. احساس می‌کنم یک سوءتفاهمی جمعی در ما وجود دارد که باید این سوءتفاهم را حل کنیم. اما بنیادی‌ترین مقوله خود قانون است. خود قانون سامانه فروشگاهی و مؤدیان از دو حیث محل اشکال است. یکی اجرای تدریجی بودن است. یعنی گویی خود قانون در هر دو تا و در زمانی که قرار بوده در مورد این قانون تصویب صورت بگیرد مقنن تکلیف خودش را روشن نکرده است که آیا باید دفعتاً واحده صورت بگیرد یا باید به شکل تدریجی صورت بگیرد. یعنی ما موادی داریم مثل ماده ۲ قانون پایانه فروشگاهی که می‌گوید کلیه اشخاص مشمول مکلفند به ترتیبی که سازمان مقرر می‌کند نسبت به ثبت نام در

سامانه مؤدیان اقدام کنند و الی آخر. دقیقاً سیاق ماده ۲ همان سیاق ماده ۱۸ قانون ارزش افزوده سابق است که طبق آن قانون آمدیم ۸ تا فراخوان اعلام کردیم و کسی هم اصلاً نیامد بگوید این ۸ تا فراخوان که شما دارید اعلام می‌کنید، اساساً قانونی است یا غیرقانونی. به همین سیاق و همین شکل، می‌توانید به ماده ۱۸ قانون ارزش افزوده هم مراجعه کنید.

یک جای دیگری ما در روح این قانون می‌بینیم که اگر دفعتاً واحده اجرایی نکنیم قانون دچار مشکل می‌شود. زنجیره‌اش محل اشکال است. پس مقنن اولین دوگانگی و تردید را در درون این قرار داده است. این نکته اول. نکته دوم برمی‌گردد به تحلیل کسب و کاری که این قانون از کسب و کار عمومی دارد.

در ادامه می‌خواهم راجع به این صحبت بکنم که این تحلیل کسب و کار عمومی در عرصه کشور را خیلی ساده دیده است. یعنی پیچیدگی‌هایی که در انواع و اقسام کسب و کارها وجود دارند. در صنایع فولاد که ظاهراً در خوزستان درگیر بودند با کارخانه فولاد و اینکه چقدر تبادل‌های خرید و فروش می‌تواند محل اشکال باشد. یا پتروشیمی‌ها تا مثلاً شرکت‌های بورسی که سروسامان‌ترین شرکت‌های ما هستند تا می‌آید می‌رسد به انواع و اقسام صاحبان مشاغل که ما با آنها درگیر هستیم و اینها را می‌خواهیم به عنوان مؤدی بشناسیم. بنابر این همه اینها را در قالب خیلی ساده دیدن، کمی کار را دچار اشکال می‌کند. چه چیزی را دچار اشکال می‌کند؟ انطباق دادن سامانه مؤدیان با کلیه ترتیبات فناورانه‌ای که داریم. با تمام آن تحلیل کسب و کار که می‌خواهد در ساحت اقتصاد صورت بگیرد. بنابر این اگر ما می‌خواهیم این را اجرایی کنیم این سوءتفاهم را باید برطرف کنیم. مثلاً ما می‌آییم یک طرح دوفوریتی را می‌بریم به این سمت که می‌خواهیم آن را اجرا بکنیم، می‌خواهیم اهتمام و عزم خودمان را برای اجرای قانون نشان بدهیم، اما به خاطر اینکه این انطباق حاصل نمی‌شود و این کسب و کارهای بیرونی با کسب و کار ساده‌ای که در تحلیل کسب و کار در این قانون دیده شده، انطباق کمتری دارد، بگذارید ما از مومن و خطاها را در مقام اجرا انجام بدهیم، می‌گویید اجازه بدهید ما این را دوفوریتی نکنیم و تصویب نکنیم، اجازه بدهید یک فوریتی برود بحث بشود. مثل این که من می‌گویم زمستان دارد می‌آید و من می‌خواهم یک کلیه درویشی اینجا بزنم و از ترس زمستان که هوا سرد است در امان بمانم. می‌گویند نه، مثل این که شما می‌خواهید خانه نسازید. اجازه بدهید ما بررسی کنیم و ببینیم

خانه را چطوری می‌خواهی بسازی و دفعتاً باید بسازی. می‌گویم این بررسی خودش یک سال طول می‌کشد. الان خود شما مستحضردید، یک فوریتی رد شدن، یعنی کمیسیون اقتصادی و تا برود شورای نگهبان و برگردد، حداقل ۶-۷ ماه زمان می‌برد که آن هم به فصل بودجه خورده، یعنی بعد از بودجه یک سال، ما یک سال باید معطل بمانیم که ببینیم چطوری می‌خواهیم این را اجرا کنیم.



دکتر ارسطو: آقای دکتر موحدی، الان یک سال و شش ماه است که دولت از قانون عقب است. من در مورد این که دولت قبل چقدر پیش رفته بحثی ندارم. الان یک سال و شش ماه است کار عقب است. شما الان می‌خواهید یک سال دیگر زمانبندی بگذارید. الان همین برنامه زمانبندی را شما در مقام اجرا انجام بدهید. چه لزومی دارد به عنوان تبصره مصوب بشود و بیاید ذیل قانون. یک چیزی شما می‌خواهید. می‌گویید در این دوره ما جرائم و مجازات‌ها و غیره را نداشته باشیم. این نیاز دارد. اما زمانبندی اصلاً نیاز ندارد. اصلاً در کدام قانون هست. من ندیدم یا خیلی کم دیدم. زمانبندی یک چیز اجرایی است و لازم نیست در قانون بیاید. یک ساز و کاری است. شما می‌خواهید یک سال یا دو سال ابتدای قانون را به شکل مرحله‌ای انجام بدهید و بیاید بگویید ما یک سال به شکل مرحله‌ای انجام می‌دهیم، تغییراتش را خودمان است.



دکتر موحدی: بحث ما سر فراخوان نیست، ما این را انجام می‌دهیم، اتفاقاً مسئله ما همین است که ما سر فراخوان‌ها خیلی مسئله نداریم که حالا فراخوان بکنیم و بعداً ۲ ماه آن طرف‌تر با شرکت‌های بورسی و شرکت‌های دولتی و الی آخر باشد. این اتفاق اصلاً مسئله نیست. مسئله این است که موقعی که شما وارد اجرا می‌شوید یا باید ابتدا تماماً یکپارچه اینها به هم متصل بشوند که طبیعتاً متصل نمی‌شوند چون مرحله به مرحله این را انجام می‌دهید یا بحث قبول اعتبار ارزش افزوده و بحث قبول استفاده از بخشودگی‌ها را می‌خواهد.



دکتر ارسطو: مشکلی ندارد، اتفاقاً آن چیزی که در لایحه از نگاه نمایندگان ارزش فوریت را آورده پایین، ارزش زمانبندی ریز و اجرایی بود که در قانون می‌خواست لحاظ بشود.



دکتر موحدی: خود سازمان هم قبول دارد و می‌گوید ما اشتباه کردیم. اتفاقاً نظر ما هم این بود که این با این ساختار نباید بیاید. این که ترتیباتش طبق ماده ۲ را داریم و فقط صرفاً تبصره‌ها این اجازه را به ما بدهد. ولی حالا بالاخره این فضا را سازمان دارد اجرایی می‌کند و همین الان بورسی‌ها هستند. یعنی ما هیچ موقع به بورسی‌ها نمی‌گوییم شما نباید بیاید. اتفاقاً هستند و دارند می‌آیند و من ۲۵ هزار صورتحساب تا حالا گرفته‌ام ۲۵ هزار صورتحساب هم صادر شده است. طبیعتاً این فرآیند به شکل تدریجی در حال تکامل است و امید داریم که انشاءالله این اتفاق بیفتد و هر چه سریعتر به آن مرحله که بگوییم به طور کامل قانون پیاده شده برسیم.

چیزی به نام سامانه مؤدیان نداریم یعنی سامانه نیست. یک پروژه است به اسم سامانه مؤدیان که آن پروژه سامانه مؤدیان یک سری سامانه در دلش دارد. سامانه اصلی مؤدیان زیر سامانه اصلی‌اش سامانه جمع‌آوری اطلاعات است جمع‌آوری صورتحساب است



مشاوران مالیاتی؛ جامعه‌ای با حسن شهرت

مصطفی زارع | معاون دبیر خانه هیئت تشخیص صلاحیت حرفه‌ای

در تمام سیستم‌ها و نظام‌های حقوقی و سیاسی دنیا دولت‌ها دارای دو وظیفه کارکرد اصلی شامل حاکمیتی و تصدی‌گری می‌باشند که توسط نهادهای دستگاه‌های مسئول به اجرا گذاشته می‌شود. امور حاکمیتی شامل سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد به دلیل سطح و جایگاه دارای اهمیت مضاعف است و تصدی‌گری آن دسته از وظایفی می‌باشد که قابل واگذاری به مردم و بخش خصوصی باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران دولت در یک فرآیند رو به جلو تغییر و تحولات مثبتی را در این زمینه به عمل آورده و دامنه آن روز به روز در حال گسترش است.

یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها برای اداره امور کشور انجام خدمات و وظایف عمومی است. دولت‌ها برای انجام این وظایف خود نیاز به پیش‌بینی و تأمین منابع مالی دارند و معمولاً منابع مالی دولت‌ها از طریق درآمدهای عمومی دولت تأمین می‌گردد.

در کشور مادرآمدهای عمومی دولت به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد.

۱. درآمد حاصل از فروش و صادرات کالا و خدمات و نفت و...

۲. درآمد حاصل از وصول مالیات

در هر کشوری وصول مالیات بر عهده سازمان و یا نهاد خاصی می‌باشد که طبق قانون‌های کشور مسئولیت کلیه مسائل و امور مالیاتی را بر عهده دارد. در کشور ما این مسئولیت بر عهده سازمان امور مالیاتی کشور گذارده شده است. سازمان امور مالیاتی وظایف خود را از طریق نیروی انسانی و کارکنان خود انجام می‌دهد که این نیروی انسانی معمولاً مأموران مالیاتی نامیده می‌شوند. در صورت عدم تحقق درآمد‌های مالیاتی دولت بودجه کافی برای انجام طرح‌ها و پروژه‌ها و انجام وظایف خود در قبال شهروندان را نخواهد داشت و سبب ناکارآمدی دولت خواهد شد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین عاملی که موجب تحقق درآمد‌های مالیاتی دولت می‌شود عملکرد صحیح و قانونی مأموران مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی می‌باشد. در کشور ما برای اینکه مأموران مالیاتی عملکرد صحیح و قانونی داشته باشند وظایف نظارت بر عملکرد مأموران مالیاتی طبق قانون مالیات‌های مستقیم بر عهده دادستانی انتظامی مالیاتی بوده و به استناد بند (۱) ماده ۲ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹ مصوب مجلس شورای اسلامی بوده و رعایت مفاد این قانون توسط آنان الزامی است و با متخلفان مطابق مجازات در نظر گرفته شده در این قانون برخورد خواهد شد.

با توجه به ابلاغ شیوه‌نامه برون‌سپاری فعالیت‌های مالیاتی قابل واگذاری به بخش غیردولتی واجد صلاحیت توسط سازمان امور مالیاتی کشور به شماره ۸۰/۱۴۰۰/۲۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران می‌تواند نقش برجسته و مهمی در تصدی‌گری وظایف قابل واگذاری دولت به بخش خصوصی داشته باشد.

به موجب ماده ۲۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و جزء (۱) ماده ۵۵ قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ به منظور ارتقاء فرهنگ مالیاتی پرداخت‌کنندگان مالیات و ارائه خدمات مشاوره‌ای صحیح در امور مالیاتی بر مؤدیان مالیاتی بر مبنای قوانین و مقررات مالیاتی کشور و همچنین ارائه خدمات نمایندگی مورد نیاز آنان برای مراجعه به ادارات و مراجع مالیاتی، نهادی به نام جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران تأسیس شده تا با پذیرش اعضای ذیصلاح در این باره فعالیت نماید.

اساسنامه جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران طی شماره ۱۲۰۶۲/ت/۴۲۹۳۹ هـ مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۸ به تصویب هیأت محترم وزیران رسیده است.

از جمله وظایف مشاوران رسمی مالیاتی به استناد ماده ۳ اساسنامه جامعه، ارتقاء فرهنگ مالیاتی مؤدیان و تعامل و همکاری با وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور برای انجام خدمات مالیاتی می‌باشد. لذا اعضای جامعه به استناد ماده ۲۸ اساسنامه مذکور می‌بایست دارای حسن شهرت به رعایت موازین شرعی، اخلاقی، رفتاری و مالی و نداشتن محکومیت کیفری مؤثر باشند.

با توجه به اختیارات و وظایف جامعه مبنی بر تهیه و تنظیم برگه نمایندگی مشاوران رسمی مالیاتی و نیز نمونه‌های لایحه دفاعی و دادخواهی مورد نیاز مؤدیان برای ارائه به مراجع مالیاتی و بهبود و گسترش خدمات حرفه‌ای مشاوره مالیاتی ارتباط مستقیم با واحدهای مالیاتی داشته لذا به استناد بند (د) ماده (۲) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی مشمول قانون مذکور بوده و رعایت مفاد این قانون از جمله بند (الف) ماده ۳، مواد (۱۳) و (۱۴) برای آنان الزامی بوده و متخلفان از اجرای مفاد این قانون مشمول مجازات مندرج در این قانون می‌شوند.

لزوم گسترش جامعه مشاوران رسمی مالیاتی

عبدالمجید شهیدی |

**دبیر کل و رئیس هیئت مدیره جامعه
مشاوران رسمی مالیاتی ایران**

ساختار نظام مالیاتی هر کشور، با توجه به ساختار اقتصادی اجتماعی آن و کارکرد چندگانه مالیات، بر اساس ملاحظات سیاستگذاران نسبت به اهداف کلی دولتها پایه‌گذاری می‌شود. از منظر اقتصاد دانان، دولت بدون در اختیار داشتن منابع و درآمد کافی قادر به انجام وظایف خویش نمی‌باشد. لذا بنا نهادن نظام مالیاتی کارآمد برای تداوم فعالیت‌های دولت از ضروریات است. نظام مالیاتی کارآمد قادر است مخارج دولت را تأمین مالی نماید و در عین حال بر متغیرهای کلان اقتصادی در جهت حصول اهداف اقتصادی، اجتماعی دولت اثر گذار باشد.

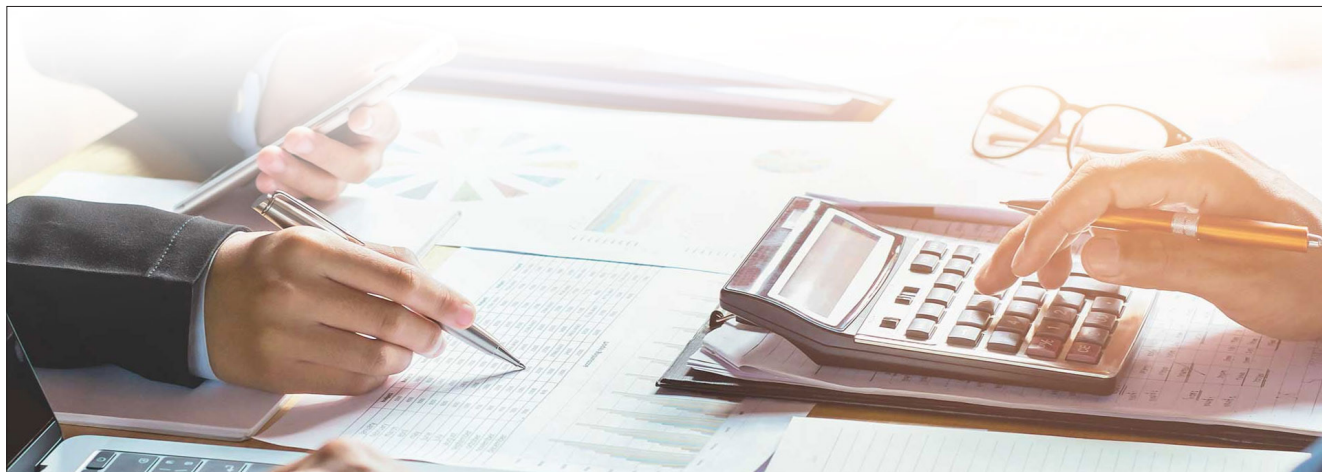
در حال حاضر بخش بزرگی از زندگی ما درگیر مالیات است، به طوری که تقریباً هر فعالیت و یا عملی که انجام می‌دهیم از خرید و فروش اموال گرفته تا رایانه خدمات قسمتی از آن جنبه مالی و مالیاتی دارد. با توجه به گستردگی حوزه فعالیت‌های اشخاص (حقیقی یا حقوقی) و از طرفی، زیاد بودن مشغله‌ها و کمبود وقت، نمی‌توان انتظار داشت که هر شخصی به تنهایی بتواند به حل و فصل مسائل مالیاتی اش بپردازد.

امروز تمامی مشاغل نیازمند دانش مشاوران مالیاتی و وکلای مالیاتی هستند و ضرورت مشاوره مالیاتی برای رو به رو شدن با تکالیف قانونی را دارند. تعدد بالای قوانین سازمان امور مالیاتی، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و وجود ابهام و تناقض در قوانین مالیاتی تبعاتی را برای افراد به وجود آورده است تا جایی که در برخی از سازمان‌ها با هدر رفت منابع مالی و ایجاد خسارت مواجه هستیم.

بنابراین اینجاست که اهمیت مشاوره مالیاتی نمود پیدا می‌کند و شخص نیاز دارد که از افراد متخصص و مجرب در حوزه مالیات، مشاوره مالیاتی بگیرد.

تسلط بر قوانین و مقررات مالیاتی نیازمند کسب دانش و تجربه در این زمینه است و مشاوران مالیاتی کسانی هستند که این دانش را به صورت تخصصی کسب کرده‌اند.

مشاور مالیاتی در واقع خدمتی است که توسط مشاوران خبره مسلط به قوانین و مقررات ارائه می‌شود. مشاور مالیاتی کمک می‌کند تا از مشوق‌های مالیاتی و یا تسهیلاتی و تخفیف‌های مالیاتی آگاه شده و با بهره‌مندی از خدمات آنها این اطمینان را داشته باشید که کسب و کارتان به صورت ناخواسته دچار ضرر و زیان و مواجه با جرایم و تخلف مالیاتی نشده است.



مسیر جامعه مشاوران رسمی مالیاتی

مزایای عضویت

۱- دریافت کارت عضویت که با ارائه آن و معرفی مودی بدون پرداخت حق تمبر می توانند در مراجع دادرسی مالیاتی حضور پیدا کنند.

۲- بالغ بر ۵۰ نفر اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران در حال حاضر با حکم وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی به عنوان مستشاران هیئت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم در سطح استانهای کشور منصوب گردیدند.

۳- باتوجه به قانون مالیات بر ارزش افزوده که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ به شورای محترم نگهبان ارسال شد، اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران می توانند به عنوان نماینده هیات حل اختلاف مالیاتی در هیاتهای حل اختلاف مالیاتی حضور یابند.

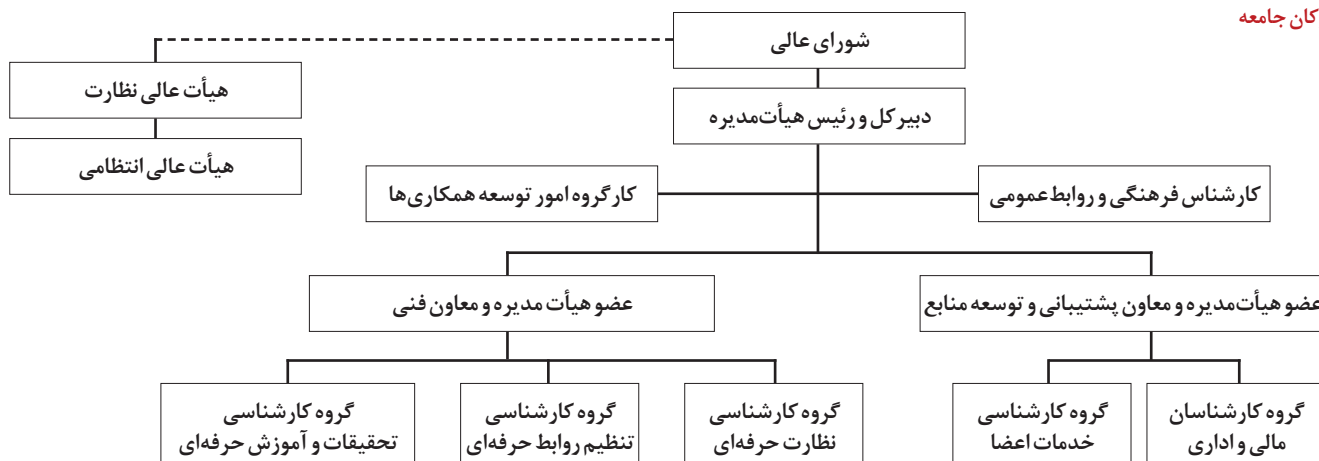
۴- با تصویب شورای عالی جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران پروانه فعالیت حرفه ای برای اعضاء جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران صادر می شود.

تصویب رسید. همچنین در ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۳ جامعه مشاوران رسمی مالیاتی تحت عنوان مؤسسه غیر تجاری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۰۵ به شماره ۳۵۵۴۱ به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۵۶۳۵۲ در اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت رسید. در ادامه و با تصویب و ظهور قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده، در ماده ۵۰ این قانون و همچنین به حکم ماده ۲۴۴ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مقرر گردید. اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران بعنوان عضو رسمی هیئتهای حل اختلاف مالیاتی تحت عنوان نماینده بند ۳ ماده ۲۴۴ در جلسات هیئتهای حل اختلاف بعنوان نماینده منتخب مودی مالیاتی حضور داشته باشند. این اعضا به مدت ۳ سال منصوب می شوند و مودی مالیاتی می تواند همزمان با اعتراض به برگ تشخیص یا مطالبه مالیات، نماینده خود را از این مرجع انتخاب نماید تا دفاع موثرتری در این هیئتها از مودی صورت پذیرد.

در سال ۱۳۸۷ با تصویب قانون آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده و به استناد ماده ۲۸ این قانون «به منظور ارتقاء فرهنگ مالیاتی پرداخت کنندگان مالیات و ارائه خدمات مشاوره ای صحیح در امور مالیاتی به مؤدیان مالیاتی بر مبنای قوانین و مقررات مالیاتی کشور و همچنین ارائه خدمات نمایندگی مورد نیاز آنان برای مراجعه به ادارات و مراجع مالیاتی، نهادهای به نام «جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران» تأسیس می شود تا با پذیرش اعضاء ذیصلاح در این باره فعالیت نماید. کلیه مراجع ذی ربط دولتی مکلفند پس از ارائه برگه نمایندگی معتبر از سوی مشاوران مالیاتی عضو جامعه، در حوزه وظایف قانونی خود و در حدود مقررات مالیاتی با آنان همکاری نمایند. سپس در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ اساسنامه جامعه توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پس از طی مراحل قانونی در جلسه مورخ ۱۴/۱۰/۱۳۹۰ هیئت محترم وزیران مطرح و تحت شماره ۱۲۰۶۲/ت/۴۲۹۳۹ هـ مورخ ۲۸/۱/۱۳۹۱ به

نمودار کلی تشکیلات جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران

ارکان جامعه





تنها مرجع قانونی ناظر بر ارائه خدمات و مشاوره مالیاتی

اهداف سازمان

- ارتقاء فرهنگ مالیاتی مؤدیان و حفظ حقوق آنان
- ارتقاء دانش حرفه‌ای اعضای جامعه از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی
- تهیه و تنظیم برگه نمایندگی مشاوران رسمی مالیاتی و نیز نمونه‌های لوایح دفاعی و دادخواهی مورد نیاز مؤدیان جهت ارائه به مراجع مالیاتی
- انتشار جزوات و نشریه‌های تخصصی و حرفه‌ای
- نظارت بر عملکرد اعضای جامعه به منظور تأمین محیط سالم برای فعالیت حرفه‌ای آنان
- اطلاع‌رسانی در خصوص قوانین و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مالیاتی مورد نیاز اعضا
- بهبود و گسترش خدمات حرفه‌ای مشاوره مالیاتی
- حمایت از حقوق حرفه‌ای اعضا
- ایجاد زمینه ارتباط مستمر فنی و حرفه‌ای اعضا با یکدیگر
- ارتباط و همکاری حرفه‌ای با تشکلهای منطقه‌ای و بین‌المللی و در صورت نیاز عضویت در آنها
- تعامل و همکاری با وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور برای انجام خدمات مالیاتی

مجمع عمومی

از اجتماع اعضای جامعه تشکیل و اهم وظایف و اختیارات آن انتخاب اعضای شورای عالی، تصویب صورت‌های مالی و تعیین و تصویب خط مشی جامعه می‌باشد.

شورای عالی

متشکل از ۷ عضو که ۴ عضو منتخب مجمع عمومی، یک نماینده منتخب وزیر امور اقتصادی و دارایی، یک نفر منتخب رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و یک نفر منتخب رئیس سازمان حسابرسی می‌باشند. اهم وظایف و اختیارات شورای عالی، سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌های اصلی جامعه، تعیین اعضای هیئت مدیره و دبیر کل می‌باشد.

هیئت مدیره

انتخاب اعضای هیات مدیره توسط شورای عالی و با حکم رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور منصوب می‌شوند. اهم وظایف و اختیارات رئیس هیئت مدیره و دبیر کل اداره امور اجرایی جامعه و اجرای مصوبات شورای عالی و هیئت مدیره می‌باشد.

هیئت عالی نظارت

مرکب از یک نفر رئیس و دو نفر عضو از اعضای جامعه می‌باشند که توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شوند. اهم وظایف هیئت عالی نظارت، اعمال نظارت بر فعالیت‌ها و عملکرد جامعه و نظارت بر فعالیت اعضای جامعه در راستای ارائه خدمات آنان به مؤدیان مالیاتی می‌باشد.

هیئت تشخیص

متشکل از ۷ نفر صاحب نظر در امور مالیاتی، مالی و حسابرسی می‌باشد که بنابه پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شوند. اهم وظایف و اختیارات این هیئت، تعیین و تشخیص صلاحیت اعضای جامعه می‌باشد.



مشاوران مالیاتی

معتمدین سازمان و مردم

دکتر حسین نیساری | استاد دانشگاه

تحقق اهداف سازمان امور مالیاتی کشور نیازمند بکارگیری ابزارها و روش اجرایی روزآمد و پیشرفته با بهره گیری هرچه بیشتر از ظرفیت های موجود می باشد. همانطور که مستحضرید هدف از ایجاد جامعه مشاوران رسمی مالیاتی کمک و تسهیل عملیاتی نمودن طرح جامعه مالیاتی و بهبود مستمر خدمات مالیاتی و برون سپاری خدمات، به منظور آرایه خدمات بهینه به مودیان مالیاتی است.

در راستای اجرای صحیح قوانین مالیاتی، ارتقاء فرهنگ مالیاتی جامعه و تسهیل وصول مالیات و صیانت از حقوق مودیان، گسترش خدمات مشاوره ای، جامعه مشاوران رسمی مالیاتی براساس ماده ۲۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده تاسیس گردید.

از طرفی بهره گیری صحیح از پتانسیل مشاوران مالیاتی به عنوان سرمایه های بی بدیل سازمان امور مالیاتی کشور جهت گذر از وضعیت جاری و رسیدن به وضعیت مطلوب و بهینه در تحقق اهداف نقش بسزایی دارد. لذا استفاده بهینه از طریق شناسایی ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در اعضای جامعه مشاوران که دارای پشتوانه تجربه و دانش ارزشمند مالیاتی می باشند، در تسریع و تصحیح روند رسیدگی و تشخیص و رویه های کاری از جمله تنظیم بخشنامه ها و آیین نامه ها و دستورالعمل ها و در نتیجه افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش هزینه های وصول نقش بسیار مهم دارد.

ماهیت اصلی جامعه مشاوران رسمی مالیاتی کشور، یکپارچگی، هماهنگی، هدفمند نمودن و مودی مداری در جهت افزایش رضایت مودیان و کاهش هزینه های وصول برای سازمان امور مالیاتی می باشد.

با نگرشی کلان و باتوجه به اهمیت و الویت پیاده سازی طرح جامعه مالیاتی و تاکید بر برون سپاری در سراسر کشور، می توان اذعان داشت در آینده نزدیک نیاز به جامعه مشاوران رسمی مالیاتی و برون سپاری اکثر خدمات مودیان در سراسر کشور به منظور پاسخگویی به سیل عظیم خواسته ها و انتظارات مودیان از نظام کلان

مالیات ستانی کشور نیز بدیهی خواهد بود.

ماموریت اصلی این جامعه تنظیم امور و اعتلای حرفه مشاوره رسمی مالیاتی در کشور و نظارت بر حرفه تخصصی مشاوران رسمی مالیاتی می باشد. در این راستا چشم انداز برای این جامعه دستیابی به جامعه مشاوران مالیاتی با توانایی تخصصی و حرفه ای در سطح کشور در افق ۵ ساله است. در اجرای سیاست های تعیین شده برای استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای مشاوران رسمی مالیاتی ایران و در اجرای ماده (۲۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده به منظور ارتقاء فرهنگ مالیاتی پرداخت کنندگان مالیات و ارائه خدمات مشاوره ای صحیح در امور مالیاتی به مودیان مالیاتی بر مبنای قوانین و مقررات مالیاتی کشور سسند راهبردی جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران به عنوان جامعه تخصصی و غیر انتفاعی و غیر دولتی و خود انتظام تدوین شده است.

منشور اخلاقی و ارزشهای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی تاکید بر اصول و ارزش های پایدار و محوری حاکم بر جامعه به موجب آیین اخلاق و رفتار حرفه ای مشاوران رسمی مالیاتی ایران با هدف حفظ حقوق و حفاظت و دفاع از جامعه و گروه های ذیحق و ذینفع استوار بوده و فعالیت اعضا با پایبندی به اخلاق و رفتار حرفه ای در چارچوب ضوابط اخلاقی روشن و شفافیت است که رعایت آن ها موجب توسعه و کمال آنان و توسعه فرهنگ مالیاتی در کشور می گردد.

با بررسی های اجمالی از چندین کشور مشخص گردیده که در صورت بهره مندی سیستم مالیاتی از اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی بخصوص برونسپاری مراحل وصول مالیات و مراجعه به هیات های حل اختلاف و مراجعی از این دست، وصول مالیات بهبود چشمگیری داشته است.

در دنیای کنونی گسترش فضای مجازی و ظرفیت بالای آن و بالا بودن ظرفیت های سیستم های الکترونیکی آنلاین بر کسی پوشیده نیست و یکی از ضروریات جامعه مشاوران رسمی مالیاتی استفاده از این فرصت است تا با سیستم های غیر حضوری، مشاوره آنلاین، مشاوره های تلفنی، گامهای موثری در جهت پیشرفت وصول مالیات

برداشته و با کاهش هزینه های وصول و تسهیل آن موجبات رضایتمندی مودیان و رفع تکلفات ایاب و ذهاب مودیان، جلوگیری از سر در گمی و نیز تخلفات افراد سود جو و کار چاقی کن گردد.

افزایش روز افزون پایه های مالیاتی و به تبع آن افزایش پرونده های مالیاتی عملاً موجب گردیده تا سازمان امور مالیاتی از عهده رسیدگی به موقع و به حق و کامل و جامع ناتوان باشد لذا به نظر می رسد که سازمان امور مالیاتی از پتانسیل عظیم جامعه مشاوران رسمی مالیاتی در جهت اهداف گوناگون بهره مند شده و فرصت استفاده از این خبرگان مالیاتی را از دست ندهد. بخشی از فواید واضح بهره گیری از پتانسیل جامعه مشاوران رسمی مالیاتی را می توان افزایش بهره وری، افزایش کارایی استفاده از منابع، افزایش رضایتمندی و اعتماد مودیان (اعتماد سازی)، جلوگیری از فرار مالیاتی و دور زدن قانون، کاهش موازی کاری، تمرکز بر اهداف و استراتژی های اولویت دار، هدفمند نمودن وصول مالیات و..... نام برد.

برای این مهم بستر سازی مناسب و اطلاع رسانی و تبلیغات درست و منطقی لازم و ضروری بنظر می رسد. فرهنگ سازی مناسب و آگاهی دادن به مودیان مالیاتی و ذینفعان نیز از موارد مهم در موفقیت استفاده از پتانسیل جامعه مشاوران رسمی مالیاتی می باشد. استاندارد سازی نحوه ارائه خدمات توسط سازمان امور مالیاتی و دبیرخانه هیئت تشخیص مشاوران رسمی مالیاتی نیز یکی از موارد مهم پیشرفت کار می باشد.

از طرفی افزایش کارایی و اثربخشی عملکرد مشاوران نیازمند ارزیابی و نظارت از طریق شاخص ها و معیار عملکرد می باشد. از این رو باید در این خصوص ساز و کار نظارتی بر عملکرد مشاوران با شاخص های مشخص نیز تعریف شود که این مهم در اساسنامه پیش بینی شده است.

بدیهی است که رها نمودن جامعه و مشاوران رسمی مالیاتی و عدم کنترل آن موجبات عدم کارایی بهینه و نیز موجبات سکون و چه بسا فساد گردد. لذا کنترل و بررسی بازخورد های عملکردی نیز یکی از ضروریات در جامعه مشاوران رسمی مالیاتی می باشد.

اولین های جامعہ مش

جهت اطلاعات بیشتر به سایت جامعہ مشاوران رسمی مالیاتی



کد عضویت: ۱۰۰۵
جواد تاج الدینی



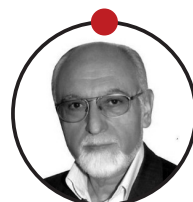
کد عضویت: ۱۰۰۴
رحیم قاسمیان



کد عضویت: ۱۰۰۳
محمد غلامی



کد عضویت: ۱۰۰۲
اسماعیل
شریعت جعفری



کد عضویت: ۱۰۰۱
عین الله علا



کد عضویت: ۱۰۱۵
حسن عباسی پناه



کد عضویت: ۱۰۱۴
محمد تقی نژاد عمران



کد عضویت: ۱۰۱۳
علی اکبر عرب مازار



کد عضویت: ۱۰۱۲
علیرضا فلاح میرزائی



کد عضویت: ۱۰۱۱
علی ظریف گلزار



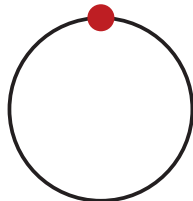
کد عضویت: ۱۰۲۵
عبدالحمید سارابی



کد عضویت: ۱۰۲۴
وجیه اله ملک محمدی



کد عضویت: ۱۰۲۳
عمران طبیبی



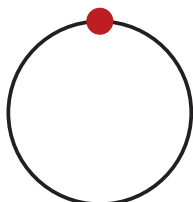
کد عضویت: ۱۰۲۲
کریم کریم زاده سمعی



کد عضویت: ۱۰۲۱
ابوالقاسم قوام



کد عضویت: ۱۰۳۵
مرتضی رسولی
کوهرودی



کد عضویت: ۱۰۳۴
عباس کمائی



کد عضویت: ۱۰۳۳
سید ضیاء الدین مولانا



کد عضویت: ۱۰۳۲
محمد رضائی راد



کد عضویت: ۱۰۳۱
علیرضا ستوده غضنفر
خانی



کد عضویت: ۱۰۴۵
بهرام بهرامی



کد عضویت: ۱۰۴۴
احمد علی سرحدی



کد عضویت: ۱۰۴۳
محمد مرتضوی



کد عضویت: ۱۰۴۲
علی صادقی



کد عضویت: ۱۰۴۱
محمد تقی طهرانیان

ساوران رسمی مالیاتی

به آدرس اینترنتی www.iactc.ir مراجعه فرمائید.



کد عضویت: ۱۰۱۰
غلامرضا حیدری
کرد زنگنه



کد عضویت: ۱۰۰۹
سید محمود حمیدی



کد عضویت: ۱۰۰۸
ابوالقاسم نوری



کد عضویت: ۱۰۰۷
حسین رشیدی



کد عضویت: ۱۰۰۶
محمد علی سعیدزاده



کد عضویت: ۱۰۲۰
شجاع ابراهیمی توانی



کد عضویت: ۱۰۱۹
قدرت اله دکامین



کد عضویت: ۱۰۱۸
علی اصغر تصدیقی



کد عضویت: ۱۰۱۷
رضا نمکشناس



کد عضویت: ۱۰۱۶
سید مرتضی دری



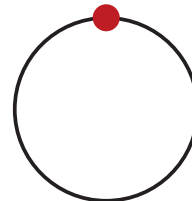
کد عضویت: ۱۰۳۰
محمد علی حشمتی فر



کد عضویت: ۱۰۲۹
اسداله بفاقی



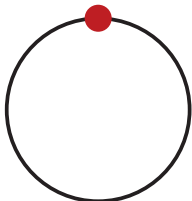
کد عضویت: ۱۰۲۸
محمد حسن اسماعیل
نیا ضعیف آبادی



کد عضویت: ۱۰۲۷
علی اصغر صراف



کد عضویت: ۱۰۲۶
محمد ابراهیم
ابراهیمی رستمی



کد عضویت: ۱۰۴۰
جعفر فرزاد



کد عضویت: ۱۰۳۹
سید ناصر دبیر سیاقی



کد عضویت: ۱۰۳۸
باقر فرخ زاده



کد عضویت: ۱۰۳۷
بدر المعالی موسوی
میر کلا



کد عضویت: ۱۰۳۶
صفر علی بهلولی



کد عضویت: ۱۰۵۰
محمد سبحانی عراقی



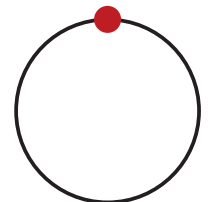
کد عضویت: ۱۰۴۹
محمد اسلامی



کد عضویت: ۱۰۴۸
محمد رفیعی فرد



کد عضویت: ۱۰۴۷
محمد بردبار



کد عضویت: ۱۰۴۶
عباس زرگر

«مالیات بر ارزش افزوده در مقررات دایمی» خود چه می گوید



همانطوری که فعالان اقتصادی منطبق با قانون موقت مالیات بر ارزش افزوده تکالیفی رو به عهده داشتند و از اول مهرماه ۱۳۸۷ تا ۱۲ دی ماه ۱۴۰۰ در قالب فراخوان های نظام مالیات بر ارزش افزوده مکلف به اجرای ضوابط تعیین شده در قانون یاد شده بودند، حالا به موجب قانون دایمی مالیات بر ارزش افزوده از ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰ تغییرات مهمی را تجربه خواهند کرد که به موازات این تحول، نظام مالیاتی چهره جدیدتری از وصول مالیات مدرن را در قالب این قانون مورد اجرا قرار خواهد داد. مالیات بر ارزش افزوده در دنیای کنونی، قبل از آنکه یک نظام جهت تامین درآمدهای مالیاتی دولت ها تلفی گردد، یک نظام اصلاح ساختار اقتصادی کشور ها محسوب میگردد به این معنی که دولت ها برخی اصلاحات مهم در نظام اقتصادی را از طریق این مالیات در بدنه اقتصاد تعبیه می کنند که بسیار کاربردی و آگاهانه و کمترین خطا اثرات خود را در اقتصاد اعمال می کند، هر چند شفافیت در اقتصاد بویژه شناخت دقیق نظام مالیاتی از معاملات اشخاص عملا محصول اصلی این نظام مالیاتی تلفی میگردد ولی همچنان دولت ها وابستگی عمیقی به درآمدهای مالیاتی ارزش افزوده دارند که ناخودآگاه باعث شده است اثرات مهم و تحولی این نظام مالیاتی در اقتصاد، کم رنگ جلوه دهد ولی امروز قانون دایمی مالیات بر ارزش افزوده با محور های اصلاحی زیر نقش اصلاحی در اقتصاد را پررنگ و نقش درآمدزایی را در الویت بعدی قرار می دهد.

۱) درک بهتر از چارچوب اقتصادی کشور و تعبیه آن در مقررات مالیاتی جدید:

از آنجا که در قانون مالیات ارزش افزوده، مودیان مالیاتی، بازوی دولت در وصول این مالیات محسوب میگردند. لذا توجه به آنکه این نظام مالیاتی نباید فشار مضاعف بر مودیان وارد آورد از جمله مهم ترین پایه های این نظام مالیاتی است، در قانون دایمی مالیات ارزش افزوده با تغییر مهمی در مفهوم «تاریخ تعلق» در بخش معاملات غیر نقدی اقتصاد و از جمله فعالیت های پیمانکاری و مشاوره ای، اجبار به پرداخت مالیات کالا یا خدمات عرضه شده را مستلزم وصول مالیات از کارفرما یا خریدار و به تناسب میداند، هر چند این تغییر به نوعی در قوانین بودجه سالهای اخیر گنجانده شده بود اما به عنوان یک تغییر در راستای درک کلی از اقتصاد کشور بسیار با اهمیت محسوب میگردد.

۲) حمایت عملیاتی از تولید داخل به معنای واقعی:

حمایت عملی و معنا دار از تولید داخل یکی از مهم ترین دلایل ورود دولت ها در اقتصاد محسوب میگردد بدین منظور حاکمیت تلاش می کند با اعمال تغییراتی در ضوابط و مقررات حمایت خود از تولید را از جنبه های شعاری خارج ساخته و وارد عرصه عملیاتی کند، قانون دایمی ارزش افزوده یکی مهم ترین تغییرات خود را در این بخش تجربه می کند. برای اولین بار در این نظام مالیاتی هزینه وارد کننده برخی کالاها به وضوح نسبت به تولید کننده داخل آن کالا افزایش معنی دار پیدا می کند، که این در بخش های از جمله محصولات کشاورزی، سم، کود و برخی دیگر از کالاها اعمال شده است.

با اجرای این قانون وارد کننده برخی کالاها هزینه بیشتری را نسبت به تولید کننده آن تحمل می کند که قابل وصول از حلقه های بعد نیست به طور مثال وارد کننده کود و سم در گمرک و هنگام واردات مالیات بر ارزش افزوده معادل نه درصد پرداخت می کنند و هنگام فروش در داخل کشور اجازه وصول این نه درصد را از خریدارن داخلی ندارند این در حالی است که تولید کنندگان داخلی اساسا مشمول این مالیات نبوده و هزینه پایین تری در رقابت با وارد کنندگان تحمل می کنند

۳) محدود سازی به جای ممنوع سازی در اقتصاد:

یکی دیگر از محصولات مهم ناشی از تغییرات این نظام مالیاتی ایجاد محدودیت معنا دار به جای مقررات ممنوع ساز است، یکی از عوامل فریختن دولت ها در مدیریت اقتصاد این است که بتوانند به روش هایی هزینه برخی فعالیت ها رو به نحوی افزایش دهند که عملا توسط فعالان اقتصادی پذیرش نشده و در بلند مدت منجر به تغییر مسیر اقتصاد گردند.

قانون مالیات بر ارزش افزوده دایمی گام های کوچکی در این حوزه برداشته است، به طور مثال محدود سازی صادرات مواد خام و نیمه خام به جای ممنوع سازی آن و عدم استرداد مالیات و عوارض پرداختی در حلقه های قبل یکی از مهم ترین استراتژی های صادرات با ارزش افزوده بالا و جلوگیری از خام فروشی است که این روش قانون گزاری مبانی فریختگی در اقتصاد را توسعه می دهد.

۴) اعمال معافیت های مؤثر در نظام مالیات بر ارزش افزوده و کاهش معنا دار در بهای فروش برخی محصولات:

اصولا نظام مالیات بر ارزش افزوده میبایست قدرت مؤثر خرید مصرف کننده نهایی را تهیه سید اصلی خانوار کاهش ندهد بایه میزان کمی بر آن اثر منفی اعمال نماید، اصلاحات اخیر قانون دایمی مالیات بر ارزش افزوده ضمن اضافه کردن برخی کالاها و خدمات به معافیت ها، عملا سهم مالیات بر ارزش افزوده در سید اصلی خانوار را کاهش داده است یکی از مهم ترین محصولات غذایی که در سبد روزانه مردم قرار دارد «ماست» می باشد که از ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰ در بخش معافیت قرار می گیرد لذا عملا بهای فروش این محصول از تاریخ یاد شده بایستی کاهش یابد.

اعمال معافیت هایی برای خدمات چاپ و زینک کتاب در عمل باعث خواهد شد هزینه چاپ کتاب و نشریات کاهش

یافته و معافیت کتاب برای مصرف کننده مؤثر تلفی گردد -همچنین ایجاد معافیت برای آب مصرفی کشاورزی باعث مؤثر سازی معافیت بخش کشاورزی خواهد شد این نوع اصلاحات اصولا پایه ای و دارای پشتوانه های قوی حقوقی و اقتصادی هستند.

۵) یکسان سازی اجرای مقررات مالیات ارزش افزوده در کلیه مناطق کشور:

امکان اعمال این مالیات در کل کشور و بدون محدود سازی مناطق یکی دیگر از نقاط قوت این قانون است و این موضوع مشخصا علاوه بر شفافیت در معاملات اقتصادی کلیه مناطق کشور، باعث خواهد شد سهم درآمد های مالیاتی ناشی از اجرای قانون به طور کامل در کل کشور، افزایش یافته و در میان مدت مناطق در راستای اهداف ایجاد مؤثر تر و کارآمد تر عمل کنند.

۶) افزایش معنی دار مالیات کالاهای آسیب رسان به سلامت:

این قانون در اصلاحات اخیر خود مشخصا مالیات سیگار و محصولات دخانی را به نحو چشم گیری افزایش داده است و این افزایش مطابق مقررات طی سالهای آتی نیز تا سقف تعیین شده ادامه میابد تا جایبکه معادل ۱۲۵ درصد بهای سیگار وارداتی مالیات بر مصرف آن خواهد بود و همین اصلاحات تا حدودی برای سایر محصولات دخانی نیز پیاده میشود.

علاوه بر محصولات دخانی، نوشابه های تولید داخل و وارداتی از نرخ عمومی خارج شده و به عنوان کالاهای آسیب رسان به نرخ های بالاتر مشمول مالیات خواهند شد که این موضوع به خودی خود نقش مهمی در محدود سازی مصرف خواهد داشت

۷) توجه به مسئله آلاینده های واحد های تولیدی با تاکید بر درجه آلاینده بودن:

هر چند قانون موقت مالیات بر ارزش افزوده معادل یک درصد مالیات عوارض آلاینده گی بر اساس اعلام سازمان محیط زیست برای بنگاهای آلاینده اعمال می کرد اما عدم توجه به میزان و کیفیت آلاینده گی، یکی از نواقص مهم این قانون بود که در قانون دایمی عوارض آلاینده گی از نیم درصد تا یک و نیم درصد با توجه به میزان آلاینده گی متغیر است که این موضوع به خودی خود یکی از جلوه های توسعه و فریختگی مالیات های سبز محسوب میشود.

رویکرد مغفول نظام مالیاتی

| میلاد صادقی |

اقتصاد ایران همواره تحت فشار تامین منابع برای مخارج عمومی بوده و مالیات به عنوان یکی از اصلی ترین ابزارها در راستای تعدیل ثروت، توزیع مجدد درآمد، توسعه و بازسازی و نیز برقراری عدالت در جامعه می تواند راه حل مناسبی برای درآمد پایدار کشور محسوب شود. پیچیدگی و ناکارآمدی نظام مالیاتی از حیث بهبود توزیع درآمد، هزینه بالای تمکین و وصول مالیات، عدم جمع آوری باکیفیت و کارآمد اطلاعات مودیان و ایجاد زمینه فرار و اجتناب مالیاتی، از معایبی است که نیاز به اصلاح عمیق نظام مالیاتی را نمایان تر می کند. در این زمینه، اجرای نظام مالیات بر درآمد افراد به عنوان یک رویکرد مغفول در نظام مالیاتی ایران، علاوه بر مزایایی مانند ارتقای سطح درآمدهای مالیاتی، برخی از مشکلات نظام مالیاتی فعلی نظیر فرار مالیاتی گسترده و نابرابری توزیع درآمدی را برطرف خواهد کرد. ضمن آن که این روش سطح تمکین مالیاتی را با پذیرش هزینه های معیشتی خانوار به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی بالا خواهد برد.

نظام مالیات بر درآمد افراد با توجه به حمایت از اقشار کم درآمد جامعه از طریق اصلاح کارکردهای توزیعی نظام مالیاتی تحت عنوان نظام حمایتی مالیات بر مجموع درآمد افراد آثار مثبت توزیعی را نیز به همراه خواهد داشت.

مالیات بر مجموع درآمد بدان معنی است که اشخاص حقیقی یا خانوارها، مجموع درآمدهای اکتسابی خود از محل حقوق و دستمزد، درآمد اجاره، درآمد مشاغل، سود سپرده، سود سهام، درآمد حاصل از ساخت و فروش، درآمد کشاورزی، درآمد صادرات و عایدی سرمایه و سایر درآمدهای خود را با تکمیل اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی گزارش نمایند تا بر مبنای آن، مالیات بر درآمد شخص یا خانوار محاسبه و اخذ شود.



تاریخچه پیاده سازی مالیات بر درآمد افراد

بررسی سیر تاریخی قوانین مالیاتی ایران نشان می دهد، ماده مربوط به مالیات بر مجموع درآمد در قانون مالیاتهای مستقیم- مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی آن (اصلاحیه های سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۱) موجود بوده است؛ اما به دلیل نبود بسترهای لازم و پیچیدگی های اجرایی آن، عملاً اجرا نشد. از این رو در قانون اصلاح مواد از قانون مالیاتهای مستقیم- مصوب ۱۳۸۰ از قوانین نظام مالیاتی کشور حذف شد.

بدین ترتیب، براساس آنچه که عملاً تا سال ۱۳۸۰ متداول بوده است و براساس اصلاحیه سال ۱۳۸۰ و اصلاحیه تیر ماه سال ۱۳۹۴ قانون مالیاتهای مستقیم، مالیات بر درآمد اشخاص به صورت جداگانه و هر یک بر اساس مقررات مربوطه محاسبه و وصول می شوند. برای نمونه، فردی که هم از محل حقوق و دستمزد و هم از محل کسب و کار شخصی و هم از اجاره املاک خود کسب درآمد می کند، روی هر یک از منابع درآمدی خود به طور جداگانه و با رویه های متفاوت، مشمول مالیات می شود.

چالش عملیاتی شدن نظام مالیات بر درآمد افراد

مهمترین ویژگی نظام مالیات بر درآمد افراد این است که در این نظام مالیاتی همه اشخاص حقیقی از سوی سازمان امور مالیاتی به عنوان مؤدی مالیاتی شناخته می شوند؛ تعداد زیاد مودیان مالیاتی در کنار تنوع تعاملات اقتصادی آنها و نیاز به زیرساخت های فنی برای دریافت و آنالیز اطلاعات مالیاتی مودیان به این نظام مالیاتی پیچیدگی خاصی داده است.

علاوه بر این موارد، هماهنگی میان دستگاههای اجرایی و فراهم کردن زمینه های همکاری اتحاد جامعه به عنوان مودیان مالیاتی با دستگاههای و نهادهای مالیاتی کشور دلایل عمده ای هستند که موجب به تعویق افتادن اجرای نظام مالیات بر مجموع درآمد در کشور شده است. همانطور که اشاره شد با توجه به اینکه همه اشخاص حقیقی ذیل مالیات بر مجموع درآمد به عنوان مؤدی مالیاتی شناخته می شوند؛ مسئله طراحی دقیق و ساده فرایند اجرای مالیات بر مجموع درآمد به نحوی که اولاً حداقل پیچیدگی فنی را داشته باشد و ثانیاً ارتباط مودیان مالیاتی با سازمان امور مالیاتی جهت ارسال اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه میزان مالیات قابل پرداخت هر شخص به آسانی شکل بگیرد، مهمترین چالش عملیاتی شدن نظام مالیات بر درآمد افراد در کشور است.

اظهارنامه مالیاتی مبتنی بر صورتحساب الکترونیکی

بررسی های انجام شده در این گزارش نشان می دهد طراحی دقیق فرایند اجرای مالیات بر مجموع درآمد با حداقل پیچیدگی های فنی و بیشترین سهولت در برقراری ارتباط میان مودیان مالیاتی با سازمان امور مالیاتی شرایط و امکانات فعلی کشور برای عملیاتی شدن نظام مالیات بر درآمد افراد در بستر استفاده از صورتحساب الکترونیکی و سامانه پایانه های فروشگاهی کفایت می کند.

به منظور سهولت اظهار اطلاعات درآمدی و هزینه ای مودیان مالیاتی بجای اظهارنامه مالیاتی متعارف

نوعی اظهارنامه موسوم به اظهارنامه مالیاتی مبتنی بر صورتحساب الکترونیکی برای اظهار اطلاعات معاملات اقتصادی پیشنهاد می شود.

در این نوع اظهارنامه مودیان مالیاتی در طول هر دوره مالیاتی موظف اند حداکثر بعد از گذشت زمان کوتاه معینی از انجام هر یک از تعاملات اقتصادی خود مثل خرید و فروش خودرو، منزل مسکونی، زمین، کالاهای دست دوم و یا برخی دیگر از تعاملات اقتصادی مثل اجاره دادن، دریافت هدیه یا قرض که جنبه کسب و کار و فعالیت شغلی ندارد، از طریق استفاده از سامانه سازمان امور مالیاتی یا مراجعه حضوری به شرکت های معتمد سازمان امور مالیاتی برای صدور صورتحساب الکترونیکی و ارسال اطلاعات خواسته شده در مورد معامله اقدام کنند.

بررسی تجربه برخی کشورهای پیشرو در نظام مالیات بر درآمد افراد، نشان می دهد این کشورها معافیت هایی تحت عنوان معافیت سالانه دریافت هدیه و نیز معافیت طول عمر به منظور پوشش تعاملات خرد فاقد صورتحساب الکترونیکی توسط مودیان مالیاتی در نظر گرفته شده است.

اصول نرخ ها، معافیت پایه و براکت ها در نظام مالیات بر درآمد افراد

طراحی جدول نرخها و براکت های مالیاتی نیز علامتی برای سیاستگذاری دولت به منظور باز توزیع درآمدی را منعکس می سازد. لذا لازم است جدول نرخها و براکت های مالیاتی طوری طراحی شود که کارا و عادلانه باشد. با توجه به این نکته موارد زیر توصیه می شود.

در طراحی جدول نرخهای مالیاتی، اولاً حد معافیت پایه باید در سطح متوسطی باشد، یعنی اینکه یک توازن مناسبی بین بدهی مالیاتی در پایین ترین سطح درآمدی، هزینه های اجرایی جمع آوری مالیات و بار تمکین کوچکترین مودیان وجود داشته باشد. توانمندی اداره مالیاتی برای ارائه خدمات با کیفیت به مودیان، به طور معناداری می تواند انتخاب برای حد معافیت را تحت تاثیر قرار دهد.

ثانیاً تعداد طبقات مالیاتی باید اندک و دامنه آنها نسبتاً بزرگ باشد تا اختلالات ناشی از خزش براکت ها را حداقل سازد. ثالثاً حداکثر نرخ نهایی مالیاتی نیز باید متوسط باشد تا اختلالات رفتار اقتصادی مودیان و تمایل آنها به فرار مالیاتی را کاهش دهد.

پیشنهادهای

برای مقابله با چالش های مالیاتی در کشور چاره ای جز اصلاحات ساختاری در قوانین مالیاتی وجود ندارد و تنها راه دستیابی به وضعیت مطلوب ساده سازی سیستم مالیاتی یعنی کاهش هزینه های اجرا و تمکین است که با ساده سازی قوانین و اظهارنامه های مالیاتی مترادف است و زمانی محقق می شود که کسورات، معافیت ها، تخفیف ها و رفتارهای ترجیحی مالیاتی تا حد ممکن تعدیل شوند که با انجام این کار پایه مالیاتی گسترش یافته و امکان کاهش نرخ ها فراهم می شود و متعاقب آن به بقیه اهداف ذکر شده (عدالت، کارایی، کاهش فرار مالیاتی، بهبود تمکین مالیاتی و کاهش هزینه های اجرا) نیز دست خواهیم یافت. این تصور غلط که می توان با پاره ای تغییرات جزئی در نظام مالیاتی ایران به سیستم مجموع درآمد یا نسخه های بعدی آن دست یافت تصویری اشتباه است و این مهم مستلزم تغییرات جدی در قانون مالیاتهای مستقیم است.

مبانی توجیهی ایجاد رشته حقوق مالیاتی

دکتر ریحانه عامری | حقوقدان

پرداخت مالیات از جمله وظایف هر شهروند تلقی می شود و با توجه به پیچیدگی قوانین مالیاتی به گستره ی شمول آن و همچنین وضع مستمر منابع مالیاتی جدید در قوانین بودجه ای و سایر اسناد بالادستی و مقررات گذاری توسط مراجع ذیصلاح، بیش از پیش ضرورت افزایش آگاهی دانش مالیاتی شهروندان و فعالان اقتصادی (مودیان مالیاتی) به منظور معرفی اهداف و نقش درآمدهای مالیاتی در اداره کشور، نحوه هزینه کرد آن و تسهیل ساز و کارهای تشخیص وصول درآمدهای مالیاتی را مسجل می سازد.

ناگفته پیداست که به هر میزان مودیان و شهروندان محترم از فلسفه وضع مالیات ها و حقوق و تکالیف مالیاتی خود مطلع باشند؛ با طیب خاطر و آرامش بیشتری به انجام تکالیف خود خواهند پرداخت در واقع تشحیذ اذهان عمومی و شفافیت اطلاعات که از طریق توضیح و تفسیر مقررات و بخش نامه ها و رویه های جاری، تسهیل فرآیندها و ... میسر می گردد؛ شرايطی را فراهم می نماید تا مودیان هر چه بیشتر اقناع وجدانی

شده و به صورت داوطلبانه و بدون به کار بردن حربه های اجرایی اعم از تشویقات و معافیت های مالیاتی، افزایش مواعد تسلیم اظهار نامه های مالیاتی و ... مالیات خود را پرداخت نمایند و از سوی دیگر، ماموران مالیاتی نیز با سرعت و آرامش بیشتری، مالیات را به حیطة ی وصول در آورند.

مع الوصف با توجه به وضعیت اقتصادی حاکم در جامعه کنونی ایران، از جمله تحریم، تورم و ... که بعضاً نیز موجبات نارضایتی شهروندان در سطوح مختلف را فراهم آورده است؛ از سویی عوامل معنونه باعث فرار مالیاتی گسترده یا اجتناب از پرداخت مالیات می شود که این امر، مهمترین هدف مالیات که توزیع عادلانه ثروت می باشد را محقق نمی سازد. البته طی سنوات اخیر، تدابیر بسیاری در این حوزه اندیشیده شده، از جمله جرم انگاری پدیده فرار مالیاتی ضمن ماده ۲۷۴ قانون مالیات مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ و استفاده از فناوری های نوین مالیاتی از جمله پیاده سازی طرح جامع مالیاتی، طراحی سامانه ها و نرم افزارهای نوین مالیاتی، تهیه و تصویب و ابلاغ دستورالعمل و بخشنامه و آیین نامه های مرتبط به منظور ایجاد ساز و کارهای نظارتی دقیق صورت پذیرفته است.

به هر روی در حال حاضر که اصلی ترین منبع تامین بودجه کشور از درآمدهای مالیاتی و تحقق وصولی براساس پیش بینی ها مستلزم مشارکت عمومی بوده و این امر مستلزم آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف مالیاتی شان می باشد. مزید بر آن - با توجه به بررسی های به عمل آمده - مقوله فرار مالیاتی و عدم تمکین پرداخت

مالیات به دلیل فقر آگاهی شهروندان از مباحث مالیاتی بوده است. لذا یکی از نیازهای ضروری جامعه امروزی، فرهنگ سازی و تنویر افکار عمومی در خصوص پرداخت و ماهیت وجودی مالیات ها در حوزه حقوق عمومی می باشد و به طور حتم یکی از تاثیر گذار ترین مکان های فرهنگی و آموزشی در راستای نهادینه شدن این تکلیف ملی، از طریق پرداخت صحیح و به موقع مالیات، با اشراف به کلیه مباحث و فرآیندهای مالیاتی، ضرورت ایجاد یک رشته دانشگاهی در حوزه حقوق مالیاتی را مطرح نمود. البته به نظر بنده این رشته می تواند موجبات افزایش دموکراسی مالیاتی و بالطبع پرداخت مالیات داوطلبانه (خوداظهاری) را فراهم نماید.

البته رشته حقوق در گرایش های مختلف و همچنین رشته حسابرسي و حسابداری مالیاتی در سطح دانشگاه ها وجود دارد و در برخی موسسات وابسته به دستگاه های اجرایی تدریس می شود. لیکن کماکان در خصوص رشته حقوق مالیاتی به عنوان یک قلمرو جدید و دانش بین رشته ای در کشور همواره خلاء های فراوانی وجود دارد.

مزید بر آن، با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف دانشگاه جامع علمی کاربردی، پرورش نیروهای متخصص، ماهر و فنی در سطوح مختلف شغلی در جامعه اعم از اقتصادی، حقوقی، مالی، فرهنگی و اجتماعی و ... می باشد. پیش بینی می شود که فارغ التحصیلان این رشته علاوه بر تسلط به مباحث مالیاتی و انجام تکالیف مالیاتی خود و موکل شان به صورت صحیح و منطبق با قانون که موجبات تسریع در فرآیندهای رسیدگی و دادرسی مالیاتی را فراهم می نماید، می توانند نسبت به تامین شغلی پردرآمد و متناسب با نیازهای روز جامعه در حوزه های دادرسی مالیاتی، مدیریت دفاتر خدمات مالیاتی، کارشناس و مشاور امور مالیاتی و ... امیدوار تر باشند.

علی ایحال، برای انتخاب عناوین دروس، سرفصل و ریز محتوای رشته متوصوف، کلیه مباحث مالیاتی کاربردی در راستای رفع نیازهای جامعه ایرانی و حتی بعضاً مطالعات تطبیقی، مطابق با روش های نوین و قوانین و مقررات موضوعه و قابل اجرا باروش حقوقی و تاکید بر عادلانه بودن رسیدگی و فرآیند دادرسی عادلانه مالیاتی مورد توجه طراح و تولید کنندگان این رشته بوده است.





ضرورت مبارزه با رشوه

داروش محمدی | مدیر کل اسبق مرکز بازرسی

یکی از اولویتهای مهم کشور که در بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته، عدالت و مبارزه با فساد است. مراجعه به سوابق و پروندههای تخلفات در طی سالیان گذشته در کشور، نشان میدهد که علیرغم توفیقات حاصل شده در عرصه دانش و فناوری، پرورش نیروهای جوان، متخصص و دانشگامی، توسعه زیرساختهای صنعتی و دفاعی، توانمندسازی کسب شده در حوزه پزشکی و بهداشتی و... نتوانستهایم در عرصه سالمسازی فضای کسب و کار توفیق همتراز با موفقیتهای ذکر شده بدست آوریم.

اجرایی نشدن و یا به عبارتی نقص در اجرای قانون مرفقی خصوصیسازی مطابق اصل ۴۴، شاهدی بر این مدعاست، هر چند که دستاوردهای مبارزه با فساد و تلاشهایی که در حوزه سلامت اداری و اقتصادی کسب شده است قابل کتمان نیست، لیکن تا مطلوب نظر، فاصله زیادی داریم. عدالت و مبارزه با فساد هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی غدهی چرکینی است که هر گاه ایجاد شود، کشور و گاه نظام سیاسی را دچار بحران و مسئله مینماید. یکی از مهمترین مصادیق فساد اقتصادی رشوهخواری است که در دنیا تبدیل به یک پدیده شایع شده است، این موضوع به حدی مهم است که حتی باعث تغییر شکل رقابت در کسب و کار میگردد.

عدالت را از بین برده و حقوق بشر را تضعیف مینماید، باعث فقر میشود، هزینه مازاد برای کسب و کار ایجاد مینماید، هزینه کالا و خدمات را افزایش میدهد.

ایجاد عدم اعتماد نموده و مانع عملکرد عادلانه بازارها میشود. دولتها عمدتاً در مبارزه با رشوهخواری از طریق موافقتنامههای بین المللی نظیر «کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مبارزه با رشوه خواری» و «کنوانسیون سازمان ملل متحد در برابر فساد» و همچنین از طریق قانونگذار بیهای داخلی خود اقداماتی را طراحی و اجرا مینمایند، اما شواهد نشان میدهد که قانون به تنهایی برای حل این مسئله کافی نیست. این مسئولیت بایستی در هر سازمانی بطور خاص از طریق طراحی سازوکار مناسب و داخلی تحت عنوان «سیستم مدیریت مبارزه با رشوه خواری» نیز پیگیری و مورد توجه واقع شود. سیستمی که در آن تعهد رهبر سازمان به ایجاد فرهنگ صداقت، شفافیت، صراحت و مهمتر از همه، اقدامات پرسنل با قوانین و مقررات و بخشنامههای ابلاغ شده، حداکثر انطباق و نمود عینی داشته باشد و همه به لزوم وجود این انطباق پایبند باشند.

سازمانها باید بطور مداوم ارزیابیهای ریسک رشوهخواری را انجام دهند. ریسکهای رشوه خواری شناسایی شده را تجزیه و تحلیل و اولویتبندی نمایند، کنترلهای درون و برون سازمانی برای کاهش ریسکها را انجام داده و اثربخشی این کنترلها را ارزیابی نمایند. هنگام طراحی رویهها و روشهای کاری جدید و یا تعریف مأموریتهای جدید مرتبط با وظایف و ساختارهای جدید، بازنگری در فرایندهای سازمانی برای حفظ قدرت شناسایی ریسک رشوه را مدنظر قرار دهند.

اهتمام به تخصیص منابع کافی برای مبارزه با ریسک داشته باشند و نظارت معقول بر پیادهسازی «سیستم

مدیریت مبارزه با رشوه خواری» در سازمان و پایش دورهای اثربخشی این فرایند را داشته باشند. نکته حائز اهمیت دیگر، طراحی سازوکار مناسب برای هدایت و پشتیبانی از کارکنان به منظور سهیم شدن در اثربخش نمودن «سیستم مدیریت مقابله با رشوه خواری» است. حصول اطمینان از اینکه هیچ یک از کارکنان بخاطر اعلام تخلفی که شاهد رخداد آن بودهاند جریمه، مجازات و یا مورد بیمهری عوامل مافوق (دخیل در خطا)، واقع نشده و اصطلاحاً ترد نمیشوند.

این موضوع با اهرمهایی نظیر ایجاد فرهنگ مقابله با رشوهخواری، ترویج بهبود مداوم کار، تشویق به استفاده از روشهای گزارشدهی فساد قابل حصول است.

سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان یک سازمان مهم اقتصادی، نیازمند طراحی یک سیستم استاندارد و بسیار حساس به پدیده رشوه و رشوهخواری است. طراحی و پیاده سازی یک برنامه کارا و اثربخش در حوزه کنترل و پایش بیش از پیش احساس میشود. طراحی یک سلسله فرایندهای کاری منسجم و شبکههای خارج کردن نظام تصمیمگیری از وضعیت فردمحور به تیممحور و طراحی سامانههای هوشمند کنترل ساختارها و فرایندها در حال حاضر یک الزام برای این سازمان است که خوشبختانه توسط سیستم مدیریت در حال پیگیری و طراحی است.

در این زمینه استفاده از استانداردهای طراحی شده تحت عنوان ISO ۳۷۰۰۱ در کنار دستورالعملهای نظارتی داخلی و تقویت کار گروه ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد می تواند راهگشا و موثر باشد.



مشوق های مالیاتی برای سرمایه گذاران

احجت دهقان

تفکیک زمین و سایر دارایی های ثابت) صادر می شود. سرمایه گذاری اقتصادی: مجموعه اقداماتی مانند خرید زمین و ساختمان یا احداث ساختمان (اعم از آن که در واحد قبلی و یا زمین خریداری شده باشد)، خرید و نصب تجهیزات، تأسیسات و ماشین آلات، خرید وسایل نقلیه، دانش فنی بر اساس مجوز صادره از مراجع ذی ربط و سرمایه گذاری اقتصادی.

سرمایه گذاری مجدد: سرمایه گذاری اقتصادی انجام شده بابت توسعه، بازسازی و نوسازی واحدهای موجود دارای پروانه یا مجوز فعالیت صنعتی از مراجع قانونی ذی ربط حسب مورد.

در فصل چهارم، شرایط برخورداری از نرخ صفر و محدودیت های حاکم بر آن به شرح زیر مشخص شده است:

آیین نامه اجرایی ماده (۱۳۲) اصلاحی قانون مالیات های مستقیم موضوع ماده (۳۱) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - فصل چهارم: سرمایه گذاری

ماده ۷ - سرمایه گذاری اقتصادی انجام شده توسط اشخاص حقوقی غیردولتی (واحدهای تولیدی، معدنی و خدماتی بیمارستان ها، هتل ها، مراکز اقامتی گردشگری و حمل و نقل) با مجوز سرمایه گذاری از مراجع قانونی ذی ربط، برای واحدهایی که از تاریخ ۱/۱/۱۳۹۵ به بعد برای آنها پروانه بهره برداری یا مجوز صادر یا قرارداد

مالیاتیهای مستقیم و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود.

این حکم تازمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد، معادل سرمایه ثبت و پرداخت شده شود، ادامه می یابد و بعد از آن، صددرصد (۱۰۰٪) مالیات متعلقه با نرخهای مقرر در ماده (۱۰۵) این قانون و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود.

درآمد حمل و نقل اشخاص حقوقی غیردولتی، از مشوق مالیاتی جزءهای (۱) و (۲) این بند برخوردار می باشند. اشخاص حقوقی غیردولتی موضوع این ماده که قبل از این اصلاحیه تأسیس شده اند، در صورت سرمایه گذاری مجدداً مشوق این ماده می توانند استفاده کنند. هرگونه سرمایه گذاری که با مجوز مراجع قانونی ذی ربط به منظور تأسیس، توسعه، بازسازی و نوسازی واحدهای مذکور برای ایجاد دارایی های ثابت به استثنای زمین هزینه می شود، مشمول حکم این بند است.

ب- آیین نامه اجرایی

در فصل اول آیین نامه که به کلیات پرداخته، با تعریف اصطلاحات زیر، مفهوم و مصادیق های سرمایه گذاری اقتصادی تبیین شده است:

مجوز سرمایه گذاری: اجازه ای کتبی که از طرف مراجع قانونی ذی ربط به منظور انجام سرمایه گذاری برای تأسیس، توسعه، بازسازی و نوسازی واحد تولیدی، معدنی، خدماتی بیمارستان ها، هتل ها، مراکز اقامتی گردشگری و حمل و نقل برای ایجاد دارایی ثابت (به

قانون مالیاتیهای مستقیم با هدف ایجاد انگیزه برای افزایش سرمایه گذاری در فعالیتهای تولیدی بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، مشوق نرخ صفر مالیاتی را برای سرمایه گذاران در نظر گرفته است. مقررات و شرایط حاکم بر اعمال این نرخ، نخست به صورت کلی در متن قانون و پس از آن با جزئیات بیشتر در فصول اول و چهارم آیین نامه اجرایی مربوطه تبیین شده است.

الف- متن قانون:

ماده (۱۳۲) - بند «ث»: به منظور تشویق و افزایش سرمایه گذاری های اقتصادی در واحدهای موضوع این ماده علاوه بر دوره حمایت از طریق مالیات با نرخ صفر حسب مورد، سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و سایر مناطق به شرح زیر مورد حمایت قرار می گیرد:

در مناطق کمتر توسعه یافته:

مالیات سالهای بعد از دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر مذکور در صدر این ماده تازمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد به دو برابر سرمایه ثبت و پرداخت شده برسد، با نرخ صفر محاسبه می شود و بعد از آن، مالیات متعلقه با نرخهای مقرر در ماده (۱۰۵) این قانون و تبصره های آن محاسبه و دریافت می شود.

در سایر مناطق:

پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات سالهای بعد از دوره محاسبه مالیات مذکور در صدر این ماده با نرخ صفر و پنجاه درصد (۵۰٪) باقی مانده با نرخهای مقرر در ماده (۱۰۵) قانون

حسابرسی مالیاتی یادگیری

افریبا کجانی | در ابتدا تعریفی از مالیات، مسیر ما را مشخص خواهد کرد. مالیات ممکن است تعاریف متعددی داشته باشد و حتی در کشورهای مختلف نیز تعریف مختص به خود را داشته باشند. در کشور ما، قانون مالیاتهای مستقیم پایه مالیات ستانی است، و حسابرس مالیاتی مکلف است آنچه در قانون مالیات هست را به مالیات تبدیل کند.

مالیات یکی از متغیرهای مهمی است که در بین متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، بیکاری و تخصیص منابع اثر می‌گذارد. پس دولت با دریافت مالیات از درآمد، دارایی و ثروت اشخاص درصدد پرداخت هزینه‌های اجتماعی و اجرای سیاست‌های مالی به موجب قوانین به وسیله فعالان اقتصادی است. اگر بخواهیم یک تعریفی از حسابرسی مالیاتی بیان کنیم، می‌توان گفت فرایندی است که به بازرسی سوابق کسب و کار و بررسی درستی اسناد و مدارک مالی و چگونگی رعایت قوانین و مقررات می‌پردازد و اینکه آیا مالیات پرداخت شده یا گزارش شده مطابق قوانین و مقررات می‌باشد یا خیر؟

آنچه مشخص است جهت حسابرسی مالیاتی (گزارشگری مالیاتی)، علاوه بر آگاهی و دانش حسابداری و حسابرسی، نیاز به تسلط بر قوانین مالیاتی نیز ضروری می‌باشد.

این مهم در راستای اهداف حسابرسی مالیاتی با ایفای وظیفه خود در بررسی اسناد، مدارک، دفاتر و نظارت بر صحت و رعایت قوانین نظیر، میزان بهرمندی از معافیت‌ها، تشخیص هزینه‌های غیر قابل قبول، حد نصاب‌های مقرر در قانون، اعمال نرخ‌های متفاوت، مآخذهای محاسبه مالیات، تهیه گزارش حسابرسی مالیاتی در نهایت مالیات ستانی بر اساس تشخیص حسابرس مالیاتی انجام می‌شود. و درست اینجا نقطه عطف اختلاف بین مودی و سازمان امور مالیاتی است، ابرازی مودی و تشخیص حسابرس! که بحث حسابرسی مالیاتی اینجا نمود پیدا می‌کند. به سبب اختلاف بین قوانین و مقررات و استانداردهای حسابداری و حسابرسی، ممکن است آنچه که در حسابداری درآمد و هزینه به شمار می‌رود در قوانین قابل پذیرش نباشد. که ناشی از حسابرسی مالیاتی می‌باشد. البته تفاوت در نرخ‌های مالیاتی مفهوم عادلانه بودن مالیات را نشان می‌دهد.

یادمان باشد تشخیص مالیات یک امر حاکمیتی است و قابل تفویض به شخص ثالث نیست.

حسابرس مالیاتی می‌تواند به عنوان حسابرس داخلی، خارجی یا دولتی انجام فعالیت کند. شما در مقام حسابرس داخلی می‌توانید یک پیش حسابرسی قبل از حسابرسی دولتی توسط حسابرسان مالیاتی داخلی داشته باشید تا خطاها اصلاح شود. حسابرسان دولتی، مأموران مالیاتی در اداره امور دارایی هستند. مأموران مالیاتی با توجه به آیین نامه موضوع ماده ۲۱۹ به انجام حسابرسی میدانی، اداری و بازرسی و بازرسی می‌پردازند و پس از گزارشگری مالیاتی در نهایت منتج به قبول، درآمد مشمول مالیات ابرازی یا تشخیص درآمد مشمول مالیات می‌گردد. هر چه مالیات ابرازی مادر همان ابتدا با گزارشگری مالیاتی صحیح صورت گیرد اختلاف بین ابراز و تشخیص کمتر خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌کنم حسابرسی مالیاتی یاد بگیرید یا از کمک حسابرسان مالیاتی استفاده نمائید.

تاملی بر مالیات عایدی سرمایه

اعلی صفری | بی تردید بر همگان روشن است بقای هر کشوری در امنیت اقتصادی آن نهفته شده است. سیاست، عدالت و حتی معنویت به شدت تحت تاثیر اقتصاد پویا با اقتصاد بیمار قرار گرفته و به نوعی تمامی پیشرفت‌ها و پسرقتها با محوریت اقتصاد در حال رخ دادن است. و در راس پیشرفت و توسعه اقتصادی، قوانین مالیاتی نقش بی بدیلی را دارا می‌باشد. در گذشته هدف از وضع مالیات تامین مالی دولت بود. اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات به عنوان ابزاری برای ثبات و کاهش نابرابری تلقی گردید. البته برای کشور ما، با در نظر گرفتن تحریم‌های ظالمانه بین المللی و دشوار شدن فروش نفت، شرایط به گونه دیگری رقم خورد. تا جایی که سیاستگذاران کلان اقتصادی ناچاراً به جای تمرکز بر موارد فوق، ناگزیر شدند جهت کمک به تاب آوری اقتصاد کشور، به فکر گسترش پایه‌های جدید مالیاتی باشند. و در این میان، مالیات بر عایدی سرمایه، یکی از راه‌های برون رفت و بدون ضرر در شرایط فعلی مدنظر قرار گرفت. چون دولت با اعمال این نوع مالیات، ضمن ایفای نقش تنظیم‌گری خود در بازارهای املاک، خودرو، طلا و ارز، این توانایی را خواهد داشت که سهم سوداگران اقتصادی در جامعه را به کمترین حد ممکن برساند و برای خودش نیز منبع درآمدی جدید، هر چند جزئی کسب کند. بنابراین با تصویب نهایی مالیات بر عایدی سرمایه، پیش بینی می‌شود یک ساختار قوی در بازار عرضه و تقاضا کشور شکل گیرد و با کاهش انگیزه سودجویی، دولت قادر باشد از بروز نوسانات گسترده و بی منطق در این بخش جلوگیری کند. از سوی دیگر، مردم نیز خود را جا مانده از بازار نوسانی احساس نکرده و مطمئن خواهند بود که در هر زمان می‌توانند اقلام مورد نیاز خود را با قیمت واقعی و بدون هیچ گونه مشکلی تهیه کنند.

استخراج و فروش منعقد شده یا می‌شود، علاوه بر برخورداری از نرخ صفر حسب مورد به شرح زیر مورد حمایت قرار می‌گیرد:

۱- در مناطق کمتر توسعه یافته، معادل سرمایه گذاری اقتصادی انجام شده، مالیات سالیانه بعد از دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر تا زمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد حداکثر به میزان دو برابر سرمایه ثبت و پرداخت شده برسد، با نرخ صفر محاسبه می‌شود.

۲- در سایر مناطق، معادل سرمایه‌گذاری اقتصادی انجام شده، پنجاه درصد مالیات سال‌های بعد از دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر تا زمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد حداکثر به میزان سرمایه ثبت و پرداخت شده برسد با نرخ صفر محاسبه می‌شود.

تبصره ۱- سرمایه‌گذاری انجام شده بابت زمین در واحدهای تولیدی و معدنی مشمول موضوع این ماده نخواهد بود، لیکن در خصوص واحدهای حمل و نقل، بیمارستان‌ها، هتل‌ها و مراکز اقامتی گردشگری، سرمایه‌گذاری انجام شده بابت زمین صرفاً به میزان بهای متر اژ تعیین شده در مجوزهای قانونی صادره از مراجع ذیصلاح مشمول مشوق موضوع این ماده می‌باشد.

تبصره ۲- واحدهای موضوع این ماده می‌بایست قبل از شروع سرمایه‌گذاری مجوز قانونی لازم‌الاجرا از مراجع ذیربط اخذ نموده باشند.

تبصره ۳- اشخاص حقوقی غیردولتی (واحدهای تولیدی، معدنی و خدماتی بیمارستان‌ها، هتل‌ها، مراکز اقامتی گردشگری و حمل و نقل) که تاریخ تأسیس و صدور پروانه بهره‌برداری یا قرارداد استخراج و فروش یا مجوز فعالیت آن‌ها از سوی مراجع قانونی ذیربط قبل از سال ۱۳۹۵ باشد و همچنین اشخاص صدر این ماده، در صورت سرمایه‌گذاری مجدد و مشروط به افزایش سرمایه و پرداخت آن، امکان برخورداری از مشوق مالیاتی مطابق بندهای (۱) و (۲) این ماده را دارا می‌باشند. در صورت عدم افزایش سرمایه معادل سرمایه‌گذاری انجام شده متناسب با افزایش سرمایه به عمل آمده امکان برخورداری از این مشوق را دارند.

تبصره ۴- در صورت کاهش سرمایه ثبت و پرداخت شده اشخاص مذکور که از مشوق مالیاتی این ماده استفاده کرده‌اند، مالیات متعلق در سال کاهش، مطالبه و وصول می‌شود.

تبصره ۵- در صورتی که سرمایه‌گذاری انجام شده موضوع این ماده با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با مجوز سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران انجام شده باشد به ازای هر پنج درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی به میزان ده درصد به مشوق این ماده به نسبت سرمایه ثبت و پرداخت شده و حداکثر تا پنجاه درصد اضافه می‌شود.

تبصره ۶- سرمایه‌گذاری انجام شده بابت ایجاد واحدهای موضوع این ماده در صورت برخورداری از نرخ صفر مالیاتی موضوع صدر ماده (۱۳۲) اصلاحی قانون از حمایت موضوع این ماده برخوردار نخواهد شد.



گیلمور مبارک (۱۹۹۶)

خلاصه داستان: هپی گیلومور بازیکن ناموفق هاکی متوجه می شود که در گلف استعداد دارد. وقتی خانه مادر بزرگش با توقیف مواجه می شود، او به مسابقات گلف می پیوندد تا برای نجات خانه اش پول جمع آوری کند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ انگیزه کل فیلم مالیات است زیرا مادر بزرگ گیلومور ۲۷۵ هزار دلار به سازمان امور مالیاتی بدهکار است و به همین دلیل است که خانه او توقیف می شود. در حالی که برخی از دارایی های او در حال باز پس گیری است، هپی در یک رقابت طولانی مدت توسط جابجایی ها به چالش کشیده می شود، جایی که او استعداد منحصر به فرد خود را می یابد.



برادران بلوز (۱۹۸۰)

خلاصه داستان: جیک و الوود بلوز به غرب میانه سفر می کنند تا گروه خود را دوباره متحد کنند تا برای نجات یتیم خانه ای که در آن بزرگ شده اند پول جمع آوری کنند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ یتیم خانه ۵۰۰۰ دلار مالیات بر دارایی بدهکار است و تعطیل خواهد شد مگر اینکه پرداخت شود. این همان چیزی است که در ابتدا الهام بخش برادران بلوز می شود تا دوباره گروه را گرد هم بیاورند.

۱۰ فیلم با موضوع مالیات

۱۰ فیلم را بررسی می کنیم که در آنها از مالیات به عنوان انگیزه اصلی داستان استفاده شده است. مالیات ها ممکن است به اندازه مرگ قطعی باشند، و ممکن است در میان ما که به سختی پول به دست آورده ایم محبوبیت زیادی نداشته باشند، اما خدمات خاصی را که در نهایت به نفع همه ماست، امکان پذیر می سازند. مالیات نیز موضوعی است که اکثر ما با آن آشنا هستیم زیرا مجبوریم آن را بپردازیم. در نتیجه، مالیات می تواند به عنوان یک موضوع مهم در فیلم استفاده گردد. نه فقط به خاطر آنچه که می تواند انجام دهند، بلکه به این دلیل که تقریباً همه از پرداخت به آن راضی نیستند. همه ما می توانیم به راه های بهتری فکر کنیم که ترجیح می دهیم پول مالیات خود را خرج کنیم، اما نکته اینجاست که آنها چیزی هستند که تقریباً در همه جایک ناراحتی هستند. با چرخش داستان یا داشتن انگیزه بر اساس آن ناراحتی، فیلم های می توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند. حتی اگر پیچیدگی های نحوه عملکرد مالیات ها را درک نکنیم، می دانیم که اگر آن ها را پرداخت نکنید، ممکن است دچار مشکل شوید. در این قسمت ۱۰ فیلم محبوب (بدون ترتیب خاصی) را فهرست کرده ام که موضوع مالیات نقش مهمی در داستان بازی می کند. بحث در مورد چگونگی نقش مالیات در فیلم زیر برخی از جزئیات کلیدی داستان توضیح داده شده است.



هر چیزی بگو (۱۹۸۹)

خلاصه داستان: داستان یک عاشقانه پسر دبیرستانی است که لوید تنبل تصمیم می گیرد از معلم کلاس (دایان) درخواست ازدواج کند که در واقع موافق است و باعث ناراحتی پدر کنترل کننده اش می شود.

چه ربطی به مالیات دارد؟ پدر دایان، جیم به دلیل فرار مالیاتی موضوع تحقیقات IRS می شود. در نهایت او به زندان محکوم می شود که او را از دخالت در روابط دایان با لوید دور نگه می دارد و در نهایت به لوید اجازه می دهد تا با دایان به اروپا سفر کند. جیم ادعا می کند که انگیزه اعمال او عشق او به جیم و آینده او بوده است؟



دست نخورده ها (۱۹۸۷)

خلاصه داستان: به گروهی از ماموران دولتی وظیفه تقریباً غیرممکن داده می شود که آل کاپون گانگستر بدنام را در دوران اوج کنترلش بر شیکاگو در دوران ممنوعیت سرنگون کنند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ با توجه به شبکه جرم و جنایت تقریباً غیرقابل نفوذ کاپون، (ورشوه هایی که او به بسیاری از مقامات دولتی در تمام سطوح پرداخته است) تشکیل پرونده علیه او برای جنایاتش بسیار دشوار است. با این حال، آنها متوجه می شوند که کاپون در ۴ سال گذشته اظهارنامه مالیاتی بر درآمد ارائه نکرده است و این انگیزه فعالیت آنها را ایجاد می کند. در نهایت آنها می توانند شواهد کافی به دست آورند، کاپون را دستگیر کنند و او را به دلیل فرار مالیاتی به زندان محکوم کنند.

9



خارج از گذشته (۱۹۴۷)

خلاصه داستان: جف بیلی یک بازرس خصوصی سابق است که سعی دارد زندگی بدون استرس داشته باشد. وقتی شخصیتی از گذشته‌اش به دنبال او (ویت استرلینگ) می‌گردد، باج‌گیری می‌شود تا برای پادشاه قدرتمندی کار کند که با آن کار ناتمام داشت. بیلی مجبور می‌شود به خط کاری نامطلوب برگردد که خیلی تلاش کرده بود از آن اجتناب کند، و برای زنده ماندن در شبکه پیچیده‌ای از دروغ و فریب حرکت می‌کند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ استرلینگ مجبور می‌شود که بیلی را به دلیل فرار مالیاتی باج‌خواهی کند. استرلینگ از بیلی می‌خواهد که علیه وکیل شواهدی به دست بیاورد، اما در این روند سعی می‌کند او را به خاطر صلاح‌دهی‌های قبلی خود متهم کند. بیلی بعداً از شواهد مالیاتی در تجارت با استرلینگ استفاده کرد تا شواهدی مبنی بر ارتکاب قتل او به دست آورد.

7



لباسشویی (۲۰۱۹)

خلاصه داستان: سه داستان از شیوه‌های حسابداری مشکوک بر اساس رویدادهای دنیای واقعی برای بحث در مورد پیامدهای پشت‌پشت رسوایی اسناد پاناما استفاده می‌شود. به طور خاص، این فیلم بر روی شرکتی به نام Mossack Fonseca تمرکز دارد که مسئول ایجاد هزاران شرکت پوسسته در خارج از کشور است تا به مردم کمک کند تا از صلاحیت دولتی دوری کنند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ یکی از دلایل اصلی که یک فرد ممکن است یک شرکت کاغذی راه‌اندازی کند، اجتناب از پرداخت مالیات است. این تلاش‌ها بهشت‌های مالیاتی را ایجاد می‌کنند که تقریباً غیرقابل ردیابی بودند، تا اینکه جزئیات اسناد پاناما آشکار شد.

5



رستگاری در شاونشک (۱۹۹۴)

خلاصه داستان: اندی دوفرن به حبس ابد محکوم می‌شود، جایی که با هم‌زندانی‌اش رد ملاقات می‌کند و در طول نزدیک به دو دهه دوستی آنها افزایش می‌یابد تا اینکه تصمیم به فرار می‌گیرند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ اندی یک بانکدار است و به عنوان یک زندانی جدید مورد حمله جنایتکاران خشن تر قرار می‌گیرد. وقتی متوجه می‌شود که یک نگهبان مشکل مالیاتی دارد، به او کمک می‌کند. این عمل محبت‌آمیز مورد توجه دیگر نگهبانان قرار می‌گیرد و اندی نیز به آنها کمک می‌کند. به زودی، آنها شروع به محافظت از اندی می‌کنند و به او اجازه می‌دهند در زندان خشن زنده بماند.

6



شرکت (۱۹۹۳)

خلاصه داستان: وقتی دانشجوی حقوق، میچ، شغلی رویایی در یک شرکت حقوقی قدرتمند پیدا می‌کند، همه چیز برای واقعی بودن خیلی خوب به نظر می‌رسد. اما همانطور که او با مشتریان با سابقه کار می‌کند، شروع به درک عملکردهای مخفی شرکت خود می‌کند و باید تصمیم بگیرد که آیا چشم خود را ببندد و از مزایای آن بهره‌مند شود یا زندگی و حرفه خود را به خطر بیندازد تا آنها را متوقف کند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ میچ ابتدا وقتی متوجه می‌شود که چگونه شرکتش به مشتریان کمک می‌کند پول خود را به حساب‌های خارج از کشور انتقال دهند تا از پرداخت مالیات فرار کنند، مشکوک می‌شود. او متوجه می‌شود که چگونه یکی از مشتریان این شرکت یک خانواده جنایتکار است که توسط FBI به دلیل فرار مالیاتی تحت تعقیب هستند. در نهایت میچ باید به اف‌بی‌ای کمک کند تا شواهدی علیه خانواده جنایتکار و شرکتش بیاورد.

10



خانه‌گوچی (۲۰۲۱)

خلاصه داستان: داستان این است که چگونه پاتریزیا رگانی با مائوریتزیو گوچی ازدواج می‌کند و با هم می‌آیند تا امپراتوری مد گوچی را کنترل کنند. با این حال، حرص و آز بین آنها می‌آید و باعث می‌شود که هر یک علیه دیگری دست به اقدامات ناامیدانه بزنند و به سقوط خود برسند.

چه ربطی به مالیات دارد؟ عموی مائوریتزیو، آلدو، مسئولیت مدیریت برند را بر عهده دارد و دارای منافع کنترلی در شرکت است. زمانی که آلدو تمایلی به کنار گذاشتن قدرت خود ندارد، مائوریتزیو مدرکی مبنی بر فرار مالیاتی آلدو منتشر می‌کند. آلدو راهی زندان می‌شود که به مائوریتزیو این فرصت را می‌دهد تا خود را نشان دهد.

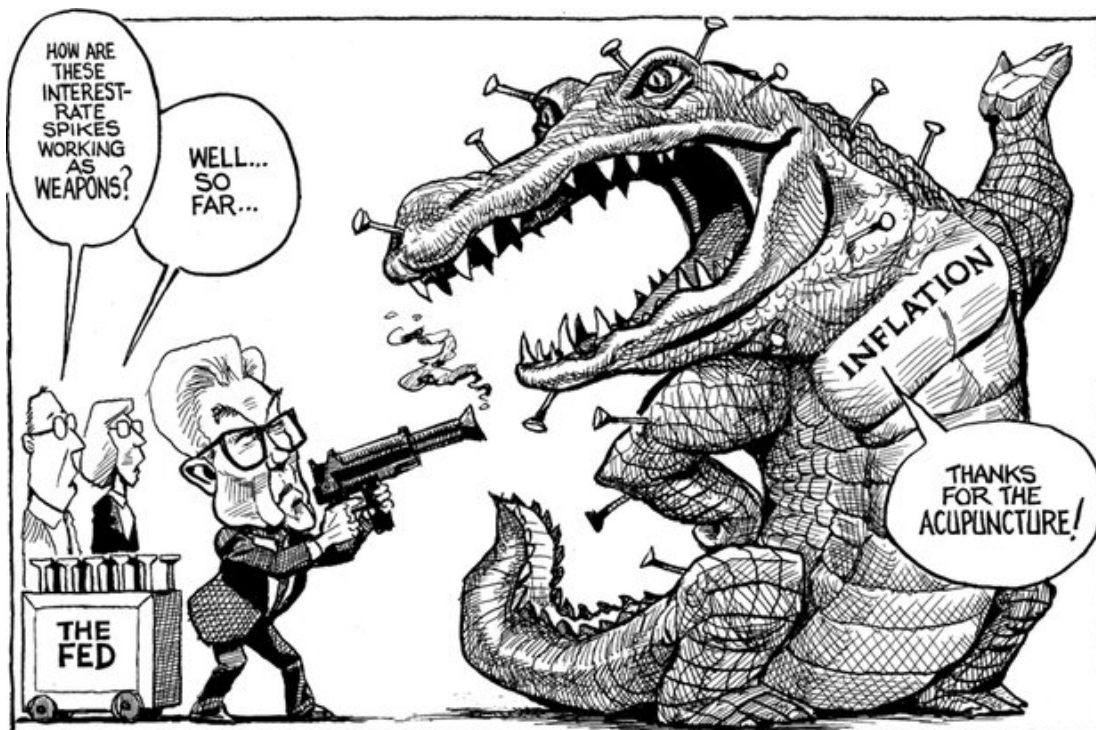
8



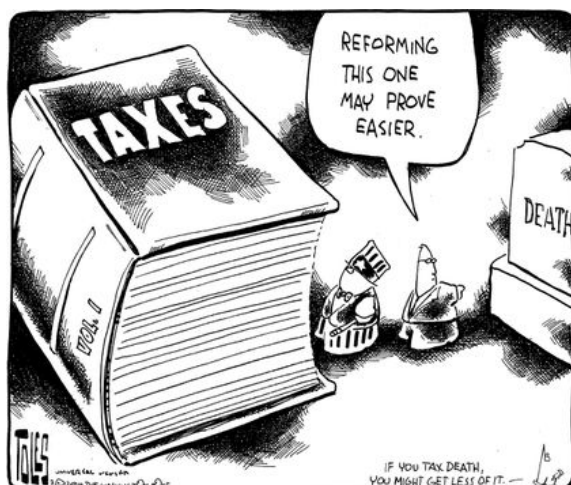
ماجرای رابین هود (۱۹۳۸)

خلاصه داستان: سر رابین اهل لاکسلی با حکومت وحشیانه شاهزاده جان مخالفت می‌کند و اشرافیت او را از بین می‌برد و از دادگاه اخراج می‌شود. رابین گروهی از مردان را تشکیل می‌دهد تا یک جنگ چریکی علیه حکومت شاهزاده جان به راه بیندازند که معروف است از حقوق فقرا در برابر ظلم ثروتمندان دفاع می‌کند.

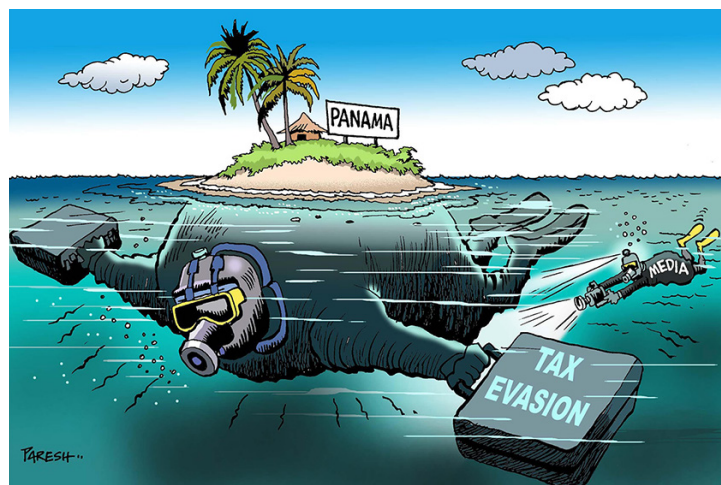
چه ربطی به مالیات دارد؟ هنگامی که پرایس جان به دنبال دستگیری برادرش پادشاه انگلستان می‌شود، یکی از اولین کارهایی که انجام می‌دهد افزایش مالیات برای ثروتمندتر شدن است. این باعث می‌شود که مردم ساکسون از پادشاه جدید عصبانی شوند و به رابین اجازه می‌دهد تا یک هدف مشترک برای متحد کردن گروه مردان شاد خود پیدا کند.



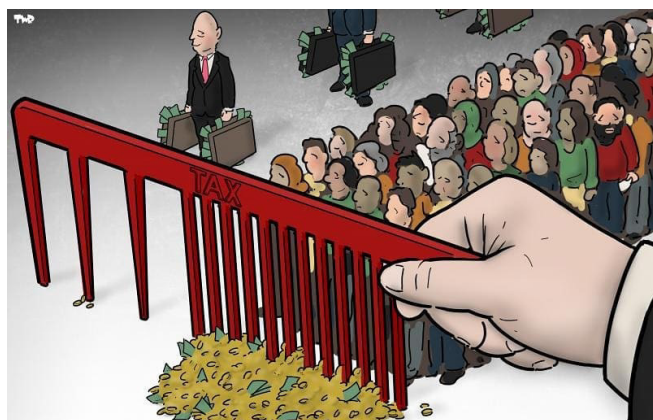
کنا به اکونومیست به
غول تورم در آمریکا
اکونومیست ابزارهای
کنترلی فدرال رزرو در
برابر تورم رانچیز دانست.
مجله اقتصادی انگلیسی
اکونومیست در کاریکاتوری
که تصویر جرومی پاول
رئیس فدرال رزرو آمریکا
را به تصویر کشیده است به
رویایی ناکام وی با غول تورم
پرداخته و قدرت ابزارهای
کنترلی وی را در برابر تورم
بسیار ضعیف ارزیابی کرده
است. در این کاریکاتور
ضربه‌های فدرال رزرو به
تورم ناچیز دانسته شده
است.



اصلاحات مالیاتی



پاناما



ثروتمندان هیچ مالیات بر درآمد ندارند





چگونه سیستم مالیاتی به کنترل افغانستان کمک کرد

مالیات بر تریاک مالیات مردمی طالبان!

نویسنده: دکتر اشلی جکسون یکی از مدیران مرکز مطالعات گروه‌های مسلح و نویسنده کتاب «بقای مذاکره: روابط غیر نظامی و شورشی در افغانستان» (Hurst & CO, ۲۰۲۱) است.

هنگامی که طالبان به طور چشمگیری کنترل افغانستان را در اوت ۲۰۲۱ به دست آورد، آنها از بمب و اسلحه برای غلبه سریع بر نیروهای امنیتی دولتی استفاده کردند. اما آنها همچنین یک سلاح ارزشمند و مؤثر دیگر در اختیار داشتند: مالیات.

مدت‌ها قبل از خروج نیروهای آمریکایی، طالبان یک سیستم کاملاً دولتی برای اخذ مالیات از شهروندان و از کالاهای روزمره مانند سیگار و عطر ایجاد کرده بود. پول جمع‌آوری‌شده از این طریق بخش مهمی از استراتژی نظامی طالبان است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا کنترل ارضی، ایست بازرسی و پاسگاه را به عنوان گامی

جدایی‌ناپذیر به سوی پیروزی گسترش دهند. تحقیقات اخیر در افغانستان نشان داد که طالبان مسلماً در جمع‌آوری مالیات مؤثرتر از دولت سابق - که از کمک مالی و تخصص بین‌المللی بهره می‌برد، بوده است. در حالی که برآوردها از درآمد طالبان به طور مشهور غیرقابل اعتماد است، گزارش شده است که این گروه سالانه ۴۰ میلیون دلار آمریکا (۳۳ میلیون پوند) فقط

دست به دست می‌شد. حتی برای کسانی که احساس می‌کردند بیش از حد مالیات پرداخت کرده‌اند، مراحل شکایت وجود داشت.

به نظر می‌رسد که این سیستم عمداً به گونه‌ای طراحی شده است که کاربر پسندتر از سیستم تحمیل شده توسط دولت باشد. یکی از رانندگان کامیون به ما گفت که برخلاف طالبان، او باید «برای پرداخت مالیات به دولت افغانستان رشوه می‌داد».

همه اینها به طالبان کمک کرد تا بین بازرگانان قدرتمند و شرکت‌های حمل و نقل مشروعیت پیدا کنند، که بعداً نقشی کلیدی در تصرف نهایی پایتخت ایفا کردند.

زیرا زمانی که گذرگاه‌های مرزی اصلی افغانستان و چندین مرکز استان در جولای ۲۰۲۱ سقوط کردند، بسیاری تعجب کردند که چرا به سرعت و با خشونت نسبتاً کمی سقوط کردند. به سرعت مشخص شد که صاحبان مشاغل محلی، با دیدن اینکه جنگ به کدام سمت می‌رود، انگیزه پیدا کردند تا تحویل سریع و منظم را تشویق کنند.

بنابراین با تصرف قلمرو بیشتر و بیشتر طالبان، درآمد آن افزایش یافت و می‌توانست بلافاصله برای هزینه‌های جنگی استفاده شود. تسخیر گذرگاه‌های مرزی، خزانه‌های طالبان را در حین حرکت به سوی کابل پر نگه داشت.

از مالیات بر تریاک درآمد داشته است. جمع‌آوری این مالیات‌ها نه تنها به جنگ کمک کرد، بلکه به تضعیف حکومتی که در پی سرنگونی آن بودند نیز کمک کرد.

بسیاری از افغان‌هایی که با آنها صحبت می‌کردیم احساس می‌کردند که مالیات‌های طالبان عادلانه‌تر از مالیات‌های تحمیلی توسط دولت است که اغلب شامل رشوه‌گیری و بوروکراسی پیچیده است. طالبان با کم‌هزینه بودن و کمتر فاسد بودن، از ناامیدی گسترده افغانستان از بی‌کفایتی دولت سوء استفاده کرد.

فرماندهان محلی مؤثرترین راه را برای استخراج درآمد از یک جامعه تعیین کردند و مراقب بودند که در عین ایجاد روابط و یک قرارداد شبه اجتماعی، انقدر فشار وارد نکنند که باعث واکنش شدید شود. همه اینها نقش مهمی در تأمین کنترل ملی طالبان داشت.

مالیات‌های طالبان بر حمل و نقل کالا نمونه بارز آن است. در سال‌های منتهی به ۲۰۲۱، طالبان به تدریج مالیات گمرکی نسبتاً رسمی را با استفاده از سیستم ایست‌های بازرسی در سراسر جاده‌های اصلی وضع کردند.

مالیات‌دهندگان رسیده‌های رسمی منقش به آرم طالبان دریافت کردند. لیست قیمت‌ها، در اوراق «رسمی» طالبان، در میان رانندگان کامیون و صاحبان مشاغل

بزرگترین پناهگاه مالیاتی خصوصی جهان

عجیب اما واقعی

وقتی ثروتمندان بزرگ جهان به دنبال پناهگاه‌های مالیاتی برای محافظت از درآمد و ثروت از دولت‌های داخلی خود هستند، به کجا می‌روند؟ اگر به منظور صرفه جویی در مالیات، پول را در حساب‌های بانکی خارج از کشور قرار می‌دهید، دو معیار اصلی وجود دارد که به دنبال آن هستید: رازداری و دسترسی. بر این اساس ممکن است یک بانک مخفی در سوئیس یا یک کشور جزیره‌ای کوچک در دریای کارائیب را تصور کنید. و اگرچه این منطق حقیقتی دارد، اما واقعیت این است که بزرگترین پناهگاه‌های مالیاتی جهان در سراسر جهان گسترده شده‌اند. برخی از آنها همانطور که انتظار می‌رود کشورهای کوچکی هستند، اما برخی دیگر قدرت‌های اقتصادی بزرگی هستند که ممکن است تعجب آور باشد. در اینجا ۲۰ بهشت مالیاتی برتر جهان که توسط شاخص اسرار مالی ۲۰۲۰ (FSI) توسط شبکه عدالت مالیاتی INGO انگلیسی رتبه‌بندی شده است، آورده شده است.



بریتانیا و همچنین کشورهای کوچکتر و مناطقی مانند جزایر کیمن، هنگ کنگ و لوکزامبورگ می شوند. اما یک چیز شگفت انگیز که بسیاری از آنها مشترک هستند، پیوند با انگلیس است. علاوه بر بریتانیا، چهار بهشت از ۲۰ بهشت مالیاتی برتر - جزایر کیمن، جزایر ویرجین بریتانیا، گرنزی و جرسی - سرزمین های خارج از کشور بریتانیا با وابستگی های سلطنتی هستند. همچنین اهمیت مقیاس در رتبه بندی شایان ذکر است. کشورهای مالدیو، آنگولا و الجزایر بالاترین رتبه بندی را بر اساس امتیاز محرمانه داشتند، اما کمتر از ۰.۱٪ از کل خدمات مالی فراساحلی را نشان می دهند.

آمار ترار پرداخت های صندوق بین المللی پول است. با سنجیدن توانایی یک کشور برای پنهان کردن پول با سهم نسبی آن از خدمات مالی فراساحلی، بهشت های مالیاتی را می بینیم که بیشترین تأثیر را بر اقتصاد جهانی دارند. در یک نگاه، ۲۰ بهشت مالیاتی برتر در سراسر مناطق جهان پراکنده شده اند. کمتر از نیمی از این فهرست در اروپا قرار دارد، اما بقیه در سراسر قاره آمریکا و آسیا پراکنده شده اند. و در حوزه های قضایی از بسیاری جهات متضاد هستند. آنها شامل قدرتهای مالی مانند ایالات متحده، ژاپن و

کدام کشورها بزرگترین بهشت های مالیاتی هستند؟

شاخص FSI، کشورها و سرزمین های سراسر جهان را بر اساس دو معیار محرمانه و مقیاس، رتبه بندی می کند.

امتیاز پنهان کاری: سیستم بانکی حوزه قضایی چقدر می تواند پول را پنهان کند. این شامل تجزیه و تحلیل ثبت مالکیت، شفافیت اشخاص حقوقی، مقررات مالیاتی و مالی و همکاری با استانداردهای بین المللی است.

وزن مقیاس جهانی: سهم حوزه قضایی از کل خدمات مالی فرامیزی جهان چقدر است؟ این معیار اساسا بر اساس



کند. G7 در ژوئن ۲۰۲۱ قراردادی را برای شروع مالیات بر شرکت های چند ملیتی بر اساس درآمد تولید شده در هر کشور (به جای محل استقرار شرکت) و همچنین تعیین حداقل مالیات جهانی ۱۵ درصد منعقد کرد. در مجموع، گروهی متشکل از ۱۳۷ کشور از جمله هند، چین، بریتانیا و جزایر کیمن با این قرارداد موافقت کرده اند. با افزایش کمپین بازگرداندن مالیات های معوق، این سوال مطرح می شود که آیا افراد و شرکت های فوق ثروتمند همگام با قوانین جدید رفتار خود را اصلاح می کنند یا راه حل های جدید و بهشت های مالیاتی را کشف خواهند کرد.

مالیاتی برای ثروت فردی مورد استفاده قرار می گیرند، توسط شرکت ها نیز مورد استفاده قرار می گیرند. ارزیابی شبکه عدالت مالیاتی در سال ۲۰۲۱ از بهشت های مالیاتی شرکت ها، جزایر ویرجین بریتانیا، جزایر کیمن و برمودا را به عنوان سه بهشت مالیاتی شرکت های بزرگ معرفی کرد. در حالی که افراد ممکن است شرکت های کاغذی را در بهشت های مالیاتی ایجاد کنند تا ثروت خود را پنهان کنند، شرکت ها معمولاً مستقیماً در بهشت مالیاتی ثبت می شوند تا مالیات را به تعویق بیندازند. اما چشم انداز بهشت مالیاتی ممکن است به زودی تغییر

بهترین مکان برای پنهان کردن

برخی از بهشت های مالیاتی فهرست شده ممکن است برای اتباع آن کشورها گنج کننده باشد، اما اینجاست که نسبیتهای مهم است. ایالات متحده و کانادا ممکن است بهشت مالیاتی برای اتباع آمریکایی یا کانادایی نباشند، اما گزارش شده است که ثروتمندان بزرگ از شرق آسیا و خاورمیانه به دلیل وجود حفره هایی در قوانین مالیاتی خارجی از آنها استفاده می کنند. به همین ترتیب، امارات متحده عربی به یک بهشت مالیاتی برای ثروتمندان بزرگ آفریقا تبدیل شده است. علاوه بر این، بسیاری از کشورهایی که به عنوان پناهگاه



مالیات الکترونیکی غنا که در می ۲۰۲۲ معرفی شد، ۱،۵ درصد مالیات بر مبلغ انتقال تراکنش های الکترونیکی است. هدف بهبود درآمدهای مالیاتی با بهره برداری از خدمات مالی دیجیتال با رشد سریع (DFS) است. با این حال، معافیت های بسیاری برای طرح مالیات اعمال می شود.

معافیت روزانه و تجمعی ۱۰۰ سدی غنا برای انتقال پول از طریق تلفن همراه و ۲۰،۰۰۰ سدی برای انتقال به حساب بانکی تعیین شده است. پرداخت دیجیتالی به مشاغل ثبت شده نیز معاف است. دولت اخیراً مرحله دوم مالیات الکترونیکی را با پشتیبانی یک پلتفرم دیجیتالی آنلاین و جدید برای جمع آوری درآمدهای مالیاتی آغاز کرده است.

دو ماه پس از اعمال مالیات الکترونیکی، سوالات کلیدی عبارتند از:

اثرات فوری آن چیست؟
واکنش سهامداران مختلف چگونه بوده است؟
کجا و چه شکاف هایی وجود دارد و چگونه می توان آنها را پر کرد؟

چه تحقیقاتی لازم است؟
برای شروع پاسخ به این سؤالات، تیم DIGITAX ماه ژوئن یک وبینار با یک میز گرد در مورد بحث های پیرامون مالیات الکترونیکی، اجرای آن و تغییرات رفتاری اولیه برگزار کرد. این تیم همچنین از ۴ تا ۹ ژوئیه ۲۰۲۲ با چندین ذینفع در آکرا ملاقات کرد. این ذینفعان شامل اتاق ارتباطات غنا، جامعه مدنی، نمایندگان پول موبایل، بخش غیررسمی و محققان بودند.

مالیات جدید، رفتار جدید

«وقتی از یک حساب به حساب دیگر پول می فرستم، مالیات پرداخت نمی کنم. اما در مورد انتقال همسر و فرزندانم برای بیمارستان، تحصیل یا هزینه های روزانه چطور؟» - نماینده جامعه مدنی

وبینار و جلسات در غنا چندین روش فوری را نشان داد که به نظر می رسد مالیات الکترونیکی بر سهامداران مختلف پول تلفن همراه تأثیر می گذارد.

پس از اجرایی شدن این مالیات، کاربران دچار وحشت شدند و به طور سیستماتیک پول نقد را از حساب های پول موبایل خود برداشت کردند.

این اصلاحات همچنین عادات انتقال پول برخی از کاربران را که به طور فزاینده ای به کانال های سنتی قبل از DFS مانند پول نقد باز می گردند، تغییر داده است. تغییر به پول نقد نگرانی هایی را در مورد افزایش جرم و جنایت و تجاوزه به ویژه در بخش غیررسمی

بررسی نتایج اجرای مالیات الکترونیکی جدید در کشور غنا؛

ترش و شیرین

نویسندگان "آواد یوف: آوا یک محقق فوق دکتری در ICTD و یک اقتصاددان متخصص در امور مالی عمومی در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار است. او دارای مدرک دکترای از دانشگاه کلرمون اوورن در فرانسه، و اندیشکده IPAR (Initiative Prospective Agricole et Rurale)، یک اتاق فکر مستقر در سنگال است.

فابریز یو سانتورو: فابریز یو عضو فوق دکتری در مؤسسه مطالعات توسعه، و سرپرست تحقیق برای جزء دوم برنامه تحقیقاتی DIGITAX ICTD است. علایق اصلی تحقیقاتی او به حاکمیت، امور مالی عمومی و مالیات، با تمرکز قوی بر روش شناسی ارزیابی تأثیر و تحلیل آماری مربوط می شود. او دارای مدرک دکترای اقتصاد از دانشگاه ساسکس است.

مری ابوابهان: مری ابوابهان، مسئول تحقیقات برنامه DIGITAX است. تحقیقات او بر مناسب بودن و اثربخشی مالیات های خدمات مالی دیجیتال و تأثیرات توسعه آنها متمرکز است. او کارشناسی ارشد خود را در زمینه جهانی سازی، تجارت و توسعه در مؤسسه مطالعات توسعه به پایان رسانده است و تحقیقات خود را بر روی اقتصاد اخلاقی مالیات رسانه های اجتماعی در لبنان متمرکز کرده است.

تاریخ: پنجشنبه ۴ آگوست ۲۰۲۲



افزایش می دهد.

مالیات الکترونیکی هزینه های زندگی را افزایش داده است، زیرا تعداد قابل توجهی از کاربران همچنان برای خرید روزانه خود به پول موبایل متکی هستند و برای خدمات ضروری مانند بهداشت و آموزش پرداخت می کنند.

کاهش استفاده از خدمات پول تلفن همراه توسط مصرف کنندگان و فروشنده ها به طور یکسان بر بخش خصوصی پول تلفن همراه تأثیر داشته است: اپراتورها از زمان اعمال مالیات کاهش ارزش و حجم معاملات را گزارش می دهند.

کارگزاران پول موبایلی به طور قابل توجهی از کاهش استفاده از خدمات پول موبایلی آسیب دیده اند. کمیسیون آنها به نسبت ارزش و حجم معاملاتی که انجام می دهند افزایش می یابد. علاوه بر این، وحشت، مخالفت و عدم اطمینان مرتبط با مالیات منجر به خروج حدود ۴۰۰۰ عامل پول موبایلی در طول ماه آوریل شد. از سوی دیگر، شواهد حکایتی وجود دارد مبنی بر اینکه معافیت پرداخت بازرگانان، مشاغلی را که قبلاً از مالیات مستقیم اجتناب می کردند، تشویق می کند تا در اداره درآمد غنا (GRA) ثبت نام کنند.

به طور بالقوه، این می تواند درآمد بیشتری به همراه داشته باشد، زیرا کسب و کارهای بیشتری از بخش غیررسمی به بخش رسمی ترازیت می کنند، بنابراین برخی از اهداف مالیات برای گسترش پایه مالیاتی برآورده می شود. با این حال، زمان، داده ها و تحقیقات بیشتر برای درک واضح اثرات مرتبط در درآمد و رعایت مالیات مورد نیاز است.

شرکت کنندگان در وینار همچنین به رفتار جدید دیگری که ناشی از مالیات الکترونیکی است، اما این بار از سوی دولت، اشاره کردند. به نظر آنها، به نظر می رسد که دولت تلاش های بی سابقه ای را برای ایجاد حس شفافیت در مورد عواید جمع آوری شده از مالیات الکترونیکی از طریق گزارش دهی فصلی توسط GRA و گزارش دهی دوسالانه توسط وزارت مالیه انجام می دهد. همچنین به نظر می رسد در مورد معافیت پرداخت تاجر مشخص شده سر درگمی وجود دارد، زیرا بسیاری از مردم متوجه نمی شوند که چه زمانی یا چرا اعمال می شود یا روند معافیت برای یک تاجر مشخص چگونه است.

جایی که اراده وجود دارد، راهی وجود دارد: پیمایش در اطراف مالیات الکترونیکی جدید

«به زودی همه کاربران پول موبایل به عامل پول موبایل تبدیل خواهند شد!» - نماینده جامعه مدنی
علیرغم گزینه تغییر به پول نقد و کنار گذاشتن تراکنش

های الکترونیکی، پول موبایل یکی از راحت ترین و مطمئن ترین راه ها برای انتقال پول برای افراد باقی مانده است. و مردم چندین راه برای «ترم کردن» مالیات الکترونیکی یا اجتناب از آن به طور کلی پیدا کرده اند.

به عنوان مثال، برخی از افراد به توزیع نقل و انتقالات طی چند روز اشاره کردند تا در محدوده حداکثر روزانه ۱۰۰ cedi قرار گیرند. یکی دیگر از گزینه های محبوب استفاده از معافیت های انتقال نماینده برای جلوگیری از هزینه ها و مالیات های انتقال کاربر به کاربر است. کاربران از یک حساب نماینده به حساب نماینده دیگر پول ارسال کرده اند.

کاربران همچنین از نمایندگان درخواست کرده اند که از طرف آنها از حساب (نماینده) خود به کیف پول کاربر دیگری پول ارسال کنند، که غیرقانونی است. دولت اقدامات قاطعی را برای مهار این عمل (سوء) انجام داده است. علاوه بر این، برخی از کاربران برای صرفه جویی در زمان، هزینه و همچنین اجتناب از چانه زنی با نمایندگان در مورد هزینه های نقل و انتقالات غیرقانونی، به دنبال خرید سیم کارت های نمایندگی هستند.

برای یک نماینده پول تلفن همراه، هدف اصلی به حداکثر رساندن استفاده از خدمات آنها است، که - برای برخی - شامل انتقال غیرقانونی نماینده به کاربر دیگر در بالا است. بنابراین، نمایندگان همچنین در آموزش مصرف کنندگان برای افزایش آگاهی و جلوگیری از فرار از پول تلفن همراه شرکت می کنند.

دینفعان چه چیزی را توصیه می کنند

برای محدود کردن اثرات منفی مالیات الکترونیکی بر عرضه و تقاضای خدمات مالی، دینفعان چندین راه حل پیشنهاد می کنند.

رایج ترین آن کاهش نرخ مالیات است که به نظر آنها بسیار زیاد است. اکثر دینفعان نرخ ۵،۰ درصد را پیشنهاد می کنند. این نرخ منصفانه تر تلقی می شود زیرا کمتر از کارمزد انتقال ۷،۵،۰ درصدی است که توسط شرکت های پول تلفن همراه ارائه دهنده خدمات دریافت می شود.

مالیات بر کارمزد انتقالی که توسط شرکت های پول موبایل دریافت می شود، نه بر ارزش خود انتقال.

با افزایش ارزش تراکنش، نرخ مالیات الکترونیکی را به نسبت معکوس کاهش دهید تا ارزش معاملات بزرگ را تشویق و پاداش دهید. از طرف دیگر، سقف مالیاتی را اعمال کنید.

افزایش آستانه معافیت روزانه برای پول موبایل، تا حداقل با آستانه انتقال بانکی ۲۰,۰۰۰ سدی مطابقت

داشته باشد.

«Ringfencing» یا تخصیص درآمد مالیات الکترونیکی به روشی مشابه طرح بیمه سلامت ملی غنا. مردم غنا مایل به پرداخت مالیات هستند، اما همچنین خواستار سرمایه گذاری کافی از درآمد جمع آوری شده در خدمات عمومی با کیفیت خوب و پاسخگویی بیشتر دولت هستند.

مشوق ها، مکانیزم قدرتمندی برای افزایش انطباق مالیاتی هستند. تدارک سیستم های حمایت اجتماعی، بازنشستگی یا بهداشتی توسط دولت در ازای مالیات های پرداختی، اکثر کارگران بخش غیررسمی را تشویق می کند که مایل به رعایت و پرداخت مالیات های مقرر شوند.

بعدش چی

وینار و تعاملات مختلف با دینفعان نیز چندین حوزه را نشان داد که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد.

استنباط تأثیر مالیات الکترونیکی به طور جامع تر با در نظر گرفتن دینفعان مختلف مانند اپراتورهای پول تلفن همراه، کاربران، مشاغل و نمایندگان.

مطالعه تطبیقی بین بخش رسمی و غیر رسمی. یکی از اهداف مالیات الکترونیکی، گسترش پایه مالیاتی و گسترش بی دردرس بخش رسمی از طریق رویکرد هوپج و چماق با معافیت از پرداخت به فروشنده ها ثبت نام شده است. بررسی تأثیر مالیات الکترونیکی بر آسیب پذیرترین جمعیت ها. به نظر می رسد افراد با تحرک کم، زنان، دانشجویان و کارگران غیررسمی در برابر اثرات منفی مالیات آسیب پذیرتر باشند.

تأثیر مالیات الکترونیکی را فراتر از استفاده از پول تلفن همراه به تنهایی مطالعه کنید. این شامل بررسی میزان جرم و جنایت در رابطه با افزایش رسیدگی به پول نقد و همچنین درک ایمنی و رفاه است. شناسایی عوامل تعیین کننده پذیرش مالیات الکترونیکی، با توجه به اینکه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا جمعیتی می توانند بر ادراک تأثیر بگذارند.

جنبه های کلیدی مالیات الکترونیکی برای مالیات دهندگان را برجسته کنید - مانند نحوه استفاده از درآمدها برای خدمات عمومی - و اندازه گیری کنید که چگونه به اشتراک گذاری اطلاعات درک و پذیرش مالیات را بهبود می بخشد.

بررسی کنید که چگونه می توان از سیستم اجرای نسبتاً روان مالیات الکترونیکی برای ارائه خدمات عمومی کارآمدتر و مؤثرتر استفاده کرد.

اثرات احتمالی سناریوهای اصلاحات مالیاتی را برای هدایت تصمیم گیری های آینده برآورد کنید.



۱۲ قانون عجیب مالیاتی در جهان

اگر بستین ساینس مانیتور | کاریس هوستاد وقتی اکثر مردم به برخی قوانین مالیاتی فکر می کنند، معمولاً اولین کلمه ای که به ذهن می رسد «منطقی» نیست. به نظر می رسد که این موضوع در بخش های مختلف جهان نیز صادق است. کشورهای سراسر جهان کسرها، درصدهای اضافی و روش های عجیب و غریب برای دستیابی به درآمد مالیاتی را توجیه کرده اند. در اینجا شمارش معکوس برخی از عجیب ترین قوانین مالیاتی در سراسر جهان را بیان می کنیم.



۱۲. ایالات متحده:

مالیات بر بادکنک هوای داغ

در ایالات متحده، انتخاب تنها یک قانون مالیاتی عجیب و غریب بسیار سخت بود - اما تعداد زیادی از آنها را داریم. بین کسرها ادا شده آهو در کارولینای جنوبی، آموزش کلارینت، و جابجایی حیوانات خانگی (که به عنوان یک اثر شخصی محسوب می شود)، به نظر می رسد یکی از حيله گرانه و کسرها های عجیب و غریب ما در فهرست جهانی قرار گیرد.

کانزاس یک قانون مالیاتی دارد که برای رسیدن به صحنه جهانی به اندازه کافی عجیب است: بالون های هوای گرم که به زمین بسته نشده اند، معافیت مالیاتی دارند.

نحوه کار به این صورت است: کانزاس بر فروش پذیرش برای «هر مکانی که خدمات تفریحی، سرگرمی یا تفریحی ارائه می کند» مالیات می دهد. با این حال، بر اساس قانون فدرال ضد مالیات، ایالت ها و حوزه های قضایی محلی از اعمال هزینه و هزینه بر خطوط هوایی و سایر کاربران فرودگاه منع شده اند. بنابراین در سال ۲۰۱۰، کانزاس به این سوال پرداخت که آیا بالون های هوای گرم باید مشمول قوانین ایالتی یا فدرال باشند.

نتیجه؟ بادکنک های هوای گرم که به زمین بسته شده اند - و در آنجا می مانند - مشمول مالیات می شوند، زیرا از نظر فنی سرنشینان آن ها جایی نمی روند. بالون های هوای گرمی که در فاصله ای از نقطه پرتاب به سمت پایین باد هدایت می شوند - یعنی بالون هایی که واقعاً سفر می کنند - نیازی به پرداخت مالیات تفریحی ندارند. بنابراین اگر می خواهید با بالون بدون مالیات سوار شوید، مطمئن شوید که در واقع به جایی می رود.





۱۱. آفریقای جنوبی:

حباب مالیاتی جام جهانی

فوتبال ممکن است ورزش جهان باشد، اما در مورد مالیات نیز یکی از بهترین معاملات جهان است - حداقل برای فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا). بی سی در سال ۲۰۱۰ گزارش داد که به عنوان بخشی از مناقصه برای جام جهانی، کشورهای میزبان باید موافقت کنند که فیفا، سازمانی که جام جهانی را برگزار می کند، و شرکت های تابعه آن از پرداخت مالیات به کشور میزبان معاف شوند. مالیات هایی که این اعمال برای آنها اعمال می شود بستگی به کشور دارد، اما در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ معافیت های مالیاتی نسبتاً گسترده بود. بی سی گزارش داد که وقفه ها «فیفا، شرکت های تابعه آن و اتحادیه های فوتبال خارجی را که در آن شرکت می کنند، از مالیات بر درآمد، عوارض گمرکی و [مالیات بر ارزش افزوده] خلاص می کند. تدارکات جام جهانی برای آفریقای جنوبی ۳۳ میلیارد روپیه - نزدیک به ۳ میلیارد پوند (۴،۹ میلیارد دلار) هزینه داشته است. این همچنین در مورد سازمان های مختلفی که به عنوان وابستگان تجاری فیفا، دارندگان مجوز، بخش کنندگان میزبان، آژانس های حقوق پخش، شرکای کالا، ارائه دهندگان خدمات، اپراتورهای امتیاز و ارائه دهندگان خدمات مهمان نوازی تعیین شده اند، صدق می کند؛ از نظر فنی، این امر به هر کشوری که میزبان جام جهانی بوده است گسترش می یابد، اما آفریقای جنوبی جدیدترین نمونه است. برزیل در سال ۲۰۱۴ قرارداد مالیاتی مشابهی را برای میزبانی بازی ها امضا کرد. زمانی که آلمان در سال ۲۰۰۶ میزبان بازی ها بود، فیفا ۲،۸ میلیارد فرانک سوئیس (۱،۷۲ میلیارد پوند یا ۲،۸ میلیارد دلار) در چهار سال قبل و با احتساب مسابقات به دست آورد، اما تنها ۱ میلیون فرانک سوئیس (۶۱۳۵۰۰ پوند یا بیش از ۱ میلیون دلار) مالیات محلی پرداخت کرد.



۱۰. فرانسه:

مالیات گوگل

اروپا نسبت به ایالات متحده از حریم خصوصی محافظت می کند، که اغلب منجر به کنترل بیشتر شرکت های فناوری شده است. با این حال، به همراه بحران اقتصادی، کشورهای اروپایی بیش از هر زمان دیگری به دنبال شرکت های بزرگ فناوری هستند که به گفته آنها بدون پرداخت مالیات، از شهروندان خود درآمد کسب می کنند. این مالیات ها عمدتاً به عنوان «مالیات Google» شناخته می شوند، اگرچه برای هر شرکت بزرگ مبتنی بر اینترنت اعمال می شوند. فرانسه صریح ترین کشور در تلاش برای مالیات بر شرکت های اینترنتی مانند شرکت های آجری بوده است. پیش از این فرانسه «مالیات فرهنگی» بر تلفن های هوشمند و تبلت های ساخته شده توسط گوگل و سایر شرکت های فناوری را به امید کسب درآمد برای یک صندوق فرهنگی در نظر گرفته بود. جدیدترین تکرار مالیات گوگل، ادعای فرانسه است مبنی بر اینکه این شرکت به دلیل دور زدن قوانین مالیاتی از طریق انحراف بیشتر درآمد فرانسه به ایرلند (جایی که مالیات کمتری وجود دارد) ۱،۳۵ میلیارد دلار مالیات معوقه به کشور بدهکار است. دفاتر گوگل در پاریس درآمد آن را در سال ۲۰۱۱ ۵۳۲۰ میلیون دلار گزارش کردند، در حالی که تحلیلگران معتقدند درآمد آن بیش از ۱،۸۹ میلیارد دلار بود. پس از افشای جاسوسی NSA، علاوه بر اقدامات مالیاتی مشکوک، این احتمال وجود دارد که فرانسه و شرکت های بزرگ اینترنتی در سال های آینده از نظر مالی دچار مشکل شوند.



۹. سوئیس:

بهشت مالیات

حساب های بانکی سوئیس مترادف با افراد تجاری ثروتمندی شده است که مایلند قانون را زیر پا بگذارند. چرا؟ سوئیس برخی از ضعیف ترین قوانین مالیاتی در جهان و همچنین برخی از مبهم ترین قوانین رازداری مالی را دارد. شبکه عدالت مالیاتی، سوئیس را به دلیل سطح پنهان کاری و مقیاس عملیات بانکی، بهترین بهشت مالیاتی در جهان (شکست دادن رقبا) قدرتمندی مانند برمودا و باهاما معرفی کرد. در سال ۱۹۳۴ سوئیس قانونی را تصویب کرد که فاش کردن هویت مشتری را جرم می داند و به همین دلیل، طبق گزارش گروه مشاوره بوستون، امروزه تخمین زده می شود که سوئیس ۲۷ درصد از ثروت فراساحلی جهان را در اختیار دارد. بانکداران بارها از تلاش های ایالات متحده برای به دست آوردن نام مشتریان بانکی آمریکایی خود طفره رفته اند، علیرغم اینکه آشکارا به دلیل روش های آنها (که برخی می گویند شامل برداشتن پول خارج از کشور به خاطر تلاش هایشان) است. به طور کلی، تحلیلگران تخمین می زنند که بیش از ۳۲ تریلیون دلار از دارایی های مالی در بهشت های مالیاتی خارج از کشور پنهان شده است که می تواند ۲۸۰ میلیارد دلار درآمد مالیات بر درآمد از دست رفته را تشکیل دهد.



۸. ایرلند:

معافیت هنرمند

آیا می خواهید یک هنرمند گرسنه باشید؟ اگر موز خود را در ایرلند پیدا کنید کمی کمتر گرسنه خواهید شد. به منظور رونق بخشیدن به هنر، تحت شرایط خاص، درآمدی که نویسندگان، آهنگسازان، هنرمندان تجسمی و مجسمه سازان از فروش آثارشان به دست می آورند مشمول مالیات نمی شوند. هنرمندان باید شکایتی را نزد کمیسیون های درآمد ارائه کنند، که تعیین می کنند اثر اصیل، خلاقانه و دارای شایستگی فرهنگی یا هنری است. همچنین باید در پنج دسته زیر قرار گیرد: کتاب یا سایر اشکال نوشتاری، نمایشنامه، تریکیت موسیقی، نقاشی یا سایر تصاویر مشابه، و مجسمه ها. تعجب می کنید که مردم مالیات چگونه هنر را قضاوت می کنند؟ در اینجا نمونه ای از معیارها آورده شده است: اثری دارای ارزش فرهنگی است که: تعمق آن در نتیجه شکل و محتوای فکری، معنوی یا زیبایی شناختی آن، کیفیت زندگی فردی یا اجتماعی را افزایش دهد. یک اثر زمانی از شایستگی هنری برخوردار است که: فرم و محتوای تریکی آن درک زیبایی شناختی کسانی را که آن را تجربه می کنند یا به آن می اندیشند، تقویت یا تشدید کند. حداکثر معافیت ۴۰۰۰۰ یورو است.



۷. بریتانیا:

معافیت مالیاتی

فیلم بریتانیایی از نظر فرهنگی

بریتانیا می‌خواهد فرهنگ خود را در فیلم‌ها زنده نگه دارد، به طوری که یک قانون مالیاتی ایجاد کرده است که به فیلم‌هایی که «فرهنگ بریتانیایی» تلقی می‌شوند، کسر مالیات می‌دهد. این فرآیند پیچیده‌تر از به اهتزاز درآوردن پرچم بریتانیا یا تنظیم فیلم خود در لندن است. تمام فیلم‌هایی که می‌خواهند این کسر را دریافت کنند، باید تولید خود را در جایی ثبت کنند که از طریق یک «آزمون فرهنگی» ریاضی به شرح زیر رتبه‌بندی می‌شود:

- محتوای فرهنگی (تا ۱۶ امتیاز) ■ مشارکت فرهنگی (حداکثر ۴ امتیاز).
- مراکز فرهنگی (حداکثر ۳ امتیاز).
- فعالان فرهنگی (حداکثر ۸ امتیاز). برای دریافت معافیت مالیاتی ۲۵ درصدی، فیلم‌ها باید حداقل ۱۶ امتیاز از ۳۱ امتیاز را کسب کنند. در اینجا چند نمونه از ویژگی‌های فیلم وجود دارد که واجد شرایط هستند: فیلم در بریتانیا (چهار نقطه)، فیلم بازتاب دهنده منعکس کننده فرهنگ متنوع بریتانیایی، میراث بریتانیا یا خلاقیت بریتانیا (چهار نکته) و دیالوگ اصلی ضبط شده عمدتاً به زبان انگلیسی (چهار نقطه).



۶. دانمارک:

مالیات نفخ گاو

بیشتر مردم بزرگراه‌های شلوغ لس آنجلس یا کارخانه‌های تولید دود سیاه را عامل انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌دانند. اما اتحادیه اروپا مقصر دیگری پیدا کرده است: گاز گاو. مطالعات نشان داده است که متان آزاد شده پس از هضم آهسته سبزی توسط گاوها ممکن است تا ۱۸ درصد از گازهای گلخانه‌ای اروپا را تشکیل دهد. این موضوع با کشتارگاه‌هایی که مقادیر زیادی گاز متان را در یک منطقه متمرکز می‌کنند، تشدید می‌شود. به منظور مهار اپیدمی گازهای گلخانه‌ای ناشی از گاو، چندین کشور اتحادیه اروپا مالیاتی را برای هر گاو وضع کرده‌اند. بالاترین نرخ؟ دانمارک، جایی که هر گاو تا ۱۱۰ دلار برای شما هزینه دارد.



۵. سوئد:

نام نوزادان نیاز به تایید

سازمان مالیاتی دارد

انتخاب نام برای پسر یا دختر جدیدتان تصمیم دشواری است، تصمیمی که حداقل نیاز به توافق پدر و مادر دارد. در سوئد یک طرف ضروری دیگر وجود دارد: اداره مالیات سوئد.

مردم سوئد موظفند قبل از اینکه کودک پنج ساله شود، نام فرزندشان توسط اداره مالیات سوئد تایید شود. اگر والدین این کار را انجام ندهند، می‌توانند تا ۵۰۰۰ کرون (یا ۷۷۰ دلار) جریمه شوند. این قانون در ابتدا در سال ۱۹۸۲ وضع شد، طبق گزارش‌ها برای جلوگیری از استفاده شهروندان از نام‌های سلطنتی، اما قانون بیان می‌کند که منطق این است که با تایید نام، سازمان مالیات می‌تواند از کودک در برابر نام‌های توهین آمیز یا گیج کننده محافظت کند.

چه نوع اسمی غیر قابل قبول است؟ سازمان مالیاتی "Ikea" (به دلیل سردرگمی احتمالی) و همچنین "prxvclmncssqlbb11116" را رد کرده است که والدین یکی از کودکان در اعتراض به قانون سعی کردند نام فرزند خود را بگذارند. با این حال، اخیراً «گوگل» و «لگو» مجاز شدند.

اگرچه این ممکن است برای برخی کمی «برادر بزرگ» به نظر برسد، اما سوئدی‌ها دیدگاه مثبتی نسبت به سازمان مالیاتی خود دارند: یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۳ نشان داد که در بین سازمان‌های دولتی، سازمان مالیاتی با تایید ۸۳ درصدی، دومین شهرت را در کشور دارد. رتبه دوم پس از آژانس مصرف کننده سوئد.



۴. کانادا:

معافیت مالیاتی برای اسباب بازی‌های غلات

در کودکی، پیدا کردن یک اسباب بازی در ته جعبه غلات شما معمولاً بهترین قسمت در مورد صبحانه است.

در کانادا، برای شرکت غلات نیز سرگرم کننده است، که برای قرار دادن یک اسباب بازی در غلات شما معافیت مالیاتی دریافت می‌کند.

غلات فروخته شده در همسایه شمالی آمریکا که شامل اسباب بازی در جعبه هستند از مالیات اضافی معاف هستند.



۱. چین:

درآمد مالیاتی طرفدار سیگار کشیدن

اگرچه بسیاری از سیگاری‌ها در سرتاسر جهان عادت دارند برای منصرف کردن سیگار، مالیات بالایی بر روی سیگار پیرازند، در سال ۲۰۰۹، شهروندان استان هوبی در مرکز چین در وضعیت معکوس قرار گرفتند: سیگار بکشند یا جریمه شوند.

در آن زمان، چین با یک بحران اقتصادی سخت مواجه بود و اکثر مالیات‌های محلی از فروش سیگار به دست می‌آمد. بنابراین مقامات استان هوبی تصمیم گرفتند که بهترین راه برای افزایش درآمد مالیاتی تعیین سهمیه برای فروش پاکت سیگار باشد.

تلگراف گزارش می‌دهد که معلمان محلی با سهمیه سیگار گیر کرده اند و «به یک روستا دستور داده شده که سالانه ۴۰۰ کارتن سیگار برای مسئولانش خریداری کند». هدف هم کسب درآمد از مالیات سیگار و هم تشویق رونق مالی برای سازندگان محلی سیگار در چین بود.

اگرچه چین در حال حاضر از نظر مالی بهتر عمل می‌کند، اما ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای از این استراتژی مالیاتی عجیب داشته باشد: فروش سیگار هنوز بخش بزرگی از درآمد مالیاتی در این کشور را تشکیل می‌دهد، و سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند که چین در جهان از هر سه نخ سیگار یک نخ سیگار می‌کشد. با این حال، چین امیدوار است امسال با غیرقانونی کردن سیگار کشیدن در اماکن عمومی، این عادت را کنار بگذارد.



۳. روسیه:

مالیات بر ریش

پیتر کبیر، متولد ۱۶۷۲، به دلایل بسیاری یکی از مشهورترین تزارهای روسیه بود. او به خاطر مدرن‌سازی روسیه شناخته می‌شود و اینجاست که مالیات بر ریش وارد می‌شود.

اگرچه امروزه ریش را بیشتر با هیپسترها و طرفداران رد ساکس می‌شناسیم تا درباریان، در دهه ۱۷۰۰ ریش‌ها برای اکثر جمعیت در روسیه سرد بسیار معمولی بود. با این حال، هنگامی که پیتر کبیر به اروپای غربی سفر کرد، متوجه شد که بسیاری از دادگاه‌های مدرن اروپایی مملو از مردان تراشیده شده است. پس چگونه می‌توان این فرهنگ آرایشگری را آورد؟

از ریش‌ها مالیات بگیرد برای داشتن ریش، باید ژتونی همراه داشت که نشان می‌داد مالیات ریش خود را پرداخت کرده‌اند.



۲. آلمان:

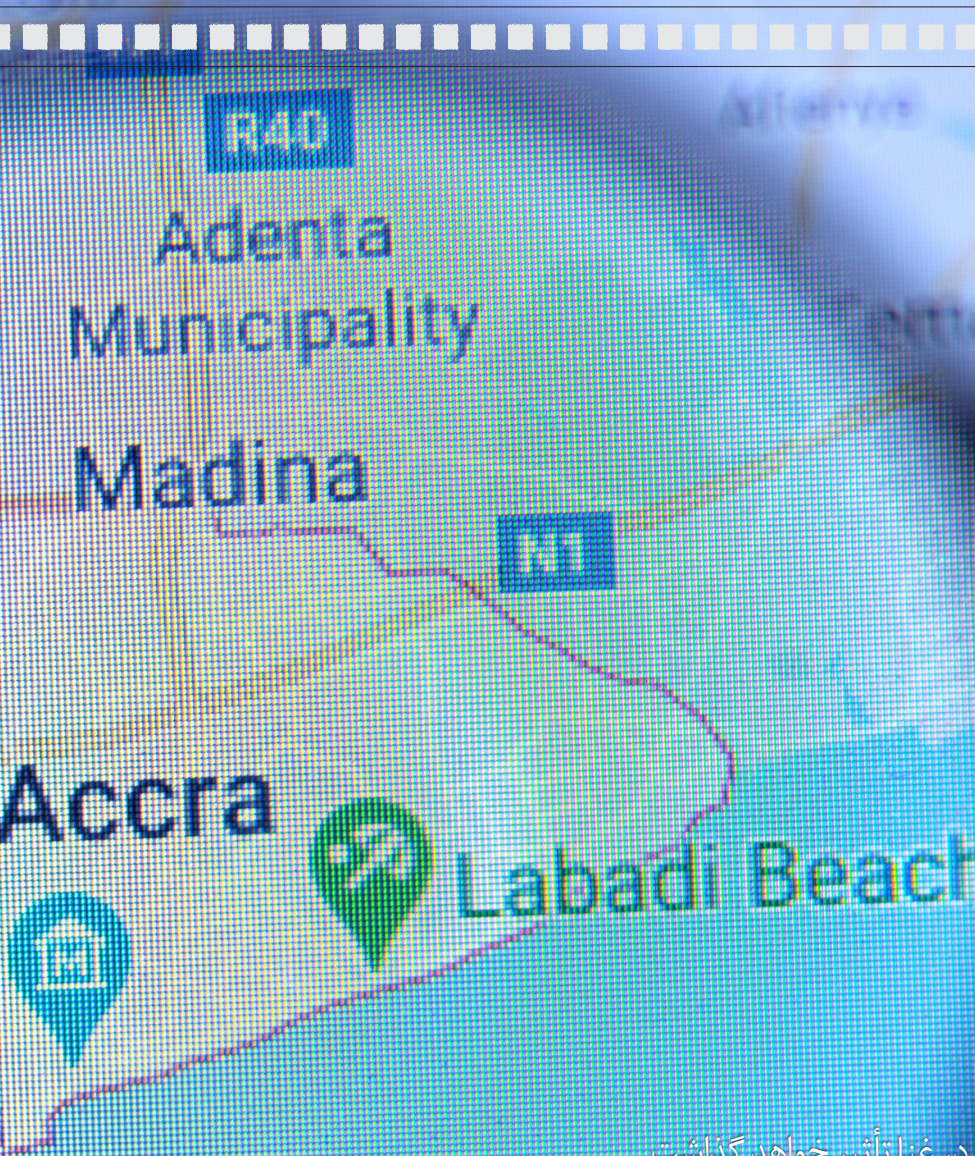
کسر مالیات بر رشوه

تحت شرایط خاصی، رشوه در آلمان تا سال ۲۰۰۲ قانونی بود.

این عجیب‌ترین قسمت نیست طبق سرمقاله ۱۹۹۵ Businessweek، رشوه‌ها نیز از مالیات کسر می‌شد. بیزینس‌ویک می‌گوید که این قانون به ندرت استفاده می‌شود چون باید طرف‌های درگیر را نام ببرید.

همچنین مقررات خاصی وجود داشت، از جمله: «اگر رشوه‌دهنده یا دریافت‌کننده مشمول مجازات‌های کیفری یا تعقیب کیفری که بر اساس تصمیم صلاح‌دید دادستانی متوقف شده بود، کسر رشوه مجاز نبود». برای همکاری و توسعه اقتصادی Businessweek توصیه کرد که این کشور به این رویه پایان دهد، زیرا ۲۰ تا ۳۰ درصد به قراردادهای عمومی اضافه کرد، اما آلمان تا سال ۱۹۹۹ طول کشید تا به طور کلی به کسر مالیات برای رشوه پایان دهد.





مالیات الکترونیکی بر بخش غیررسمی در غنا تأثیر خواهد گذاشت

مفید با چشم اندازی مبهم

افیلیا بیراگو آکو کو

فیلیا بیراگو آکو کو یک محقق توسعه شهری است که بر شهرسازی و اقتصاد غیررسمی از طریق مطالعات موردی عمدتاً کیفی و رویکردهای روش ترکیبی تمرکز دارد. علاقه او همچنین شامل مطالعات جنسیتی و رفاه زنان در شهرهای جنوبی جهان است. او مقالاتی در مورد غیررسمی، جنسیت و توسعه شهری در شهرهای جنوبی جهان دارد.

اریانون مک کلاسیکی

اریانون مدیر ارتباطات و تأثیر مرکز بین المللی مالیات و توسعه، مستقر در مؤسسه مطالعات توسعه است.

تاریخ: جمعه، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲

مالیات تراکنش های الکترونیکی (E-levy)، مالیات ۱٫۵ درصدی بر تمام تراکنش های الکترونیکی است که از اول ماه مه در میان بحث و جدل قابل توجه در غنا اعمال شد. یکی از توجیهات اصلی این مالیات، تسخیر بخش غیررسمی بود. رئیس جمهور غنا، نانا آکوفو آدو، از این مالیات به عنوان اقدامی مهم برای گسترش پایه مالیاتی و بخشی از دستور کار فراتر از کمک غنا دفاع کرد. وی تصریح کرد: نمی توانیم اجازه دهیم کمتر از ده درصد جمعیت بار مالیات مستقیم ۳۰٫۸ میلیون نفر را تحمل کنند. ما باید فرصتی برای هر غنائی فراهم کنیم تا

در ساختن ملت مشارکت کنند... [و] اطمینان حاصل کنیم که اقتصاد پنهان و غیررسمی در حیطه وظایف اقتصاد رسمی قرار می گیرد.» اما آیا مالیات الکترونیکی در تسخیر اقتصاد غیررسمی موثر خواهد بود و این چه تأثیری بر جوانان و اقشار آسیب پذیر خواهد داشت؟

افزایش در آمد با حمایت از اقشار آسیب پذیر

مالیات الکترونیکی پتانسیل افزایش درآمد قابل توجهی را دارد. رشد تراکنش های دیجیتالی در غنا به دنبال

محدودیت های کووید-۱۹ و همراه با آن به سرعت افزایش یافته است. در واقع، غنا با ۴۷٫۳ میلیون حساب ثبت شده و ۱۸٫۴ میلیون کاربر فعال یکی از سریع ترین بازارهای پول موبایل در آفریقای در حال رشد است. به گفته وزیر دارایی، کل تراکنش های دیجیتالی کشور برای سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰۰ میلیارد GH (حدود ۶۲ میلیارد دلار) برآورد شده است. بر این اساس، دولت پیش بینی کرده است که در سال جاری حدود ۹۰۰ میلیون دلار درآمد مالیاتی را برای تأمین مالی توسعه زیرساخت

خواهد داشت.

محدود کردن پتانسیل رشد کارگران غیر رسمی

یکی دیگر از اثرات بالقوه مالیات الکترونیکی کاهش نوآوری در بازار و سرمایه گذاری در سایر سرمایه گذاری های تجاری است. معامله گران بازار غیر رسمی تمایل دارند کالاهای فصلی را بفروشند و در اقلامی سرمایه گذاری کنند که از نظر آنها در فصل سودآور است. حاشیه سود اندک است و اجرای مالیات الکترونیکی می تواند هزینه های عملیاتی را افزایش دهد و در صورت سوء تفاهم و ترس از هر گونه بازده اضافی، مردم را از سرمایه گذاری بیشتر منصرف کند.

علاوه بر این، محدودیت های کووید-۱۹ باعث افزایش بازاریابی آنلاین شد. معامله گران می توانند کالاهای خود را از طریق دوچرخه سواران تحویل دهند که هنگام تحویل توسط مشتریان پول پرداخت می شد در حالی که به فروشندگان از طریق پول موبایل پرداخت می شد. با معرفی مالیات الکترونیکی، این تاجران که بیشتر آنها قبلاً جوانان بیکار بودند، احتمالاً حمایت خود را از دست خواهند داد زیرا خریداران ممکن است از پرداخت پول اضافی برای محصولاتی که می توانند به جای آن شخصا در مغازه ها خریداری کنند، خودداری کنند.

نمایندگان پول سیار، که بسیاری از آنها نیز تا کنون جوانان بیکار بودند، در صورت کاهش حمایت از پول سیار نیز در خطر هستند. به عنوان مثال، جیمز موولی، که به عنوان فروشنده پول سیار در آکرا کار می کند، گفت که قبلاً مشتریان زیادی را از دست داده است، تراکنش ها کاهش یافته است و می ترسد شغل خود را از دست بدهد.

مشارکت ناکافی ذینفعان

اجرای E-levy نیز با عدم وضوح قابل توجه و بسیاری از سوء تفاهم ها و خطاهای اولیه در کاربرد آن، نگرانی های زیادی را بر جای گذاشت. سهامدارانی مانند کنگره اتحادیه کارگری در آکرا عدم مشاوره و ارتباطات را محکوم کردند و به سوء تفاهم رایج در مورد نحوه عملکرد مالیات الکترونیکی به عنوان یک موضوع اصلی اشاره کردند. به عنوان مثال، مدیر انجمن کشاورزان ارگانیک Zuuri، فیلیپ ایامبا، گفت که بسیاری از مردم از معافیت ها اطلاعی ندارند و این باعث می شود که آنها به طور انبوه پول نقد را از کیف پول موبایل خود برداشت کنند و از ترس تحمیل هزینه از استفاده از پول موبایل خودداری کنند.

موسسه آماری تحقیقات اجتماعی و اقتصادی (ISSER) در دانشگاه غنا نیز معتقد است که نرخ E-Levy بسیار بالا تعیین شده است. همانطور که مدیر پروفیسور پیتر کوارتی گفت: «نرخ مالیات ۱۵ درصدی تراکنش های الکترونیکی تنبیهی است و باید بین ۵ تا ۰٫۷۵ درصد کاهش یابد تا افراد بیشتری بتوانند از این سرویس استفاده کنند و از کاهش دستاوردهای دیجیتال جلوگیری شود.

در نتیجه، از آنجایی که مالیات الکترونیکی چندین اثر منفی بالقوه برای گروه های آسیب پذیر دارد، دولت باید تلاش بیشتری برای مشارکت در مشاوره و گفت و گو برای اطلاع رسانی به سیاست ها و اطمینان از تعادل بهتر بین اولویت های گسترش پایه مالیاتی و جمع آوری می کرد. درآمد بیشتر، در عین حال ترویج اقتصاد دیجیتال قابل دسترسی برای همه شهروندان.

ها و هزینه های اجتماعی جمع آوری کند.

مالیات الکترونیکی برای تراکنش هایی از جمله پرداخت پول از طریق تلفن همراه، نقل و انتقالات بانکی و پرداخت های تجاری ثبت نشده اعمال می شود. مالیات الکترونیکی بر عهده فرستنده تراکنش ها است و برای تراکنش هایی که مبلغ آن ۱۰۰ GH¢ (۱۳ دلار) یا کمتر در یک روز است، اعمال نمی شود. این آستانه برای محافظت از اقشار آسیب پذیر تعیین شد. همانطور که وزیر امور خارجه چارلز آدو بوهن گفت: «ما بررسی ها و تجزیه و تحلیل هایی انجام دادیم و متوجه شدیم که حدود ۴۰ درصد از نقل و انتقالات زیر ۱۰۰ GH¢ است، بنابراین ما معتقدیم که تا حد زیادی از اقشار آسیب پذیر جامعه مراقبت می کند.» با این وجود، هنوز چندین اثر نامطلوب احتمالی وجود دارد که مالیات الکترونیکی برای کارگران بخش غیر رسمی خواهد داشت.

تضعیف بهبود بیماری همه گیر

در غنا، اشتغال غیر رسمی ۸۹ درصد از اشتغال در سطح ملی را تشکیل می دهد و کارگران غیر رسمی هنوز از اثرات نامطلوب کووید-۱۹ بهبود نیافته اند. علاوه بر این، تعداد زنان در مشاغل غیر رسمی در غنا ۹۲ درصد از مردان در مقایسه با ۸۶ درصد مردان بیشتر است. این زنان تمایل دارند در اشکال کمتری از کار غیر رسمی، از جمله تجارت خرد و دستفروشی، جمع شوند. سرمایه کم، ترکیب شده با روابط اجتماعی که مسئولیت خانواده بدون مزد را به زنان واگذار می کند، آنها را به ویژه در گروه آسیب پذیر قرار می دهد.

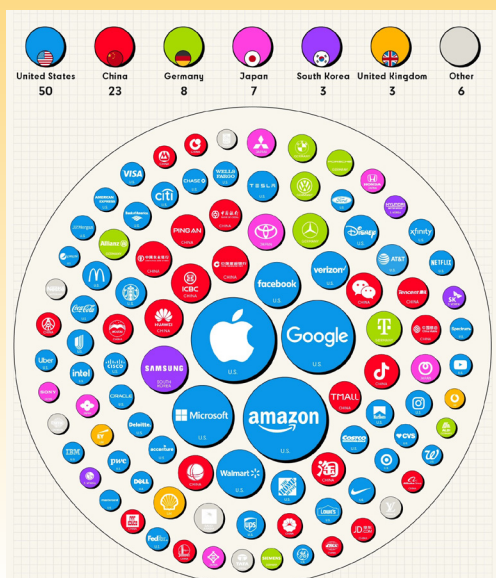
نرخ تورم غنا به بالاترین سطحی که این کشور در ۱۸ سال گذشته دیده بود، رسید و هزینه های مواد غذایی نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش یافت. برای کارگران در بخش غیر رسمی، مالیات الکترونیکی می تواند مانع دیگری برای احیای معیشت آنها باشد.

برای مثال، Comfort Ankrāh در هشت سال گذشته برای راه اندازی فروشگاه مواد غذایی خود در آکرا به انتقال پول از طریق تلفن همراه متکی بوده و از آن برای پرداخت به کشاورزانی که به او عرضه می کنند و پرداخت از مشتریان استفاده می کند. او در هفته حدود ۴۰۰ GH¢ (۵۳ دلار) درآمد دارد و مالیات او را مجبور به استفاده از پول نقد می کند. همانطور که او گفت: «من اکنون نمی توانم به کشاورزانم با پول موبایل پرداخت کنم زیرا مالیات الکترونیکی سود من را کاهش می دهد. اکنون به رانندگان یا بستگانی که به روستا می روند پول می دهم تا بتوانند به کشاورزان پول بدهند. این یک فرآیند پرخطر و طولانی است.»

سخت کردن پس انداز

اکثر کارگران بخش غیر رسمی متعلق به شرکت های کوچک و متوسط هستند و قدرت خرید بسیار کمی دارند و در نتیجه فرهنگ پس انداز ضعیفی دارند. اکثر این کارگران حساب بانکی ندارند اما دارای حساب پول موبایلی هستند. با اجرای E-Levy، کارگران غیر رسمی ممکن است وسوسه شوند که درآمد خود را به جای کیف پول های تلفن همراه خود به صورت نقدی نگه دارند. در واقع، بانک مرکزی گزارش داد که صنعت پول تلفن همراه در دو ماه از نوامبر گذشته بیش از یک میلیارد دلار از دست داده است زیرا مردم قبل از اجرایی شدن مالیات به پول نقد روی آورده اند. از آنجایی که پس انداز پول نقد در دست دشوارتر از پس انداز در یک رسانه الکترونیکی است، احتمالاً تأثیر منفی بر پس انداز

۱۰۰ برند برتر با ارزش در سال ۲۰۲۲



با توجه به ماهیت گریزان برندها، تعیین ارزش مالی یک برند کار دشواری است. علیرغم ناملموس بودن یک برند، انکار اینکه یک برند قوی چقدر می تواند در افزایش سود یک شرکت موثر باشد، سخت است. با در نظر گرفتن این موضوع، Brand Finance در گزارش سالانه جهانی ۵۰۰ خود، چالش شناسایی با ارزش ترین برندهای جهان را بر عهده می گیرد. تصویر، با استفاده از داده های آخرین ویرایش گزارش، ۱۰۰ برند برتر با ارزش در سال ۲۰۲۲ را نشان می دهد. یادداشت سردبیر: این رتبه بندی ارزش برندها را اندازه گیری می کند که می توان آن ها را دارایی های نامشهود مرتبط با بازاریابی در نظر گرفت که هویت و شهرت برند را در ذهن مصرف کنندگان ایجاد می کنند. سعی می کند این را در شرایط مالی اندازه گیری و محاسبه کند که برند برای شرکتی که آن را دارد، چه ارزشی دارد.

که از سال ۲۰۰۷ هر سال منتشر می شود. اپل به عنوان یکی از بزرگترین شرکت های فناوری جهان، بر بازار گوشی های هوشمند تسلط دارد، به ویژه در ایالات متحده، جایی که بیش از ۵۰ درصد از گوشی های هوشمند در حال حاضر آیفون هستند.

تفکیک کامل از با ارزش ترین برندها
اپل با افزایش ۳۵ درصدی نسبت به گزارش سال گذشته، جایگاه اول خود را در رتبه بندی با ارزش ترین برند جهان با ارزش کل برند ۳۳۵٫۱ میلیارد دلار حفظ کرده است. این بالاترین ارزش برند ثبت شده در تاریخ گزارش جهانی ۵۰۰ است

در اینجا لیست ۱۰ برند با ارزش طبق این گزارش آمده است:

رتبه	نام تجاری	ارزش نام تجاری ۲۰۲۲ (B\$)	کشور	بخش
۱	سیب	۳۵۵٫۱ دلار	ایالات متحده	فناوری و خدمات
۲	آمازون	۳۵۰٫۳ دلار	ایالات متحده	کالاهای خرده فروشی و مصرفی
۳	گوگل	۲۶۳٫۴ دلار	ایالات متحده	رسانه و مخابرات
۴	مایکروسافت	۱۸۴٫۲ دلار	ایالات متحده	فناوری و خدمات
۵	والمارت	۱۱۱٫۹ دلار	ایالات متحده	کالاهای خرده فروشی و مصرفی
۶	گروه سامسونگ	۱۰۷٫۳ دلار	کره جنوبی	فناوری و خدمات
۷	فیس بوک	۱۰۱٫۲ دلار	ایالات متحده	رسانه و مخابرات
۸	ICBC	۷۵٫۱ دلار	چین	بانک و بیمه
۹	هواوی	۷۱٫۲ دلار	چین	فناوری و خدمات
۱۰	Verizon	۶۹٫۶ دلار	ایالات متحده	رسانه و مخابرات



شاهد افزایش سرسام آور پایگاه کاربری خود بود و تنها در دو سال از ۲۹۱،۴ میلیون به ۶۵۵،۹ میلیون رسید. بر اساس پیش بینی های Insider Intelligence، اگر این رشد ادامه یابد، TikTok می تواند تا سال ۲۰۲۵ به یک میلیارد کاربر برسد.

یکی دیگر از برندهای ارزش برجسته TikTok است. این شرکت رسانه های اجتماعی نسبت به سال گذشته ۲۱۵ درصد افزایش در ارزش برند خود را تجربه کرد و آن را به سریع ترین برند در حال رشد در کل لیست تبدیل کرد. بین سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، این پلتفرم

پس از اپل، آمازون با ارزش برند ۳۵۰،۳ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار دارد. این تعجب آور نیست، با توجه به اینکه این غول فناوری اغلب خود را با اپل در رده بندی می بیند و حتی در نسخه های قبلی گزارش در جایگاه اول قرار گرفته است.

با ارزش ترین بخش ها

بیش از یک سوم از برندهای موجود در لیست در بخش فناوری و خدمات قرار دارند. در مجموع، این دسته دارای ارزش نام تجاری ۲،۰ تریلیون دلار است.

بخش	ارزش برند	% از ۱۰۰ برتر
فناوری و خدمات	۲،۰ تریلیون دلار	۳۶،۸٪
رسانه و مخابرات	۱،۰ تریلیون دلار	۱۹،۲٪
کالاهای خرده فروشی و مصرفی	۹۱۰ میلیارد دلار	۱۶،۸٪
بانک و بیمه	۶۳۴ میلیارد دلار	۱۱،۷٪
انرژی و تاسیسات	۴۱۱ میلیارد دلار	۷،۶٪
اتومبیل	۴۰۰ میلیارد دلار	۷،۴٪
مراقبت های بهداشتی	۳۳۳ میلیارد دلار	۵،۶٪

جالب اینجاست که کشورهای اروپایی تنها ۱۴ درصد از این فهرست را تشکیل می دهند که نشان می دهد چقدر سلطه اقتصادی اروپا در چند دهه گذشته کاهش یافته است.

در دهه ۱۹۶۰، اروپا تقریباً یک سوم کل تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می داد. اما در سال ۲۰۱۷ به ۱۶ درصد کاهش یافت. بر اساس پیش بینی مرکز Pardee در دانشگاه دنور، انتظار می رود سهم اتحادیه اروپا از تولید ناخالص داخلی جهانی تا سال ۲۱۰۰ به ۱۰ درصد کاهش یابد.

البته، اگر تاریخ چیزی به ما آموخته باشد، این است که در طول یک قرن چیزهای زیادی می توانند تغییر کنند. اینکه چگونه رتبه بندی این چینی در دهه های آینده به نظر خواهد رسید، حدس هر کسی است.

اقتصاد جهانی را تهدید می کند، گزارش سال آینده ممکن است شاهد تغییرات بزرگی در ارزش برند باشد. جغرافیای برندهای ارزشمند هنگامی که به محل استقرار این برندها نگاه می کنیم، می بینیم که ایالات متحده و چین ۷۳ مورد از ۱۰۰ برند برتر در رتبه بندی را به خود اختصاص داده اند. حتی شگفت انگیز تر - فقط شش کشور ۹۴ درصد از این فهرست را تشکیل می دهند. رشد شرکت های چینی در صحنه جهانی در این تجسم منعکس شده است. به عنوان یک نقطه مقایسه، یک دهه پیش، تنها شش شرکت چینی در رتبه بندی ۱۰۰ برتر Brand Finance قرار گرفتند و هیچ یک از آنها از نظر ارزش برند در ۳۰ شرکت برتر قرار نداشتند.

رسانه دومین بخش با ارزش است - ۱۹٪ از ۱۰۰ برند برتر در بخش رسانه و ارتباطات از جمله، Google، Facebook و WeChat قرار دارند. COVID-۱۹ تا حدودی دلیل این امر است، زیرا مصرف رسانه ها در سراسر همه گیری جهانی افزایش یافته است. به عنوان مثال، در نه ماه اول سال ۲۰۲۱، استفاده روزانه از اسنپ چت ۷۷ درصد رشد داشته است. علیرغم افزایش جذب کاربران، شایان ذکر است که این شرکت اکنون احساس درد می کند زیرا ادنیای واقعی بار دیگر برای جلب توجه به رقابت می پردازد و تبلیغ کنندگان به دلیل اختلالات رکود اقتصادی شروع به شیخ برنامه می کنند. از آنجایی که محدودیت های همه گیر در سراسر جهان کم رنگ می شوند و زمزمه های رکود جهانی رشد



بررسی تجربه بنگلادش در جمع آوری و توزیع مالیات بر ثروت اسلامی؛

فرصت بر باد رفته

فاطمه جوهورا | تاریخ: دوشنبه ۱۰ می ۲۰۲۱

فاطمه یک متخصص توسعه از بنگلادش است. او در حال حاضر دانشجوی موسسه مطالعات توسعه، مستقر در دانشگاه ساسکس است.

در حالی که بسیاری از اقتصاددانان و سیاستمداران شروع به صحبت جدی در مورد استفاده از مالیات بر ثروت برای افزایش درآمد دولت و جلوگیری از افزایش نابرابری کرده‌اند، از هر چهار نفر یک نفر در سراسر جهان مشمول مدل مالیاتی مشابهی به نام زکات است. در قالب زکات، مسلمانان در سراسر جهان که دارای ثروتی بیش از یک آستانه خاص هستند، موظفند ۲.۵ درصد از ثروت انباشته یک سال را به فقرا و محرومان اهدا کنند. اندازه رقم زکات قابل توجه است. تخمین زده می شود بین ۲۰۰ تا ۱ تریلیون دلار در سال باشد.

زکات در بنگلادش

در بنگلادش که بیش از ۹۰ درصد از جمعیت آن مسلمان هستند، زکات هم اداره دولتی و هم بخش خصوصی دارد. صندوق زکات دولت توسط هیئتی زیر نظر بنیاد اسلامی اداره می شود و سازمان هایی مانند مرکز مدیریت زکات، انجمن مفید اسلام و بنیاد کوانتوم نیز در جمع آوری و توزیع زکات فعالیت دارند. سازمان های غیردولتی زکات را با سازماندهی برنامه هایی مانند برنامه های معیشتی و توسعه انسانی، بورسیه های تحصیلی برای کودکان محروم و کمک های بشر دوستانه اضطراری توزیع می کنند. با وجود این بودجه و برنامه ها، توزیع فردی زکات رایج ترین عمل در بنگلادش است. این عمدتاً شامل توزیع لباس، کمک به بودجه مسجد و ارائه انتقال مستقیم نقدی در جوامع محلی خود می شود. مسائل متعددی وجود دارد که پتانسیل زکات را برای مهار نابرابری و کاهش فقر محدود می کند.

زکات

چگونه کار می کند؟

زکات یک کمک خیریه ساده نیست. این یک سیستم مبتنی بر قواعد از خیریه اجباری (گاهی مذهبی، گاهی در واقع قانونی) است. مانند مالیات بر ثروت، یکی از اهداف زکات، توزیع مجدد ثروت است. با این حال، برخلاف مالیات، دسته های خاصی از دریافت کنندگان زکات واجد شرایط (فقر، نیازمند، بدهکار) وجود دارد که توسط قوانین اسلامی تعیین شده اند. از نظر تاریخی، زکات از زمان حضرت محمد (ص) توسط دولت اداره می شد. با این حال، در آموزه های دینی هیچ نشانه روشنی وجود ندارد که آیا جمع آوری و توزیع زکات باید متمرکز، غیر متمرکز، نهادینه یا به صورت فردی مدیریت شود. به عنوان یک مشارکت شبه داوطلبانه، شیوه های مدیریت زکات در سراسر جهان متفاوت است. در برخی از کشورها (عربستان سعودی، پاکستان، سودان) قانون دولتی موظف است، در حالی که در بسیاری دیگر (از جمله اندونزی، ایران، کویت و بنگلادش) دولت وجوه زکات داوطلبانه را اداره می کند. بسیاری از مسلمانان نیز زکات را به سازمان های غیردولتی کمک می کنند یا مستقیماً به نیازمندان جوامع خود می دهند. با افزایش منازعات بین بازیگران دولتی و غیردولتی برای اداره زکات، مهم است که مسائل موجود را بررسی کنیم. من این کار را در مورد بنگلادش انجام می دهم.

عدم قابلیت ردیابی و اعتماد

هیئت دولتی زکات که مسئولیت مدیریت زکات در سراسر کشور را بر عهده دارد، هم در جمع آوری و هم در استفاده از بودجه شفافیت ندارد. از آنجایی که امکان ردیابی چگونگی و مکان مصرف این وجوه وجود ندارد، پرداخت کنندگان زکات اعتماد چندانی به توانایی دولت برای توزیع آن بین دریافت کنندگان واجد شرایط ندارند. در بنگلادش، بسیاری از مردم ترجیح می دهند کمک های خود را به رهبران مذهبی، که بسیار با نفوذ و مورد اعتمادتر از بوروکرات های دولتی هستند، هدایت کنند، در حالی که دیگران احساس راحتی می کنند که مستقیماً به آنها کمک کنند تا بتوانند با گیرنده ارتباط برقرار کنند.

رفتار مالیاتی ناسازگار

مشابه رویه بسیاری از کشورهای غربی مبنی بر اجازه کسر مالیات برای کمک های مالی افراد یا شرکت ها به موسسات خیریه ثبت شده، در بنگلادش، بخش ۴۴ فرمان مالیات بر درآمد ۱۹۸۴، معافیت یا کسر مالیاتی را برای هر مبلغی که به سازمان های خیریه پرداخت می شود، مجاز می سازد. صندوق زکات یا به عنوان کمک مالی به یک صندوق خیریه که به موجب مصوبه صندوق زکات تأسیس شده است. در اجرای این کسر مالیات پیچیدگی هایی وجود دارد، زیرا این امر مستلزم هماهنگی بین سازمان های دولتی و مدیران محلی زکات است. علاوه بر این، از آنجایی که کسر مالیات فقط برای کمک هایی که به صندوق های دولتی اختصاص داده می شود، اعمال می شود، بسیاری از افرادی که انتخاب کردند زکات را به روش های دیگر توزیع کنند، ممکن است با پرداخت کل مبلغ مالیات و همچنین ۲.۵ درصد زکات، با بار بیشتری مواجه شوند.

نقش دولت

با توجه به چالش هایی که در بالا توضیح داده شد، زکات به اندازه ای که در بنگلادش می تواند تأثیرگذار باشد، نیست. نقش دولت برای مؤثرتر کردن جمع آوری و توزیع زکات و دستیابی به پتانسیل آن برای کاهش فقر و نابرابری بسیار مهم است. با این حال، برخی از سوالات کلیدی در مورد این موضوع باقی می ماند: چگونه دولت می تواند نقش مؤثرتری در اجرای زکات ایفا کند؟ آیا باید تمرکز بر ایجاد مشارکت های استراتژیک با بازیگران مختلف باشد که آن را برای کارآمدترین توزیع مدیریت می کنند در حالی که دولت به عنوان هماهنگ کننده مرکزی حضور دارد؟ یا باید هدف دولت این باشد که به عنوان برگزیده مدیریت زکات، قابل اعتمادترین باشد و نیازی به سایر بازیگران نداشته باشد؟

توزیع ناهماهنگ

ارتباط بسیار کمی بین همه بازیکنانی که وجوه زکات را در بنگلادش مدیریت می کنند وجود دارد. با توجه به عوامل دولتی، سازمان های داوطلبانه خصوصی و افرادی که زکات را مدیریت می کنند، فقدان حرفه ای بودن و شبکه ها یا سیستم های مؤثر برای هماهنگی، این فرآیند را ناکارآمد کرده است. در برخی جوامع، مردم چندین بار زکات را از منابع مختلف دریافت می کنند، در حالی که افرادی که در مناطق صعب العبور زندگی می کنند، اغلب مورد غفلت قرار می گیرند.

آیا قرارداد بین المللی مالیاتی جدید به نفع کشورهای کم درآمد است استعمار نو آمریکایی

همانطور که مستحضرد تکامل تدریجی چارچوب جامع اویسیدی در مورد فرسایش پایه و انتقال سود، در نهایت به نوعی توافق جهانی در زمینه راه حل موسوم به ارکان دوگانه برای مقابله با فرسایش پایه و انتقال سود با هدف مقابله با فرار مالیاتی، حصول اطمینان از یکرندی قواعد مالیاتی بینالمللی، و در نهایت رسیدن به فضای مالیاتی شفافتر انجامیده است. امروزه راه حل مزبور برای مقابله با چالشهای حاصل از اخذ مالیات از اقتصاد دیجیتالی نیز هدفگیری شده است.

رکن نخست از راه حل مزبور، در مورد شرکتهای چندملیتی اعمال میشود و بخشی از درآمدهای مشمول مالیات را به کشورهای بازار این شرکتها باز تخصیص میدهد. بدین ترتیب، نرخ مؤثر مالیاتی و تعهدات مالیات بر درآمد تغییر مییابد و ترتیبات کنونی قیمتگذاری انتقالات دستخوش دگرگونی میشود. اویسیدی تعداد مؤسسات مشمول رکن یک را بتدریج میافزاید و اهل کسب و کار باید آثار بلند مدت این تغییرات را ارزیابی کنند.

هدف از رکن دوم نیز این است که درآمد با نرخی مناسب مشمول مالیات گردد و این رکن، سازوکارهایی پیچیده برای حصول اطمینان از پرداخت مالیات دارد و بهرهگیری از شکلهایی جدید از دادههای مالی را ایجاب میکند که برخی سازمانهای مالیاتی احتمالاً در حال حاضر به چنین دادههایی دسترسی ندارند.

اویسیدی همچنان در حال جمع آوری نظرات سازمانها و مجامع مالیاتی برای این راه حل مبارزه با فرار مالیاتی بین المللی است.

آیدیه جاکوبز | تاریخ: دوشنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۲
برگردان: مرتضی ملاتنر

آیدیه جاکوبز به عنوان مشاور ارشد سیاستگذاری در حال حاضر بر نابرابری و عدالت مالیاتی در آکسفام تمرکز دارد. وی پیش از این مشاور ویژه و پژوهشگر سیاست متخصص در حکومت جهانی و امور مالی بین المللی بود. او محقق در دانشکده اقتصاد لندن و دانشگاه کاتولیک لووین و همچنین یک امدادگر برای MSF بوده است.

اکتبر گذشته، ۱۳۷ کشور از ۱۴۰ حوزه قضایی که عضو چارچوب فراگیر هستند، به توافقی در سطح بالا درباره مالیات شرکت های چند ملیتی دست یافتند که ترکیبی از بخش اول، تخصیص مجدد حقوق مالیاتی به کشورهای بازار و بخش دوم، حداقل نرخ مؤثر مالیاتی جهانی ۱۵ درصد است. این توافق بر اساس پیشنهادات ارائه شده توسط OECD، باشگاهی متشکل از کشورهای با درآمد بالا است. چهار کشور با درآمد متوسط (کنیا، نیجریه، پاکستان و سرلانکا) این توافق را تأیید نکرده اند و کشورهایی که این توافق را تأیید کردند، اکنون با انتخاب اجرای آن با عدم اجرای آن روبرو هستند. بنا بر گزارش ها، برخی کشورها با اکراه آن را تأیید کردند. به گفته وزیر دارایی آرژانتین، این انتخاب بین یک توافق بد یا بدتر (اصلاً بدون توافق) بود. مجمع اداره مالیات آفریقا با حاشیه رانده شدن منافع کشورهای آفریقایی ابراز تأسف کرده است.

بنابراین، این وضعیت کشورهای با درآمد پایین و متوسط (LMIC) را در کجا قرار می دهد؟ این توافق چقدر برای آنها سودمند است و آنها باید در مورد آن چه کنند؟

بخش اول: انقلابی، اما ناچیز

این تصمیم انقلابی است زیرا برای اولین بار برخی از حقوق مالیاتی را به کشورهای مقصد (محل که فروش نهایی کالاها یا خدمات شرکت های چندملیتی انجام می شود) در مقابل کشورهای مقیم (مرکز شرکت ها) یا کشورهای مبدا (که میزبان هستند) اعطا می کند. این توزیع مجدد باید به نفع LMICها باشد، زیرا آنها بندرت کشورهای مقیم هستند

و سودهایی که می توانند در مبدا مالیات بگیرند معمولاً کم است. با این وجود، این رقم نیز ناچیز است زیرا فقط در مورد کسری از سود بخشی از شرکت ها کاربرد دارد. به طور خاص، ۲۵ درصد از سود مشمول مالیات را بالاتر از حاشیه سود ۱۰ درصدی تنها در حدود یکصد شرکت بزرگ با گردش مالی سالانه جهانی بیش از ۲۰ میلیارد یورو توزیع خواهد کرد و صنایع استخراجی و مالی را مستثنی می کند.

تغییر کوچک، با گرفتن

تأثیر این موضوع بر درآمدهای مالیاتی LMICها کم خواهد بود. با استفاده از روشی که توسط Oxford Economics ایجاد شده است، آکسفام تخمین می زند که ۴۹ درصد کشورهای LMIC که داده های آن ها در دسترس است، می توانند در مجموع از طریق بخش اول درآمد مالیاتی اضافی را در سال به ۲۴۹ میلیون دلار برسانند. این تنها ۰.۲۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها است. برخی از کشورهای کم درآمد ممکن است کمتر از ۱ میلیون دلار در سال به دست بیاورند (یا حتی در جایی که فروش شرکت های بزرگ بسیار پایین است) هیچ سودی نداشته باشند، که ممکن است ارزش هزینه های اجرایی را نداشته باشد.

شاید بتوان گفت کمی بهتر از هیچی است. اما یک گرفتاری وجود دارد. بخش اساسی این معامله این است که همه کشورها از اخذ مالیات بر خدمات دیجیتال و «سایر اقدامات مشابه مرتبط» (هنوز تعریف نشده) صرف نظر کنند.

بر اساس قوانین فعلی، کشورها فقط می توانند از شرکت هایی که حضور فیزیکی در قلمرو خود دارند مالیات بگیرند. خدمات دیجیتالی مانند جستجوی وب (مثلاً گوگل) یا شبکه های اجتماعی (مثلاً فیس بوک) که در سراسر مرزها ارائه می شوند، از مالیات در کشورهای مقصد فرار می کنند. علاوه بر این، آنها منعکس کننده قدرت انحصاری هستند و سهم فزاینده ای از اقتصاد جهانی را نشان می دهند.

تعداد زیادی از کشورهای مالیات خدمات دیجیتال (DST) یا اقدامات مشابه را اتخاذ کرده اند یا در نظر دارند. این شامل LMICهایی مانند نیجریه، پاکستان، کنیا و سیرالئون می شود. آکسفام تخمین می زند که اگر همه ۴۹ درصد

کشورهای LMIC مالیاتی معادل ۳ درصد از درآمد ناخالص از خدمات دیجیتال خودکار مالیات دریافت کنند، می توانند تقریباً به همان میزانی که در ستون ۱ کسب می کنند، درآمد کسب کنند. برخی کشورها با حفظ یا اتخاذ چنین مالیاتی سود بیشتری خواهند داشت یا می توانند نرخی بالاتر از ۳٪ تعیین کنند یا «اقدامات مشابه دیگر» را اتخاذ کنند (به عنوان مثال، مشخص نیست که آیا قانون «حضور اقتصادی قابل توجه» نیجریه در این موضوع مجاز است یا خیر).

از آنجا که شرکت های بزرگ خدمات دیجیتال عمده آمریکا هستند، دولت ایالات متحده DSTها را به عنوان یک مانع تجاری تبعیض آمیز در نظر می گیرد. تحریم های تجاری را بر دوجین کشوری که چنین مالیات هایی را پذیرفته بودند، اعمال کرد که سپس در نتیجه توافق چارچوب فراگیر حذف شدند. این جنگ تجاری قریب الوقوع همان چیزی است که در وهله اول فرآیند مذاکره تصمیم اول را هدایت کرد، و کنار گذاشتن DSTها بخش اصلی معامله است. موضع ایالات متحده غیر منطقی است: این واقعیت که تقریباً همه شرکت های بزرگ فناوری آمریکایی هستند، DSTها را تبعیض آمیز نمی کند. DSTها برای سرعت آمریکایی ها طراحی نشده اند، بلکه برای پاسخ به یک روند جدید اقتصادی و قوانین مالیاتی بین المللی منسوخ شده اند. تهدید تحریم های تجاری علیه کشورهای مستقلی که از حقوق مالیاتی خود استفاده می کنند، قدری دوران ترامپ است که متأسفانه توسط دولت بایدن ادامه یافته است. LMICها باید محکم بایستند. هر کشوری باید نگاه دقیقی به آنچه می تواند از بخش اول این سیاست جدید در مقابل DST

یا «سایر اقدامات مشابه مرتبط» به دست آورد داشته باشد و تعیین کند که چه چیزی برای آنها بهترین است. اگر ایالات متحده تحریم های تجاری را دنبال کند، باید به خاطر آنچه که هست محکوم شود: استعمار نو.

بخش دوم: بهتر از وضعیت موجود، اما مغرضانه در برابر LMIC

حداقل مالیات جهانی به این معنی است که تقریباً همه شرکت های بزرگ چند ملیتی، تقریباً در همه کشورهای که در آن فعالیت می کنند، نرخ مؤثر مالیاتی ۱۵ درصدی را بپردازند. هدف آن دو چیز است: جلوگیری از اجتناب مالیاتی و رقابت مالیاتی. اجتناب مالیاتی سوء استفاده از بهشت های مالیاتی توسط شرکت های چند ملیتی است که از ترندهای حسابداری برای انتقال سود خود از کشورهای دارای مالیات بالا به کشورهای کم یا بدون مالیات استفاده می کنند. با حداقل مالیات جهانی، انتقال سود به کشورهای با نرخ مؤثر مالیاتی کمتر از ۱۵ درصد معنی ندارد. این در نهایت باید بهشت های مالیاتی صفر مانند برمودا را از کار بیاندازد. رقابت مالیاتی، رقابت جهانی به سمت پایین است که دولت ها برای دهه ها درگیر آن بوده اند، نرخ های مالیات شرکت ها را کاهش می دهند یا مشوق های مالیاتی برای جذب سرمایه گذاری خارجی (اغلب اوقات بی اثر) می دهند. با حداقل مالیات جهانی، کاهش نرخ مؤثر مالیاتی یک کشور به زیر حداقل نرخ جهانی، به خودی خود تبدیل می شود، زیرا کشورهای دیگر این تفاوت را جمع آوری می کنند و کشور را از دادن مشوق های مالیاتی از درآمد محروم می کنند و در عین حال هر گونه تأثیری را که این مشوق ها ممکن است بر روی آن داشته باشد، از بین می برند. بسیاری از LMIC نرخ های قانونی بالایی دارند، اما مشوق های مالیاتی ارائه می دهند و حداقل مالیات جهانی آنها را قادر می سازد تا با حذف برخی از مشوق های مالیاتی بدون تأثیر بر سرمایه گذاری خارجی، درآمد بیشتری کسب کنند. به هر حال مقصود همین است. افسوس که این توافق چندین نقطه ضعف دارد.

خیلی کم، خیلی کم

یک مشکل این است که ۱۵ درصد بسیار پایین است - برای مثال، به سختی بالاتر از نرخ فعلی ایرلند. با توجه به اینکه میانگین نرخ مالیات شرکتی قانونی نزدیک به ۲۵٪ است و بسیاری از LMIC ها نرخ های بالای ۳۰٪ دارند، حداقل نرخ مؤثر ۱۵٪ فضای زیادی را برای اجتناب از مالیات قابل توجه و رقابت مالیاتی باقی می گذارد.

مشکل دوم «حفظ مواد» است که سودهای معمول مرتبط با عملیات آجر و ملات را از حداقل مالیات جهانی معاف می کند. این امر حداقل نرخ مؤثر واقعی مالیات جهانی را به زیر ۱۵ درصد کاهش می دهد و تأثیر آن بر رقابت مالیاتی را به میزان قابل توجهی کاهش می دهد.

مشکل در دستور نوک زدن

مشکل سوم این است که حداقل مالیات جهانی پیشنهادی توسط کشورهایی که مقر اصلی شرکت های چند ملیتی و با درآمد بالا هستند، جمع آوری می شود. تنها در صورتی که کشور مقر از حداقل مالیات جهانی انصراف دهد، به کشورهایی که شرکت های چند ملیتی در آن فعالیت می کنند از جمله LMIC اجازه دریافت آن را خواهند داشت. این دستور نوک زدن آخرین تجلی کشمکش بین شرکت های چند ملیتی محل اقامت و کشورهای مبدأ است که به دهه ۱۹۲۰ باز می گردد، زمانی که قدرت های استعماری ادعای حقوقی برای اولی کردند. مذاکرات تحت سلطه اعضای OECD بوده است و این دستور نوک زدن از

همان ابتدا در طراحی گنجانده شده بود. این استعمار نو، خالص و س ساده است. این به ما یادآوری می کند که چرا قوانین مالیاتی جهانی باید توسط سازمان ملل متحد تدوین شود نه OECD.

در عمل، این دستور نوک زدن به این معنی است که کشورهای مبدأ باید کار مبارزه با اجتناب مالیاتی را به کشورهای مقیم واگذار کنند. در این توافقنامه آمده است که اعضای چارچوب فراگیر باید اجرای بخش دوم را توسط سایر اعضا بپذیرند. ایالات متحده در حال تنظیم قوانین در انتظار کنگره است که شرکت های چند ملیتی مشمول بخش دوم را از مالیات ضد سوء استفاده از فرسایش پایه ایالات متحده BEAT معاف می کند. این توافق همچنین ممکن است حق حاکمیت LMIC ها را برای اتخاذ مالیات های ضد فرسایش یک جانبه (که مالیات بر برخی پرداخت ها بین شرکت های تابعه یک شرکت چند ملیتی است) محدود کند.

به اصطلاح «قاعده مشمول مالیات» که بخشی از این توافقنامه است یک جایزه تسلیت ضعیف برای LMIC ها در این زمینه است. این به LMIC ها اجازه می دهد تا معاهده های مالیاتی دوجانبه را برای جمع آوری مالیات های نگه داشته شده بیشتر روی حق امتیاز و بهره ها اصلاح کنند. اما با سه محدودیت عمده همراه است: این به همکاری پناهگاه های مالیاتی بستگی دارد که ممکن است چارچوب فراگیر را ترک کنند. نرخ مالیات تکلیفی فقط ۹٪ محدود شده است. و سود، حق امتیاز و هزینه خدمات تعبیه شده در بهای تمام شده کلای فروخته شده را پوشش نمی دهد. به احتمال زیاد تمام هزینه های خدمات و سود سرمایه را پوشش نمی دهد. OECD پاسخ می دهد که اولویت برای کشورهای مقیم، اجرای حداقل مالیات جهانی را بسیار آسان تر می کند، زیرا هر شرکت چند ملیتی مالیات را به یک کشور (کشور خود) به جای همه کشورهایی که در آن فعالیت می کند، پرداخت می کند. OECD همچنین استدلال می کند که حداقل مالیات جهانی در نهایت ناپدید می شود و پایه مالیاتی آن سودهایی است که در حال حاضر در بهشت های مالیاتی پنهان شده است، که با گذشت زمان کاهش می یابد زیرا شرکت های چند ملیتی ساختارهای برنامه ریزی مالیاتی پیچیده خود را باز می کنند.

همه کشورها می توانند از طریق مالیات بر درآمد شرکتی معمولی خود، از سودهایی که دیگر به بهشت های مالیاتی منتقل نمی شوند، مالیات بگیرند. در واقع، از زمان دستیابی به این توافق، هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا اعلام کرده اند که بر سود داخلی شرکت های چند ملیتی فعال در قلمرو آنها «مالیات اضافی» وضع خواهند کرد تا اطمینان حاصل شود که همه آنها نرخ مؤثری معادل ۱۵ درصد را پرداخت می کنند. بنابراین مجبور به پرداخت حداقل مالیات جهانی به کشورهای محل اقامت خود نخواهند بود.

LMIC چگونه باید به بخش دوم نزدیک شوند؟

به عنوان یک اولویت، LMIC ها باید مشوق های مالیاتی خود را بازبینی کنند یا با اتخاذ مالیات های داخلی از ایالات متحده و اتحادیه اروپا الگو برداری کنند تا اطمینان حاصل شود که همه شرکت های چند ملیتی فعال در خاک آنها ۱۵ درصد نرخ مالیات مؤثر را در منبع پرداخت می کنند. در حالی که مالیات های اضافی تضمین می کند که سودهایی که واقعا در LMIC ها اعلام می شوند توسط آن کشورها مشمول مالیات می شوند و نه کشورهای مقیم، اما مانع از انتقال سود شرکت های چند ملیتی به خارج از LMIC ها به بهشت های مالیاتی با نرخ پایین نمی شوند. برای مقابله با تغییر سود، LMIC ها باید بین اجرای بخش دوم یا اتخاذ مالیات بر فرسایش پایه یکجانبه انتخاب کنند. هر کشوری

باید تجزیه و تحلیل هزینه و فایده خود را با نظر گرفتن نکات زیر انجام دهد: LMICs تقریباً هیچ درآمد مستقیمی از بخش دوم به دلیل نظم نوک استعماری آن نخواهد داشت. ارزیابی تأثیر OECD در بخش دوم نشان می دهد که LMIC ها درآمد مستقیم از حداقل مالیات جهانی معادل ۱ تا ۲ درصد از درآمد مالیات شرکت فعلی خود را به دست می آورند. با توجه به محدودیت داده ها، ارزیابی OECD بر این فرض تکیه دارد که سود شرکت های چند ملیتی مستقر در کشورهایی که از حداقل مالیات جهانی انصراف می دهند بین سایر کشورها بر اساس سهم آنها از گردش مالی جهانی شرکت ها توزیع می شود.

توافقنامه بیان می کند که این سودها به کشورهایی که میزبان شرکت های تابعه هلدینگ میانی هستند و حداقل مالیات جهانی را انتخاب می کنند، مانند ایرلند، لوکزامبورگ و هلند تعلق می گیرد. اگر آنها مالیات داخلی را اتخاذ کنند، این کشورها نیز درآمدی به دست خواهند آورد در غیر این صورت توسط LMIC ها از طریق قانون موضوع مالیات جمع آوری شده است. با این وجود، LMIC ها از حداقل مالیات جهانی درآمد غیر مستقیم با پویا به دست خواهند آورد زیرا هم اجتناب مالیاتی و هم رقابت مالیاتی را کاهش می دهد. با این حال، حتی اگر از حداقل مالیات جهانی انصراف دهند، تا زمانی که توده مهمی از کشورهای مقیم مانند GY انتخاب کنند، از این مزایا بهره خواهند برد. انصراف LMIC ها از حداقل مالیات جهانی هیچ هزینه ای ندارد، تا زمانی که نرخ مؤثر مالیاتی آنها بالای ۱۵ درصد باشد که در صورت اتخاذ مالیات های داخلی افزایش می یابد.

اگر اتحادیه اروپا همه کشورهای را که از حداقل مالیات جهانی انصراف می دهند به عنوان بهشت مالیاتی در لیست سیاه قرار دهد، این موضوع تبعاتی به همراه خواهد داشت. ایده خوبی است که حداقل نرخ جهانی را به عنوان یکی از معیارهای فهرست بهشت های مالیاتی اعلام کنیم. اما ظالمانه است که LMIC های با مالیات بالا را به عنوان بهشت مالیاتی در لیست سیاه قرار دهیم به این دلیل که آنها از یک معامله نواستعماری امتناع می ورزند.

از اینجا به کجا؟

به طور خلاصه، اکثر LMIC ها با پذیرش بخش اول درآمد کسب خواهند کرد، البته بسیار اندک، به استثنای کشورهایی که قبلاً DST با معیار مشابهی دارند و ممکن است ضرر کنند، و اقتصادهای بسیار کوچک. اکثر LMIC ها با پذیرش بخش دوم (به غیر از مالیات داخلی) احتمالاً چیزی به دست نمی آورند. تنها معهود LMIC هایی که محل اقامت شرکت های چند ملیتی بزرگ هستند می توانند به طور معنی داری سود ببرند. با این حال، هر دو بخش همچنین با ممانعت از اتخاذ برخی اقدامات یکجانبه که به طور بالقوه می تواند درآمدی بیش از میزان ناچیزی که از توافق انتظار دارند، به دست آورند، حاکمیت LMIC ها را محدود می کنند.

بنابراین، قیل از عجله در پذیرش و اجرا، هر کشور باید تأثیر هر بخش را با جایگزین های یکجانبه بر اساس شرایط بومی خود، در حال حاضر و در آینده مقایسه کند. کشورهای با درآمد بالا باید اقدامات ارباب کهنه مانند تحریم های تجاری را قرار دادن لیست سیاه LMIC هایی را که بهشت مالیاتی واقعی نیستند، کنار بگذارند. اگر چارچوب فراگیر بخواهد فراگیر باقی بماند، باید به اعضای LMIC خود اجازه دهد که موافقتنامه چندجانبه بخش اول را امضا نکنند، «سایر اقدامات مرتبط مشابه» را بسیار محدود تعریف کنند یا LMIC ها را به طور کلی از آن محدودیت مستثنی کنند، و به آنها اجازه دهد که مالیات پایه را اتخاذ کنند. مالیات، که باید با قوانین بخش دوم سازگار در نظر گرفته شود.

تغییر سیاست‌های مالیاتی ایالتی و محلی امریکا

رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و تولید ناخالص داخلی

۱۴ ژوئن ۲۰۲۲

۲۴ خرداد ۱۴۰۱

نویسنده: تیموتی ورنیر

برگردان: فرشید فردونی



شده، یا تغییر از یک نرخ نهایی پایین تر به یک نرخ نهایی بالاتر، اغلب با رشد اقتصادی رابطه منفی دارد. بد نیست به این نکته هم اشاره شود که بسیاری از مطالعات و پژوهشهای مورد اشاره در این بررسی، با داده‌های مالیات بر درآمد در سطح ملی تکمیل شده‌اند. با این حال، این موضوع نباید یافته‌های مطالعات را نسبت به تعمیم آنها در سطح ایالتی بی‌اعتبار کند. در واقع، بسیاری از مطالعات به طور ضمنی تأثیر مالیات‌ها را بر اقتصادهای نسبتاً بسته بررسی می‌کنند - اقتصادهایی که عوامل تولید در داخل مرزهای یک کشور محدود می‌شوند. برخلاف اقتصاد ملی، اقتصادهای زیرملی بسیار بازتر هستند. بنابراین، از آنجایی که اجتناب از تأثیر یک سیاست خاص دولتی با جابجایی نیروی کار یا سرمایه به یک دولت دیگر بسیار آسان‌تر است، لذا منطقی است که فرض کنیم یافته‌های تجربی یک مطالعه ملی می‌تواند در سطح دولتی بزرگ‌نمایی شود. مالیات بر درآمد فردی، تحرک جغرافیایی و واکنش‌های خروجی نوآورانه‌ای ایجاد می‌کند که مانع از بازگشت نوآوری می‌شود، اما ثابت شده است که درآمدهای بالا حساسیت خاصی نسبت به نرخ‌های مالیات بر درآمد فردی بالاتر دارند.

مروّی بر مقالات و آثاری که در این زمینه نگاشته شده است

در سال ۲۰۰۲، جنتری و هابارد احتمال دستیابی به تحرک رو به بالا را تحت یک سیستم مالیاتی پیشرونده مورد مطالعه قرار دادند. به طور خاص، این محققان احتمال جابجایی به شغل بهتر را تحت نرخ‌های مالیاتی بالاتر و افزایش پیشرفت نرخ مالیات بررسی کردند. در این مطالعه، محققان یاد شده داده‌های جمع‌آوری شده در پانل مطالعه پویایی درآمد (PSID) را بررسی کردند که قبلاً از طریق یک مطالعه طولی سالانه توسط دانشگاه میشیگان انجام شده بود. حتماً می‌دانید مطالعه طولی با نظر سنجی‌های سنتی متفاوت است، زیرا در مطالعه طولی همان پاسخ‌دهندگان برای سال‌ها مورد سؤال واقع شده و موضوعاتی خاص در طول چند سال متوالی از یکسری پاسخ دهنده خاص پیگیری می‌شود. جنتری و

شود. سؤالی که در برابر رأی دهندگان مطرح می‌شود، سؤال مهمی است که پیامدهای معناداری برای اقتصاد ماساچوست به همراه خواهد داشت. تا کنون، توجهات عمدتاً بر روی درآمد حدوداً ۲ میلیارد دلاری معطوف بوده است و تخمین زده می‌شود که بخش اعظم درآمد دولت حاصل از مالیات آن دسته از شرکتها و افرادی است که درآمد بالای دو میلیارد در سال دارند. با این حال، بحث کمتری بر پیامدهای بالقوه اقتصادی مالیات مازاد متمرکز است. این حذف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا موضوع مالیات مازاد در برگه‌های رأی ماه نوامبر با اکثر قوانین مالیاتی متفاوت است، از آن حیث که اگر این موضوع با رأی مردم تصویب شود، هر گونه تجدیدنظر در نرخ نهایی ۹ درصدی جدید نیازمند اصلاح قانون اساسی دیگری است - فرآیندی که ممکن است سال‌ها طول بکشد تا به سرانجام برسد. به عبارت دیگر، اگر سیاستگذاران واکنش‌های رفتاری افراد را به درستی پیش‌بینی می‌کردند یا پیامدهای اقتصادی ناخواسته دیگری از افزایش مالیات منتج می‌شد، ممکن بود سال‌ها طول می‌کشید تا تعدیل نرخ یا بازنگری در سیاست و خسارت اعمال گردد - حتی اگر سیاست معکوس می‌شد، اما اگر اینطور نبود، قطعاً زمان زیادی طول می‌کشید. بنابراین، به نفع سیاستگذاران و رأی دهندگان است که به طور کامل از پیامدهای احتمالی این اقدام مطلع شوند.

در حالی که مقالات و آثار مکتوب پیرامون تبدیل سیستم مالیات بر درآمد فردی از نرخ ثابت (که در آن همه به همان نسبت درآمد مشمول مالیات خود را می‌پردازند) به نرخ تصاعدی (که در آن افراد با درآمد بالاتر درصد بیشتری از درآمد خود را نسبت به افراد کم درآمد می‌پردازند) محدود است. در این مقاله ما تلاش خواهیم کرد مقالات و پژوهش‌های آکادمیکی و دانشگاهی در این زمینه را به صورت خلاصه ارائه نماییم - بویژه مقالاتی که طور تجربی رابطه بین اقتصاد کلان، مالیات‌ها و واکنش‌های رفتاری افراد را نسبت به کاهش نرخ یا افزایش نرخ در ایالات متحده و خارج از کشور مورد مطالعه قرار داده‌اند در بررسی مقالات آکادمیک متوجه شدیم که تغییر از یک سیستم مالیات بر درآمد ثابت به یک سیستم مالیات بر درآمد درجه بندی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و تولید ناخالص داخلی (GDP) تقریباً همواره منفی است.

تحرک افراد با مهارت و درآمد بالاتر در یک اقتصاد باز، زمانی که پیشرفت سیستم مالیاتی کاهش یابد، احتمال اینکه سرپرست خانوار شاغل در طی یک سال شغل بهتری به دست آورد، بیشتر است.

همچنین کاهش در پیشرفت سیستم مالیاتی با افزایش نرخ رشد واقعی دستمزدها همراه است.

از طرفی دیگر تغییرات در نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی و مصرف خصوصی ارتباط زیادی با تغییرات مالیاتی دارد. اندازه‌گیری‌های میزان تغییرات سرمایه‌گذاری و مصرف متفاوت است، اما رابطه بین متغیرها به طور مداوم منفی است: با کاهش سطوح یا نرخ‌های مالیات، سرمایه‌گذاری و یا مصرف افزایش می‌یابد و بالعکس.

نتیجه یافته‌ای دیگر حاکی از آن است که کاهش نرخ‌های مالیاتی با کاهش نرخ بیکاری ارتباط زیادی دارد.

جدول مطالب و مندرجات

- ۱- مقدمه
- ۲- مروری بر نشریات و مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است
- ۳- نتیجه‌گیری

ضمیمه: مروری بر مطالعات انجام شده

توصیه ما: سعی کنید همواره نسبت به سیاست‌های مالیاتی مطلع باشید، چرا که این سیاست‌ها تأثیر مستقیمی بر زندگی تک‌تک ما دارند. برای دریافت اطلاعات آماری از کارشناسان مورد اعتماد، مستقیماً به حساب کاربری خود آنها متصل شوید.

مقدمه:

در نوامبر امسال، رأی دهندگان ماساچوست تصمیم خواهند گرفت که آیا قانون اساسی این ایالت باید اصلاح شود تا یک وضعیت گذار در سیستم مالیات ایالت خلیج رخ بدهد و فرآیند مالیات بر درآمد افراد با نرخ ثابت به سیستم نرخ‌های تغییر کند. در این سیستم جدید قرار است بر درآمدهای بالای یک میلیون دلار ۴٪ مالیات اعمال

هابارد از PSID برای داده‌هایی استفاده کردند تا ببینند آیا پاسخ‌دهندگان در طول سال آینده به سمت «شغل بهتر» رفته‌اند یا خیر. تعریف شغل بهتر به صلاحدید پاسخ‌دهنده واگذار می‌شود، اما به طور کلی می‌توان آن را به عنوان شغلی که ارتقاء یا دستمزد بالاتری ارائه می‌دهد، مد نظر قرار داد. این محققان پاسخ‌های ملی PSID را از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۳ بررسی کردند.

این محققان برای ایجاد معیارهای خود از متغیرهای مالیاتی، از جمله نرخ مالیات نهایی احتمالی آینده خانوار و پیشرفت (یا تحذب) یک سیستم مالیاتی، از TAXSIM استفاده کردند که یک برنامه مدل‌سازی مالیاتی است و توسط دفتر ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا طراحی شده است. این مطالعه شامل پرداخت‌های مالیات بر درآمد فدرال و ایالتی و همچنین نرخ‌های مختلف مالیات بر درآمد نهایی دولت‌های فدرال و ایالتی است.

نتایج بیس لاین این محققان بر این احتمال متمرکز بود که یک سرپرست خانوار شاغل در طول سال آینده به شغل بهتری نقل مکان کند. جنتری و هابارد دریافتند که به ازای هر واحد درصد کاهش در نرخ مالیاتی نهایی، احتمال اینکه یک مرد شاغل سرپرست خانوار به شغل بهتری در طول سال آینده نقل مکان کند، ۱۵۸٪، درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، این محققان دریافتند که «کاهش پنج درصدی در نرخ مالیات نهایی، احتمال جابجایی به شغل بهتر را تا ۷۹٪، درصد افزایش می‌دهد. میانگین تمایل به حرکت به سمت شغل بهتر ۹۸٪ درصد بود. بنابراین، اثر کاهش ۵ درصدی نرخ مالیات نهایی، تمایل به جابه‌جایی را ۸ درصد افزایش داد. در شرایط یکسان، احتمال اینکه زنان سرپرست خانوار به شغل بهتری دست پیدا کنند، بیشتر خواهد بود و آنها به طور متوسط حتی بیشتر (۸ درصد بیشتر) از این تغییر سیاست مالیاتی منتفع خواهد شد. نتایج در مورد تأثیر نرخ‌های مالیاتی حاشیه‌ای بر احتمال حرکت به سمت شغل بهتر از نظر آماری بسیار معنی‌دار بود.

از حیث تأثیر پیشرفت سیستم مالیاتی، جنتری و هابارد دریافتند که به ازای هر درصد کاهش در اندازه‌گیری تحذب ساختار مالیاتی، احتمال حرکت به سمت شغل بهتر ۲۷٪، درصد افزایش می‌یابد. این محققان در گزارش خود چنین نوشته‌اند: «نظر اهمیت اقتصادی، این برآورد نشان می‌دهد که کاهش یک انحراف استاندارد در معیار تحذب مالیاتی حاشیه‌ای (۳،۱۲ واحد درصد) میل گردش مالی را ۸۶٪، درصد افزایش می‌دهد.» هنگامی که این سیاست مالیاتی بر روی میانگین تمایل به حرکت به سمت شغل بهتر اعمال می‌شود، کاهش میانگین پیشرفت ساختار مالیاتی منجر به افزایش ۸،۷۱ درصدی در

احتمال انتقال به شغل بهتر می‌شود. در نهایت، این مطالعه شواهدی از یک رابطه آماری معنادار بین نرخ رشد واقعی دستمزدها و پیشرفت مالیات پیدا کرد. بر اساس یافته‌های این محققان، کاهش یک درصدی در تحذب مالیاتی، نرخ رشد واقعی سه ساله دستمزدها را از ۹،۱ درصد به ۱۰،۵ درصد افزایش داد.

در سال ۱۹۹۸، آقایان فلدشتاین و وروبل این پرسش را بررسی کردند که آیا دولت‌های ایالتی و محلی می‌توانند به طور موثر درآمد را از طریق مالیات و نقل و انتقالات توزیع

کنند. یافته‌های آن‌ها به طور گسترده‌ای از این نظریه اقتصادی حمایت می‌کند که اگر در بلندمدت (تحت شرایط تحرک کامل) دستمزد افراد قبل از مالیات تنظیم بشود، در آن صورت درآمد واقعی افراد پس از مالیات در همه حوزه‌ها یکسان خواهد بود. این تسطیح زمانی اتفاق می‌افتد که افراد متوجه می‌شوند درآمد پس از کسر مالیات در حوزه قلمرویی آنها متفاوت و بالاتر است و لذا سعی می‌کنند به مناطقی نقل مکان کنند که درآمد آن مناطق، خالص تر، واقعی تر و مطلوب تر باشد. در اینگونه مناطق، شرایط تحرک کامل وجود ندارد - اگرچه تحرک به وضوح پس از بیماری کووید ۱۹ افزایش یافته است - اما فلدشتاین و وروبل تأثیرات واقعی تحرک را به طور قابل ملاحظه‌ای مطابق با نظریه یاد شده می‌دانند.

تحقیقات پژوهشگران این نظریه را تأیید می‌کند که ساختارهای مالیاتی دولتی مترقی نمی‌توانند در درازمدت به توزیع مجدد درآمد دست یابند. در ایالت‌هایی که افراد با درآمد بالا مالیات سنگین تری دریافت می‌کنند، درآمد واقعی افراد با درآمد بالا با مهاجرت افزایش می‌یابد و درآمد افراد کم درآمد کاهش چشمگیری خواهد داشت.

مرتز و راون (۲۰۱۹) کار جنش و لونسفورد (۲۰۱۸) را بررسی کردند و نگرانی آنها در مورد انتخاب آزمون آماری در کار خود (۲۰۱۳) را تأیید کردند. باین حال، مرتز و راون با نتیجه‌گیری جنش و لونسفورد (۲۰۱۸) موافق نبودند و این را اشتباه اعلام کردند که: «پس از اتخاذ روش استنباط آماری معتبر، هیچ اثر قابل استنتاج کاهش مالیات بر فعالیت اقتصادی وجود ندارد».

محققان ذکر شده (مرتز و راون) پس از تجزیه و تحلیل مجدد کار قبلی خود با انواع آزمون‌های آماری معتبر، به این نتیجه رسیدند که نتایج قبلی آنها اهمیت آماری خود را تنها با کاهش متوسطی از دقت حفظ کرده است.

نگوین، اونیس و روسی (۲۰۲۱) تأثیر تغییرات مالیات بر مصرف و درآمد (فردی و شرکتی) را بر درآمد، مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری در بریتانیا از ۱۹۷۳-۲۰۰۳ بررسی کردند. این سه محقق یک تحلیل روایی برای ایجاد معیاری برای شوک‌های مالیاتی انجام دادند. مانند تحلیل‌های روایی که قبلاً ذکر شد، این رویکرد به کنترل متغیرهای درون‌زا کمک کرد.

نگوین و همکاران (Nguyen et al) به این نتیجه رسیدند که در کوتاه مدت، تغییرات مالیات بر درآمد منجر به «تأثیرات قابل توجه و مداوم بر تولید، مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری می‌شود.» اگر متوسط نرخ مالیات بر درآمد ۱ درصد کاهش یابد، تولید ناخالص داخلی بلافاصله پس از تغییر مالیات (در عرض یک چهارم) ۰،۷۸ درصد افزایش می‌یابد. چهار

فصل پس از کاهش مالیات بر درآمد، تولید ناخالص داخلی ۱،۵ درصد افزایش یافت. در سه ماهه اول پس از کاهش ۱ درصدی در نرخ متوسط مالیات بر درآمد، سرمایه‌گذاری خصوصی ۲،۷ درصد افزایش یافت. به طور متوسط، حداکثر اثر کاهش مالیات در سه ماهه چهارم که سرمایه‌گذاری خصوصی ۴،۶ درصد افزایش یافته بود، محقق شد. مصرف خصوصی خانوارها پس از کاهش ۱ درصدی متوسط نرخ مالیات بر درآمد، یک فصل



یک چهارم افزایش ۱،۲ درصدی داشت. اوج تغییر در کل مصرف خصوصی با ۱،۶ درصد چهار فصل پس از کاهش مالیات بر درآمد اتفاق افتاد. تغییرات در نرخ‌های مالیات بر مصرف تأثیری اندک اما عمدتاً ناچیز بر همان مؤلفه‌ها داشت.

در سال ۲۰۱۸ آکچیگیث و همکاران (Akcigit et al) تأثیر دارایی‌های ایالتی و فدرال را بر نوآوری مورد مطالعه قرار دادند و سعی کردند آن جاهایی را مورد بررسی قرار دهند که مخترعان برای اقامت انتخاب می‌کنند. برای انجام این کار، محققان یاد شده از مجموعه‌هایی استفاده کردند که مخترعان، نوآوری‌ها، کارفرمایان مخترع، درآمد هفتگی، ارزش ثبت انتخاب، نرخ مالیات و سایر تغییرات را از سال ۱۹۲۰ تا پایان قرن ردیابی می‌کردند. شواهد تجربی محققان یاد شده «این احساس را بدست داد که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بر اساس آنها به بازده خالص نوآوری واکنش نشان می‌دهند، و نه تنها به نرخ‌های مالیاتی، که صرفاً جزئی از آن محاسبه اقتصادی هستند.»

آکچیگیث و همکاران دریافتند که مالیات بر درآمد افراد اثرات منفی قابل توجهی بر احتمال داشتن حق ثبت اختراع دارد. مالیات‌ها همچنین بر احتمال مخترع برای تولید اختراع بر استناد یا اختراعی که ارزش قابل توجهی برای شرکت ایجاد می‌کند، تأثیر گذاشت. علاوه بر این، مخترعان به طور قابل توجهی کمتر در ایالت‌هایی با مالیات بالاتر قرار می‌گیرند. اگرچه مخترعان شرکتی تمایل دارند فقط به مالیات بر درآمد شرکت پاسخ دهند، مخترعانی که برای یک شرکت کار نمی‌کنند، مالیات بر درآمد شرکتی و شخصی را در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، مالیات بر درآمد فردی هم تحرک جغرافیایی و هم واکنش‌های خروجی نوآوری ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

مطالعات از نظر دامنه و مقیاس متفاوت هستند، اما به طور کلی نتیجه می‌گیرند که تغییرات مالیاتی واکنش‌های رفتاری قابل توجهی را از افراد ایجاد می‌کند. آنها همچنین تا حد زیادی نشان می‌دهند که افزایش مالیات می‌تواند باعث افزایش درآمد برای دولت شود، اما اغلب به بهای رشد اقتصادی و تحرک برای مالیات‌دهندگان می‌شوند. در مقابل، کاهش مالیات منجر به کاهش درآمد کوتاه مدت و در عین حال ترویج رشد اقتصادی بلندمدت می‌شود.

با این حال، با توجه به ساختار مدل‌های آماری در مطالعات، همانطور که کاهش مالیات بر درآمد باعث افزایش فعالیت‌های اقتصادی خاص می‌شود، افزایش متناسب مالیات بر کاهش آن فعالیت تأثیر می‌گذارد.

به عنوان مثال، جنتری و هابارد (۲۰۰۲) ثابت کردند که افزایش ۵ درصدی در نرخ مالیات نهایی، احتمال انتقال به شغل بهتر را ۷۹،۰ درصد از خط پایه ۹،۸۷ درصد کاهش می‌دهد. بنابراین، افزایش ۵ درصدی در نرخ نهایی مالیات، میل به جابجایی را تا ۸ درصد کاهش می‌دهد.

این نتیجه‌گیری‌ها در بحث حال حاضر پیرامون اصلاحیه مالیات بر درآمد تدریجی در قانون اساسی ماساچوست قابل استفاده است - موضوعی که در نوامبر امسال در معرض آرای افکار عمومی قرار خواهد گرفت. ایجاد مالیات ممکن است درآمد بیشتری برای دولت ایجاد کند، اما مطالعات بررسی شده در این مقاله نشان می‌دهد که این اثر ممکن است نسبتاً کوتاه مدت باشد و هزینه داشته باشد. همانطور که رای‌دهندگان موضع خود را در مورد اصلاحیه مالیات بر درآمد اعلام می‌کنند، بهتر است از پتانسیل این سیاست برای باز خورد منفی اقتصادی چشم‌پوشی نکنند.

مالیات بر ثروت؛ ابزاری برای جلب اعتماد عمومی

چگونه ثروتمندان ثروت خود را پنهان می کنند

نویسندگان: توسط Rhiannon و Giulia Mascagni
McCluskey

تاریخ: پنجشنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۲۱

جولیا ماسکانی عضو پژوهشی مؤسسه مطالعات توسعه و مدیر تحقیقات ICTD است. زمینه اصلی کار او مالیات است، اما او همچنین علاقه تحقیقاتی به امور مالی عمومی، ارزیابی سیاست های عمومی و اثربخشی کمک دارد. او یک اقتصاددان است و دارای مدرک دکترای اقتصاد از دانشگاه ساسکس است. علاقه اصلی جغرافیایی او در کشورهای آفریقایی با تمرکز ویژه بر اتیوپی و رواندا است. ریانن مک کلاسی مدیر ارتباطات و تأثیر مرکز بین المللی مالیات و توسعه، مستقر در مؤسسه مطالعات توسعه است.



افشای اسناد پاندورا بار دیگر رسوایی را نشان داد که چگونه ثروتمندان و قدرتمندان جهان ثروت خود را پنهان می کنند و از پرداخت مالیات اجتناب می کنند. افشاکری ها به ویژه در طول یک بیماری همه گیر جهانی، زمانی که درآمد مالیاتی برای سرمایه گذاری در خدمات عمومی و شبکه های ایمنی اجتماعی بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است، دلخراش است.

این بیماری همه گیر نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر را در سراسر جهان به فقر شدید سوق داده است. در همین حال، میلیاردرهای جهان در سال اول همه گیری، ثروت خود را ۵۴ درصد افزایش دادند و از افزایش ۴ تریلیون دلاری ثروت خود برخوردار شدند.

در این زمینه، جای تعجب نیست که درخواست ها برای اخذ مالیات از ثروتمندان به بحث اصلی تبدیل شده است. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول میزبان کنفرانسی در مورد مالیات بر ثروتمندان بودند و کمیته مالیات سازمان ملل نیز در حال بحث بر سر ایجاد این موضوع است.

مالیات بر ثروت؟

دلایل زیادی وجود دارد که کشورهای با درآمد بالاتر باید مالیات بر ثروت را در نظر بگیرند، و این موضوع به وضوح در گزارش کمیسیون مالیات بر ثروت بریتانیا در سال ۲۰۲۰ مشخص شده است. چنین مالیاتی در این شرایط هم مطلوب و هم امکان پذیر است.

از سوی دیگر، چشم انداز مالیات بر ثروت در کشورهای کم درآمد (LIC) بسیار کمتر دلگرم کننده است. مالیات های موجود بر افراد ثروتمند به قدری ناکارآمد اداره می شوند که مقامات درآمدی در LIC ها اغلب حتی از ابتدایی ترین اطلاعات در مورد پایه مالیاتی برای مالیات بر ثروت بالقوه بی بهره هستند. این، همراه با ظرفیت ضعیف اداری و محدودیت های شدید در کشورهای LIC، چالش های ذکر شده در بالا را تشدید می کند. در واقع، تلاش برای معرفی مالیات بر ثروت در حال حاضر ممکن است برای بسیاری از LIC ها معکوس باشد. بدون اینکه بتوانند به اندازه کافی آن را اجرا کنند، ممکن است در نهایت اعتبار و اعتماد شهروندان خود را از بین ببرند، اگر ثروتمندان به سادگی بتوانند دوباره از شبکه مالیاتی فرار کنند.

این بدان معنا نیست که مالیات بر ثروت یک گزینه خوب سیاست گذاری در LIC ها نیست بلکه با نبود زیرساخت های لازم نقطه شروع خوبی برای اخذ مالیات از ثروتمندان در کوتاه مدت نمی باشد. قبل از در نظر گرفتن مالیات بر ثروت جدید، LIC ها باید بر اجرای بهتر مالیات های موجود متمرکز شوند که افراد ثروتمند را هدف قرار می دهد. این امر در کوتاه مدت درآمد بیشتری را به همراه خواهد داشت و به ایجاد پایه ای برای مالیات بر ثروت موفق در آینده کمک می کند. اکنون سه حوزه اولویت وجود دارد که LIC باید روی آنها تمرکز کند:

۱. درآمد مالیاتی موثرتر

مشهور است که اکثریت ثروتمندان LIC بر درآمد خود مالیات بسیار کمتری از آنچه طبق قانون باید پرداخت می کنند. در واقع، کشورهای با درآمد بالا، به نسبت

تولید ناخالص داخلی خود، سه برابر بیشتر از LIC ها از مالیات بر درآمد شخصی درآمد کسب می کنند.

این اغلب به دلیل فرار مالیاتی ساده است. به عنوان مثال، یک مطالعه ICTD در اوگاندا نشان داد که تنها ۲۰٪ از وکلای شرکت های تجاری برتر و کمتر از ۲٪ از مقامات عالی رتبه دولتی با دارایی های تجاری بزرگ خصوصی، از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ مالیات بر درآمد شخصی (PIT) پرداخت کرده اند. مطالعه بعدی ICTD در رواندا نشان داد که از هر ۵ میلیون تنها ۱ نفر در سال ۲۰۱۸ اظهارنامه PIT را ارائه کرده است.

اکثریت قریب به اتفاق درآمد PIT در کشورهای LIC از سوی افرادی است که کارفرمایانشان (به طور کلی شرکت های بزرگ یا دولت) از طریق پرداخت به عنوان درآمد (PAYE) از حقوق آنها مالیات کسر می کنند. در رواندا تنها ۳ درصد از درآمد PIT خارج از PAYE جمع آوری شد. بنابراین مقدار زیادی درآمد وجود دارد که LIC ها می توانند با اجرای بهتر مالیات بر درآمد جمع آوری کنند.

راه های مناسب برای LIC ها جهت شناسایی افراد با درآمدهای بزرگ بدون مالیات این است که افراد دارای املاک بزرگ، خریداران کالاهای لوکس مانند خودرو، مالک شرکت های بزرگ یا سهام گسترده، صاحبان وام های کلان یا سپرده های بزرگ بانکی یا واردات یا صادرات گران قیمت را مورد بررسی قرار دهند.

۲. مالیات بر اموال موثرتر

اولویت دوم برای کشورهای با اصطلاح LIC باید مالیات بر اموال بهتر باشد. خرید زمین و ساختمان یکی از راه های اصلی ذخیره ثروت ثروتمندان در این کشورها است. با وجود این، کشورهای با درآمد بالا، به نسبت تولید ناخالص داخلی خود، بیش از هشت برابر بیشتر از LIC ها از مالیات بر دارایی دریافت می کنند.

تجارب اخیر نشان می دهد که پتانسیل عظیمی برای جمع آوری درآمد بسیار بیشتر، به شیوه ای عادلانه تر، از مالیات بر دارایی در LIC ها وجود دارد. در فری تاون، سیرالئون، شورای شهر اخیراً بیش از ۵۰۰۰۰ ملک را به ثبت اضافه کرده است و یک سیستم مرفقی تر از ارزش گذاری و نرخ های مالیاتی را معرفی کرده است. در نتیجه، درآمد بالقوه فری تاون از مالیات بر دارایی بیش از پنج برابر افزایش یافته است که ۷۰ درصد آن از دارایی های با ارزش به دست می آید. تنها در دو ماه اول اجرای سیستم جدید، این شهر بیش از ۶۷ درصد از کل سال قبل مالیات جمع آوری کرده است.

یکی دیگر از کارهایی که دولت های LIC می توانند انجام دهند این است که مالیات های انتقال را در نقطه تغییر مالکیت املاک اعمال کنند. این اقدام می تواند بخشی از تلاش گسترده تر برای مقابله با نابرابری بین نسلی از طریق مالیات بر ارث بر نقل و انتقال ثروت انباشته باشد.

۳. استفاده بهتر از تبادل اطلاعات

همانطور که اسناد پاندورا بار دیگر فاش کرده است، علیرغم چالش های آن، دریافت مالیات بر درآمد و دارایی که در داخل کشور نگهداری می شود، همچنان امکان پذیرتر از تلاش برای به دست آوردن ثروتی است که ثروتمندان در بهشت های مالیاتی یا حوزه های قضایی مخفیانه در خارج از کشور پنهان کرده اند. تخمین زده می شود که ۸ تریلیون دلار از ثروت مالی شخصی در حساب های خارج از کشور است که ۵۰۰

میلیارد دلار آن در اختیار آفریقایی ها است. همراه با دارایی های غیر مالی فراساحلی مانند اموال و آثار هنری، این امر به معنای افزایش دست دادن ۶۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی دولت های آفریقا در سال است که بیش از آن چیزی است که این قاره در کمک های توسعه رسمی یا سرمایه گذاری مستقیم خارجی سالانه دریافت می کند.

برای مقابله با این موضوع، کشورها باید اطلاعات مالکیت ذی نفع را در دسترس قرار دهند (برای اینکه بداند افراد پشتیبان تراست ها و شرکت ها چه کسانی هستند) و به تبادل اطلاعات بپردازند تا مقامات مالیاتی بتوانند از حساب های بانکی خارجی مالیات دهندگان خود مطلع شوند.

در حالی که پیشرفت های قابل توجهی از طریق انجمن جهانی حاصل شده است، مشارکت و بهره مندی از فرآیندهای تبادل اطلاعات برای LIC ها بسیار چالش برانگیزتر بوده است. این امر عمدتاً به دلیل الزامات قانونی، اداری و فناوری است که باید برای مطابقت با استانداردهای بین المللی رعایت شود. اما انجام این کار ارزشمند است. از سال ۲۰۰۹، کشورهای آفریقایی توانسته اند بیش از ۱٫۲ میلیارد یورو درآمد اضافی را از طریق تبادل اطلاعات شناسایی کنند.

با وجود این پیشرفت، هنوز تا حد زیادی مورد استفاده قرار نمی گیرد. در سال ۲۰۲۰، تنها یازده کشور آفریقایی درخواست تبادل اطلاعات کردند و بیش از ۹۰ درصد از این درخواست ها تنها توسط چهار کشور انجام شد. بنابراین، زمینه زیادی برای LIC ها وجود دارد تا تبادل زیرساخت های اطلاعاتی خود را بهبود بخشند و از آن برای بررسی و مالیات بر دارایی های خارج از ساحل توسط ثروتمندان استفاده کنند.

راه پیش رو

در حالی که چالش های پیش رو ممکن است دلهره آور به نظر برسند، اما LIC ها در پیروی از نقشه راه ارائه شده در بالا، دستاوردهای عظیمی دارند. با اعمال مالیات موثرتر بر درآمد ها و دارایی های ثروتمندان در داخل و باز کردن پتانسیل تبادل اطلاعات برای مالیات بر دارایی های آنها که در خارج از کشور نگهداری می شود، LIC ها می توانند نسبتاً سریع شروع به جمع آوری مقادیر قابل توجهی از درآمد کنند.

این امر به دولت ها کمک می کند تا با تأثیرات اقتصادی همه گیری کرونا مقابله کنند و همچنین می تواند به آنها در ایجاد اعتبار و اعتماد از طریق جفت کردن اقدامات قابل دستیابی برای مالیات بر ثروتمندان با هزینه های عمومی سودمند کمک کند.

این مسیر عمل همچنین به دولت های LIC اجازه می دهد تا پایه های مالیات بر ثروت موفق را در آینده ایجاد کنند. در بعد اداری، پیروی از این نقشه راه به آنها اجازه می دهد تا اطلاعات مورد نیاز خود را برای شناسایی پایه مالیاتی برای مالیات بر ثروت احتمالی جمع آوری کنند. در بعد سیاسی، دستور کار مالیات بر ثروتمندان با محوریت حقوق صاحبان سهام، شتاب و سرمایه سیاسی مورد نیاز برای اعمال مالیات های جدید بر ثروت را در آینده ایجاد می کند.

اکنون حمایت عمومی از افزایش مالیات بر ثروتمندان زیاد است. هیچ زمان بهتری برای رهبران LIC وجود ندارد تا اطمینان حاصل کنند که ثروتمندان سهم منصفانه خود را در تأمین مالی بهبود و توسعه برای آینده پرداخت می کنند.

نگاهی به مسیر توسعه مالیات از ابتدا تا کنون

رو به رشد

تقریباً در همه کشورها مالیات به طور کلی مهمترین منبع درآمد دولت است. طبق آخرین برآوردهای مرکز بین المللی مالیات و توسعه، کل درآمدهای مالیاتی بیش از ۸۰ درصد از کل درآمد دولت در حدود نیمی از کشورهای جهان و بیش از ۵۰ درصد در تقریباً هر کشور را تشکیل می دهد.

ما این مدخل را با ارائه یک نمای کلی از تغییرات تاریخی در الگوهای مالیاتی آغاز می کنیم و سپس به تحلیل داده های موجود در چند دهه گذشته می پردازیم و روندها و الگوهای اخیر مالیات در سراسر جهان را مورد بحث قرار می دهیم.

از منظر تاریخی، رشد دولت ها و میزان توانایی آنها برای جمع آوری درآمد از شهروندان، یکی از ویژگی های اقتصادی بارز دو قرن اخیر است. داده های بلندمدت موجود نشان می دهد که در فرآیند توسعه، دولت ها سطوح مالیات را افزایش داده اند و در عین حال الگوهای مالیات را عمدتاً با تأکید فزاینده بر پایه های مالیاتی گسترده تر تغییر داده اند.

الگوهای مالیاتی در سراسر جهان امروزه تفاوت های بزرگی را در بین کشورهای مختلف به ویژه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد. به ویژه، امروزه کشورهای توسعه یافته سهم بسیار بیشتری از تولید ملی خود را در مالیات نسبت به کشورهای در حال توسعه دریافت می کنند و برای انجام این کار تمایل بیشتری به مالیات بر درآمد دارند. کشورهای در حال توسعه، در مقابل، به شدت به مالیات های تجاری و همچنین مالیات بر مصرف متکی هستند.

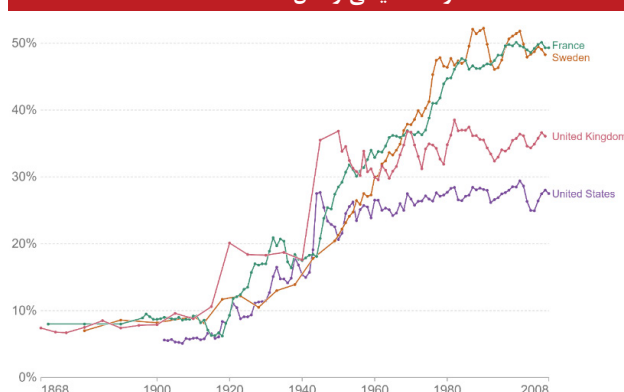
علاوه بر این، داده ها نشان می دهد که کشورهای توسعه یافته با وجود نرخ های مالیاتی قانونی قابل مقایسه، حتی پس از کنترل تفاوت های اساسی در فعالیت های اقتصادی، در واقع درآمد مالیاتی بسیار بالاتری نسبت به کشورهای در حال توسعه دریافت می کنند. این نشان می دهد که ناهمگونی بین کشوری در ظرفیت مالی تا حد زیادی توسط تفاوت در انطباق و کارایی مکانیسم های جمع آوری مالیات تعیین می شود. به نظر می رسد هر دوی این عوامل تحت تأثیر قدرت نهادهای سیاسی قرار دارند.

در بخش آخر این مدخل، مروری بر شواهد تجربی در رابطه با مفاهیم عدالت و کارایی مالیات ارائه می کنیم. به طور خاص، ما نشان می دهیم که مالیات اثر باز توزیعی قدرتمندی دارد، اما مهم است که در نظر بگیریم که چگونه مالیات بر رفتار افراد، با تغییر انگیزه های اقتصادی، تأثیر می گذارد. به عنوان مثال، مطالعات اخیر نشان داده است که مالیات ممکن است با القای مهاجرت ستاره های فوق العاده به کاهش کارایی منجر شود. این تلفات بالقوه کارایی اهمیت طراحی سیستم های مالیاتی را نشان می دهد که با کمترین هزینه ممکن به اهداف باز توزیعی دست می یابند.

تاریخچه مالیات

پس از جنگ جهانی اول، مالیات در کشورهای صنعتی اولیه شروع به رشد کرد. تجسم، تکامل درآمدهای مالیاتی، به عنوان سهمی از درآمد ملی، را برای منتخبی از کشورهای صنعتی اولیه نشان می دهد.

درآمد مالیاتی از سال ۱۸۶۸ تا ۲۰۰۸



همانطور که می بینیم، تا سال ۱۹۲۰ درآمدهای مالیاتی در همه این کشورها کم بود. در واقع، تا سال ۱۹۱۰ کمتر از ۱۰ درصد از درآمد ملی توسط این دولت ها از طریق مالیات جمع آوری می شد - به اندازه ای که آنها بتوانند وظایف اساسی، مانند حفظ نظم و اجرای حقوق مالکیت را انجام دهند.

با این حال، پس از جنگ جهانی اول، مالیات شروع به رشد قابل توجهی کرد. در دوره ۱۹۲۰-۱۹۸۰ مالیات به عنوان سهم از درآمد ملی به شدت افزایش یافت و در همه کشورهای نمودار بیش از دو برابر شد. این افزایش مالیات همراه با مخارج بیشتر دولت برای خدمات عمومی، به ویژه آموزش و مراقبت های بهداشتی بود.

پس از سال ۱۹۸۰، درآمدهای مالیاتی شروع به تثبیت کرد، البته با تفاوت های آشکار در سطوح برای هر کشور. امروزه این تفاوت ها قابل توجه است.

همانطور که می بینیم، تا سال ۱۹۲۰ درآمدهای مالیاتی در همه این کشورها کم بود. در واقع، تا سال ۱۹۱۰ کمتر از ۱۰ درصد از درآمد ملی توسط این دولت ها از طریق مالیات جمع آوری می شد - به اندازه ای که آنها بتوانند وظایف اساسی، مانند حفظ نظم و اجرای حقوق مالکیت را انجام دهند.

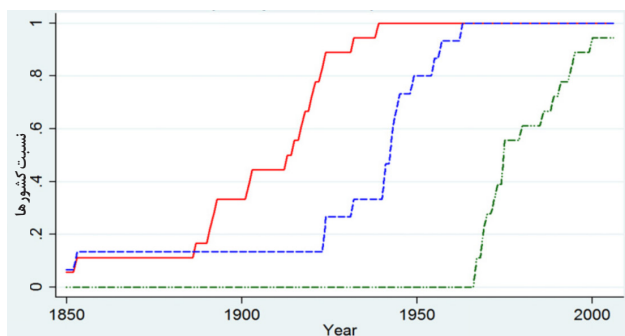
با این حال، پس از جنگ جهانی اول، مالیات شروع به رشد قابل توجهی کرد. در دوره ۱۹۲۰-۱۹۸۰ مالیات به عنوان سهم از درآمد ملی به شدت افزایش یافت و در همه کشورهای نمودار بیش از دو برابر شد. این افزایش مالیات همراه با مخارج بیشتر دولت برای خدمات عمومی، به ویژه آموزش و مراقبت های بهداشتی بود.

پس از سال ۱۹۸۰، درآمدهای مالیاتی شروع به تثبیت کرد، البته با تفاوت های آشکار در سطوح برای هر کشور. امروزه این تفاوت ها قابل توجه است.

مالیات بر درآمد نقش اساسی در گسترش تاریخی درآمدهای مالیاتی داشت

رشد درآمدهای مالیاتی که در کشورهای صنعتی اولیه پس از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد تا حد زیادی با گسترش مالیات بر درآمد حمایت شد. این امر ایالت ها را ملزم به ایجاد سیستم های اداره مالیات و اجرای کسر مالیات در مبداء، به منظور افزایش مؤثر انطباق می کند. تجسم بصری و پرسون (۲۰۱۳) گروهی از ۱۸ کشور را دنبال می کند تا نشان دهد چگونه ابزارهای مالیاتی مختلف در طول قرن بیستم به طور فزاینده ای رایج شدند.

تکامل ظرفیت مالی در نمونه ای از ۱۸ کشور شکل ۴ در بصری و پرسون (۲۰۱۳)



محور عمودی فراوانی نسبی ابزارهای مالیاتی را در نمونه کشورها نشان می دهد و محور افقی زمان را نشان می دهد. ۲ خط قرمز سهم کشورهای دارای مالیات بر درآمد، خط آبی سهم با کسر مالیات بر درآمد و خط سبز سهم با مالیات بر ارزش افزوده را ترسیم می کند.

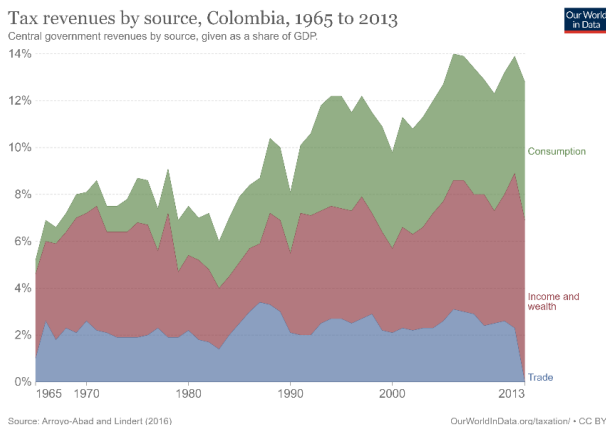
همانطور که می بینیم، مالیات بر درآمد در حدود سال ۱۸۵۰ ظاهر شد و کسر مستقیم آن حدود ۲۵ سال بعد انجام شد. و کمی بعد دوباره مالیات بر ارزش افزوده. تا سال ۱۹۵۰ همه کشورهای نمونه قبلاً هم مالیات بر درآمد و هم مالیات بر درآمد را دریافت کرده بودند. در این نمودار تعاملی می توانید با جزئیات ببینید که چگونه مالیات بر ارزش افزوده، به طور خاص، در چند دهه اخیر در سراسر جهان گسترش یافته است.

در قرن بیستم، کشورهای اروپایی درآمدهای حاصل از مالیات مستقیم را سریعتر از سایر منابع درآمد دولت افزایش دادند

همانطور که در بالا اشاره شد، کشورهای صنعتی اولیه پس از جنگ جهانی اول به طور خاص با افزایش اشکال مستقیم مالیات، درآمدهای مالیاتی را افزایش دادند. در اینجا ما شواهد بیشتری از این موضوع ارائه می کنیم و نشان می دهیم که چگونه مالیات بر درآمد برای جمع آوری درآمد در این کشورها، همچنین در رابطه با سایر منابع درآمد، اهمیت فزاینده ای پیدا کرد.



در روند توسعه، کشورهای با درآمد متوسط درآمدهای مالیاتی را افزایش داده‌اند. شواهدی که ما تاکنون در مورد آنها صحبت کردیم عمدتاً از کشورهای با درآمد بالا است. با این حال، داده‌های بلندمدت موجود از آمریکای لاتین نشان می‌دهد که کشورهای با درآمد متوسط نیز درآمدهای مالیاتی را در فرآیند توسعه گسترش داده‌اند - البته بعداً، و با تفاوت‌هایی در اهمیت نسبی ابزارهای مالیاتی خاص.



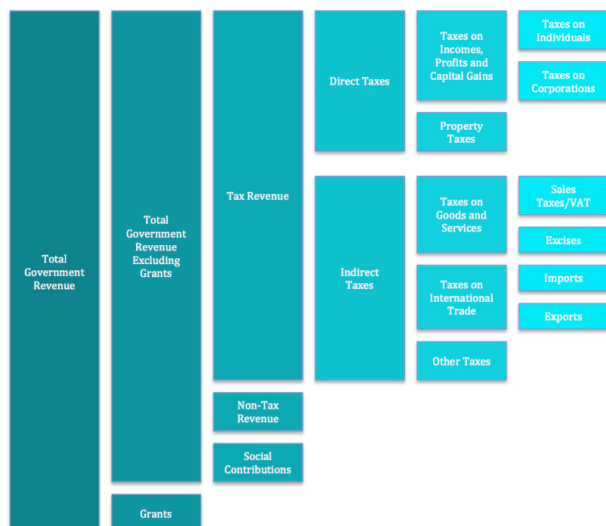
تجسم با استفاده از داده‌های Arroyo-Abad و Lindert (۲۰۱۶)، ترکیب درآمدهای مالیاتی کلمبیا را نشان می‌دهد. این برآوردها با درآمدهای دولت مرکزی مطابقت دارد و به عنوان سهمی از درآمد ملی - به ویژه تولید ناخالص داخلی - بیان می‌شود. همانطور که می‌بینیم، درآمدهای مالیاتی در دهه ۱۹۶۰ به طور قابل توجهی از طریق جمع‌آوری مالیات بر مصرف شروع به رشد کرد. همانطور که می‌توان درک کرد، مالیات بر درآمد در نیمه دوم قرن بیستم به یک منبع درآمد مهم تبدیل شد، اگرچه مالیات بر مصرف در این دوره سریعتر از مالیات بر درآمد رشد کرد.

مالیات امروز

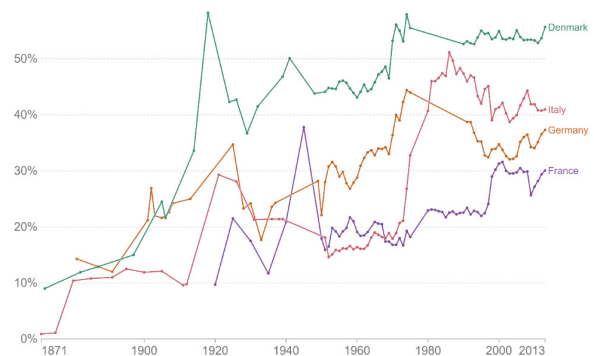
ابزارهای اصلی دولت‌ها برای جمع‌آوری درآمدها چیستند؟

در بخش قبل، تحول تاریخی درآمدهای دولت را مورد بحث قرار دادیم و شواهدی از نقش مهمی که مالیات‌ها، به ویژه، در گسترش دولت‌ها داشتند، ارائه کردیم. اما فهرست کامل ابزارهایی که دولت‌ها برای جمع‌آوری درآمد دارند چیست؟ به طور کلی، دولت‌ها سیاست‌های خود را از مالیات، کمک‌های بلاعوض (معمولاً به شکل نقل و انتقالات «کمک توسعه») و بدهی (به‌طور دقیق‌تر کسری بودجه، یا کاهش مازاد بودجه) تأمین می‌کنند.

نمودار، از پریچارد و همکاران. (۲۰۱۴)، طبقه‌بندی مفهومی درآمدهای غیر از بدهی را ارائه می‌دهد.



درآمد حاصل از مالیات بر درآمد در اروپا، ۱۸۷۱ تا ۲۰۱۳ مالیات بر درآمد، به عنوان سهم از کل درآمد دولت

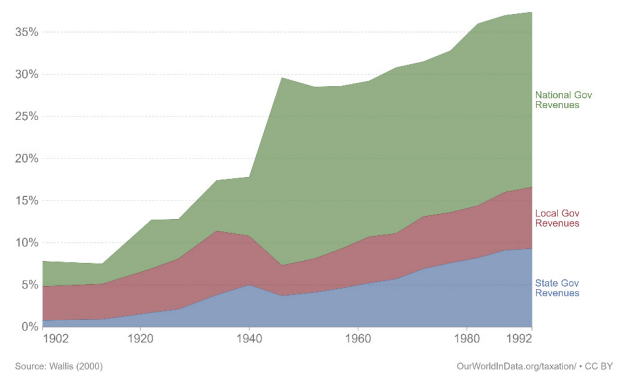


نمودار نسبت کل درآمد دولت را نشان می‌دهد که توسط مالیات بر درآمد محاسبه می‌شود. داده‌های ترسیم شده مطابق با تخمین‌های تاریخی از فلورا (۱۹۸۳) ۴ تا سال ۱۹۷۵، و برآوردهای جدیدتر، از سال ۱۹۸۰، از مرکز بین‌المللی مالیات و توسعه است. همانطور که می‌بینیم، اهمیت نسبی مالیات بر درآمد در بودجه‌های دولت با گذشت زمان در نوسان است، اما در بیشتر موارد روند مثبت واضحی وجود دارد.

ساختار درآمد و ساختار دولت در ایالات متحده از نظر تاریخی به یکدیگر وابسته هستند

تجربه گسترش دولت در ایالات متحده نشان می‌دهد که بین درآمدهای مالیاتی و ساختار دولت به طور کلی تر ارتباط وجود دارد. همانطور که والیس (۲۰۰۰) اشاره می‌کند، در دو قرن اخیر ایالات متحده از سه سیستم متمایز مالی دولتی عبور کرده است. در اولین سیستم مالی، که از سال ۱۷۹۰ تا حدود ۱۸۴۲ به طول انجامید، دولت‌های ایالتی نقش مهمی در افزایش درآمد دولت، عمدتاً از طریق ایجاد «درآمد دارایی» از طریق فعالیت‌هایی مانند فروش زمین، ایفا کردند. در نظام مالی دوم، که از حدود سال ۱۸۴۰ شروع شد، دولت‌های محلی اهمیت بیشتری پیدا کردند و سهم فزاینده‌ای از درآمد دولت از محل مالیات بر دارایی را به خود اختصاص دادند. و در سیستم سوم، با شروع رکود بزرگ، دولت فدرال اهمیت بیشتری پیدا کرد و درآمدهای بیشتری را از طریق جمع‌آوری مالیات بر درآمد ایجاد کرد.

درآمدهای دولت به عنوان سهمی از درآمد ملی، ایالات متحده، ۱۹۰۲ تا ۱۹۹۲ درآمد‌های دولت بر اساس سطح دولت، به عنوان سهمی از ناخالص محصول ملی



تجسم نشان می‌دهد که چگونه این انتقال رخ داده است. این جزئیات در مورد تحول درآمدهای دولت بر اساس سطح دولت، که به عنوان سهمی از درآمد ملی بیان می‌شود - در اینجا تولید ناخالص ملی (GNP) ارائه می‌دهد.

همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود، اجرای اشکال جدید مالیات در طول قرن بیستم در ایالات متحده، با تغییرات اساسی در ساختار دولت همراه بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چگونه سهم درآمدهای ملی پس از جنگ جهانی دوم به شدت افزایش یافت. این زمانی است که درآمدهای مالیات بر درآمد شروع به گسترش کردند.

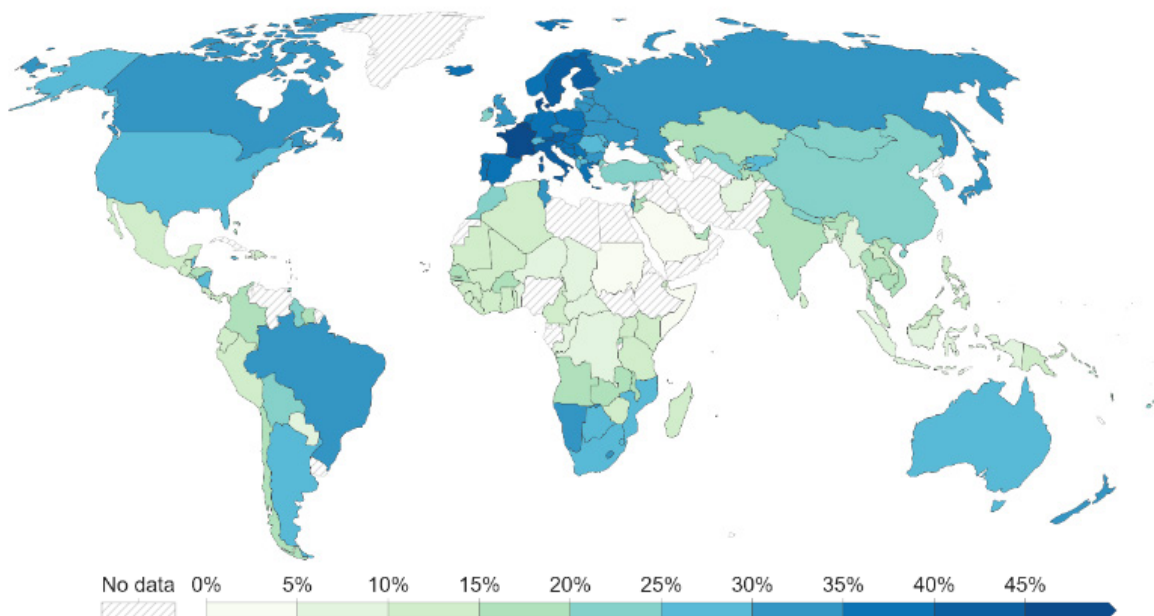
امروزه کشورها چقدر درآمد مالیاتی جمع آوری می کنند؟
تجسم نقشه‌ای از کل درآمدهای مالیاتی را نشان می دهد. این تخمین ها از مرکز بین المللی مالیات و توسعه می آید و به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی بیان می شود.

همانطور که می بینیم این درآمدها شامل کمک های بلاعوض، مالیات های مستقیم (مانند مالیات بر درآمد، سود، دارایی و غیره)، مالیات های غیرمستقیم (مانند مالیات بر مصرف، فروش، تجارت و غیره) و مشارکت های اجتماعی است.



Total tax revenues, 2020

Total revenue from social contributions, direct and indirect taxes given as share of GDP.

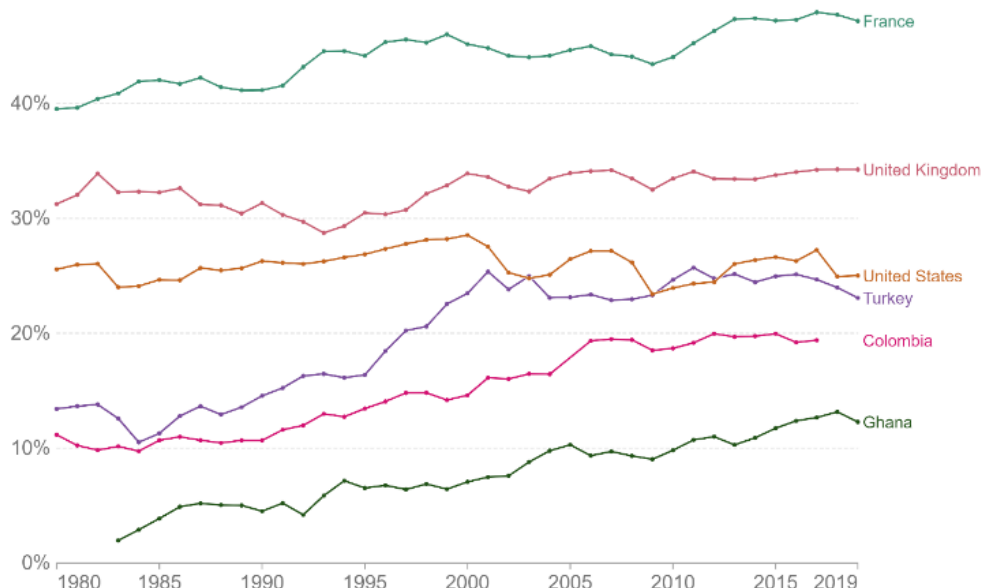


اند. در حالی که روندها و الگوها در سراسر جهان در حال توسعه کمتر واضح است. در بسیاری از موارد، به ویژه در میان کشورهای با درآمد متوسط بالا، درآمدهای مالیاتی به طور مداوم در حال افزایش بوده است. مورد ترکیه برجسته است: در سال ۱۹۸۰ حدود ۱۳٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (تقریباً نیمی از ایالات متحده) را به عنوان مالیات جمع آوری کرد، اما در سال ۲۰۰۱ درآمد مالیاتی تقریباً دو برابر شد - تقریباً عقب افتادن از ایالات متحده. در هر صورت، با وجود موارد خاص مانند ترکیه، امروزه اختلافات همچنان زیاد است و هیچ مدرک روشنی از همگرایی جهانی وجود ندارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سطوح بسیار پایین است و روندها به طور مداوم با حاشیه قابل توجهی افزایش نیافته است.

همانطور که از جدیدترین داده های بینیم، در یک منتهی الیه این طیف، کشورهایی مانند کوبا، فرانسه، دانمارک، نروژ و سوئد را داریم که مجموع درآمدهای مالیاتی آنها بالاتر از ۳۰ درصد است. و از سوی دیگر، کشورهایی مانند لیبی و عربستان سعودی را داریم که مالیات کمتر از ۲ درصد درآمد ملی را تشکیل می دهد. به طور کلی تر، این نقشه نشان می دهد که همبستگی واضحی بین تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی وجود دارد - کشورهای ثروتمندتر تمایل دارند سهم بسیار بیشتری از تولید داخلی خود را از طریق مالیات جمع آوری کنند. سری های زمانی نشان می دهد که اکثر کشورهای با درآمد بالا در دهه گذشته سطوح نسبتاً ثابتی از درآمدهای مالیاتی داشته

Total tax revenues, 1980 to 2019

Total revenue from social contributions, direct and indirect taxes given as share of GDP.





کنید که بر سایر شرکت‌هایی که لزوماً دیجیتال نیستند اما مدل‌های تجاری دیجیتالی دارند تأثیر بگذارد؟ مالیات بر خدمات دیجیتال رویکرد محدودتری را اتخاذ می‌کند. این مالیات بر درآمد ناخالص برخی خدمات دیجیتالی تعریف شده است.

مالیات خدمات دیجیتال فرانسه دارای نرخ ۳ درصد است و برای درآمدهای مرتبط با ارائه یک رابط دیجیتال یا خدمات تبلیغاتی بر اساس داده‌های کاربران اعمال می‌شود. این فقط برای مشاغل با بیش از ۷۵۰ میلیون یورو درآمد جهانی و ۲۵ میلیون یورو در فرانسه اعمال می‌شود. این مدل در ده‌ها کشور در سراسر جهان تکرار می‌شود.

مشکل این رویکرد مالیاتی دو جنبه است. اولاً، مالیات بر درآمد ناخالص نمی‌تواند نماینده‌ای برای مالیات بر درآمد شرکتی باشد. مالیات بر درآمد قهقرازی است. اگر حاشیه سود ۶ درصدی دارید، مالیات خدمات دیجیتال ۵۰ درصد مالیات بر سود است. اگر ۳ درصد حاشیه سود در فعالیت‌های دیجیتالی خود در فرانسه دارید، ۳ درصد از خدمات دیجیتال مالیات بر همه آن مالیات می‌پردازد، که اساساً ۱۰۰ درصد مالیات بر سود است. اگر در فرانسه ضرر دارید، همچنان باید مالیات خدمات دیجیتال را بپردازید. فقط برای زمینه، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های فرانسوی حدود ۳۲ درصد است.

برخی کشورها ادعا می‌کنند که شرکت‌های دیجیتالی مالیات کمتری دارند و مالیات خدمات دیجیتال را به عنوان یک راه حل می‌بینند. با این حال، شواهدی که این ادعاها بر اساس آنها است، در واقع این نتیجه را که شرکت‌های دیجیتالی مالیات کمتری دارند را تایید نمی‌کند. بلکه نشان می‌دهد که کشورها ترجیحات مالیاتی برای شرکت‌های دیجیتال در قالب جعبه ثبت اختراع و یارانه‌های تحقیق و توسعه دارند. مشکلی که این کشورها دارند این است که در آن شرکت‌ها مالیات می‌گیرند و آنها تصمیم گرفته‌اند با استفاده از مالیات تبعیض آمیز و تنبیهی قوانین را به صورت یک طرفه تغییر دهند.

اگر مالیات خدمات دیجیتال، در تئوری، به جای مالیات بر درآمد شرکتی پرداخت شود، این یک پروکسی وحشتناک است زیرا مالیات بر درآمد ناخالص است.

دوم، اینها سیاست‌های هدفمند و محدودی هستند. سیاست مالیاتی نباید بر اساس صنعت به صنعت یا با قوانین خاص برای بازیگران بزرگ در مقابل کوچک طراحی شود. با این حال، این سیاست‌ها دقیقاً همین کار را انجام می‌دهند. آن‌ها فعالیت‌های دیجیتالی خاص یا مدل‌های کسب و کار را شناسایی می‌کنند، کسب و کارهای بزرگ را از کسب و کارهای کوچک جدا می‌کنند و به شیوه‌ای واپس‌گرا مالیات بر آن‌ها با هدف حمایت‌گرایانه به نظر می‌رسند.

زمانی که رهبران سیاست مالیاتی در بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا به وزیر خزانه‌داری ایالات متحده پیشنهاد می‌کنند که مالیات دیجیتال به «دسترسی رایگان» شرکت‌های دیجیتال به بازار اروپا مرتبط است، این حمایت‌گرایی کاملاً آشکار می‌شود. مالیات خدمات دیجیتال اساساً مانند یک تعرفه عمل می‌کند.

رویکرد دیگر برای حل چالش عدم حضور فیزیکی محلی، تغییر تعاریف استقرار دائمی بوده است. اگر به جای اینکه از یک کسب و کار فقط در صورت داشتن کارمند یا فعالیت در کشور شما مالیات بگیرد، می‌توانید قوانینی را برای مالیات بر یک کسب و کار بر

بن بست مالیات دیجیتال: از اینجا به کجا می‌رویم؟

جنگ مالیاتی و تجاری

رشد اقتصاد دیجیتال در چند دهه گذشته سوالات مهمی را در مورد نحوه مالیات بر شرکت‌هایی که دیگر نیازی به حضور فیزیکی در یک کشور برای کسب سود ندارند، ایجاد کرده است.

برای ماه‌ها، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) با هدف توسعه یک چارچوب مالیاتی بین‌المللی جدید تا پایان سال ۲۰۲۰، به دنبال راه‌حلی چندجانبه برای این چالش هستند.

اکنون، بحران جاری COVID-۱۹، درخواست ایالات متحده برای توقف مذاکرات OECD و اقدامات یکجانبه در سراسر جهان، ابتکار عمل را از مسیر خود خارج کرده و جرقه یک جنگ مالیاتی و تجاری مضر را می‌زند.

ما اخیراً میزبان یک بحث و بینار اختصاصی Talking Tax Reform بودیم تا از پیشرفت‌های اخیر مطلع شویم و از کارشناسان مالیاتی بین‌المللی در مورد برخی از سوالات زیر آگاهی کسب کنیم:

OECD در تلاش است تا با پروژه مالیات دیجیتال خود به چه چیزی دست یابد، چه پیشرفتی داشته است، و چرا این ابتکار برای اقتصاد ایالات متحده و اقتصاد جهانی بسیار مهم است؟

چرا ایالات متحده توقف در مذاکرات را پیشنهاد کرد و چه معنایی برای پروژه OECD دارد؟ نماینده تجاری ایالات متحده تحقیقات بخش ۳۰۱ را در مورد مالیات یکجانبه خدمات دیجیتال (DST) در ۹ کشور و اتحادیه اروپا، علاوه بر تحقیقات قبلی با هدف فرانسه اعلام کرده است که چرا DST‌ها مشکل ساز هستند و چه خطری وجود دارد که اختلافات به مالیات جهانی تبدیل شود. جنگ تجاری؟

آیا امکان بازگرداندن پروژه OECD به مسیر اصلی وجود دارد و اگر چنین است، بهترین مسیر برای رسیدن به یک توافق چندجانبه چیست؟ اگر نه، از اینجا به کجا برویم؟

اسکات هاج، رئیس بنیاد مالیات، مدیریت میزگرد را بر عهده داشت که افراد ذیل در آن حضور داشتند:

کتی شولتز، معاون رئیس شورای ملی تجارت خارجی

دانیل بان، معاون پروژه‌های جهانی، بنیاد مالیات

رابرت استک، مدیر عامل، Deloitte Tax LLP، گروه مالیاتی بین‌المللی

شان، می‌تواند از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر بدون مشکلی که مثلاً ریشه‌کن کردن و جابجایی یک کارخانه ایجاد می‌کند، منتقل شوند. در سال ۲۰۱۸، دارایی‌های نامشهود ۸۰ درصد از ارزش دارایی شرکت‌های S&P ۵۰۰ را تشکیل می‌دادند.

این دارایی‌های نامشهود اغلب به حوزه‌های قضایی با مالیات کمتر منتقل می‌شوند. این انگیزه بحث در مورد حداقل مالیات مانند GILTI ایالات متحده و پیشنهاد OECD Pillar ۲ GloBE را ایجاد می‌کند.

با توجه به این دو موضوع اصلی، حضور فیزیکی و افزایش دارایی‌های نامشهود، من چند نمونه از پاسخ‌های سیاستی ارائه می‌دهم و در مورد پیامدهای اقتصادی بحث می‌کنم.

هر چه کسب و کارها بیشتر و بیشتر بتوانند به صورت مجازی به مشتریان خود دسترسی پیدا کنند، احتمال کمتری وجود دارد که موسسات دائمی محلی برای مالیات کشورهای خارجی وجود داشته باشد. به طور خلاصه، این امر منجر به دو جهت‌گیری اصلی سیاست شده است:

مالیات خدمات دیجیتال

قوانین جدید مالیات بر درآمد شرکت‌ها

پشت این جهت‌گیری‌های سیاستی یک بخش کلیدی در بحث مالیات دیجیتال وجود دارد.

آیا قوانین را فقط برای چند شرکت دیجیتال تغییر می‌دهید یا باید سعی کنید تغییرات گسترده‌ای ایجاد

من قصد دارم در مورد دو موضوع مهم صحبت کنم تا زمینه را برای بحث ما در مورد آنچه که ممکن است از سیاست در آینده نزدیک انتظار داشته باشیم، فراهم کنم.

اولین مسئله، ظهور فناوری‌های دیجیتال است که نیاز به دفاتر محلی را در کشورهای سراسر جهان از بین می‌برد. کسب و کارها می‌توانند از فناوری دیجیتال برای رسیدن به فراسوی مرزها و بازارها بدون نیاز به کارمندان، دفاتر یا عملیات محلی استفاده کنند. اینجاست که حضور فیزیکی مشمول مالیات و پیوند در نگرانی‌های سیاست‌ها نمایان می‌شود.

در سال ۲۰۱۷، نزدیک به ۳۰ تریلیون دلار تجارت الکترونیکی وجود داشت که اکثریت آن تجارت به سایر مشاغل فروخته می‌شد. جغرافیای کاربران اینترنت با مکان‌های تولید نرم‌افزارها و پلتفرم‌های رایانه‌ای ارزشمند ردیابی نمی‌شود. بیشتر تولید ارزش در آمریکای شمالی اتفاق می‌افتد و پایگاه کاربران اینترنت به سمت آسیای جنوب شرقی منحرف شده است. پاسخ‌های سیاستی به این امر شامل مالیات بر خدمات دیجیتال، سیاست‌های تأسیس دائمی مجازی و رویکرد ستون ۱ OECD است.

موضوع دوم افزایش دارایی‌های نامشهود - نرم افزار، پتنت و غیره - به عنوان محرک‌های ارزشی مهم در اقتصاد جهانی است. دارایی‌های نامشهود، بنا به ماهیت



Digital Tax Policies Are Becoming Increasingly Common and Controversial

- 2015** OECD publishes BEPS Action 1 report on Tax Challenges of the Digital Economy.
- 2016** India adopts 6% equalization levy on revenues from digital advertising.
Israel adopts virtual permanent establishment rules.
- 2017** Hungary revives 7.5% digital advertising tax.
U.S. Tax Reform includes overhaul of international tax rules including a minimum tax.
- 2018** OECD publishes Interim Report on Action 1.
European Commission proposal for an EU-wide Digital Services Tax.
Digital Services Tax proposals put forward in Italy, Spain, UK.
- 2019** OECD presents two-pillar approach for addressing Tax Challenges Arising from the Digitalization of the Economy.
France adopts 3% Digital Services Tax.
Austria adopts 5% Digital Services Tax on online advertising.
U.S. proposes retaliatory tariffs to the French DST.
- 2020** OECD identifies "automated digital services" and "consumer-facing businesses" as targets for Pillar 1.
Early OECD analysis estimates \$100 billion increase in global tax revenue from Pillar 1 and Pillar 2.
Numerous digital tax proposals across the world.
U.S. announces trade investigations into 9 countries and the EU for digital tax policies.

کمتر به عنوان یک افزایش دهنده درآمد معنی دار و به احتمال زیاد یک سردرد انطباق و هماهنگی معنی دار باشد.

چه چیزی در خطر همه این پیشنهادات رقیب است؟ یکی، پتانسیل یک جنگ جهانی مالیاتی و تجاری. به دلیل رویکرد محدود و تبعیض آمیز، مالیات‌های خدمات دیجیتال احتمالاً جرعه این جنگ را می‌زند. بحث‌های چند جانبه در OECD به منظور دستیابی به یک رویکرد مشترک به جای ایجاد موانع مالیاتی و تجاری جدید است.

با این حال، حتی در بحث چندجانبه در OECD خطر دیگری تغییر سیاست مالیاتی بین‌المللی از قوانین و اصول کلی به قوانین محدود است که منجر به تحریف‌های جدید در فعالیت‌های چند ملیتی می‌شود. طی چند سال گذشته، پیشرفت‌های جدید زیادی در مالیات دیجیتال صورت گرفته است.

پروژه مالیات دیجیتال OECD

عناصر یک جانبه و چند جانبه در طول سال‌ها وجود داشته است.

اقدام در جبهه سیاست به وضوح شتاب می‌گیرد، اما سیاست‌گذاران باید این سیاست‌ها را بر خلاف اصول صحیح مدیریت مالیاتی بررسی کنند.

اگر سیاست مالیاتی بین‌المللی یکجانبه و ارتجاعی شود، به احتمال زیاد بی‌ثبات، شفاف‌تر، تحریف‌کننده‌تر و حتی پیچیده‌تر از آنچه در حال حاضر داریم می‌شود، و این می‌تواند درست در زمانی که اقتصاد دچار مشکل است، به رشد فوق‌العاده ضعیف جهانی تبدیل شود.

موضوع دوم، افزایش دارایی‌های نامشهود - نرم افزار، حق ثبت اختراع و غیره - به عنوان محرک‌های ارزش قابل توجه در اقتصاد جهانی است. ده‌ها کشور در سراسر جهان جعبه‌های ثبت اختراع یا مشوق‌های مشابهی را برای جذب این دارایی‌ها اتخاذ کرده‌اند. در بسیاری از موارد جعبه‌های ثبت اختراع ۵۰ درصد یا بیشتر از نرخ مالیات شرکت‌ها تخفیف می‌دهند.

بسیاری از تغییرات سیاست‌های اخیر مستلزم آن است که فعالیت‌های تحقیق و توسعه مرتبط با آن نرم‌افزار در همان حوزه قضایی انجام شود تا کسب و کار از تخفیف نرخ شرکتی بهره‌مند شود. سطح پایین‌تر مالیات همچنان وجود دارد و می‌تواند محل مالکیت پتنت‌ها و محل وقوع فعالیت‌های تحقیق و توسعه را مخدوش کند. بنابراین، کشورها به دنبال مالیات بر ماهیت متغیر درآمد نامشهود هستند؟

آنها به مدل ایالات متحده نگاه می‌کنند. ایالات متحده اکنون حداقل مالیات بر درآمد نامشهود خارجی دارد - ما به اختصار آن را GILTI می‌نامیم - و در سال ۲۰۱۷ به عنوان بخشی از اصلاحات مالیاتی به تصویب رسید. کشورهای دیگر علاقه‌مند به داشتن یک سیاست مشابه در سطح جهانی هستند. اینجاست که ستون ۲ رویکرد OECD وارد می‌شود.

در اینجا لازم به ذکر است که OECD اثر ترکیبی ستون ۱ و ستون ۲ را افزایش خالص مالیات ۱۰۰ میلیارد دلاری تخمین زده است. این تخمین چالش‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها این است که بر داده‌های ثبت‌شده قبل از بسیاری از تغییرات سیاست، از جمله اصلاحات مالیاتی ایالات متحده تکیه می‌کند. بنابراین این عدد دارای باند خطای گسترده‌ای است و می‌تواند بسیار

اساسی حضور مجازی بنویسید. اساساً، اگر شرکتی قراردادهای زیادی در کشور شما داشته باشد یا فروش زیادی در کشور شما از طریق ابزارهای دیجیتال داشته باشد، این قوانین جدید آن کسب و کار را به عنوان داشتن یک مرکز دائمی مجازی تلقی می‌کند. کشورهایی مانند اسلواکی، اسرائیل، هند و نیجریه به این نوع رویکرد نگاه کرده‌اند.

و این یکی از حوزه‌هایی است که OECD در ستون ۱ با هدف بازتعریف پیوند مشمول مالیات بر اساس رویکردی جدید روی آن کار می‌کند. رویکرد OECD در ستون ۱، جایی که شرکت‌ها مالیات پرداخت می‌کنند، تغییر می‌کند، اما فقط شرکت‌های بزرگ و بسیار سودآور، و تنها شرکت‌هایی در بخش‌های خاصی، یعنی خدمات دیجیتال خودکار و کسب و کارهایی که با مصرف‌کننده روبرو هستند. در هفته‌های اخیر آموخته‌ایم که برخی کشورها می‌خواهند فقط با خدمات دیجیتال خودکار بخشی از این رویکرد شروع کنند. اساساً، ما به مشکلات مالیات بر خدمات دیجیتال بازگشته‌ایم: یک سیاست محدود که فقط برای برخی مشاغل بزرگ و فقط انواع خاصی از فعالیت‌ها طراحی شده است.

و این تنگ‌نظری با کشورهایی که خواهان رویکرد گسترده‌تری برای تغییر قوانین بین‌المللی هستند، در تضاد است. با وجود پیشنهاد بندر امن ستون ۱، ایالات متحده از این رویکرد گسترده‌تر حمایت کرده است و با تماس‌هایی که بیشتر بر شرکت‌های دیجیتال متمرکز شده‌اند، مواجه شده است.

این موضوع اولین موضوع را پوشش می‌دهد - ظهور فناوری‌های دیجیتال که نیاز به دفاتر محلی در کشورهای سراسر جهان را تضعیف می‌کند.

اینتا

پایگاه خبری-تحلیلی مالیاتی ایران

INTA



اینتا؛ رسانه مردم و مالیات

سرعت، صحت، صراحت

مالیاتی به سازمان محبوب مردم، با ایجاد معنای مشترکی بین مردم و مالیات در جامعه خواهد بود. هدف اصلی اینتا، تبدیل شدن به قطب خبری و مرجعیت رسانه ای در حوزه مالیاتی و ارائه اطلاعات سریع، شفاف و قابل اعتماد به مخاطبین، مودیان مالیاتی و مردم شریف میهن عزیزمان ایران اسلامی می باشد. تولید محتوا در اینتا بر مبنای خبرهای تحلیلی و یادداشت های تخصصی و برگزاری میزگردهای تخصصی با حضور مدیران و کارشناسان خبره و اساتید دانشگاهی بر مبنای پروتکل های تخصصی تولید خبر انجام خواهد شد.

ارتباط گیری با جامعه نخبگانی و اساتید دانشگاه در تولید یادداشت های علمی، تخصصی در دستور کار خواهد بود.

■ در راستای برنامه تحولی رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و اهداف عالی نظام مالیاتی، دفتر روابط عمومی و فرهنگ سازی مالیاتی با رویکرد باز مهندسی ارتباطی؛ تعریف یک استراتژی ارتباطی مناسب برای نظام مالیاتی در دوره تحولی که فرایندی برای تضمین تاثیرگذاری پیام بر جامعه مخاطب و دستیابی به فرهنگ و رفتار مورد نظر در بین مخاطبین باشد را در دستور کار قرار داده است، که راه اندازی پایگاه خبری اینتا یکی از اقدامات شاخص این استراتژی می باشد. کار ویژه اینتا، اصلاح و بهبود نظام ارتباطی سازمان امور مالیاتی کشور با جامعه و رسانه ها با لحاظ سه شاخصه سرعت، صحت و صراحت می باشد. که دستاورد نهایی این فرآیند نهادینه شدن فرهنگ مالیاتی و تبدیل سازمان امور



THE BEGINNING OF A NEW ERA

جدید عصر آغاز



با اجرای قانون
پایانه‌های فروشگاهی
و سامانه مودیان، مبنای
مراودات نظام مالیاتی
با مودیان، **سامانه**
مودیان خواهد بود

ششم آذر ۱۴۰۱